



# انتظار موعود

فصلنامه علمی - ترویجی

سال سیزدهم، بهار ۱۳۹۲، شماره ۴۰

مهدویت و آینده پژوهی

مهدویت و آینده‌پژوهی / روح الله شاکری زولردهمی، رضوانه شاهرخی ساردو

بایسته‌های علمی در آینده‌پژوهی مهدوی / حامد پوردرستی

نور مهدی، هدایتگری از فراسوی آینده / علی اصغر پورحزرت، میثم علیپور، علی اصغر سعدآبادی

وجوه اتکویی ارتباطات در جامعه مهدوی برای جامعه امروز با روش بستگری

دکتر غلامرضا بهروزی لکت، مهدی حاجی سبازی

مهدویت و جایگاه آن در چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (پارویکود آینده‌پژوهی) / رحیم کارگر

تحلیلی کارکردگرایانه بر آموزه‌های منعالی مهدویت از نگاه آینده‌پژوهی / سعیدفریانی

آینده‌پژوهی در پرتو انتظار پویا با تأکید بر کارکرد وحدت امت اسلامی / راضیه علی اکبری

# شماره ۱۰۰۰



## صاحب امتیاز:

مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم  
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

مدیر مسئول: حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

سر دبیر: حجت الاسلام دکتر روح الله شاکری زواردهی

مدیر داخلی: محسن رحیمی جعفری

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

بهریزی لک، غلامرضا	دانشیار دانشگاه باقر العلوم
جباری، محمدرضا	دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
خسروپناه، عبدالحسین	دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
رضانژاد، عزالدین	دانشیار جامعه المصطفی العالمية
رضایی اصفهانی، محمدعلی	دانشیار جامعه المصطفی العالمية
زارعی متین، حسن	استاد دانشگاه تهران
شاکری زواردهی، روح الله	استادیار دانشگاه تهران
عیوضی، محمدرحیم	دانشیار دانشگاه بین المللی امام خمینی
کلباسی، حسین	استاد دانشگاه علامه طباطبائی
کلباسی، مجتبی	استاد حوزه و دانشگاه
محمدرضایی، محمد	استاد دانشگاه تهران

## شورای پژوهشی:

نصرت الله آیتی - محمدصابر جعفری - رحیم کارگر - محمدرضا نصوری

همکار این شماره: مسلم کامیاب

ویراستار: ابوالفضل علیدوست؛ صفحه‌آرا: رضا فریدی

مترجم انگلیسی: اکبر فرجام فرد

مترجم عربی: ضیاء الزهاوی

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۶۶۱ - ۰۲۵۳۷۸۴۱۶۶۱ - نمابر: ۰۲۵۳۷۸۴۱۶۶۱  
وبسایت فصلنامه: [www.entizar.ir](http://www.entizar.ir)  
پست الکترونیکی: [Entizarmagg@gmail.com](mailto:Entizarmagg@gmail.com)  
قیمت: ۳۵/۰۰۰ ریال

نشانی: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه آمار، مرکز تخصصی مهدویت، دفتر فصلنامه انتظار موعود

با استناد به نامه شماره ۳۱/۵۶۵۷ شورای اعطای مجوزها و  
امتیازهای علمی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۸ فصلنامه  
انتظار موعود به رتبه علمی - ترویجی ارتقا یافت.

فصلنامه انتظار موعود از طریق پایگاه استنادی علوم جهان اسلام  
(ISC) به نشانی:

[www.isc.gov.ir](http://www.isc.gov.ir) (بخش ایران ژورنال)

و سایت‌های:

[www.magiran.com](http://www.magiran.com)

[www.noormags.com](http://www.noormags.com)

[www.entizar.ir](http://www.entizar.ir)

به طور تمام متن قابل دریافت است.

## راهنمای تدوین و نگارش مقالات

- «فصلنامه انتظار موعود<sup>ع</sup>» نشریه‌ای علمی ترویجی است که به صورت تخصصی در حوزه معارف مهدوی به منظور ارتقای علمی معارف مهدوی و ایجاد فضای نقد و بررسی بین محققان و اندیشمندان حوزه مهدویت به نشر مقالات علمی - پژوهشی می‌پردازد. مخاطبان اصلی نشریه متخصصان و صاحب نظران معارف مهدوی بوده و فصلنامه تلاش می‌کند آخرین دستاوردهای علمی را در این زمینه به جامعه دینی عرضه کند. مقالاتی در این نشریه منتشر خواهد شد که به تأیید ارزیابان علمی مجله رسیده و دارای شرایط زیر باشد:
۱. مسأله محور بوده و بر یک موضوع خاص تمرکز کرده باشد؛
  ۲. دارای قدرت استدلال بوده و تبیینی باشد؛
  ۳. به منابع معتبر اسلامی و به ویژه معارف اهل بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> مستند باشد؛
  ۴. دارای نوآوری و ابتکار در تبیین آموزه‌های مهدوی بوده و تبیین‌ها و استدلال‌های جدیدی در عرصه مهدویت عرضه کند؛
  ۵. به شبهات و مسائل علمی پیش‌روی جامعه اسلامی پاسخ دهد.

### مقاله باید از نظر ساختاری دارای شرایط ذیل باشد

- الف. مشخصات مقاله: در صفحه نخست باید عنوان دقیق مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده/نویسندگان، رتبه علمی، تلفن و ایمیل درج شود؛
- ب. چکیده: حداکثر در ۱۵۰ کلمه که حاوی مسئله مقاله و مهم‌ترین نتایج مقاله باشد؛
- ج. کلید واژه: (کلمات اصلی و کلیدی مقاله جهت نمایه)؛
- د. تیتراهای اصلی و فرعی مقاله مشخص شود؛
- ه. نتیجه‌گیری مطالب در انتهای مقاله، در ۱۰ الی ۱۵ سطر ذکر شود؛
- و. شیوه ارجاع به منابع داخل متن و طبق الگوی زیر باشد: (عباسی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۵)؛ در صورت تکراری بودن عنوان در یک سال: (حسینی، ۱۳۸۴ الف: ۱۲۴)؛
- ز. در پایان مقاله فهرست کامل منابع به شیوه زیر ذکر شود: نام خانوادگی، نام (سال). عنوان (پررنگ)، مترجم، محقق یا مصحح، مکان نشر، ناشر، تعداد جلد (مثل: ۳ ج)، نوبت چاپ؛
- ح. برگردان لاتین اسامی و مفاهیم مهم و همچنین توضیحات ضروری در پاورقی بیاید.

## تذکرات

۱. مقالات، کم‌تر از ۱۶ صفحه (حدود ۴۸۰۰ کلمه) و بیش از ۲۵ صفحه (حدود ۷۵۰۰ کلمه) نباشد.
۲. دو نسخه از مقاله تایپ شده (در قالب WORD در صفحات A4) به همراه لوح فشرده آن به دفتر فصلنامه ارسال شود.
۳. نتیجه ارزیابی مقالات حداکثر تا ۳ ماه به نویسنده اعلام خواهد شد.
۴. مقالات ترجمه‌ای پذیرفته نمی‌شود.
۵. هر مقاله باید دارای موضوع مستقل باشد (مقالات مسلسل پذیرفته نمی‌شود).
۶. مقاله قبلاً در هیچ جای دیگر نباید چاپ شده باشد (از ارسال هم زمان مقاله به مجله دیگر جدا خودداری شود).
۷. مقالات ارسالی بازگردانده نمی‌شود.
۸. فصلنامه در چاپ مقاله هیچ تعهدی ندارد و تنها مقالاتی که امتیاز لازم از نظر ارزیابان مجله دریافت دارند، چاپ می‌شود.
۹. فصلنامه در ویرایش مقالات (با رعایت حفظ مفهوم مطلب) آزاد است.
۱۰. مطالب مندرج در فصلنامه صرفاً دیدگاه نویسنده بوده و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست.
۱۱. نقل و اقتباس از مطالب فصلنامه به شرط ذکر دقیق و کامل منبع بلا مانع است.

## فهرست مقالات

- ۷..... مهدویت و آینده‌پژوهی.....  
روح الله شاکری زواردهی، رضوانه شاهرخی ساردو
- ۳۱..... بایسته‌های علمی در آینده‌پژوهی مهدوی.....  
حامد پوررستمی
- ۴۹..... نور مهدی، هدایتگری از فراسوی آینده.....  
علی اصغر پورعزت، میثم علیپور، علی اصغر سعدآبادی
- ۷۱..... وجوه الگویی ارتباطات در جامعه مهدوی برای جامعه امروز با روش پسنگری.....  
دکتر غلامرضا بهروزی لک، مهدی حاجی سیاری
- ۹۷..... مهدویت و جایگاه آن در چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (با رویکرد آینده‌پژوهی).....  
رحیم کارگر
- ۱۲۳..... تحلیلی کارکرد گرایانه برآموزه‌های متعالی مهدویت از نگاه آینده‌پژوهی.....  
سعیدقربانی
- ۱۴۳..... آینده‌پژوهی در پرتو انتظار پویا با تأکید بر کارکرد وحدت امت اسلامی.....  
راضیه علی اکبری



## مهدویت و آینده‌پژوهی

روح الله شاکری زواردهی\*  
رضوانه شاه‌رخی ساردو\*\*

### چکیده

موضوع مورد بررسی در این پژوهش، «مهدویت و آینده‌پژوهی» است که به بررسی مفهوم مهدویت و آینده‌پژوهی و روابط موجود میان آن دو و نیز کارکردهای هر یک پرداخته است. از آن‌جا که آینده‌پژوهی به شناخت یا مطالعه آینده‌های ممکن و مطلوب جامعه می‌پردازد، می‌توان براساس شناخت گذشته و شرایط کنونی، آینده‌های ممکن و محتمل جامعه را تخمین زد. این بحث در جوامع اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار است؛ زیرا از منظر دینی، آینده‌سازی در ظهور امام منتظر<sup>علیه السلام</sup> پاسخی روشن و جامع به پرسش‌های فطری و بنیادین بشر در خصوص زندگی مطلوب و آرمانی آینده است. با وجود برخی تفاوت‌ها که در پیش فرض‌ها، مسئله‌ها و غایات، میان آینده‌پژوهی و مهدویت پژوهی است، تشابهات موجود میان آن دو، نسبتی تفصیلی را موجب گشته که امکان تعامل متقابل و تنگاتنگی را با حفظ استقلال معرفتی و روشی آن‌ها فراهم می‌آورد. واژگان کلیدی: آینده، آینده مطلوب، آینده‌نگری، آینده‌پژوهی، مهدویت، مهدویت پژوهی، انتظار.

---

\* استادیار گروه شیعه‌شناسی دانشگاه تهران - پردیس فارابی؛ shaker.r@ut.ac.ir  
\*\* کارشناسی ارشد فلسفه اخلاق؛ rezvane.shahrokhi@yahoo.com



## طرح مسئله

گرایش به کشف اسرار آینده، ناشی از کنجکاوی بشر در جهت کاهش خطرات و مقابله با آن‌ها بوده است. بشر از دیرباز، زمان را به سه بخش گذشته، حال و آینده تقسیم کرده است. زمان حال، به اندازه کافی شناخته شده است؛ شناخت گذشته نیز در حوزه تاریخ شکل می‌گیرد و شناخت آینده در دهه‌های پایانی قرن بیستم در قالب علم «آینده‌شناسی» یا «آینده‌پژوهی» بنیانگذاری شد و به نوعی ادامه تاریخ لقب گرفت؛ اما تاریخی که هنوز نگاشته نشده است (عصاریان نژاد، ۱۳۸۶: ۶۵). این رشته جدید که هدفش مطالعه منظم آینده است، گاهی اوقات «مطالعات آینده‌پژوهی»، «قلمرو آینده»، «تحقیقات در خصوص آینده»، «آینده‌پژوهی<sup>۱</sup>»، یا «پیشگویی» نامیده می‌شود و متخصصان آن را که به دنبال کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و بهترند، «آینده‌پژوه» می‌گویند.

بنابراین، آینده‌پژوهی، فرایند مطالعه و بررسی آینده‌های محتمل و بالقوه، با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و ثبات است. این فرایند دربردارنده مراحل خاصی است که عبارتند از: شناخت تغییر و دگرگونی، نقد و تحلیل و بررسی آن، ترسیم آینده‌های مختلف و محتمل، ترسیم آینده مطلوب و در نهایت برنامه ریزی و تعیین راهبردهای رسیدن به آن. این دانش مشخص می‌کند که چگونه از دل تغییرات «امروز» واقعیت «فردا» تولد می‌یابد. نیز موضوعات آن دربرگیرنده گونه‌های «ممکن»، «محتمل» و «مطلوب» برای تغییر و دگرگونی از حال به آینده است.

بشر در طول تاریخ، همواره شاهد آینده‌شناسی دینی بوده است. این نوع آینده‌شناسی، با نگاهی روشن و جامع به کل تاریخ بشر، آینده‌ای محتوم و فراگیر را برای انسان‌ها پیش‌بینی می‌کند. مهم‌ترین بعد آینده‌شناسی اسلام و در واقع فرجام تاریخ، «آموزه مهدویت» است. این آموزه، پاسخگوی بسیاری از دغدغه‌ها و مشکلات و سؤال‌های بشر در طول تاریخ و چشم‌اندازی الهی و ایمانی به جامعه‌ای مطلوب و آرمانی است (کارگر، ۱۳۸۸: ۶۸). از منظر

### 1. Futures Study.

آینده پژوهان دینی (مسلمان) جهان به سوی جامعه‌ای آرمانی یا آرمان شهری در سایه مقام ولایت عظمای الاهیة به پیش می‌رود و هرچند آحاد مردم منتظر با پندار و گفتار و کردار نیک خود می‌توانند منادی، مبلغ، و مروج آن جامعه آرمانی بوده، از این طریق به ظهور حضرت مهدی علیه السلام کمک کنند؛ شکل‌گیری آرمان شهر قدسی در پرتو ظهور حضرت مهدی علیه السلام یکی از حتمیات تاریخ است و اراده بشر نمی‌تواند جلو تحقق آن را بگیرد (ملکی فر، ۱۳۸۷: ۱۰).

آینده پژوهی در ایران، به بحث مهدویت ارتباط یافته است؛ به طوری که در متون اسلامی ضمن بحث از آینده پژوهی، سخن از مهدویت و آینده پژوهی به میان آمده است. با وجود این، در این زمینه تحقیقات اندکی شامل چند مقاله و گفتار انجام شده است. که از این موارد، گفتار «آینده پژوهی به مثابه علم الانتظار» (ر. ک. عقیل ملکی فر و همکاران، الفبای آینده پژوهی، تهران، کرانه علم، فصل هشتم) و مقاله «آینده پژوهی مهدوی» (رحیم کارگر، فصلنامه علمی - تخصصی انتظار، سال نهم، شماره ۲۸) قابل توجه می‌باشد و شاید بتوان مقاله «تأملاتی دینی پیرامون آینده پژوهی» اثر محسن الویری را که در فصل هفتم کتاب «الفبای آینده پژوهی» به چاپ رسیده است؛ در یک نگاه کلی به مهدویت مربوط دانست. در همه این آثار، به نوعی به آینده پژوهی دینی پرداخته شده که در نهایت بحث مهدویت مورد نظر قرار گرفته است.

در این نوشتار برآنیم به این سؤالات پاسخ دهیم:

۱- آینده پژوهی چیست و جایگاه و اهمیت آن چه می‌باشد؟ ۲- مهدویت پژوهی چیست و اهداف و غایات آن چه می‌باشد؟ ۳- چگونه می‌توان مفهوم مهدویت پژوهی را در ارتباط با آینده پژوهی تبیین کرد؟ در ابتدا به مفهوم آینده پژوهی و مهدویت پرداخته شده و در نهایت رابطه بین آن دو بیان شده است.

روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است که با بهره‌گیری از کتاب‌ها و مجلات مختلف به انجام رسیده است.

## درآمدی بر آینده‌پژوهی

مطالعات تاریخی و تحلیل حوادث آینده، دارای سابقه ۲۵۰۰ ساله است. آن گونه که اسناد تاریخی نشان می‌دهد، این گونه مطالعات ابتدا در خاورمیانه و چین صورت گرفته است. البته تحلیل رویدادها در جهت کسب آمادگی، برای پذیرش فردا، در گذشته دور با مطالعات آینده‌پژوهی در این روزگار با تحولات عمیق و گسترده‌ای روبه‌رو بوده است. در گذشته، به مدد علم نجوم و رابطه ستارگان و حرکت افلاک، حوادث پیش‌رو را ترسیم می‌کردند؛ اما امروزه با تحلیل علمی اوضاع و حوادث، درصدد ساختن آینده به گونه‌ای مناسب‌اند (منطقی، ۱۳۹۰: ۵۴).

در دهه ۱۹۶۰، آینده‌پژوهی به عنوان یکی از رشته‌های جدید علوم پایه ریزی شد. انتشار کتاب «تصویر آینده» نوشته اف. ال پولاک<sup>۱</sup> در سال ۱۹۵۱، یکی از نشانه‌های بارز آن و کتاب «هنر حدس زدن» نوشته بی.دجوونل<sup>۲</sup> که در سال ۱۹۶۴ منتشر شد، نشانه دیگر آن است. همچنین تشکیل انجمن‌های تخصص آینده‌پژوهی از نشانه‌های دیگر این رشته جدید است. رشته آینده‌پژوهی معاصر، مسیرهای تکاملی مختلفی را پشت سر گذاشته است. یکی از مسیرها در کار دبلیو.اف. اگبرن<sup>۳</sup> و همکارانش براساس تجزیه و تحلیل روندهای اجتماعی و نقش فناوری در دگرگونی‌های اجتماعی پایه‌ریزی شد. مسیر دیگر، از طریق برنامه ریزی (استراتژیک) ملی بود. سومین مسیر در تکامل مطالعات آینده‌پژوهی، «تحقیق در عملیات» و «کانون‌های تفکر» بود. کمیسیونی که فرهنگستان ادبیات و علوم آمریکا، راجع به سال ۲۰۰۰ تشکیل داد، نقطه عطف دیگری در پیشرفت مطالعات آینده‌پژوهی بود و از همه مهم‌تر این که به مطالعات آینده‌پژوهی اعتبار علمی و دانشگاهی بخشید. پیشرفت‌های مشابه در علوم سیاستگذاری و ارزیابی تحقیقات نیز در پیشبرد رشته آینده‌پژوهی مؤثر بوده است (اسلاتر و همکاران، ۱۳۸۴: ۵-۸). با وجود این، با در نظر گرفتن تمامی شواهد مربوط به رشد و تکامل

1. F.L. Polak.
2. B. de juvenels.
3. W. F. Ogburn.

تخصصی این رشته، امروزه کم‌ترین تردیدی وجود ندارد که مطالعات آینده‌پژوهی به یک رشته پژوهشی جدید در محافل علمی تبدیل شده است.

آینده‌پژوهی، دانش و معرفتی است که دید مردم را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها و چالش‌های احتمالی آینده باز می‌کند، و از طریق کاهش ابهام‌ها و تردیدهای فرساینده، توانایی انتخاب‌های هوشمندانه مردم و جامعه را افزایش داده و به همگان اجازه می‌دهد تا بدانند به کجاها (آینده‌های اکتشافی یا محتمل) می‌توانند بروند؛ به کجاها (آینده‌های هنجاری) باید بروند و از چه مسیرهایی (راهبردهای معطوف به خلق آینده) می‌توانند با سهولت بیش‌تری به آینده‌های مطلوب خود برسند (محمودی و عباسی، ۱۳۸۴: ۳).

آینده در زندگی کنونی ما نقش عمده‌ای دارد؛ چرا که برنامه‌ها و رویاهای ممکن ما در آینده تحقق پیدا می‌کند. به همین خاطر، تفکر در زمینه آینده و آینده‌نگری از دیرباز مورد توجه بشر بوده؛ وجود اخترشناسان و پیشگویان در طول تاریخ بشر نیز گویای علاقه آدمی به آینده‌نگری بوده است. درست است که تحقق آینده از احتمالات است و ممکن است به وقوع نپیوندد؛ نمی‌توان به این بهانه که آینده قابل پیش‌بینی نیست، خود را به امواج آن سپرد تا هر زمان که با واقع‌ای روبه‌رو می‌شویم، به هر طرفی که امواج می‌روند، ما نیز به آن سو رویم؛ بلکه باید با برنامه ریزی قبلی و با آمادگی کامل عکس‌العمل نشان دهیم. بنابراین، آینده را با تمام احتمالات آن باید پذیرفت و به استقبال آن رفت؛ زیرا جهان از جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، علمی و تکنیکی در حال تغییر است و هر روز دستاوردهای گوناگونی در زمینه‌های مختلف به ظهور می‌رسد. ما نیز برای ورود به قرن جدید باید آن را بشناسیم و توانمندی خود را بالا ببریم. بنابراین، با مطالعه آینده، توانایی گریز از پذیرش منفعلانه آنچه ممکن است اتفاق بیفتد و نیز مشارکت فعال در ایجاد آینده مطلوب را به دست خواهیم آورد (ناصرآبادی، ۱۳۷۹: ۱).

لذا تغییر و تحول، یکی از پدیده‌های عادی در جامعه است که روندی پیوسته و طولانی دارد و دگرگونی در همهٔ زمینه‌ها، از گذشته تا حال و آینده امتداد داشته و خواهد داشت. آینده‌نگری در حقیقت پاسخی خردمندانه و حکیمانه به چالش‌های پدید آمده در پی

دگرگونی‌هاست؛ زیرا کنجکاوی و نگرانی انسان دربارهٔ سرنوشت خود در آینده، از مهم‌ترین دلایل ضرورت آینده‌پژوهی است.

هدف عمده آینده‌پژوهان، حفظ و گسترش بهروزی و رفاه بشر و ظرفیت‌های ادامه حیات بر روی کره زمین است. آینده‌پژوهان این هدف را مشخصاً با کاوش‌های منظمی که به منظور کشف انتخاب‌های مختلف برای آینده صورت می‌گیرد؛ دنبال می‌کنند. آن‌ها به تفکر معطوف به آینده می‌پردازند و می‌کوشند تصویرهای بدیل تازه‌ای از آینده بیافرینند. علاوه بر آن، تعهد و التزام بارز آینده‌پژوهان نسبت به آینده، آن‌ها را وادار می‌دارد تا به دفاع از آزادی و سعادت نسل‌های آینده؛ یعنی انسان‌هایی بپردازند که هنوز به دنیا نیامده‌اند و در زمان حال هیچ صدایی از آن‌ها شنیده نمی‌شود. همچنین آینده‌پژوهان برای اجرای وظایف خود، درصدد شناخت عوامل تغییر و دگرگونی هستند؛ یعنی می‌خواهند فرایندهای پویایی را شناسایی کنند که از یک سو علت اصلی پیشرفت‌های فناورانه بوده و از سوی دیگر نظم‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را دگرگون می‌کنند. همچنین می‌کوشند تحولات غیرمنتظره‌ای را مشخص کنند که جز تسلیم در برابر آن‌ها چاره‌ای نیست و سرانجام می‌کوشند تحولات قابل انتظاری که در کنترل آدمی قرار می‌گیرند، معلوم کنند. علاوه بر این، تلاش می‌کنند پیامدهای پیش‌بینی نشده، ناخواسته و ناشناخته فعالیت‌های اجتماعی را کشف کنند (اسلاتر و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۲).

### مهدویت پژوهی و ارتباط آن با آینده‌پژوهی

«مهدویت» به عنوان آموزه‌ای اساسی که از یک سو، بر استمرار جریان نبوت و امامت و تاریخ دینی بشر استوار است و از سوی دیگر، در بردارنده چشم‌انداز نهایی و ایده آل حیات در پایان تاریخ زندگی بشر در این دنیا به شمار می‌رود؛ لذا آموزه مهدویت کانون مطالعات آینده‌پژوهانه دینی در علوم اسلامی محسوب می‌شود. براین اساس، مسلمانان در پیگیری آموزه‌ها و معارف اسلامی با چشم‌انداز روشن و مشخصی دربارهٔ آینده روبه‌رو هستند که مبتنی بر آن، خاستگاه و سرنوشت نهایی نیروهای فعال در تاریخ زندگی بشر توضیح داده می‌شود و

مطالعه آن، شکل دهنده حوزه‌ای است که می‌توان از آن به عنوان آینده‌پژوهی دینی یاد کرد (آئین، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

به بیانی دیگر، مهدویت پژوهی، بررسی علمی و نظام مند در یکی از آموزه‌های حیاتی و بنیادین اسلام و دستیابی به دیدگاهی جامع درباره هستی و سرانجام حیات بشر و شناخت برنامه و راهبرد اساسی دین برای زندگی مطلوب، معقول و انسانی است. مهدویت پژوهی، رویکرد نوین پژوهی و نظریه پردازی دینی در عرصه نجات‌گرایی، حق خواهی، حقیقت خواهی، چشم به راهی پویا، حجت شناسی، انقلاب شناسی، اصلاح‌گری، جهان‌گرایی و..... است. مهدویت پژوهی شناخت طرح کلان الهی برای آینده بشر و چگونگی قرار گرفتن در مدار مشیت او برای رسیدن به جامعه آرمانی است (کارگر، ۱۳۸۸: ۸۰).

دین اسلام، همانند سایر ادیان آسمانی، برای جامعه بشر غایت و آینده‌ای روشن و سعادت بخش ترسیم می‌کند. آیات و روایات متعدد در این زمینه گویای این مطلب است که انسان در نهایت به جامعه‌ای مبتنی بر حق و حقیقت دست می‌یابد که در آن ظلم و فساد ریشه کن شده و عاقبت از آن پرهیزگاران است. نوید اسلامی قیام و انقلاب مهدی موعود<sup>علیه السلام</sup> نیز در چهارچوب همین نظریه در ضمن آیات و روایاتی چند ارائه می‌گردد که در منابع فراوانی به آن‌ها اشاره شده است.

مجموعه آیات و روایاتی که در زمینه مهدویت مطرح شده‌اند؛ به دو دسته کلی قابل تقسیم می‌باشند: یک دسته از آن‌ها به ویژگی‌های «عصر ظهور و جامعه آرمانی» اشاره دارند و دسته دیگر، به مفهوم «انتظار» و زمینه‌سازی برای عصر ظهور پرداخته‌اند.

مصادق کامل جامعه مطلوبی که قرآن و روایات آن را ترویج می‌کنند؛ در عصر ظهور محقق می‌گردد؛ اما نباید به عنوان مجموعه شناخت‌هایی نگریسته شود که تنها ترسیم‌کننده وضعیت آینده جهان است و با وضعیت کنونی جوامع هیچ نسبتی ندارد؛ یعنی اگر الگوپذیری از چنین جامعه‌ای به صورت یک فرهنگ درآید و همه ارکان جامعه، خود را نسبت به شناخت ویژگی‌های آرمانی آن موظف بدانند، آن‌گاه معنای واقعی انتظار تحقق می‌یابد. توجه به همین نکته است که ما را در تفکیک و تمایز جامعه مطلوب و جامعه آرمانی اسلام یاری می‌دهد. لذا

نباید به جامعه عصر ظهور به مثابه سایر جامعه‌های آرمانی نگریست، که از سوی اندیشمندان ارائه شده است؛ بلکه باید آن را به الگویی مناسب و کاربردی برای سامان دهی زندگی اجتماعی عصر حاضر تبدیل کرد. با چنین رویکردی می‌توان گونه‌ای از آینده‌پژوهی (آینده‌پژوهی دینی) را به خدمت گرفت تا در برنامه ریزی‌های گام به گام، به عنوان ابزار هدایت اجتماعی عمل و جامعه موجود را در رسیدن به شرایط مطلوب یاری کند (قانع، ۱۳۸۸: ۶۱).

نتیجه توجه به مطالب مذکور، این که در «آموزه مهدویت» برای تحلیل و بررسی حوادث آینده ظرفیت‌های فراوانی وجود دارد. در واقع در این آموزه برای آینده‌پژوهی زمینه‌های فراوانی موجود است که این بر حسب تشابهات موجود میان آن دو، با وجود داشتن برخی تفاوت‌هاست که سبب تعامل و ارتباط بین آن‌ها گشته که در ادامه، برخی از آن‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند:

#### الف) آینده مطلوب

یکی از مسائل قابل توجه در اندیشه ورزی آدمیان، تأمل و تفکر در زمینه «آینده» است. از این رو در رویکرد اسلامی، آینده مطابق خواست و اراده خداوند رقم خواهد خورد و در مرتبه کلی، انسان‌ها از رویارویی با حوادثی که خداوند برای آن‌ها مقرر کرده است، گریزی ندارند. با این حال، آن‌ها می‌توانند انتخاب کنند که در برابر این حوادث چه موضعی داشته باشند و چگونه رفتار کنند و در نهایت، از چه سرنوشتی برخوردار شوند. در این جهت، انسان‌ها می‌توانند در رویارویی با آینده، از نشانه‌ها و گذشته‌ها بیاموزند و از این طریق درباره آینده شناخت به دست آورند. همچنین تحقق آینده ایده آل در نگاه اسلامی، مستلزم تغییر در درون و بیرون و به تعبیر قرآن سیر در انفس و آفاق است. بر این اساس، انسان‌ها از یک سو باید نسبت به آنچه اراده الهی رقم زده است، تسلیم باشند و سازگاری پیشه کنند و در واقع درون خود را هماهنگ با واقعیت‌های تغییر ناپذیر حیات تغییر دهند. از سوی دیگر، اقتضای مسئولیت اسلامی انسان، این است که در برابر تمامی جلوه‌های نازیبا و ویران‌کننده اطراف خود بشورد و از طریق حذف یا تبدیل آن‌ها، زمینه ساز شکل‌گیری آینده مطلوب خود، دیگران و جهانی باشد که در آن زندگی می‌کند (آیین، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

لذا ارائه تصویری روشن از آینده، بدون شناخت امکانات آینده یا آینده‌های ممکن و چگونگی سیر تحول حال به آینده ممکن نیست و طبعاً به محقق ساختن آینده دلخواه ممکن نخواهد بود. آینده‌نگر با شناخت سیر حرکت از حال به آینده، آینده مطلوب تحقق پذیر را در ذهن انتزاع، راه رسیدن از وضعیت موجود به آینده مطلوب را بررسی و دست آخر با به کارگیری همه عوامل لازم برای تحقق آن آینده تلاش می‌کند.

تفکر مهدویت نیز نوعی تفکر و نگرش معطوف به آینده و در حقیقت رویکردی آینده نگرانه است. در این تفکر، گذشته، حال و آینده جهان حرکتی مستمر، پویا، هدفمند و به سوی کمال ترسیم شده است که در آن، هیچ‌گونه اعوجاج، انحراف و ارتجاعی نیست. در این تفکر، پایان جهان، چون آغاز آن در اختیار صالحان است و همان‌طور که خلقت انسان با آفرینش حضرت آدم علیه السلام صورت گرفت و مأموریت نهایی وی در زمین، استقرار عدالت بود، در پایان جهان نیز حکومت صالحان و استقرار عدل جزو ارکان اصلی این تفکر برشمرده می‌شود. در این خصوص قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ  
 (انبیاء: ۱۰۵).

در تفکر مهدویت، فرض اساسی آن است که حضرت مهدی علیه السلام پس از سال‌ها غیبت کبرا و به اذن الهی ظهور می‌کند و با تجلی قیام پربرکت خویش جهان را از عدل و داد پر خواهد کرد (گودرزی، ۱۳۸۶: ۱۷۹).

حال، از آن جا که مهدویت در دین مبین اسلام، امیدواری به آینده‌ای روشن است؛ اهمیت توجه به آینده نگاری در حوزه مهدویت، محدوده بسیار وسیعی از جنبه‌های مختلف زندگی جوامع انسانی را می‌تواند پوشش دهد. به تعبیری دیگر، آینده نگاری کارکردها و توانمندی‌ها را پردازش می‌کند و در معرض برنامه ریزی قرار می‌دهد؛ کارکردهایی چون:

۱- آماده سازی جامعه در برابر آینده: با تصور حوادث ممکن و ارزیابی احتمالات، می‌توانیم خود و دیگران را برای آینده آماده و تحقق آن را مدیریت کنیم. در این حالت، فرصت‌ها، و تهدیدها را می‌توانیم بشناسیم و در برابر آن، یا برای به دست آوردن آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم.



۲- ترسیم و شبیه سازی نمایی کلی از آینده در حال ظهور: با استفاده از آینده نگاری موعود، بذر تحولات آینده را در زمان حال می‌توانیم بشناسیم و درباره آنچه در حال ظهور و به وقوع پیوستن است، اطلاعات و دانش بیش‌تری کسب کنیم و نقش خود و جامعه را در آن بستر برویانییم.

۳- دریافت و درک زودهنگام هشدارها: علاوه بر شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها، آینده نگاری ما را درباره درک زود هنگام این حوادث و مدیریت آن یاری می‌رساند.

۴- اعطای خودباوری و اعتماد: بعد از ترسیم و ادراک ولایی فرایند ظهور، به دلیل بررسی گستره وسیعی از حوادث و اتفاقات در آینده و فراهم سازی اقدامات لازم برای آن، می‌توانیم با قدرت و اعتماد بالایی پیش برویم.

۵- کسب موقعیت برتر و اقتدار آفرین: آینده‌نگاری، در حقیقت تصمیم گیری درباره آینده در زمان حال است؛ یعنی در زمان حال، درباره مسائل آینده تصمیم می‌گیریم و انرژی و موقعیت‌های برتر آفرین خود را ترسیم می‌کنیم. دانش و بینشی که از آینده نگاری دریافت می‌کنیم، ما را در کسب موقعیت برتر و در عرصه دفع تهدیدات یاری می‌کند.

۶- ایجاد تعادل میان رخدادها و اهداف: اگر دقایقی درباره آینده در زمان حال تأمل کنیم، از ذهنیت «دل خوشی به حال و به تعویق انداختن نگرانی درباره آینده» رهایی می‌یابیم. در این حالت می‌توانیم میان اهداف و رخدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر رابطه و تعادلی سازنده ایجاد کنیم.

۷- کسب اطلاعات درباره نیروهای مؤثر و ظرفیت ساز: از مزایای دیگر آینده‌پژوهی، کسب اطلاعات درباره نیروها و عوامل مؤثر بر حوزه مورد هدف است. شناسایی این نیروها و عوامل در توان درک و فهم آینده بسیار ضروری است.

۸- مدیریت و نظارت راهبردی سطح تغییرات: فهم و درک نیروها و عوامل مؤثر بر حوزه رخدادها، طراحان را درباره تغییرات احتمالی آینده هوشیارتر می‌کند و آن‌ها را قادر می‌سازد با رعایت قواعد راهبردی، برنامه‌ریزی کنند و خود یا جامعه را در برابر تهدیدها و رخدادها و امواج معارض آماده گردانند و براساس آن سناریو، مدیریت تغییرات خود را تنظیم و به آن عمل کنند (فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۷۷-۷۸).

## ب) تلاش در جهت بهبود زندگی و ساختن آینده بشر

جهان آینده، موضوع و هدف اقدامات ماست و تقریباً هر کاری که انجام می‌گیرد، با هدف بهبود شرایط در آینده است؛ یعنی آینده قلمرو اهداف و رویاها است؛ همان‌طور که گذشته قلمرو خاطرات است. از آن‌جا که جهان آینده هنوز وجود نیافته است، می‌توان آن را مطابق آمال و آرزوهای خود شکل داد؛ برخلاف جهان گذشته که سپری و تمام شده است. بنابراین، چگونگی کشف آینده و شکل بخشیدن به فردایی بهتر، می‌تواند برای همه افراد، صرف نظر از میزان تحصیلات و موقعیت شغلی آن‌ها مفید باشد؛ چرا که تمام رویا، ایده‌ها و افکار ذهنی ما که در زمان حال شکل می‌گیرند، برای آینده نشانه‌گیری شده‌اند و آثار آن‌ها در آینده نمایان می‌شود. عملکرد افرادی که مستقیم یا غیرمستقیم بر آینده دیگران تأثیر می‌گذارند؛ بدون هیچ اغمازی به وسیله خرد جمعی آینده دآوری خواهد شد (محمودی و عباسی، ۱۳۸۴: ۳۲-۳۳)؛ زیرا آینده‌پژوهی سرشتی اخلاقی دارد و عمیقاً مسئولیت‌آور است. مسئولیت‌سنجینی که از طریق معرفت آینده‌پژوهی بردوش ما گذاشته می‌شود، اندیشیدن به سرنوشت آیندگان است. ما نمی‌توانیم نسبت به نیازها و مسائل احتمالی نسل‌های آینده بی‌تفاوت باشیم؛ به قول معروف: «ما امروز را از گذشتگان به ارث برده‌ایم؛ بلکه آن را برای ساختن آینده از آیندگان به وام گرفته‌ایم». امروز وقتی حقیقتاً بالارزش خواهد بود که در آن، چیزی برای بهروزی نسل‌های آینده بکاریم (ملکی‌فر، ۱۳۸۴).

آینده‌پژوهی دینی، مؤمنان را شایسته برتری در تمام زمینه‌ها دانسته و این باور را ترویج می‌کند که در پرتو اتکال به خدا و تلاش هدفمند، هر کار بایسته و شایسته‌ای قابل انجام دادن است. این گونه آینده‌پژوهی، تنها متضمن باور به آینده‌ای بهتر یا ممکن‌سازی غیرممکن‌ها نیست؛ بلکه برکشنده همت‌ها برای دستیابی به اهداف نیز هست. از این رو، آینده‌پژوهی برآمده از متن آموزه‌های اسلامی از هر دری که وارد شود؛ ناامیدی، خمودگی، سستی و کاهلی از در دیگر خارج می‌شوند. این‌گونه آینده‌پژوهی همواره خالق امید و مشوق تعامل فردی و جمعی است.

طرفداران «نقش‌سازندگی انسان» بر خلاف جبرگرایان معتقدند که آینده را می‌توان

دگرگون کرد و ساخت. انسان موجودی آینده نگر و آینده ساز است و آینده در گرو اعمال اوست. رشد و کمال انسان، به میزان آینده نگری و برنامه ریزی‌های واقع گرایانه او بستگی دارد. قرآن کریم انسان را موجودی آینده‌نگر و آینده‌ساز معرفی می‌کند؛ چنان‌که در آیه ۱۱ سوره رعد می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند بدون تغییر مردم، جامعه را به رشد و کمال نمی‌رساند؛ جز آن‌که خود انتخاب کنند.

در این تفکرات حرکت‌ساز، انسان مسئول است و باید نسبت به آینده خود همه گونه آمادگی‌های لازم را داشته باشد و زمینه‌های مناسب را پدید آورد؛ زیرا سستی و کوتاهی امروز عامل ذلت و خواری فردا است و فرار و گریز از مسئولیت‌ها، عامل نابودی و سقوط فرداهای تاریخ است (دشتی، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۶).

امروزه ذهنیت بشر، از این زمینه باید برخوردار باشد که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد تا جهان را از عدل و داد پر سازد و او را از زیر بار ظلم و ستم نجات دهد و این، همان چیزی است که همه پیغمبران برای آن تلاش کرده‌اند و پروردگار متعال، در قرآن کریم آن را به مردم وعده داده است:

وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ و از دوش آنان، قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است، برمی‌دارد (اعراف: ۱۵۷).

از این رو انتظار ظهور منجی صالح و عدالت گستر و موعود الاهی با آثار گوناگون خود، انسان‌های صالح، مصلح، امیدوار، انقلابی، مؤمن و متحرک می‌پروراند و منتظران را به صحنه‌های سیاسی و اجتماعی می‌کشاند. از طرفی نیز، با نشان دادن افق نورانی و چشم‌انداز دنیای عادلانه، آن‌ها را به گونه‌ای تربیت می‌کند که به وضع موجود رضایت نمی‌دهند و همیشه به دنیای پاک‌تر با مهرورزی بیش‌تر و عدالت کامل‌تر فکر می‌کنند. چنین تربیتی به موجبات اجتماعی و سیاسی اصلاح‌گرایی و نعمتی برای زمینه‌سازی ظهور می‌انجامد (فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۸۷-۱۳۲).

از بعضی آیات و روایات استفاده می‌شود که ظهور مهدی موعود ﷺ آخرین حلقه از

حلقه‌های مبارزه جریان حق با جریان باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهیم بودن فرد در این سعادت، به این موقوف است که آن فرد عملاً در گروه حق باشد. آیاتی که در روایات به آن‌ها استناد شده است، نشان می‌دهد مهدی موعود علیه السلام مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده و پیروزی نهایی اهل ایمان و تحقق بخش ایده آل همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است (مطهری، ۱۳۸۶: ۵۶).

### ج) نفی جبرگرایی و تأکید بر قدرت اختیار انسان

آینده پژوهی، برخلاف تاجر و درج‌زدن، سبب ارتقا، رشد و به‌آوری می‌شود و در این زمینه، کارکردی مهم دارد و برخلاف گذشته پژوهی که منفعلانه است، به اختیار و اراده بشر توجه دارد که خداوند در او به ودیعت نهاده است تا به اجرای نقش احتمالی خود در آینده بیندیشد و آن را عملی سازد.

در واقع از نظر قرآن، نجات و رستگاری انسان‌ها فرایندی است که با اراده انسان انجام می‌گیرد و اراده الاهی هم به تحقق و توفیق اراده‌بندگان یاری می‌رساند. نظریه اشتیاق منجر به ظهور و پایان درخشان و نیکوی تاریخ بشر، بر سنتی الاهی مبتنی است؛ اما این کارکرد الاهی، به شکل‌گیری اراده در انسان‌ها مبتنی است که در نهایت اگر به کسب رضای الاهی بینجامد، بنا به وعده الاهی، اراده ظهور را محقق می‌نماید. به عبارت صریح تر، ظهور زمانی رخ می‌دهد که جوامع منتظر در جهان، هر کدام به نوعی با بهره‌گیری از ضرورت‌های ظهور و آگاهی‌ها و تجربیات تاریخی خود، بتواند عقلانیت نهفته در پیام ظهور منجی را که به جهان عرضه می‌شود؛ در یابد و برای تحقق آن، عالمانه تلاش کند. منتظران صالح باید خود صالح باشند و صالح کسی است که آگاهانه برگزیند و برای تحقق آن، به طور خستگی‌ناپذیر تلاش کند. در آن صورت، اراده جمعی در راستای اراده الاهی شکل می‌گیرد و جامعه‌ای پدید می‌آورد که سنت الاهی تحقق آن را نوید داده است (فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۹-۴۰).

همان‌طور که گفته شد، تلاش انسان‌ها در تحقق ظهور منجی، تأثیر بسزایی دارد؛ به طوری که هر چه تلاش بیش‌تر و آمادگی برای ظهور زودتر حاصل شود، منجی زودتر ظهور خواهد کرد. از بررسی آیات قرآن، این نکته به دست می‌آید که انسان مسؤل رفتار خود و

حوادثی است که در اطراف اوست و هرگونه تغییر و دگرگونی در زندگی و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، معلول عملکرد انسان است. ظهور منجی نیز از جمله پدیده‌هایی است که در جامعه بشری اتفاق خواهد افتاد و از این قاعده مستثنا نیست و تا زمانی که جامعه جهانی برای آن تحول، آمادگی لازم را حاصل نکند و انسان‌هایی فداکار پیدا نشوند تا با فداکاری، زمینه آن تحول را فراهم کنند، آن تحول عظیم اتفاق نخواهد افتاد. بنابراین، عدم وقوع ظهور را می‌توان معلول فراهم نشدن مقدمات ظهور، حضور نداشتن یاران مخلص و آماده نبودن مردم دانست (مرتضوی، ۱۳۸۸: ۱۳۹ - ۱۵۲).

از آن‌جا که ظهور منجی، بر اساس آنچه، در احادیث متعدد آمده است، موجب برچیده شدن بساط ستم در جهان و گسترده شدن عدالت خواهد شد؛ انتظار مهدی در حقیقت، انتظار تغییری مبارک و تحولی شکوهمند خواهد بود. از این رو این انتظار را می‌توان «انتظار تغییر» نامید. هرگونه تغییر و تحول، به مقدمات و لوازمی نیازمند است که به عملکرد افراد وابسته است. با توجه به آیات قرآن کریم، تغییر و تحول از یک منظر در دو حوزه فردی و اجتماعی قابل تقسیم می‌باشد. در حوزه تغییر فردی، تحولات درونی افراد، گاهی اوقات سرنوشت آن‌ها را تغییر می‌دهد و فرد را از گمراهی، به نور هدایت رهنمون می‌سازد یا متقابلاً او را، از مسیر هدایت و نورانیت، به گمراهی می‌کشاند. همان‌طور که گفته شد، منشأ این تحولات اساسی، رفتار آدمی است که هم تغییر مثبت و هم تغییر منفی را شامل می‌شود. در بعد اجتماعی نیز تغییر و تحول در دست خداست؛ با این شرط که مقدمات و لوازم آن، همچنان در دست افراد اجتماع است. به عبارت دیگر، در حقیقت، افراد جامعه می‌توانند با ایجاد تغییر و تحول شخصی در خود، زمینه تغییر اجتماعی را فراهم آورند. در حقیقت، این تغییر، پیش از آن که اجتماعی باشد، فردی بوده و دست‌آورد این تغییر فردی، تغییر اجتماعی است. ظهور حضرت مهدی علیه السلام و برچیده شدن بساط ستم و برپا کردن حکومت عدل مهدوی بر اساس مبانی حکومتی دین مبین اسلام؛ مهم‌ترین تغییری است که در سرتاسر تاریخ بشر در این جهان مادی اتفاق خواهد افتاد؛ به طوری که آیات و روایات فراوانی تحقق این امر را تصریح کرده‌اند (سبحانی نیا، ۱۳۸۸: ۱۵-۲۲).

می‌توان گفت در تمامی تفکرات، در خصوص اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح بزرگ جهانی؛ سمت و سوی جهان رو به پیروزی عدالت و نجات قطعی انسان‌ها و نابودی حتمی ظلم و ظالم است. همین انتظار، عامل نیروبخش و ایمان بخش به ستمدیدگان است و باعث امیدواری آن‌ها به پیروزی می‌گردد. این ایمان قطعی نه تنها آن‌ها را بی مسئولیت و منفعل بار نمی‌آورد، بلکه به آنان نیرو، قدرت و اطمینان به پیروزی و روحیه فعال می‌دهد (گودرزی، ۱۳۸۶: ۱۹۴ - ۱۹۵). بنابراین، کل نظام و تفکر مهدویت در بستر مشیت الهی، انسجام و قوام می‌یابد و تحلیل خواهد شد. در حقیقت در این نوع تفکر، ذات پروردگار در عین وجود اختیار برای انسان، دارای قدرت تأثیرگذاری بوده است و سنت‌های الهی، چون بدا و ابتلا در حیات بشری وجود دارند. در این جاست که تفاوت تفکر مهدویت با تفکر جبرگرایانه و تفویض گرایانه مشخص خواهد شد.

#### د) ترسیم جامعه مطلوب

تحقق جامعه ایده آل (دینی) مستلزم آینده‌پژوهی است. انسان، از منظر عدالت و آزادی، باید آینده‌های گوناگون را تصور کند و سپس یکی را از میان آن‌ها برگزیند. باید جامعه‌ای خوب و شایسته آراست و بصیرت جامعه درباره آینده، چستی آینده و چگونگی امکان تحقق آن را از طریق منجی باوری برآورد و انسان‌ها را به سمتی هدایت کرد که آگاهانه و با اراده خود بیندیشند که «آینده چه باید باشد». تحقق عدالت، مقابله با حکومت ستمگران و نامشروع دانستن همکاری و همراهی با آنان، از محورهای اساسی گفتمان آرمان شهر دینی در اسلام است. بر همین اساس، معتقدان به مهدویت در عصر انتظار می‌کوشند جهت اجرای عدل و قسط در جامعه و مبارزه با ظلم و بیداد قدم بردارند و از این طریق، جامعه را برای ظهور بزرگ پرچمدار عدالت آماده سازند. سازش و تسلیم در برابر حاکمیت ظالمان و طاغوتیان در قاموس مکتب منتظران واقعی جایی ندارد و همراهی و همنوایی با مفسدان و ستمگران و سکوت در برابر مظالم و مفسد بسیار زشت شمرده می‌شود. منتظر حقیقی با تکیه بر وعده حق الهی، در مسیر دفع ظلم و مبارزه با حاکمیت مستکبران مقاومت می‌کند و نوید فتح نهایی مستضعف بر مستکبر را با قیام و مبارزه خود به اثبات می‌رساند (فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۸۳ - ۱۰۶).

رغبت به مبانی و آموزه‌های مهدوی پیش از عصر ظهور، محرک تهذیب نفس انسان‌هایی است که به امام مهدی علیه السلام و جامعه آرمانی او عاشقانه می‌نگرند. برخلاف مدینه فاضله افلاطون که تنها تئوری و آرمان ذهنی و انتزاعی است و در جهت عملی شدن آن هیچ انگیزی صورت نمی‌دهد و تقدسی در آن وجود ندارد مهدویت، نزد پیروان آن، جنبه قدسی و دلبری دارد؛ انگیزاننده است و مؤمنان در جهت تحقق آن می‌کوشند و آن را امری حتمی می‌دانند. در باور دینی، رسالت امام زمان که خود انسانی کامل و الگوی کامل انسان‌ها و ولی و رهبر جامعه ایده آل انسانی است؛ الگوی عینی به شمار می‌آید که «شدن» و «امکان تحقق» را بیان و فرد و جامعه را احیا می‌کند و برمی‌انگیزاند تا به سوی آن کمال مطلوب الاهی حرکت کند، فاصله «وضعیت موجود» و «وضعیت مطلوب» را اندک سازد. ادبیات اشتیاق و رغبت، تنها در گام برداشتن در این مسیر شکل می‌گیرد؛ اشتیاقی که متضمن درک شرایط و خدمت عاشقانه و راغب او در انجام دادن هدف مقدس اوست و ماهیتی عملگرایانه و مسئولیتی عینی دارد. در این بستر و حوزه، هر عمل نیکی که از فرد مشتاق و راغب سرزند و هر تلاشی که در جهت اجرای عدالت و اعطای حقوق عامه و جلوگیری از بروز منکر از سوی هر فردی صورت پذیرد، اقدامی «منتظرانه» محسوب می‌شود و گامی به سوی وضعیت مطلوب و پایداری است که در عصر ظهور تجلی می‌یابد (همان: ۵۰-۵۲).

#### ه) خلق چشم‌انداز جامع و مطلوب از آینده

مهم‌ترین وجه آینده‌پژوهی، «چشم‌اندازسازی» آن است که به هنجارها و رفتارهای کنش‌گرایانه نیازمند می‌باشد. خلق چشم‌انداز و تلاش برای محقق ساختن آن، تجلی بخش آینده‌پژوهی هنجاری است که بعضی از آینده‌پژوهان را بر آن داشته تا چشم‌اندازهایی فراگیر و برخوردار از مؤلفه‌های متعالی، تصویرهایی خلاقانه و اندیشمندانه از جامعه‌ای بدون نقص و کاستی و متفاوت از سایر جوامع را ترسیم کنند و پیدایش و شکل‌گیری جهانی جدید را نوید دهند؛ چرا که چشم‌انداز، شگردی آینده‌پژوهانه است که با ارائه تصویری واضح و مطلوب از آینده، به آن، شکل می‌بخشد و توانایی نگرستن به فراتر از واقعیات موجود و خلق و ابداع آن چیزی است که هم اکنون موجود نیست.

می‌توان گفت رشد و پویایی جوامع در گرو ترسیم چشم‌انداز آن‌هاست؛ زیرا هیچ امر مهمی بدون چشم‌انداز محقق نشده است و گرچه یگانه عامل موفقیت نیست؛ ضروری‌ترین و مهم‌ترین عامل به شمار می‌آید. به همین خاطر، سازمان‌ها و جوامع چشم‌انداز محور، از سازمان‌ها و جوامع محروم از چشم‌انداز بسیار توانمندتر هستند. تمامی ادیان آسمانی، بویژه دین اسلام، با ترسیم چشم‌اندازهایی حرکت آفرین و الهام بخش از آینده قدسی بشر، بی‌نظیرترین منابع خلق چشم‌اندازها به شمار می‌روند.

دیدگاه قرآن درباره سرانجام بشر، دیدگاهی خوش بینانه بوده و پایان دنیا، پایانی روشن و سعادت آمیز عنوان شده است. سرانجام سعادت‌مندان جهان، همان تحقق کامل هدف آفرینش انسان‌هاست که چیزی جز عبادت خداوند نخواهد بود. قرآن درباره سرنوشت جوامع بروشنی سخن گفته است. از نظر قرآن، مشیت الهی بر این تعلق گرفته که در آینده، فقط صالحان وارثان زمین خواهند بود و حکومت جهان و اداره امور آن را به دست خواهند گرفت و حق و حقیقت، در موضع خود استوار بوده و باطل برچیده خواهد شد. در واقع، آینده در قرآن کریم بر وعده تحقق جامعه‌ای کامل و مطلوب، تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام، گسترش دین اسلام و غلبه آن بر همه ادیان، زمامداری صالحان و ارباب لیاقت و پیروزی حزب الله مبتنی است (کارگر، ۱۳۸۹: ۱۳۹).

برخلاف دیدگاه برخی افراد که چشم‌انداز آینده بشر را تاریک و ظلمانی دانسته و معتقدند فرجام بدی در انتظار اوست؛ اسلام آینده بشر را مثبت ارزیابی کرده و آن‌ها را به آینده‌ای روشن امیدوار ساخته است. در واقع، آینده‌نگری مثبت، از باورهایی است که در میان آموزه‌های اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار است. مقوله مهدویت، باورداشتی است که آینده‌نگری مثبت اسلام را نشان می‌دهد. دین اسلام، با عهده دار شدن این مسئولیت بزرگ، انسان‌ها را به آینده و فرجامشان امیدوار کرده، مهدویت، را سمبل آینده مثبت به انسان‌ها معرفی کرده است. بنابراین، می‌توان گفت چشم‌انداز آرمانی همه اولیا و انبیای الهی در حکومت مهدوی به طور کامل تحقق می‌یابد و از این دوره است که تکامل جهانی شدت می‌یابد و افراد برخلاف عصر قبل از ظهور، از زمان تحقق این دوره تا انتهای جهان می‌توانند با هزینه و تلاشی کمتر از قبل به رشد و کمال دست یابند. در واقع مهدویت، همان آرمان شهری است که قرآن معرفی می‌کند.



## و) فراگیری و همه جانبه نگری

مقوله آینده نگری، ایده فراگیر و همه جانبه‌ای است که میان همه انسان‌ها با ملیت و نژاد مختلف مطرح است و نمی‌توان آن را به گروه، یا یک ملت یا نژاد و دینی منحصر دانست؛ بلکه با تجربه و استقرا ثابت شده است که ایده آینده نگری در طول تاریخ، از انسان‌های نخستین گرفته تا انسان‌های معاصر و نیز از مردمان مشرق تا مردمان مغرب و نژاد سفید گرفته تا سیاه و زرد؛ در میان همه، به نحوی وجود دارد. پس، نمی‌توان گفت آینده نگری مخصوص مسلمانان یا جوامع مذهبی یا سرخوردگان و بحران زدگان است؛ بلکه ایده‌های انسانی است (الهی نژاد، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

در نگرش اسلامی، مهدویت نیز از رویکردی کلان به آینده تاریخ حکایت می‌کند. از این منظر، مهدویت ابعاد گوناگونی یافته و به منزله نظامی فکری - عملی مطرح می‌شود. چنین نگرشی به مهدویت، گویای فراگیری چنین آموزه‌ای نسبت به عرصه‌های مختلف حیات انسان‌هاست. برخلاف نگرش‌های مدرن سکولار، دین، امری فراگیر است و عرصه‌های اصلی زندگی بشر را در برمی‌گیرد. بنابراین، باور و اعتقاد به مهدویت، بخشی از نگرش کلان دینی را شامل می‌شود. چنین عرصه‌ای با دیگر بخش‌های دین کاملاً در ارتباط است و تجلی بخش زندگی آرمانی به شمار می‌آید. مهدویت، از این جهت، نگرش اسلام به آینده جهان را بیان می‌کند و بخش کلانی از فلسفه نظری تاریخ در نگرش اسلامی است (به‌روزی‌لک، ۱۳۸۶: ۸۳-۸۵).

ادیان با قدرت معنا بخشی بسیار، می‌توانند تمام ابعاد زندگی انسان را تعریف کنند و پوشش دهند. بدین سبب، پیروان ادیان و مومنان، در زندگی خویش آرامش بیش‌تری دارند. این ویژگی در اسلام به منزله مکتب الهی و آخرین پیام الهی برای بشر، به صورت کامل وجود دارد. اعتقاد به مهدویت از این حیث، بخشی از مکتب فراگیر اسلامی است. با وجود این، خود نیز می‌تواند با توجه به تجلی و تبلور کمال اسلام در عصر مهدوی، یک مکتب شمرده شود. چنین مکتبی با مکتب اسلام رابطه طولی دارد و از آن متمایز و جدا نیست. وجه تفکیک مهدویت به مثابه مکتب، آن است که جامعه آرمانی اسلامی را نشان می‌دهد و با

تحقق آن، اسلام به صورت کامل و عینی تحقق خواهد یافت. بنابراین، می‌توان مکتب مهدوی را عصاره کلیت اسلام دانست و کلیت مکتب اسلام را در مکتب مهدوی جست‌وجو کرد (همان: ۱۰۲).

بنابراین، می‌توان گفت تمامی ادیان الهی، به خصوص اسلام، برخلاف دیدگاه‌های سکولار، جامع بوده و دربرگیرنده تمام عناصر و لوازم عرصه‌های مختلف زندگی کل بشر در همه مکان‌ها و زمان‌ها می‌باشند و در تمامی عرصه‌های زندگی، بشر دارای دیدگاه خاصی هستند و آن عرصه‌ها را تبیین و راهکارهای لازم را ارائه کرده‌اند. در این میان، دین اسلام به عنوان مکتبی آسمانی و آخرین دین، جامع‌ترین مکتب است. مکتب مهدوی نیز که عصاره مکتب اسلام به حساب می‌آید، جامع است. طبعاً ویژگی‌های موجود در مکتب مهدوی، شکل متکامل و عینی مکتب اسلامی است. دولت مهدوی از این جهت، تمام ویژگی‌های حکومت نبوی صلی الله علیه و آله را محقق می‌سازد. بنابراین، بر دیدگاه‌های کلان اسلامی در عرصه‌های مختلف مبتنی است.

### ی) پدیده‌ها و تحولات جهان

در عصر حاضر، ما با تحولات و پدیده‌های جهانی مختلف و پیچیده‌ای روبه‌رو هستیم که هر کدام از آن‌ها ما را با چالش‌های مختلفی مواجه ساخته است. از جمله این پدیده‌های عصر جدید، فرآیند جهانی شدن است که از آثار و نتایج دوران مدرنیته و پیشرفت فناوری اطلاعات قلمداد می‌شود. پدیده جهانی شدن به دلیل تأثیرات فراوانی که بر سیاست، اقتصاد و فرهنگ ملت‌ها دارد؛ بسیار حائز اهمیت است.

از سده بیستم به این طرف، ما شاهد حوادث و رویدادهایی هستیم که مفهوم جهانی شدن را موضوع تفکر و اندیشه قرار داده است. بدیهی است آگاهی از تغییرات، الزامات و راهکارهای موجود در جهت فرآیند جهانی شدن، بخصوص از بعد دینی و فرهنگی، برای تمام مسلمانان جهان که از غنای فرهنگی خاصی برخوردار می‌باشند؛ ضرورتی انکار ناپذیر است.

از آن‌جا که اسلام، دینی جهان شمول و عالم گیر است؛ جهان شمولی تعالیم این دین سبب شده است برای رسیدن به هدف نهایی که همان کمال و سعادت بشری است؛ بسط و

گسترش ارزش‌های دینی و بویژه عدالت اجتماعی را از حوزه‌ای خاص آغاز کند و تا مرز عدالت گستری در سطح جهان امتداد دهد. در این جهت، اسلام مکانیزم اجرایی دستیابی به اهداف مورد نظر را تحت عنوان تشکیل حکومت دینی مطرح می‌کند. که گستره حاکمیت خود را در ورای مرزهای ملی و در سطح جهان جست‌وجو می‌کند. از طرفی ما در متون دینی اسلام به روایاتی برمی‌خوریم که جامعه عصر ظهور حکومت امام عصر علیه السلام را به گونه‌ای توصیف کرده‌اند که درک این تحولات جز از طریق رشد تکنولوژی علم و اطلاعات امکان پذیر نمی‌باشد. همچنین آیات متعددی از قرآن کریم، مستقیم یا غیرمستقیم جهانی شدن رسالت اسلام و محدود نبودن آن را به مکان و زمانی خاص بیان و نگرش جهانی دین اسلام را ترسیم کرده‌اند.

مهدویت، به عنوان مدینه فاضله اسلامی و ظهور منجی موعود، تدبیری الهی است برای سرانجام تاریخ تا آمال و آرزوهای همه انسان‌ها در طول قرن‌ها تحقق یابد. تحقق چنین دوره‌ای مستلزم آماده بودن زمینه‌ها و شرایط لازم است. یکی از شرایط و زمینه‌های لازم در این باب که باعث توجه بیش‌تر به آموزه فرج شده؛ پدیده «جهانی شدن» است. بدین جهت است که مهدویت اسلامی می‌تواند با پدیده‌ای به نام جهانی شدن ارتباط یابد (بهرروزی‌لک، ۱۳۸۱: ۱۴۹).

مدینه فاضله مهدوی دارای ویژگی‌هایی است که در مطالعه تطبیقی، توجه به آن‌ها ضرورت دارد. در ذیل برخی از این ویژگی‌ها و ابعاد را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) مهدویت و غایت تاریخ: در ادیان ابراهیمی، تاریخ سرانجامی داشته و دارای غایتی است که در حال حرکت بدان سو می‌باشد. از دیدگاه اسلامی، سرانجام تاریخ بشر، تحقق وعده الهی حاکمیت حق و مدینه فاضله اسلامی است. تحقق چنین مدینه‌ای قطعی و سنتی الهی است. تحقق چنین غایتی، وضعیت جدیدی برای بشر است که جامعه بشری مبتنی بر فطرت الهی را به وجود می‌آورد. تحقق چنین جامعه‌ای غایت و آمال تمامی انسان هاست.

ب) بعد جهانی مهدویت اسلامی: ادیان، خلقتی جهانی دارند. به دلیل وحدت ذاتی جهان هستی که همه امور به ذات حق برمی‌گردد، پیام الهی برای تمامی انسان‌هاست و تنوع

ادیان آسمانی، نه به دلیل تنوع در محتوا و پیام، بلکه در ویژگی‌های عصری آن هاست. پیام الاهی، واحد است و در نتیجه مخاطب آن تمام انسان‌ها هستند. از این رو مهدویت اسلامی نیز هرگز به سرزمین یا قوم و نژاد خاصی تعلق ندارد؛ بلکه تدبیر الاهی برای تمامی انسان هاست و از این رو گستره جهانی دارد. مهدویت اسلامی تحقق بخش فطرت بشری نیز می‌باشد. از این رو مهدویت اسلامی به دلیل ابتنا بر هویت فطری و الاهی انسان‌ها، آرمان تمامی انسان‌ها را دربرمی‌گیرد و بعدی جهانی دارد.

ج) صبغه الاهی - دینی، در دولت مهدوی علیه السلام: در جامعه مهدوی، امام معصوم، لطفی الاهی است که با هدایت خویش و اجرای احکام الاهی در عرصه فردی و اجتماعی، جامعه را به سوی سعادت رهنمون می‌شود. از این رو ویژگی جامعه اسلامی عصر مهدوی، برخلاف نگرش عصر جدید، تأکید بر فضیلت و سعادت می‌باشد؛ در حالی که عصر جدید صرفاً بر آزادی انسان مبتنی است و دغدغه فضیلت و سعادت بشر را دارا نیست. حکومت جهانی، از توجه به عنصر دین به عنوان عنصر هویت بخش فراگیر، ناگزیر می‌باشد.

د) تکامل فکری بشری و رشد آگاهی انسان‌ها: به رغم انحرافات فکری در ادوار مختلف تاریخی، انسان‌ها در طول تاریخ، شناخت تکامل یافته تری از جهان اطراف خویش داشته‌اند و سیر تفکر بشر همواره به سمت و سوی تسخیر عرصه‌های ناشناخته جدیدی حرکت کرده است. البته دانش بشر عرصه‌های بسیار گسترده و عظیمی را فتح کرده است؛ اما چنان که در روایات ملاحم آمده است، علم در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام پیشرفت شگرفی خواهد داشت و از سوی دیگر، فهم و آگاهی انسان‌ها نیز فزونی خواهد یافت.

ه) گسترش عدل و داد در سراسر گیتی: ایده عدل و داد از جمله آرمان‌های انسان‌هاست که در جامعه موعود و به دست منجی تحقق خواهد یافت. حکومت عدل و داد و رفع تبعیض‌ها و نابرابری‌ها، وعده الاهی برای مستضعفان است. از این رو، آن حضرت جامعه مبتنی بر عدالت را برپا خواهد کرد. هر چند غایت اصلی جامعه مهدوی، زمینه سازی سعادت، فضیلت و تکامل انسان‌هاست؛ طبعاً عدل و داد، یکی از زمینه‌های لازم تحقق چنین آرمانی خواهد بود (همان).

برای فرآیند جهانی شدن، قرائت‌ها و تفسیرهای متفاوتی است که بدون تردید مهدویت اسلامی با همه این قرائت‌های جهانی شدن سازگاری ندارد. اگر منظور از جهانی شدن، فرآیند گسترش تکنولوژی ارتباطی باشد و در حد وضعیتی سخت افزاری و ابزاری به آن نگریسته شود که با محتوا و نرم افزار خود رنگ می‌گیرد؛ با مهدویت اسلامی کاملاً سازگار و بلکه ملازم آن می‌باشد و به طوری که عناصر چهارگانه ذاتی جهانی شدن، یعنی تحقق ابزاری فضای ارتباطی، آگاهی تشدید یافته، جدا شدن هویت از مکان و اهمیت یابی فضا و تحقق جامعه بشری در جهان؛ بر این اساس قابل تأمل است.

#### نتیجه

به رغم برخی تفاوت‌ها در پیش فرض‌ها، مسئله‌ها و غایات میان آینده‌پژوهی و مهدویت پژوهی؛ تشابهات موجود میان آن دو، نسبتی تفصیلی را موجب گشته است که امکان تعامل متقابل و تنگاتنگی را (البته با حفظ استقلال معرفتی و روشی آن‌ها) فراهم می‌آورد. بر این اساس، با توجه به سطوح کلان آینده نگری دینی که همان «آینده‌پژوهی قدسی» است و چشم‌اندازی روشن از فرجام جوامع انسانی و دورنمایی شفاف از فرجام هستی ارائه می‌دهد و ما را به هوشیاری و دقت بیش‌تر و فعالیت مؤثرتر برای ساختن دنیایی مبرا از هرگونه ظلم و نابرابری و مملو از صلح و صفا و عدالت و سعادت فرا می‌خواند؛ و همچنین سطح خرد آینده نگری دینی که ناظر به سنت‌های اجتماعی است (چرا که این دو سطح در تعامل با یکدیگر هستند)؛ آری، با توجه به موارد مذکور، می‌توان جامعه را در راه رسیدن به شرایط مطلوب و آرمانی یاری و شرایط تحقق آرمان‌های الهی را در جامعه فراهم کرد.

## منابع

۱. آئین، یاسر (۱۳۹۰). گفتگو از آینده پژوهی دینی با تأکید بر آموزه مهدویت، *فصلنامه پژوهش‌های مهدوی*، سال اول، شماره ۳.
۲. اسلاتر، ریچارد و همکاران (۱۳۸۴). *نواندیشی برای هزاره نوین*، ترجمه عقیل ملکی فر و همکاران، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳. الهی نژاد، حسین (۱۳۸۶). آینده نگری و فرجام تاریخ بشر، *فصلنامه انتظار موعود*، شماره ۲۱.
۴. بهروزی‌لک، غلامرضا (۱۳۸۶). مهدویت پژوهی، دو نگرش مکتب وار و دکترینال، *انتظار موعود*، شماره ۲۰.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). مهدویت و جهانی شدن، *فصلنامه کتاب تقد*، سال ششم، شماره ۲۴ و ۲۵.
۶. پایا، علی (۱۳۸۵). آینده علوم انسانی در ایران، *فصلنامه حوزه و دانشگاه*، سال دوازدهم، شماره ۴۹.
۷. تقوی گیلانی، مهرداد و غفرانی، محمد باقر (۱۳۷۹). آینده پژوهی، مطالعات و روش‌های آینده شناسی. *فصلنامه رهیافت*، شماره ۲۲، ۱۳۷۹ش.
۸. دشتی، محمد (۱۳۸۱). *آینده و آینده سازان*، قم، انتشارات مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
۹. سبحانی نیا، محمدتقی (۱۳۸۸). نظریه تغییر و تأثیر آن در زمینه سازی ظهور، *فصلنامه مشرق موعود*، سال سوم، شماره ۱۱.
۱۰. عصاریان نژاد، حسین (۱۳۸۶). آینده پژوهی، الزامات و الگوها، *ماهنامه نگرش کاربردی*، شماره ۸۵ و ۸۶.
۱۱. فیروزآبادی، سیدحسن (۱۳۸۸). *قیام مهدی علیه السلام منتظر ماست*، تهران، انتشارات دانشگاه دفاع ملی.
۱۲. قانع، حمید فاضل (۱۳۸۸). آینده پژوهی و جامعه مطلوب اسلامی، *معرفت فرهنگی و اجتماعی*، سال اول، شماره اول.
۱۳. کارگر، رحیم (۱۳۸۹). آینده پژوهی قرآنی و جایگاه مهدویت در آن، *فصلنامه انتظار موعود علیه السلام*، شماره ۳۲.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). آینده پژوهی مهدوی، *فصلنامه انتظار موعود علیه السلام*، سال نهم، شماره ۲۸.
۱۵. گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۶). *تصمیم گیری استراتژیک، مطالعه موردی رویکرد موعودگرایی شیعه*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۱۶. محمودی، مهدی و عباسی، عطا (۱۳۸۴). *آینده پژوهی و نقش آن در سیاست گذاری علم و فناوری*، تهران، انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی - مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۱۷. مرادی پور، حجت الله و نوروزیان، مهدی (۱۳۸۴). *آینده پژوهی مفاهیم و روشها، فصلنامه رهیافت*، شماره ۳۶.
۱۸. مرتضوی، سید محمد (۱۳۸۸). *ظهور حضرت مهدی علیه السلام در انتخاب ماست، فصلنامه مشرق موعود*، سال سوم، شماره ۱۱.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). *قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۰. ملکی فر، عقیل (۱۳۸۷). *آینده پژوهی عشق است و مکاشفه و امید*، انتشارات اندیشکده صنعت و فناوری (آصف) گروه آینده پژوهی و دیدبانی.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). *آینده پژوهی به مثابه علم الانتظار*، متن سخنرانی مهندس عقیل ملکی فر در افتتاحیه یکمین کارگاه آموزشی پیش بینی و آینده نگاری تکنولوژی، در مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، تهران، انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۲۲. منطقی، محسن (۱۳۹۰). *آینده پژوهی، ضرورت آینده مطالعات فرهنگی و علمی، نشریه اسلام و پژوهش های مدیریتی*، سال اول، شماره اول.
۲۳. ناصرآبادی، زهرا (۱۳۷۹). *آینده پژوهی*، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و برنامه ریزی استراتژیک.

## بایسته‌های علمی در آینده پژوهی مهدوی

حامد پوررستمی\*

### چکیده

«آینده پژوهی»، هنر شکل دادن به آینده است؛ به آن شکل که آینده را می‌خواهیم. آینده‌شناسی از این منظر، دانش شناخت تغییرات است و شناخت آینده از حیاتی‌ترین علوم مورد نیاز هر انسانی است. در اسلام، «مهدویت»، قلب تپنده تحقیقات آینده محور، است و آینده پژوه مسلمان نمی‌تواند در تحقیقات خود از ظرفیت‌ها و آموزه‌های فرهنگ مهدوی بهره نبرد؛ اما این عرصه، دارای الزامات و بایسته‌های پژوهشی ویژه‌ای است. به نظر می‌رسد این بایسته‌ها در سه حوزه بایسته‌های نظری، مانند (۱) مثبت اندیشی امیدوارانه؛ (۲) نگاه کیفی به ظهور، نه کمی؛ بایسته‌های روشی، مانند (۱) مکانیسم پیش بینی آینده؛ (۲) حکومت طمانینه شرعی در فرایند و استنتاجات تحقیق و بایسته‌های تبلیغی، مانند (۱) تبیین مبانی فکری و مواد معرفتی دکتترین مهدویت و ارائه شاخصه‌های حق و باطل؛ (۲) نمایاندن کارکردهای جامعه مهدوی قابل بررسی باشند که در این مقاله به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود. واژگان کلیدی: آینده پژوهی، مهدویت، بایسته‌های پژوهشی، بایسته‌های نظری، بایسته‌های روشی، بایسته‌های تبلیغی.

---

\* استادیار گروه شیعه‌شناسی دانشگاه تهران - پردیس فارابی؛ purrostami@ut.ac.ir



مسئله آینده و پرداختن به آن، زمانی مطرح شد که وضع موجود اجتماع در ابعاد گوناگون مورد انتقاد قرار گرفت و به طور طبیعی امید به منجی و مصلح پدید آمد. فلسفه‌های آینده‌نگر، ناظر به جامعه و دولتی هستند که در آینده‌ای نه چندان مشخص، ظهور پیدا می‌کند و ویژگی آن‌ها نیز عموماً اصلاحگری و ایجاد شرایط بهینه است. مهدویت و انتظار در اسلام نیز بر اصول و دلایل خاص مبتنی است. وجود جور و ستم، رسیدن به جامعه ایده‌آل در زمینه‌های گوناگون، اجرای عدالت و رشد و رفاه به طور مساوی؛ مسائلی است که در اسلام مورد بحث قرار گرفته است. آنچه اعتقاد به انتظار و مهدویت در اسلام را از سایر ادیان و مکاتب جدا ساخته، نگاه پویا و مستمر به ولایت الهی است که در نظام هدفمند خلقت از عصر آدم علیه السلام تاکنون ترسیم شده است. مکاتبی که در پی طرح وایده نوین در مهدویت هستند، به این مسئله توجه دارند (مرکز جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام، [imamalmahdi.com](http://imamalmahdi.com)).

اصل بحث آینده‌نگری، عموماً و بحث آینده‌نگری مثبت، خصوصاً؛ از جمله مباحث ضروری برای بحث منجی‌گرایی است. یعنی در این زمان، بحث آینده‌نگری بحثی انتخابی نیست؛ بلکه بحثی ضروری است و در واقع با طرح مباحث آینده‌نگری و بالاخص بحث آینده‌نگری مثبت، علاوه بر شناخت کامل آینده و فراسوی، می‌توان به مدیریت و هدایت آینده و فرجام تاریخ دست یافت. از این رو مباحث آینده‌نگری در این زمان بحثی ضروری است که شناخت و مدیریت آینده، متفرع بر آن است.

درواقع آینده‌نگری، کار فکری منتظمی است، مشتمل بر نگاه کردن به سوی آینده‌ای نه چندان نزدیک، به منظور پیش‌بینی آن (آلن پیرو، ۱۳۷۰: ۳۰۹). به عبارت دیگر، تجزیه و تحلیل آن چه در گذشته جریان داشته و نیز شناخت وضع موجود، همچنین قابلیت‌ها و امکانات؛ تصویری کمی و کیفی از پدیده‌های مورد بررسی را در آینده دور یا نزدیک به دست می‌دهد (پولاد دژ، ۱۳۶۷: ۱۳).

بشر در طول تاریخ، همواره شاهد آینده‌شناسی دینی بوده است. این نوع آینده‌شناسی، با

نگاهی روشن و جامع به کل تاریخ بشر، آینده‌ای محتوم و فراگیر را برای بشر ترسیم می‌کند. مهم‌ترین بعد آینده‌شناسی اسلام و در واقع فرجام تاریخ، «آموزه مهدویت» است. این آموزه، پاسخگوی بسیاری از دغدغه‌ها و مشکلات و سؤال‌های بشر در طول تاریخ و چشم‌اندازی الاهی و ایمانی به جامعه‌ای مطلوب و آرمانی است (کارگر، ۱۳۸۸: ۶۸).

### اهمیت

«آینده‌پژوهی»، هنر شکل دادن به آینده است؛ به آن شکل که آینده را می‌خواهیم. به باور برخی، کسانی که این دانش را در دست دارند، هم‌اکنون به آینده جهان، به دلخواه خود، شکل می‌دهند. می‌توان کشورها و جوامعی را دید که نتوانستند خود را با تحولات سازگار کنند و از این جهت، از هم فروپاشیدند. آن‌ها ذات تغییر را درست نشناختند. آینده‌شناسی از این منظر، دانش شناخت تغییرات است و شناخت آینده از حیاتی‌ترین علوم مورد نیاز هر انسانی است. لاس‌ول، پنج کارکرد عمده را برای حوزه آینده‌پژوهی برمی‌شمارد: توصیف هدف‌ها و ارزش‌ها؛ توصیف روندها؛ تبیین شرایط حاکم؛ تصویرپردازی آینده‌های ممکن و محتمل با توجه به ادامه شرایط و ابداع، ارزیابی و گزینش سیاست‌های بدیل، با هدف دستیابی به آینده مطلوب (ر.ک: چپستی و چرایبی مطالعات آینده، پایگاه اینترنتی آینده‌پژوهی <http://www.ayandehpajoohi.com>). این کارکردها و نقش آفرینی‌ها، بر اهمیت دانش آینده‌پژوهی بیش از پیش افزوده است.

دیگر آن که تغییر و تحول، یکی از پدیده‌های عادی در جامعه شده و روندی پیوسته و طولانی دارد. دگرگونی در همه زمینه‌ها، از گذشته تا حال و آینده امتداد داشته و خواهد داشت. آینده‌نگری در حقیقت، پاسخی خردمندانه و حکیمانه به چالش‌های پدید آمده در پی دگرگونی‌هاست؛ چنان‌که کنجکاوی و نگرانی انسان درباره سرنوشت خود در آینده، از مهم‌ترین دلیل‌های ضرورت آینده‌پژوهی است (منطقی، ۱۳۹۰: ۵۹). اما چگونه باید به پیشواز آینده رفت و چگونه می‌توان رفتارهای پیش‌دستانه داشت و چه سان می‌توان برای رخدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر آماده شد؛ حال آن که اگر رویدادی غیر منتظره باشد، بدشواری می‌توان برای

رویارویی با آن آماده شد؛ زیرا در حقیقت، نمی‌دانیم آن «رویداد» چیست. بدون تردید این دانش همانند دیگر علوم، دارای الزامات و بایسته‌هایی است تا در فرایندهای علمی و استنتاجات تحقیقی آن، خبط و انحراف پیش نیاید. از این رو، پرداختن به بایسته‌های علمی آینده‌پژوهی، بخصوص با رویکرد مهدویت و انتظار، انتظارات خاص خود را طلب می‌کند.

در حال حاضر، آینده‌پژوهی به عنوان رشته‌ای دانشگاهی، در بیش از شصت دانشگاه معتبر دارای کرسی است و نهادهای فراملی آینده‌پژوهی در طراحی و تدوین نقشه راه و پیش‌بینی آینده، جایگاهی در خور و سزاوار دارند. چاپ و انتشار هزاران مقاله و نوشتار در حوزه آینده‌پژوهی نیز گواهی بر این مدعاست. برای مثال، در سال ۲۰۰۱، میشل ماری‌ین در فصلنامه پیمایش آینده، چکیده سه هزار کتاب، گزارش و مقاله برگزیده حوزه آینده‌پژوهی را منتشر ساخت که در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ میلادی به رشته تحریر در آمده بودند؛ حال آن که سی سال پیش از این، آثار در خور توجه در فهرست ماری‌ین از رقم یکهزار و هفتصد تجاوز نمی‌کرد. این پیشرفت و افزونگی گویای روند رو به گسترش و فراگیری آینده‌پژوهی است. اینک پژوهش در حوزه آینده، به شیوه‌ای فزاینده، تصمیم‌ها و سیاست‌های عمومی را متاثر ساخته است و بسیاری از سازمان‌های آینده‌پژوهی می‌کوشند عرصه‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را هدف تلاش‌های خود قرار دهند و برای بهره‌مندی بیش‌تر از کسب و کار خود، آینده‌پژوهی را به خدمت گیرند (ر.ک: چیستی و چرایی مطالعات آینده، پایگاه اینترنتی آینده‌پژوهی <http://www.ayandehpajoohi.com>)

در اسلام، «مهدویت»، قلب تپنده تحقیقات آینده‌پژوهی، است. در هم تنیدگی فرهنگ انتظار مهدوی با آینده‌نگری بر کسی پوشیده نیست. آینده‌پژوه مسلمان نمی‌تواند در تحقیقات خود از ظرفیت‌ها و آموزه‌های فرهنگ مهدوی بهره نبرد؛ زیرا در صورت نادیده گرفتن این بخش، قلب تپنده تحقیقات خود را از کار بازداشته است و طبعاً موجبات نادیده گرفتن تحقیقات خود را رقم خواهد زد. این مهم، رعایت بایسته‌های تحقیقی را بیش‌تر می‌طلبد. به نظر می‌رسد این بایسته‌ها در سه حوزه بایسته‌های نظری، بایسته‌های روشی و بایسته‌های تبلیغی قابل بررسی باشند که به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود:

## بایسته‌های نظری

### مثبت اندیشی امیدوارانه

در جامعه، «انتظار»، نگرشی مثبت به آینده جهان است که منتظر را به‌رغم همه شداید و مصایب، امیدوار نگه می‌دارد. فرهنگ انتظار، روح امید را در ذهن و در نگاه و بینش انسان منتظر می‌پروراند؛ یعنی مجموعه تفکرات، انگیزه‌ها، عادات، رفتار و روابط شخص که به نحو مثبت و فعال سامان می‌یابد. اساساً «انتظار» از نظر دین و مذهب به معنای «امیدواری» است؛ امید به آینده‌ای نویدبخش و سعادت آفرین؛ امید به آینده‌ای که در آن، بشر راه خیر و صلاح را در پیش گیرد و دنیا در پرتو تحقق عدل الهی، به مدینه‌ای فاضله تبدیل گردد (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۸۰-۱۹۲).

آینده‌نگری که به معنای معطوف ساختن نگاه فرد و جامعه به آینده است، با سه رویکرد توجیه می‌شود:

- ۱- آینده‌نگری اکتشافی: توصیفی از آینده را فراسوی انسان قرار می‌دهد.
- ۲- آینده‌نگری هنجاری: الزاماتی را تعیین می‌کند تا انسان به آینده مطلوب برسد.
- ۳- راهبردهای آینده‌نگری: راهبردهای معطوف به آینده که کیفیت رسیدن به آینده، همراه با ابزار مناسب را فراسوی بشر قرار می‌دهد (ملکی‌فر، ۱۳۸۵: ۷).

آینده‌پژوهی در هر سه رویکرد مذکور، باید با نگرش ایجابی و مثبت همراه باشد؛ بدین معنا که روح امید و نگرش مثبت به آینده همواره باید بر پژوهش‌ها و پژوهشگرهای مهدوی استوار باشد. بدون تردید، تحقیق و اثر، حاصل تراوش روح و فکر محقق است و پیام‌ها از ذهن نویسنده به متن و از متن به ذهن مخاطب انتقال می‌یابد. آینده‌پژوه همواره باید این پیام را به مخاطب انتقال دهد که آینده از آن صالحان و نیکان بوده و در نتیجه فرجامی نیک خواهد داشت. از دید برخی، این موضوع نه تنها مؤید نقلی دارد، بلکه امری فطری است. با این تقریر: (۱) آینده مثبت، مطلوب و منظور همه انسان‌ها بوده و خواهد بود و نیز انسان‌ها بدون تعلیم، به آن رسیده‌اند. (۲) هر چه مطلوب همه انسان‌ها باشد و نیز بدون اکتساب در وجود آن‌ها تحقق یابد، فطری به شمار می‌آید؛ در نتیجه آینده مثبت که مطلوب و منظور

انسان‌ها است، از امور فطری است (الهی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۸۱).

علاوه بر بیان مذکور، جهان آفرینش تا کنون شاهد نظام حکومتی برین نبوده و جوامع انسان‌ها به جامعه ایده‌آل نایل نشده‌اند؛ یعنی به هدف خلقت خویش بارنیافته‌اند. البته در این راه، راهیان کوی حق، قربانی‌های فراوان نثار کرده‌اند؛ ولی هدف عمومی آفرینش حاصل نشده است. اسلام برابر اصول مسلم خود، چنین نوید می‌دهد که حکومت پهنه زمین و گستره زمان آینده، به دست وارستگان آزاده از هر گونه رذیلت قرار می‌گیرد؛ تا به ستم ظالمان پایان داده شود؛ زمین از تباهی طاغیان تطهیر گردد؛ طبقه محروم از فقر رهایی یابد و شکمبارگی مترفان فراموش گردد:

و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ الْوَارِثِينَ (قصص: ۵) و: أَنْ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. (انبیاء: ۱۰۵).

عدم توجه به این مهم، به تدریج روح یأس و ناامیدی را در پژوهش‌ها حاکم می‌کند و به تبع آن، جامعه هدف را تحت تاثیر قرار می‌دهد و چه بسا ممکن است حاکمیت یأس را در آینده پژوهان مسلمان نهادینه کند.

#### نگاه کیفی به ظهور نه کمی

روح پژوهش‌های آینده محور با رویکرد انتظار، بایستی بر این ویژگی مبتنی باشد که فرایند تحقق آینده درخشان و آرمانی مهدوی در گرو سپری شدن کمی زمان نیست؛ بلکه مهم، تحقق شرایط کیفی است؛ ولو این شرایط یکباره و ناگهانی ایجاد شود. به عبارت دیگر، انتظار ظهور حجت در آینده‌ای نامشخص، هم بیم‌دهنده است و هم نویدبخش. بیم‌دهنده است؛ زیرا منتظر بر این اندیشه است که شاید ظهور، همین سال، همین ماه، یا همین روز، رخ دهد؛ پس، باید برای حضور در پیشگاه حجت خدا و ارائه اعمال خود به آن حضرت آماده باشم؛ و نیز امیدبخش است؛ چرا که منتظر می‌اندیشد شاید در آینده‌ای نزدیک ظهور رخ دهد و سختی‌ها و مشکلات او به پایان برسد و لذا باید پایداری و مقاومت ورزید و نباید تسلیم جریان‌هایی گردید که در پی غارت سرمایه‌های ایمانی و اعتقادی‌اند. با توجه به مطالب یاد شده، می‌توان گفت تعیین زمان برای ظهور، برخلاف مفهوم و فلسفه انتظار است و چه بسا

منتظر را به سستی و یا ناامیدی بکشد؛ زیرا وقتی گفته شود تا فلان زمان مشخص (هر چند آینده‌ای نه چندان دور) ظهور به وقوع نخواهد پیوست؛ به طور طبیعی به سکون و رکود دچار می‌شویم و به این بهانه که هنوز تا ظهور فاصله داریم؛ از به دست آوردن آمادگی لازم برای ظهور خودداری می‌کنیم.

از سویی دیگر، اگر ظهور به هر دلیل در زمانی که به ما وعده داده شده است، رخ ندهد؛ به ناامیدی و یأس دچار می‌شویم و چه بسا در اصل اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان نیز تردید حاصل شود. در بسیاری از روایاتی که از پیامبر گرامی ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام نقل شده، این نکته مورد تأکید قرار گرفته که ظهور همانند قیامت، ناگهانی و غیرمنتظره فرا می‌رسد و زمان آن را هیچ کس جز خداوند حکیم نمی‌داند؛ از جمله در روایتی که امام رضا علیه‌السلام به واسطه پدران بزرگوارش از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند، چنین آمده است:

به پیامبر ﷺ عرض شد: ای رسول خدا! آن قائم که از نسل شماست، چه وقت ظهور می‌کند؟ آن حضرت فرمود: ظهور او مانند قیامت است. تنها خداوند است که چون زمان ظهورش فرا رسد، آشکارش می‌سازد. فرا رسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است. جز به ناگهان بر شما نیاید<sup>۱</sup>.

امام باقر علیه‌السلام نیز در تفسیر این آیه شریفه هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَهَا يَشْعُرُونَ؛ آیا چشم به راه چیزی جز آن ساعتند که ناگاه و بی خبرشان بیاید؟! (زخرف: ۶۶)؛ می‌فرمایند: مراد از ساعت، ساعت قیام قائم ﷺ است که ناگهان، برایشان رخ دهد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴: ۱۶۴)<sup>۲</sup>.

حضرت صاحب‌الامر ﷺ نیز در یکی از توقیعات خود بر این نکته تأکید می‌ورزند که ظهور، ناگهانی و دور از انتظار فرا می‌رسد:

۱. أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ: مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ قَالَ «مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لَا يُجَالِبُهَا لَوْفُهَا إِلَّا هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»، (اعراف: ۱۸۷) (صدوق، محمد بن علی بن الحسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲: ۳۷۳).

۲. «هِيَ سَاعَةُ الْقَائِمِ ﷺ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً».

فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتَةٌ فُجَاءَةٌ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى حَوْبَةٍ؛  
فرمان ما به یکباره و ناگهانی فرا می‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای  
کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه، کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد.  
(طبرسی، ۱۳۶۸: ۲: ۴۹۸).

این دسته از روایات، از یکسو هشدار می‌دهد که در هر لحظه، برای ظهور  
حجت حق آماده باشند و از سویی دیگر، تذکری است به همه کسانی که در پی تعیین وقت  
برای ظهورند<sup>۱</sup>. از این رو، موضوع تعیین وقت برای ظهور امری مذموم و نادرست است.  
همچنین وجهی ندارد اگر امر ظهور را به سپری شدن دوران و زمان معین منوط کنیم.

#### بایسته‌های روشی:

##### مکانیسم پیش بینی آینده

پیش‌بینی حوادث آینده یکی از مباحث مهم و مطرح در موضوعات آینده‌پژوهی است.  
سوالات ذیل همواره فراروی ذهن پژوهشگران بوده و می‌باشد: آیا بشر می‌تواند فردا و  
فرداهای خویش را پیش‌بینی کند؟ آیا پیش‌بینی بشر در این مورد، دقیق و قابل اعتماد است؟  
آیا برای پیش‌بینی دقیق و قابل اعتماد، می‌توان دلیل و برهان اثباتی ارائه داد؟ برخی همچون  
پوپر بر این باورند که نه در باره روند حرکت و تحول جامعه و نه در باره جریان تاریخ، به هیچ  
وجه نمی‌توان به تعمیم‌های کلی یا پیش‌بینی‌های آینده‌نگرانه دست زد. حوادث تاریخی  
ماهیتاً غیر قابل پیش‌بینی هستند. شاید بتوان بر اساس بعضی قراین و امارات و موارد تجربی  
و جریان‌های رخ داده مشابه، به پیش‌بینی و یا ترسیم برخی موارد مشابه دیگر اقدام کرد؛  
ولی پیش‌بینی سیر دقیق حوادث تاریخی و نتایج آن‌ها، به طور ماهوی امری ناشدنی است  
(تاج بخش، ۱۳۷۶: ۵۷).

روش نخست در پیش‌بینی حوادث فراروی، «آینده‌پژوهی نقل‌گرایانه» است؛ بدین معنا

۱. ر.ک. ابراهیم شفیع سروستانی، پیشگویی‌ها و آخر الزمان، جلد ۱ و ۲، ۱۳۸۵، تهران، نشر  
موعود عصر<sup>ع</sup>، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

که در منابع دینی، انبوهی از رخداد‌های طبیعی و غیرطبیعی و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، به عنوان نشانه ظهور یاد شده‌اند.

نعمانی رحمته الله، شیخ صدوق رحمته الله، شیخ مفید رحمته الله، شیخ طوسی رحمته الله، و طبرسی رحمته الله از پیشینیان شیعه و بسیاری نیز از معاصران، اخبار مربوط به نشانه‌های ظهور را در کتاب‌های خود گردآورده‌اند. شیخ مفید رحمته الله در آغاز «باب علامات قیام القائم رحمته الله»، با اشاره به اخبار و آثاری که در این مورد از معصومان علیهم السلام رسیده است، بیش از پنجاه نشانه را یاد کرده و علامه مجلسی در بحار الأنوار، شمار بیش‌تری را بر آورده است. علمای عامه نیز، از جمله علاءالدین هندی، ابن حجر و سیوطی، نشانه‌های ظهور مهدی علیه السلام را در کتاب‌های خویش بر شمرده‌اند (متقی هندی، ۱۳۹۹: ۱۸۳). روشن است که درجه اعتبار و درستی همه این نشانه‌ها یکسان نیست. برخی از این نشانه‌ها در منابع معتبر آمده و از جهت سند و دلالت استوارند و برخی در کتاب‌های عامه و منابع دست دوم یاد شده‌اند که اعتبار زیادی ندارند. برخی از این نشانه‌ها، تنها نشانه ظهورند و برخی دیگر، هم نشانه ظهورند و هم علامت برپایی قیامت. برخی نشانه‌های کلی و محوری‌اند و برخی گویای مسائل ریز و جزئی که گاه، همه آن‌ها را می‌توان در عنوان واحدی گرد آورد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۱۸۱ - ۲۷۷، و صدوق، ۱۴۰۵: ۲۸۰ - ۲۸۹). بنابراین، نمی‌توان مشخص کرد که نشانه‌های ظهور چه مقدارند. به فرض مشخص بودن نیز، مهم آن است که فراوانی روایات به ما این اطمینان را می‌دهند که در آستانه ظهور مهدی موعود حوادثی رخ خواهد داد.<sup>۱</sup>

اما مکانیسم دیگر در پیش‌بینی حوادث، مکانیسم «آینده‌پژوهی سنت‌گرایانه» است. حضرت علی علیه السلام در وصیتی به امام حسن علیه السلام فرمودند:

اَسْتَدِلُّ عَلَى مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ حَوَادِثِ آئِنْدَه رَا دِر پِرْتو حَوَادِثِ گِذْشْتَه بَرَسِي كِن كِه حَوَادِثِ هِمَانْد يَكْدِيگَر اِسْت. (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۱. ر.ک. اسماعیل اسماعیلی، بررسی نشانه‌های ظهور، مجله حوزه، آذر و دی ۱۳۷۴، شماره‌های ۷۰ و ۷۱.



این توصیه، به این نکته اشاره دارد که سلسله قوانین کلی بر جهان هستی و بر جوامع انسانی حکومت می‌کند که هر زمان مصادیقی از آن روی می‌دهد؛ ولی همه آن‌ها مشمول آن قوانین کلی هستند. بنابراین، انسان می‌تواند با مطالعه در حالات پیشینیان و جوامع گذشته و حتی با مطالعه در سنین پیشین عمر خود مسائل مربوط به امروز و فردا را از طریق مقایسه درک کند تا به خطا و اشتباه و زیان و خسران گرفتار نشود. این سخن شبیه چیزی است که امام در خطبه دیگری بیان کرده؛ آن‌جا که می‌فرماید:

عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ الدَّهْرَ يَجْرِي بِالْبَاقِينَ كَجَرِيهِ بِالْمَاضِينَ؛ بندگان خدا! این جهان نسبت به موجودین همان گونه جریان دارد که نسبت به گذشتگان جریان داشت (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷).

و این نکته همان است که در تعبیر روزانه به «تکرار تاریخ» معروف است. با این‌که حوادث و رویدادهای تاریخی به گذشته مربوط است؛ تأثیر آن بر حال و آینده ادامه دارد و نقش تأثیر هر رویدادی را نمی‌توان به زمان و مکانی خاص محدود کرد. به همین دلیل شناخت تاریخ و کشف قانون‌ها و سنت‌های آن به برنامه‌ریزی آینده کمک می‌کند. از این رو می‌توان از سخنان حضرت این نتیجه را گرفت که حوادث و رویدادهای عالم بر اساس سنت و چارچوبی مشخص رخ می‌دهند و پدیداری آن‌ها بی‌جهت و بی‌علت نیست. اگر بتوان ملاک‌ها و علل پدیده‌ها را درست شناسایی کرد، راه برای پیش‌بینی حوادث و اتفاقات فراروی هموار می‌گردد؛ یعنی از آن‌جا که امور عالم مشابه یکدیگرند؛ این امکان وجود دارد که بر اساس آنچه در گذشته اتفاق افتاده است، برای آینده پیش‌بینی داشت و استدلال نمود؛ چرا که امور مشابه، علل و زمینه‌های پدیداری مشابه نیز خواهند داشت.

#### حکومت طمانینه شرعی، در فرایند و استنتاجات تحقیق

آینده‌پژوهی، با رویکردها و قالب‌های متنوعی قابل پیگیری است. گاهی با رویکرد دینی و گاهی با رویکرد عقلی که معمولا در قالب فلسفه تاریخ دنبال می‌شود. در مواردی نیز این موضوع در قالب علوم غریبه، نظیر رمل، جادو، اسطرلاب، طالع بینی، فال بینی، اختر شناسی و گاه با رویکرد شهودی و عرفانی دنبال می‌شود. گاهی نیز آینده‌پژوهی با رویکرد بشری و

تجربی پی گرفته می‌شود. خلاصه این که آینده نگری با ابزار و رویکردهای گوناگون قابل توجیه است که هر کدام از این رویکردها در ابزار به کار گیری و نوع شناسایی آینده و قطعیت و عدم قطعیت با دیگری متفاوت است. آنچه در این میان حائز اهمیت است، رسیدن به طمانینه علمی و حجت شرعی در تحقیقات است.

«حجت» از حیث لغوی، چیزی را گویند که این صلاحیت را داشته باشد که به وسیله آن بتوان بر امری احتجاج نمود: «كُلُّ شَيْءٍ يَصْلَحُ أَنْ يَحْتَجَّ بِهِ عَلَيِ الْغَيْرِ وَ ذَلِكَ بَأَنْ يَكُونَ بِهِ الظَّفَرُ عَلَيِ الْغَيْرِ عِنْدَ الْخُصُومَةِ مَعَهُ»؛ اما اصولیان حجت را چیزی دانسته‌اند که متعلق خود را اثبات می‌کند؛ به طوری که به درجه قطع نرسد (مظفر، ۱۳۷۰: ۵). در حجت باید «منجذبت» و «معذرت» برای فرد رقم بخورد؛ به طوری که در صورت ترک امر مُدْرَك شخص مستحق عقاب بوده و در صورت کاشفیت از خطای در فهم ظاهر که در سیری روشمند صورت گرفته است؛ فرد معذب نباشد؛ چرا که بر اساس فهم و دریافت خود می‌توانست احتجاج کند و برهان اقامه نماید.

هر چند بحث حجیت از مباحث مهم در اصول فقه است؛ منحصر بدان نیست؛ بدان معنا که قواعد و استنتاجات این موضوع در هر علمی، بخصوص علوم دینی باید جاری باشد. در واقع موضوع مباحث «حجیت»، راهیابی و دستیابی به اموری است که این شایستگی و صلاحیت را دارند که بر احکام و معارف دین دلیل و حجت باشند. البته معنای سخن این نیست که به ضرورت، از طریق این ادله همواره می‌توان به عین واقع احکام و معارف دست یافت؛ که اگر چنین شود، نهایت سعادت است؛ ولی نکته این است که اگر فرضاً خطایی صورت گیرد، ما معذور بوده، به دلیل مخالفت با احکام واقعی عقاب نخواهیم شد؛ چرا که در حد توان، تلاش خود را به کار بسته ایم (همان). ما در تحقیقات آینده محور خود بسیار بدین نکته نیاز داریم.

اماره یا حجت، راهی است که مکلف را به کشف حکم شارع می‌رساند که محصول به دست آمده از آن، «ظن» است. البته ظن با اماره مترادف است. ظن معتبر حداقل دارای دو ویژگی می‌باشد:

ویژگی اول: اماره باید ظن نوعی به وجود آورد؛ یعنی به گونه‌ای که برای بیش‌تر مردم ظن‌آور باشد.

ویژگی دوم: حجیت اماره مختص مواردی نیست که یقین حاصل شده است؛ بلکه در مواردی که به یقین هم برسد، می‌تواند از اماره استفاده کند.

در نتیجه محقق باید در ارائه نظریات و یافته‌های خود در حوزه آینده‌پژوهی مهدوی، همواره به اصل حکومت طمانینه و حجیت شرعی توجه داشته باشد و از گمانه زنی و حدس‌گرایی اجتناب ورزد؛ به ویژه آن‌که حوزه مهدویت موضوعی است که از سوی عقیدتی و بنیادین بوده و از سوی دیگر امکان سوء استفاده و برداشت‌های ابزاری و عوام‌فریبانه در آن بیش‌تر است؛ چنان‌که در تاریخ مهدویت چنین امری به چشم می‌خورد.

باید در نظر داشت که انتظار در نگاه اولیه، نوعی پالایش و آمایش درونی است؛ اما با حوزه عمل و رفتار شخص ارتباطی مستقیم دارد. از این روست که در روایات، از انتظار به عنوان یک عمل، بلکه بهترین عمل یاد شده است (صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲: ۳۷۷). همچنین حلقه مفهومی و معرفتی اندیشه اجتماعی و سیاسی شیعه با مفاهیمی کلیدی همچون انتظار فرج، مهدویت، تشکیل حکومت جهانی، عدالت، امر به معروف و نهی از منکر شکل می‌گیرد و این مفاهیم اساسی که جزو کلید واژگان اعتقادی شیعه هستند، در برون داد معرفتی خود به تأسیس و ایجاد نهادهای سیاسی و اجتماعی در جهت مفهوم امامت و حرکت دین می‌انجامد. از این رو، همان‌طور که در فقه نباید از مدار و مقام حجیت خارج شد، در موضوعات عقیدتی، از جمله آینده‌پژوهی مهدوی این مهم همواره باید لحاظ گردد.

### بایسته‌های تبلیغی

تبیین مبانی فکری و مواد معرفتی دکترین مهدویت و ارائه شاخصه‌های حق و باطل یکی از عوامل زمینه ساز ظهور، ایجاد بیداری عمومی و ارتقای سطح معرفتی افراد است. این‌که امام زمان علیه السلام در کلامی خطاب به محمد بن علی بن هلال کرخی، از جهل و نادانی

برخی ابراز ناراحتی می‌کند؛<sup>۱</sup> می‌تواند در بردارنده این پیام باشد که یکی از وظایف محوری تحقیقات مهدوی و رسانه‌های منتظر و زمینه ساز، باید افزایش بعد معرفتی و دین‌شناختی بندگان خدا باشد. از این رو هر چه پژوهش‌ها و رسانه‌های زمینه ساز، ساز و کارهای توسعه و تعمیق معرفت و عقلانیت را در جوامع هدف بیش‌تر نماید، این موضوع می‌تواند زمینه‌ها را برای خروج از باطل و پذیرش حق و در نتیجه گرایش به منجی سریع‌تر فراهم کند. از این رو می‌بینیم که در اندیشه معمار کبیر انقلاب، امام خمینی علیه‌السلام، بیداری و معرفت بخشی عمومی، اولین گام در تحقق اهداف والا است و پیروزی ملت‌های مستضعف در گرو این مهم قلمداد می‌شود (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۲: ۱۴۱).

در این میان، پژوهش مطلوب می‌تواند با برنامه ریزی منسجم و به کارگیری همه ظرفیت‌ها و امکانات خود، گروه‌های در دام افتاده در اختاپوس دجالیسیم را شناسایی کند و فرهنگ ناب انتظار و فریاد موعود خواهی را به گوش جان آن‌ها بنشاند و با به راه انداختن یک دانشگاه بزرگ، ره گم‌کردگان را ارائه طریق نموده و آن‌ها را به ساحل نجات حقیقت مهدوی رهنمون سازد. این که شبکه اول تلویزیون بی‌بی‌سی انگلیس در برنامه مستندی به نام قرن دوم (در آستانه ورود به قرن ۲۱) چنین خبر می‌دهد: «آنچه در ایران در سال ۱۹۷۹ رخ داد، نه تنها برای ایرانیان، بلکه برای تمام ادیان جهانی نقطه عطفی بود؛ نقطه عطفی که از بازگشت میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا به اصول‌گرایی مذهبی خبر می‌دهد»؛ می‌تواند بر نقش راهبردی جبهه زمینه ساز ظهور و ابزارهای علمی و پژوهشی و رسانه‌ای آن گواهی دهد.

#### نمایاندن کارکردهای جامعه مهدوی

نمایاندن نقش و کارکردهای تفکر و جامعه مهدوی در خرده سیستم‌های فرهنگ، اقتصاد و سیاست، می‌تواند یکی دیگر از رسالت‌های پژوهش‌های آینده‌نگر و زمینه ساز باشد. اگر از حیث عقلی و علمی نشان داده شود، تحقق آرمان‌هایی همچون عدالت، امنیت، رفاه است و

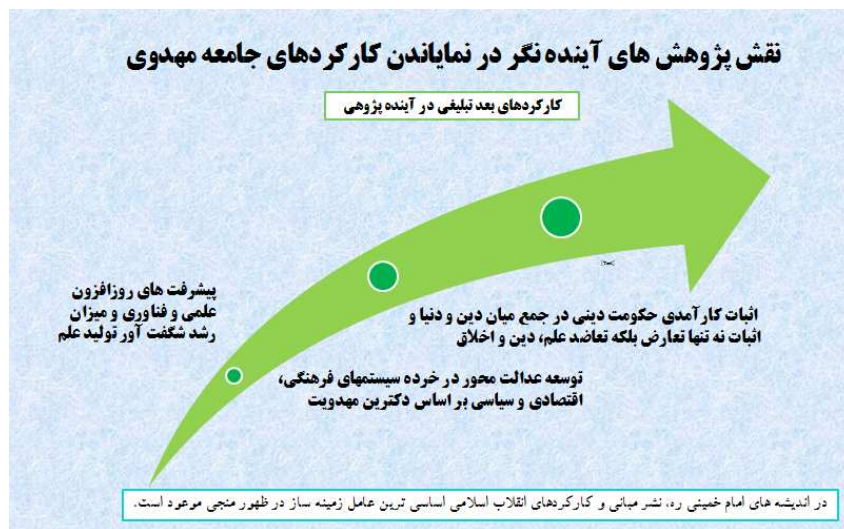
۱. «یا محمد بن علی! قد آذانا جهلاء الشیعة وحمقاؤهم، ومن دینه جناح البعوضة أرجح منه» (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲: ۲۸۹)، به نقل از: حاجتی، ۱۳۸۱: ۶۵.

تربیت، در گرو کاربست اندیشه‌های مهدوی است این موضوع خود می‌تواند در هدایت فریب خوردگان و به طور کلی افکار عمومی نقش بی‌بدیلی داشته باشد. در واقع از آن‌جا که دجالیسیم، ضد موعود و منجی‌گرایی بوده و قصد تخریب شخصیت موعود اسلام را دارد؛ لازم است در مقابل این پدیده، کارکردهای حکومت منجی‌بیش از پیش به تصویر کشیده شود. به عنوان مثال، آنچه در تبیین و ترسیم اوضاع امنیتی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۱۴۴) و عدالتی فوق‌العاده حکومت مهدوی (همان: ج ۵۰: ۱۹۴) و همچنین آسایش و رفاه ایده آل در حکومت آن حضرت آمده (همان، ج ۵۲: ۱۲۷) و نیز تحلیل عقلانی آن‌ها؛ خود می‌تواند از محوری‌ترین برنامه‌های آینده‌پژوهان مهدوی و رسانه‌های زمینه‌ساز باشد. به هر روی، وصف معقول آرمان شهر حکومت مهدوی، خود شور و شوق تشنگان جامانده از حقیقت و جهانیان محروم از عدالت و معنویت را نسبت به منجی و حکومتش دوچندان خواهد کرد.

اگر انقلاب اسلامی ایران پرتوی از حکومت ناب مهدوی است، پژوهش‌ها و آثار موعود‌گرا می‌تواند تبیین و ترویج کارکردها و پیشرفت‌های انقلاب اسلامی ایران را در راس برنامه کاری خود قرار دهد. این موضوع از آن جهت اهمیت و موضوعیت دارد که جمهوری اسلامی ایران رمز حدوث و بقای خود را در دین و دکتربین مهدوی می‌داند. حتی به عقیده کسانی همچون هاینس جفری در کتاب «مذهب، قدرت نرم و روابط بین‌الملل»، ایران نخستین انقلاب مدونی بود که برتری و تفوق ایدئولوژیکی، اشکال سازمانی هدایت افراد و اهداف مورد ادعایش همه مذهبی بودند که اصول آن برخاسته قرآن و سنت است (محمدی، ۱۳۸۸: ۳۰). نمایاندن پیشرفت و توسعه عدالت محور نظام ولایت فقیه (به عنوان نظام نیابتی امام عصر علیه السلام) در حوزه‌های علمی، عمرانی، نظامی، اقتصادی و... جهانیان را به سوی این حقیقت رهنمون خواهد کرد که حکومت دینی نه تنها با علم و پیشرفت و اخلاق در تعارض نبوده، بلکه اساساً چنین نظامی می‌تواند موجبات تعمیق و توسعه علوم، اخلاقیات و پیشرفت را در جامعه رقم زند. به عنوان مثال، وقتی موسسه بین‌المللی (science-metrixs) ساینس متریکس در گزارش سال ۲۰۱۰ خود، ایران را حائز بالاترین میزان رشد متوسط تولیدات علمی در جهان معرفی کرده و میزان آن را ۱۱ برابر میانگین رشد تولید علم در دنیا اعلام می‌دارد؛

بر عهده پژوهشگران و رسانه‌های زمینه ساز است که از این ظرفیت برای نشان دادن کارکردهای دکتربین مهدوی تلاش مضاعف داشته باشد.

این همه، شور و شوق جهانیان را به انقلاب و مبنای فکری آن، یعنی نظام ولایی مهدویت بیش از پیش نشان می‌دهد. نکته قابل تامل این‌که آینده‌پژوهان و نویسندگان و رسانه‌های زمینه‌ساز، باید این حقیقت را به گوش فریب خوردگان جریان دجالسیم و اساسا به همه جهانیان برسانند که انقلاب اسلامی (با این شاخصه‌های درخشان) تنها پرتو و ذره‌ای از حکومت منجی موعود بوده و خود این انقلاب در انتظار حکومت عظیم دیگری است که از حیث کمی و کیفی بسی بیش‌تر و زیباتر و والاتر از آن خواهد بود.



بر این اساس، امام راحل، ابلاغ دکتربین حکومت ولایی و صدور آن را در میان جهانیان، زمینه ساز ظهور دانسته و می‌فرماید:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (ارواحنا فداه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهاد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار داد... باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید؛ ولی این به آن معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است؛ منصرف کند (خمینی،

۱۳۶۱، ج ۲۱: ۱۰۷-۱۰۸).

از این رو آینده‌پژوه مسلمان باید در تحقیقات خود، همواره بعد تبلیغی کار را در نظر داشته باشد و در جهت تبیین مبانی فکری مهدوی و ارائه شاخص‌های حق و باطل و همچنین نمایاندن کارکردهای جامعه مهدوی بنیان، کمر همت بر بندد. بدون تردید اگر اهمیت بایسته‌های تبلیغی پژوهش‌های آینده محور، از بایسته‌های نظری و روشی بیش‌تر نباشد، کم‌تر نیست.

#### نتیجه

آینده‌پژوهی مهدوی با توجه به اهمیت عقیدتی و دینی آن نسبت به تحقیقات مشابه خود الزامات پژوهشی بیشتری را می‌طلبد.

لازم است در حوزه بایسته‌های نظری، دست‌کم دو اصل (۱) مثبت اندیشی امیدوارانه؛ (۲) نگاه کیفی به ظهور نه کمی؛ مورد نظر آینده‌پژوهان مهدوی قرار گیرد. در حوزه بایسته‌های روشی، اتخاذ دو راهبرد (۱) مکانیسم پیش‌بینی آینده؛ (۲) حکومت طمانینه شرعی در فرایند و استنتاجات تحقیق همواره باید روح حاکم بر آینده‌پژوهی انتظار باشد.

در حوزه بایسته‌های تبلیغی، اصولی همچون (۱) تبیین مبانی فکری و مواد معرفتی دکترین مهدویت و ارائه شاخصه‌های حق و باطل؛ (۲) نمایاندن کارکردهای جامعه مهدوی می‌توانند موجبات غنا، هم‌افزایی و تاثیرگذاری پژوهش‌های مهدوی را دو چندان کنند.

## کتابنامه

- قرآن کریم.  
نهج البلاغه.
۱. آلن پیرو (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر روحانی، تهران، مؤسسه کیهان.
  ۲. اسماعیلی، اسماعیل (۱۳۷۴). بررسی نشانه‌های ظهور، مجله حوزه، شماره ۷۰ و ۷۱، آذر و دی.
  ۳. الهی نژاد، حسین (۱۳۸۶). آینده نگری و فرجام تاریخ بشر، انتظار موعود، شماره ۲۱، تابستان.
  ۴. پوررستمی، حامد (۱۳۸۹). نقش معناشناسی «دجال» در رسالت رسانه زمینه ساز، فصلنامه مشرق موعود، سال چهارم، شماره ۱۶.
  ۵. پولاد دژ، محمد (۱۳۶۷). آینده نگری رشد و توسعه در سیستم برنامه ریزی، تهران، نشر صنوبر.
  ۶. تاجبخش، احمد (۱۳۷۶). تاریخ و تاریخ نگاری، شیراز، نشر نوید شیراز.
  ۷. حاجتی، میر احمد رضا (۱۳۸۱). عصر امام خمینی علیه السلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
  ۸. خمینی، روح الله (۱۳۶۱). صحیفه نور، تهران، وزارت ارشاد.
  ۹. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۷). پیشگویی‌ها و آخر الزمان، جلد ۱ و ۲، دوم، تهران، نشر موعود عصر علیه السلام.
  ۱۰. صدوق، محمد (۱۴۰۵هـ.ق). کمال الدین و تمام النعمه، قم، موسسه النشر الاسلامی.
  ۱۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۶۸هـ.ق). الاحتجاج، جلد ۲، نجف، دارالنعمان.
  ۱۲. ملکی فر، عقیل (۱۳۸۵). الفبای آینده پژوهی، تهران، کرانه علم.
  ۱۳. کارگر، رحیم (۱۳۸۸). آینده پژوهی مهدوی، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۲۸.
  ۱۴. متقی هندی، علی بن حسام (۱۳۹۹هـ.ق). البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، تهران، شرکتة الرضوان.
  ۱۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳هـ.ق). بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء.
  ۱۶. محمدی، یدالله (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی و نقش تاریخ ساز امام خمینی علیه السلام در تولید قدرت نرم، مجموعه مقالات قدرت و جنگ نرم.
  ۱۷. مظفر، محمد رضا (۱۳۷۰). اصول الفقه، جلد ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
  ۱۸. منطقی، محسن (۱۳۹۰). آینده پژوهی، ضرورت آینده مطالعات فرهنگی و علمی، نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی.
  ۱۹. هاشمی شهیدی، سید اسدالله (۱۳۸۰). ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، قم، انتشارات جمکران.



سایت‌ها:

۲۰. پایگاه اینترنتی آینده پژوهی <http://www.ayandehpajoochi.com>

۲۱. پایگاه اینترنتی مرکز جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام <http://www.imamalmahdi.com>



سال سیزدهم / شماره ۴۰ / بهار ۱۳۹۲

## نور مهدی، هدایتگری از فراسوی آینده

علی اصغر پورعزت \*  
میثم علیپور\*\*  
علی اصغر سعدآبادی\*\*

### چکیده

تجلی انتظار بر فراگرد آینده‌سازی، از جمله جلوه‌های بسیار مهم و تحلیل نشده مهدویت است. شأن امام مهدی علیه السلام در هدایت‌گری مردم، در دوران غیبت نیز تأمل برانگیز است و بر شکل‌گیری روندهای آینده تأثیر شگرفی دارد؛ تا حدی که می‌توان گفت، نام، کردار و منش ادراک شده او، همچون فانوسی در تاریکی دریا، هدایتگر کشتی‌های سردرگمی است که در ابهام خود در مسیر آینده، در معرض انحراف و گم‌گشتگی قرار دارند. رویکرد استعاره‌ای به منزلت امام، به منزله فانوس هدایت و چراغ روشنی‌بخش مسیر مردم از حال به آینده، در امتداد تعبیری در سنت چهارده معصوم علیهم السلام، نظیر «مصباح الهدی» و «طاووس اهل جنت» ذکر می‌شود. این رویکرد، در امتداد مضامین آیات شریف و ادعیه وارد شده که شناخت امام را شرط ناگزیر فلاح و رستگاری و حفظ ایمان دانسته، اطاعت آگاهانه از ایشان را لازمه اسلام و بندگی در پیشگاه پروردگار می‌داند؛ مورد تأکید قرار می‌گیرد و معرفت امام را نتیجه معرفت ثقلین و اطاعت از امر پروردگار فرض می‌کند. نتیجه آن که شأن امام معصوم علیه السلام در ظهور و غیبت، همواره هدایتگر آحاد بندگان خداوند متعال بوده، آیت هدایت و چراغ روشنی‌بخش راه آنان به سوی آینده‌ای است که در اعماق زمان پیش‌رو قرار دارد. کلیدواژگان: مهدی و هدایت‌شدگی، مصباح‌الهدی، فانوس دریایی، هدایت‌گری و راه‌یابی، استعاره، داستان‌پردازی.

---

\* استاد گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران؛ Pourezzat@ut.ac.ir  
\*\* دانشجوی دکتری خط‌مشی‌گذاری عمومی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران؛ Alipoor969@yahoo.com  
\*\* دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشگاه تهران؛ Alisadabadi@ut.ac.ir

در سنت تفکر شیعه، هدایتگری معصوم، پاسخ خداوند متعال به نیاز جامعه است؛ یعنی در برابر نیاز میرم مردم به هدایت شدن، امر خداوند متعال به این مهم تعلق گرفته است که همواره هدایتگری، مردم را با آیتی از آیات شریف خود، تضمین نماید. این آیات یا به طور مکتوب انشاء می‌شوند و در ظرف کتاب و مصحف متجلی می‌گردند؛ یا در مقام امام ظاهر می‌شوند و در قالب سنت و رویه معصوم معتبر می‌گردند.

به هرحال، شأن کتاب و سنت، هدایتگری است و ناآشنایی با این دو، نقصانی بزرگ در زندگی عموم آدمیان محسوب می‌شود و رویگردانی از آن دو، خسروانی بی‌حساب و تأسف‌بار برای گمراهان در پی دارد.

اما این سؤال مطرح می‌شود:

در دوران غیبت که ثقل اکبر در معرض مهجوریت قرار می‌گیرد و ثقل اصغر غایب می‌شود، تکلیف مردم چیست؟

نام امام زمان با دلالت بر دوران و امامت بر زمان (پورعزت، ۱۳۸۷: ۲۹۵)؛ جلوه‌ای زیبا از هدایتگری مستمر نام، منش و کردار او بر آدمیانی است که با شتاب و ناگزیر به سوی آینده گام بر می‌دارند.

برای فهم این معنا، تأمل بر سرشت پر ابهام آینده و ارزش جلوه‌گری چراغ هدایت و دلیل و راهنما از آن، بسیار راهگشاست.

### تاریکی و ابهام در مسیر آینده

سرشت حرکت به سوی آینده، پر ابهام و رمزآلود بوده، چونان حرکت در تاریکی است. آدمی در حالی وارد آینده می‌شود که به حقیقت آن هیچ بصیرتی ندارد و اساساً ورود او به زمان آینده، ورود به محیطی ناشناخته است. بنابراین، انگاره آینده در ذهن آدمی، حتی اگر از امید و شوق و اشتیاق مملو باشد، نمی‌تواند مبین حرکتی برنامه‌ریزی شده، در جاده‌ای شناخته شده در روز روشن باشد. لذا آدمی درحالی وارد آینده می‌شود که از آن و حوادثی که آینده در خود نهفته دارد، هیچ نمی‌داند و می‌توان گفت که همواره به مقصد خویش جاهل است

(پورعزت و سعدآبادی، ۱۳۹۱: ۱۴ و سعدآبادی و پورعزت، ۱۳۹۲: ۳۳): زیرا نمی‌داند که در ساحت زمان به کدام سوی می‌رود: سعادت یا شقاوت، هدایت یا گمراهی، کامیابی یا ناکامی؛ و نمی‌تواند با اطمینان بگوید که رستگاری را در پیش دارد یا سقوط مرگبار به اعماق گمراهی‌های بیایی را.

### راهنمایی و دلیل از آینده

همچنان که در ساحت مکان، وجود دلیل و راهنما راهگشاست، در ساحت زمان وجود علامت یا نشانه یا دلیلی که بر مقصد سعادت راهنما باشد، بسیار کمک‌کننده است؛ راهنمایی که شوق بیافریند و مسیر و مقصد را نشان دهد و لحظات زمان را پرمعنی و شوق‌انگیز نماید؛ راهنمایی که تسهیل‌گر و برانگیزاننده باشد و از مبدأ ظلم و جهل به مقصد عدل و دانایی راهنمایی کند. با تأمل بر تقابل ظلم و ظلمت با عدل و روشنایی و تقارن «ظلوماً جهولاً» به نظر می‌رسد باید عدل را هادی به روشنایی یا مقارن با آن شناخت و به اصطلاح «عادلاً علیماً» اندیشید.

بنابراین، عدل و دانایی، هدف‌های ارزشمند حرکتی تلقی می‌شوند که از مبدأ جهل و ظلم به مسیر کسب علم و دادگری امتداد می‌یابند و ارزش می‌آفرینند. در این پژوهش، از استعاره «فانوس»، به عنوان دلالت بر شان امامت بر زمان استفاده شده است. این استعاره بی‌سابقه نیست؛ به طوری که درباره امام حسین نیز از استعاره «مصباح‌الهدی» و «سفینه‌نجات» استفاده شده است (ر. ک. بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۴: ۵۲).

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر اساس چگونگی به دست آوردن داده‌های مورد نیاز و از حیث روش انجام آن، در زمره تحقیقات توصیفی قرار می‌گیرد. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی، از نوع تحلیل محتواست.

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، شامل انواع گوناگونی از داده‌های کیفی، نظیر گفت‌وگو، مشاهده، مصاحبه، گزارش‌های عمومی، یادداشت‌های روزانه پاسخ دهندگان و تعاملات و تفکرات خود پژوهشگران می‌باشد.

استعاره‌ها، مجموعه خاصی از فراگردهای زبانی‌اند که در آن‌ها جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر نسبت داده یا منتقل می‌شوند؛ به نحوی که گویی شیء دوم، مانند شیء اول است (Inns, 2002, p.36 ; Lakoff & Johnson, 1980, p. 36). بر این اساس، باید گفت استعاره، چیزی فراتر از یک آرایه ادبی است و در فراگرد تفکر و فهم انسانی نقش بسزایی ایفا می‌کند (Brumer, 1993, 4-10). استعاره، ابزاری است که از طریق آن می‌توان برخی از وجوه پدیده‌های ناشناخته و پیچیده را درک کرد. در واقع استعاره‌ها که اساسا بر پایه مشابهت میان دو پدیده تبیین می‌شوند، در فضایی انتزاعی فروکاهیده و ساده‌سازی شده از مفهوم؛ فهم پدیده‌های پیچیده را آسان و قابل دسترس می‌کنند. از این رو، استعاره با توجه به پیچیدگی حیات سازمانی، می‌تواند برای تحلیل‌های سازمانی ابزاری مفید و موثر باشد (Clancy, 1989). بر این اساس، نظریه‌پردازان مدیریت از ابزار استعاره کمک گرفته‌اند تا بتوانند سازمان را بهتر درک کرده و این درک را به دیگران نیز عرضه دارند.

هریک از این استعاره‌ها، ویژگی و کارکردی از سازمان را مورد توجه قرار می‌دهد و آن ویژگی یا کارکرد خاص را بهتر نمایان می‌سازد. بدین ترتیب این انتظار تقویت می‌شود که هر استعاره جدید، باید به نوعی، از یک کارکرد یا ویژگی جدید سازمان پرده بردارد یا مفهوم آن را در کانون توجه قرار دهد (Hatch, 1997, p.52). در همین امتداد، طی سه دهه اخیر، برخی از نظریه پردازان سازمان و مدیریت، با رویکردی روش شناختی به استعاره‌های سازمان، واژگان استعاری گوناگونی را برای شناخت بهتر جوانب گوناگون پدیده‌های سازمانی به کار برده‌اند. برای مثال، می‌توان به استعاره‌های تیم ورزشی (Keidel, 1987)، پازل، اسکیت باز، ارکستر جاز<sup>۱</sup> (Neilson, 1992)، خانه<sup>۲</sup> (Pearce & Osmond, 1996)،

- 
1. jigsaw puzzle, ice skater, jazz band
  2. house

ناخوشی<sup>۱</sup> (Wyld, Philips, Philips & Cappel, 1998)، جاز<sup>۲</sup> (Hatch, 1998)، غذا، و جنگ<sup>۳</sup> (Oliver, 1999)، سفری<sup>۴</sup> (Mintzberg, Ahlstrand, & Lampel, 1998)، جایگاه<sup>۵</sup> (Walck, 1996)، ارتش (Winsor, 1996)، رودخانه (Lamberg & Parvinen, 2003)، و تئاتر (Terry, 1997) اشاره کرد.

### داستان پردازی

«داستان‌سرایی»، از جمله راهبردهای موفق برای مداخله در سیستم‌های اجتماعی و بهبود شرایط سازمان‌ها، ملت‌ها و سایر قالب‌های اجتماع بشری محسوب می‌شود. در باب تأثیر داستان‌سرایی بر آینده‌سازی، مباحث تأمل برانگیزی مطرح شده اند که بر تأثیر شگرف داستان‌ها بر شکل‌گیری واقعیت دلالت دارند (Boje, 2008)؛ با این حال، تأکید می‌شود که در روایتگری‌های "اثرگذار تاریخ بر آینده"، داستان‌هایی اثربخش<sup>۶</sup> خواهند بود که از ویژگی‌های ذیل برخوردار باشند:

الف) به‌طور شفاف با گذشته مرتبط باشند؛

ب) در امتداد حال باشند؛

ج) جلب‌کننده اطمینان باشند؛

د) با روایت‌های غالب در جامعه، تعارض آشکار نداشته باشند.

یعنی فقط در صورت وجود چنین شرایطی می‌توان به اثر گذاری یک داستان امیدوار بود؛ داستانی که به لحاظ اتصال به گذشته، در امتداد حال بودن و مورد اعتماد مردم بودن، از قابلیت اثرگذاری بر آینده برخوردار باشد. بر این اساس، برخی داستان‌ها باورپذیرند، برخی

- 
1. disease
  2. Jazz
  3. food and war
  4. safari
  5. place
  6. Effective Story

ممکن‌اند، برخی ترجیح داده می‌شوند، برخی ناممکن و برخی معقول‌اند. در این میان، داستان مهدی موعود علیه السلام داستانی متمایز است؛ داستانی است که از گذشته واقعی آغاز شده، در میان آحاد جامعه پذیرفته و باور گشته و بدون شک، بر آینده تأثیر دارد. استفاده از کلمه داستان در باره امام مهدی علیه السلام با این ملاحظه صورت گرفته است که مخاطب تفاوت داستان واقعی و اسطوره تخیلی را می‌داند.

### تبارشناسی نظری استعاره فانوس دریایی

استعاره «فانوس دریایی» استعاره‌ای بسیار اثرگذار است که بر وجه هدایتگری، راه‌نمایی و هدایتگری یک وجود یا هویت دلالت دارد؛ هویتی که به حدی هدایتگر است که می‌توان آن را به چراغ هدایت (مصباح‌الهدی) یا فانوس دریایی (هدایتگر گم‌شدگان) تشبیه کرد. فانوس دریایی، چراغی است که مسافران دریا با دیدن آن راه نجات و ساحل مقصد را پیدا می‌کنند. سلوک و گفتار ائمه معصومین علیهم السلام، هدایتگری است که همچون فانوس دریایی، گم‌گشتگان دریای پرتلاطم حیات دنیایی را هدایت و به راه فلاح و رستگاری جلب می‌کند. این مفهوم بسیار برای اذهان آشناست؛ به طوری که می‌توان نمونه‌های زیادی را در ادبیات رایج یافت که مردم، افراد هدایتگر را به چراغ هدایت تشبیه کرده‌اند. گویا بین مفهوم چراغ و هدایتگری، شباهت یا قرابت مفهومی قابل توجهی وجود دارد.

### مهدی علیه السلام و مصایح هدایت اسمای حق تعالی

با تامل بر برخی از نام‌ها، لقب‌ها و کنیه‌های چهارده معصوم علیهم السلام، ملاحظه می‌شود که این لقب‌ها و کنیه‌ها بسیار با دقت انتخاب شده‌اند: احمد علیه السلام، علی علیه السلام، زهرا علیها السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام، سجاد علیه السلام، باقر علیه السلام، صادق علیه السلام، کاظم علیه السلام، رضا علیه السلام، جواد علیه السلام، هادی علیه السلام، زکی علیه السلام و مهدی علیه السلام جالب توجه آن که آخرین نام، به طور صریح بر وجه هدایتگری دلالت دارد؛ هدایت‌گری که هدایت شده است. وقتی ظهور این هدایتگر به آینده موکول می‌شود، به وجود هدایت‌شده‌ای دلالت دارد که در آینده موعود حضور دارد و ما از حال نامطلوب به سوی وصال عهد او در حرکتیم. در واقع، نام مهدی چون فانوس دریایی، هدایتگر اذهان مردم

است؛ مردمی که بارها در دنیای خود گمراهی را تجربه کرده‌اند و ارزش هدایت و منزلت هدایت‌شدگی را دریافته‌اند و می‌دانند که حرکت به سوی آینده یا مقصد موعود در ساحت زمان، بسیار پر ابهام‌تر از حرکت به سوی آدرس یا مقصدی معین در ساحت مکان است. در این رویکرد، هر جلوه از شخصیت مهدی علیه السلام، علامتی برای نجات از وضع موجود است و چراغ و مصباحی برای هدایت کسانی است که می‌خواهند در ساحت پر ابهام زمان، در مسیر هدایت، به سوی او گام بردارند.

این چنین است که در دشوارترین لحظات غیبت نیز نام امام در نقش هدایتگری و راهنمایی ظاهر شده، جلوه‌گری تام داشته، به سوی حقیقت رهنمون می‌شود.

در این منزلت، هر جلوه از نام مهدی علیه السلام، هدایتگر به سوی یکی از مقاصد هستی است؛ نام‌هایی که همگی از نام‌های حضرت حق اخذ شده‌اند و نقشی نیکو از حضور پروردگار متعال را در گستره هستی متجلی می‌سازند.

او «ابالصالح» است و «صالح» فرزند یا مولود اوست؛ یعنی هر آنچه در شأن صلاح و مصلحت و اصلاح بدرخشد، محصول تربیت و هدایت اوست؛ یعنی او تجلی‌دهنده نام خداوند «مصلح» و بنده مطیع امر پروردگار در اصلاح امور بندگان است؛ یعنی او خود مصلح است؛ مصلح از سوی پروردگاری که خود منشأ و مبدأ هرگونه اصلاح و هدایتگر به سوی اصلاح جامعه است. آینده‌ای که در پرتو چنین جلوه‌ای از نام حضرت حق ساخته می‌شود، آینده‌ای است که از هرگونه ناشایستگی مبرا است و بر طریق «صلاحیت و شایستگی» سامان می‌یابد. او «طاووس اهل جنت» است (ر. ک. بحرانی، ۱۴۲۷: ۱۶۵) و تجلی‌یافته از نام «خداوند جمیل»؛ یعنی او زیبایی حقیقت را در پندار و گفتار و کردار خویش نمایان ساخته و نمایان می‌سازد و هدایتگر به سوی زیباسازی جامعه است. آینده‌ای که در پرتو چنین جلوه‌ای از نام حضرت حق ساخته می‌شود، آینده‌ای است که از هرگونه زشتی مبرا است و بر طریق «زیبایی و نیک‌منظری» سامان می‌یابد.

او حکیم و داناست و تجلی‌یافته از نام «خداوند حکیم و علیم»؛ یعنی او حکمت و دانایی را در ضمیر خود در جوشش یافته و مولد علم و دانش و حکمت است؛ بنابراین، آینده‌ای که در



پرتو چنین جلوه‌ای از نام حضرت حق ساخته می‌شود، آینده‌ای است که از هر گونه جهل و حماقت پیراسته است و بر طریق «دانش و آگاهی» سامان می‌یابد.

او عادل است و تجلی‌یافته از نام «خداوند عدل و عادل»؛ یعنی او با انگیزه عدالت‌گستر است و بر طریق عدالت و با هدف و مقصد «عدل» برانگیخته می‌شود و از هر گونه ظلم و بیدادگری می‌پرهیزد. آینده‌ای که در پرتو این جلوه از نام حضرت حق ساخته می‌شود، آینده‌ای است که از هر گونه ظلم و بیداد پیراسته است و بر طریق «قسط و داد» سامان می‌یابد.

او عزت‌مند است و تجلی‌یافته از نام «خداوند عزیز»؛ یعنی هیچ سلطه‌جویی بر او سیطره نمی‌یابد و او همه سلطه‌گران را به ذلت می‌کشانند. مؤمنان نزد او صاحب عزت‌اند و منافقان و کفار، اصحاب ذلت. آینده‌ای که در پرتو این جلوه از نام حضرت حق ساخته می‌شود، آینده‌ای است که از هر گونه سلطه‌پذیری و تحقیر پیراسته است و بر طریق «عزت و اقتدار» سامان می‌یابد.

او مهدی است و تجلی‌یافته از نام «خداوند هادی»؛ یعنی هیچ گمراهی و تردیدی در مسیر او دیده نخواهد شد. او همه گمراه‌کنندگان را رسوا می‌سازد و مردم را در طریق هدایت قرار می‌دهد. هدایت‌گران در نزد او معتبرند و مردم در محضر او هدایت شده‌اند. او «هدایت‌شده‌ای هدایتگر» است.

آینده‌ای که در پرتو این جلوه از نام حضرت حق ساخته می‌شود، آینده‌ای است که از هر گونه گمراهی پیراسته است و بر طریق «هدایت» سامان می‌یابد.

او تجلی‌یافته از اسمای حق تعالی است و از حقیقت آن اسما خبر می‌دهد و پرهیزکاران را دلالت می‌نماید. سلطه و ناراستی را از میان بر می‌دارد و آزادی و صداقت را به ارمغان می‌آورد. زشتی‌ها و پلیدی‌ها را می‌زداید و جهان را به زیبایی و پاکیزگی می‌آراید.

او مصباح‌الهدی است و خبردهنده از حقیقت اسمای خداوند متعال و در همین طریق، به سوی ساختن جهان عدل و انصاف و زیبایی و حکمت و صداقت و هدایت و عزت رهنمون می‌گردد؛ مصباحی که پس از سیزده نشانه، نشانه آخر و آیت‌الآخرای ولایتی است که از عهد رسول گرامی اسلام ﷺ، آدمیان را به امر خدا رهنمون می‌گردد.

## جهان اختیار، معرض انتخاب احسن

جهان آفرینش، معرض انتخاب امر خداوند متعال است. آدمی به دور از جبر و تفویض مجبور است که مختار باشد و امر چنان به او تفویض شده است که خیر و پاکیزگی را اختیار نماید.

در انتخاب مکرر و مستمر خیر و نیکویی، نیکوترین خیرات، تجلی دادن اسمای حق تعالی در هستی است؛ تجلی اسمایی که رسالت آدمی تلقی شده و وجه کمال آفرینش را نمایان می‌سازند.

آدمی به انتخاب احسن مکلف بوده، در این مسیر به هدایت مستمر نیازمند است. وجود امام اسوه به تاسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هدایتگر و نشانه‌ای است برای جلب توجه و اقتدا و الگوبرداری برای ساختن آینده؛ آینده‌ای که باید تجلی دهنده اسمای نیکوی خداوند متعال باشد و واقعیتی امن و متعالی و نیک را برای مردم به ارمغان بیاورد. نکته مهم این است که این همه باید با انتخاب آگاهانه مردم به دست آید و شایسته نیست که با زور و اکراه حاصل گردد. پس، تحقق آن باید با بلوغ عامه برای انتخاب احسن همراه باشد؛ بلوغی که مردم را به سوی کمال انسانیت و جامعه را به سوی کمال مدنیت سوق دهد.

## زندگی حقیقی، انتخاب احسن است

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین روایت شده است:

هر کس بمیرد، در حالی که امام زمانش را نمی‌شناسد، به مرگ جاهلیت مرده است (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۳۱).

عَلَّامَه جَوَادِی آمَلِی دَر تَفْسِیْرِ اِیْنِ حَدِیْثِ شَرِیْفِ بَرِ اَنْ اَسْت:

مرگ محصول زندگی است؛ یعنی کسی که هشتاد سال زندگی کرده است، مانند یک درخت هشتاد ساله است. او عصاره درخت زندگی را در یک کاسه می‌ریزد و هنگام مرگ آن را سر می‌کشد. اگر مرگ به شیوه جاهلی است، نشان‌دهنده آن است که آن کاسه، عصاره جاهلیت بوده است. اگر مرگ جاهلی است، به دلیل آن است که زندگی جاهلانه بوده است. بر این اساس، شناخت امام زمان برای ما

دارای اهمیت حیاتی است. کسی که با امام زمان رابطه ندارد و او را نمی‌شناسد، مرده است و کسی که با او رابطه دارد، زنده است (ر. ک. جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۴۵ - ۴۴).

یعنی معرفت امام زمان به تربیت‌پذیری فرد و تقید به پندارها، گفتارها و کردارهایی منجر می‌شود که زندگی او را به «حیات طیبه» تبدیل می‌کند. بر این اساس، دلالت محبت بر معرفت و معرفت بر تشبیه محبّ به محبوب، اصلی عقلانی است که محبت حقیقی را به تلاش برای پیمودن راه محبوب منوط می‌داند. همان‌طور که در بیان نورانی امام صادق علیه السلام در وصف شیعیان چنین آمده است:

شیعیان ما اهل خویشتن‌داری، تلاش پیگیر، وفای به عهد و امانت‌داری، زهد، عبادت، ۵۱ رکعت نماز در شبانه‌روز، شب‌زنده‌داری، روزه، زکات، حج و پرهیز از همه محرّمات‌اند (ر. ک. ابن‌بابویه، ۱۳۶۲: ۲).

بدین ترتیب، این‌گونه احادیث، جلوه‌های گوناگونی از صفات نیکو را به تصویر کشیده‌اند که باید در صفات و کردار شیعیان واقعی جلوه‌گر شوند تا آن‌ها در هیأت بهترین انسان‌های آفریده شده و برترین مخلوقات تکامل یابند و به برتری و تعالی برسند؛ جلوه‌ای از برتری که بر ایمان و عمل صالح مبتنی است. در این امتداد، شیعیان واقعی پذیرای نور ایمان و هدایت الهی می‌شوند و مصداق بارزی برای آیه ۷۶ از سوره مریم، با این مضمون که خداوند بر هدایت آنان که هدایت‌شده‌اند، می‌افزاید.

#### انتظار فرج، ایمان به آینده قطعی و پرهیز از آینده موهوم

از منظر فلسفی، آینده، مانند گذشته «معدوم» یا «ناپدید» است و امید انسان به زندگی است که به توجّه او به آینده منجر می‌شود. انسان برای زندگی آتی خود، برنامه‌ریزی می‌کند و سناریوهای گوناگونی را در نظر می‌آورد. در همین حال، او می‌داند که بسیاری از امور آتی، در اختیار او نخواهند بود و از آن میان، زندگی آتی او، اولین مقوله تردید برانگیز برای اوست. او نمی‌داند ساعتی دیگر زنده خواهد بود. این امر قطعی، ممکن است مورد غفلت واقع شود؛ در حالی که وقوع آن، به آگاهی فرد بر آن منوط نیست. بر این اساس، هر تلاش بشر برای

تحقق آینده مطلوب، در هاله‌ای از ابهام فرو می‌رود و هر محاسبه او، در معرض خطا و انحراف و احتمال خواهد بود.

از منظر اجتماعی، بسیاری از حکومت‌ها در تلاش‌اند تا آینده جامعه خود را ترسیم کنند؛ بر این اساس، برنامه‌های بلندمدت و طرح‌های چشم‌انداز را برای خود تدارک می‌بینند. در همین امتداد، تحقق طرح چشم‌انداز برای هر حکومت، در گرو عوامل متعددی در عرصه بین‌المللی است که از کنترل آن حکومت خارج‌اند. بر این اساس، هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی، با وجود ضرورت انکارناپذیر برنامه‌ریزی برای آینده، همه برنامه‌ها و طرح‌های معطوف به آینده، مبهم و پیش‌بینی‌ناپذیرند و برخی از عوامل تأثیرگذار بر آن‌ها، از کنترل خارج‌اند و برای برنامه‌ناظر بر آینده، هیچ قطعیتی وجود ندارد!

اما خداوند قادر و علیم و حکیم، خالق زمان و محیط بر آن است؛ پس، نمی‌توان گذشته و حال و آینده را برای او تصور کرد و حالاتی چون احتمال و تردید و خطا، برای او قابل تصور نیست. بنابراین، آینده فقط برای انسان و سایر موجودات محصور در زمان معنا دار است و خارج از حصار زمان و مکان، گذشته و حال و آینده بی‌معناست. بر این اساس، آینده تصویر شوند در بیان خداوند متعال، آن قدر قطعی است که افعال آتی می‌توانند در جامه افعال ماضی ظاهر شوند و ظهور یابند (ر. ک. انبیاء: ۱؛ قمر: ۱ و زلزال: ۸-۱).

بر این اساس، انتظار فرج در امتداد امر به انتظار از سوی خداوند متعال است که برای مؤمنان به هود علیه السلام (ر. ک. اعراف: ۷۱) و شعیب علیه السلام (ر. ک. هود: ۹۳) صادر فرمود و قاطعانه بیان داشت که عاقبت کارها، از آن متقین است (ر. ک. قصص: ۸۳). در واقع، انتظار مؤمنان در سراسر تاریخ به فرج منجر شده است؛ فرج و رستگاری، آینده‌ای قطعی برای مؤمنان است؛ به طوری که می‌توان گفت، برای مؤمن منتظر، حتی مرگ عاملی بازدارنده از تحقق آینده قطعی نیست (ر. ک. فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ج ۱، ۷۲). بر این اساس، پیوند زدن برنامه‌های فردی و اجتماعی با ویژگی‌های مؤمنان منتظر، تلاشی برای حضور در آینده قطعی است.

مؤمن واقعی فقط برای رسیدن به شأن و منزلت رضا یا کسب رضایت حق تعالی تلاش می‌کند. حاصل این تلاش همواره محفوظ است و در پیشگاه پروردگار باقی می‌ماند. بنابراین،

هیچ عملی از میان نمی‌رود و هیچ نیتی فراموش نمی‌شود.

در این مسیر، مؤمن آن‌چنان برای رسیدن به عصر موعود تلاش می‌کند که گویا آن را می‌بیند و مطمئن است که در آن زندگی می‌کند. چنانچه هدف از زندگی، کسب رضای حق تعالی باشد، فقط تحقق جامعه انسانی موعود مهم است و دیگر اهمیتی ندارد که چه کسانی در آن زندگی کنند. من زنده باشم یا نباشم مهم نیست؛ بلکه مهم آن است که من به تحقق این جامعه کمک کرده باشم و به منزلت کسب مقام رضای حق تعالی نایل آمده باشم.

#### اهمیت توسعه گفتمان انتظار، در پرتو معرفت به وعده الاهی

وعده الاهی برای مؤمنان صالح، «استخلاف» آن‌ها در زمین است. این وعده الاهی که در آیه ۵۵ از سوره نور بیان شده، بر اساس منابع تفسیری (ر. ک. فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۴۴۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۴۰)، بر ظهور حجّت دلالت دارد. در روش تفسیر موضوعی، توجه به مختصات آیه در سوره و سیاق آن، ضروری است (ر. ک. لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۱). بر اساس تقسیمات الاهی که توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تقریر شده است، سوره نور دارای ۶۴ آیه و ۹ سیاق (رکوع) است که آیه مورد نظر در رکوع هفتم آن قرار دارد (ر. ک. لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۱: ۵۶) و محدوده این رکوع، از ابتدای آیه ۵۱ تا انتهای آیه ۵۷ است. با تدبّر در آیات این سیاق، ۷ تکرار برای واژگانی از ریشه «ط و ع» به شرح زیر تأمل برانگیز است:

(۱) «أطعنا» در آیه ۵۱؛

(۲) «یطع» در آیه ۵۲؛

(۳) «طاعة» در آیه ۵۳؛

۴ و ۵ و (۶) «اطيعوا» (۲ بار) و «تطيعوه» در آیه ۵۴؛

(۷) «اطيعوا» در آیه ۵۶.

تلاقی ۷ تکرار برای این واژگان، با ۷ آیه در این سیاق، جالب توجه است. به هر حال، اهمیت درک مفهوم اطاعت برای فهم محور موضوعی این سیاق، بسیار مهم و ضروری است (ر. ک. المیزان، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۱۴۵).

«طوع»، رفتاری متناسب با امر و حکم، همراه با میل و فروتنی است. بر این اساس، این ریشه دارای سه قید است: میل و رغبت، فروتنی و خضوع و رفتار منطبق با امر. هنگامی که تمایل و رغبت وجود نداشته باشد، «کراهت» ایجاد می‌شود که با «طوع» در تضاد است (ر.ک. مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷: ۱۳۸). بنابراین، پندار و گفتار و کردار مؤمنان صالح در برابر حکم خداوند متعال و پیامبر ﷺ، پذیرش و اطاعت است؛ اطاعتی که رستگاری آن‌ها در گرو آن است (ر. ک. نور: ۵۱) و در همین امتداد است که خشیت الاهی و تقوا در همه ارکان و عرصه‌های زندگی مؤمنان صالح حضور یافته و آن‌ها را به پیروزی و برتری می‌رساند (ر. ک. نور: ۵۲).

فحوای آیات ۵۴ و ۵۵ سوره نور، چنین است که ایمان و عمل صالح به اطاعت از خداوند متعال و پیامبر اکرم ﷺ منوط است. واضح است که آوردن حکم اطاعت از پیامبر اکرم ﷺ در کنار اطاعت از خداوند، برای بزرگداشت مقام شامخ ایشان بوده، با توجه به آیه ۵۶ سوره نور، بدان سبب واجب می‌شود که او «رسول» الله است. پس، اطاعت از او به مثابه اطاعت از الله است؛ همان‌طور که در تعلیم امام صادق علیه السلام به زراره چنین بیان شده است:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ؛ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛ بار الاها! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر تو را نشناسم، پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا! پیامبرت را به من بشناسان؛ زیرا اگر پیامبرت را نشناسم، حجت تو را نخواهم شناخت. خدایا! حجتت را به من بشناسان؛ زیرا اگر حجتت را نشناسم، از دینم گمراه خواهم شد! (ر. ک. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۷).

بر این اساس، در سلسله مراتب معرفتی طرح شده در این تعلیم آسمانی، آغاز راه و مقصود اول، «معرفت خداوند» است. در همین امتداد، در قوس صعودی معرفت، دین داری بر شناخت امام مبتنی است و شناخت امام علیه السلام در پرتو شناخت پیامبر صلی الله علیه و آله ممکن می‌شود و شناخت پیامبر صلی الله علیه و آله باید بر اساس شناخت خداوند متعال انجام پذیرد؛ ضمن این‌که در قوس نزولی معرفت، شناخت خداوند متعال، اصلی است که سایر معارف از آن آغاز شده و به آن باز

می‌گردند. در همین امتداد، آن دین مرضی و موعود که خداوند وعده استقرار بدون اضطراب و تزلزل آن را داده (ر.ک. نور: ۵۵)؛ همان دین کامل و نعمت اسلام است که در صراط مستقیم معرفت حجت و رسول، در پرتو معرفت خداوند، حاصل می‌شود (ر.ک. مائده: ۳).

ضمن این که با تدبیر در آیات سوره نور، مشخص می‌شود بخش قابل ملاحظه‌ای از آیات این سوره، به مباحث خانوادگی اختصاص یافته و نام سوره نیز برگرفته از آیه ۳۵ آن، یا آیه نور است (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۷۰). در این سوره، از خانه‌هایی یاد شده است که شرایط ذکر اسم پروردگار در آن‌ها فراهم شده، ساکنانشان بامدادان و شامگاهان برای پروردگار تسبیح می‌گویند (ر.ک. نور: ۳۶)؛ خانه‌هایی که زمینه‌ساز تربیت مردمی پاک سیرت است که تجارت و کسب و کار، آن‌ها را از ذکر خداوند و برپایی نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد؛ مؤمنانی که از برپایی قیامت بیمناکند و همواره زندگی خود را با شاخص‌های اخروی ارزیابی می‌کنند (ر.ک. نور: ۳۷). این افراد، صادقانه به وعده خود با خداوند پایبند (ر.ک. احزاب: ۲۳)؛ و از صدقاتی بهره‌مندند که زمینه‌ساز شناخت قضا و امر خداوند و پیامبر اوست (ر.ک. احزاب: ۳۵-۳۶).

اطاعت از پیامبر ﷺ، معرفتی پایان‌ناپذیر را سبب می‌شود که رحمت خداوند را در پی دارد. برپایی نماز و پرداخت زکات نیز مقدماتی است که انسان را برای اطاعت همه‌جانبه از پیامبر ﷺ آماده می‌سازد (ر.ک. نور: ۵۶). بنابراین، هرگونه تلاش برای مخدوش ساختن مقام «اسوه حسنه» بودن پیامبر اکرم ﷺ (ر.ک. احزاب: ۲۱)، کفر است و مستوجب آتش (ر.ک. نور: ۵۷)؛ زیرا، این رفتار بر شناخت ناقص خداوند دلالت داشته، سیر امام‌شناسی و دینداری را مخدوش می‌سازد. خداوند و ملائکه او بر پیامبر اکرم ﷺ صلوات خاص و ویژه فرستاده و امر می‌فرماید که‌ای مؤمنان! شما نیز بر پیامبر گرانقدر صلوات بفرستید و در همه حال از او پیروی کنید (ر.ک. احزاب، ۵۶). جامعه‌ای که بتواند جایگاه ایشان را در آفرینش ادراک کند، در اوج کمال قرار می‌گیرد و بر این اساس، استدلال می‌شود که ظهور، مقدمه‌ای برای هدفی برتر است؛ مقدمه‌ای برای ورود به خانه از درب آن!

بر این اساس، در آخرین رکوع سوره نور (۶۴ - ۶۲)، فرمانبری از امر رسول الله ﷺ

معادل با ایمان فرض شده است. بنابراین، مخالفت با امر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فتنه‌انگیز تلقی شده، مخالفان را به عذاب دردناک گرفتار می‌کند. «فتنه»، چیزی است که به اختلال همراه با اضطراب منجر شود (ر. ک. مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۹، ۲۳). بنابراین، سرپیچی از امر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، نوعی اختلال همراه با اضطراب را به همراه داشته، به زندگی دردناک برای مخالفان منجر می‌شود؛ زیرا در زبان قرآن، دنیا و آخرت از یکدیگر جدا نیستند و فقط یک زندگی آکنده از درد در دنیا، معادل با عذاب الیم در آخرت است. بر این اساس، از آیه ۶۳ سوره نور چنین استفاده می‌شود که راه دستیابی به تعادل و کاستن از دردهای جامعه انسانی، پیروی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ پیامبری که دارنده «خُلُقِ عَظِيمٍ» است (ر. ک. قلم: ۴)؛ او که در میان ماست (ر. ک. حجات: ۷) و خداوند به اهل ایمان امر می‌کند که حتی هنگام سخن گفتن، با توجه به این حقیقت که او در میان شماست، تلاش کنید صدای شما، از صدای او بالاتر نباشد (ر. ک. حجات: ۲). بر این اساس، معیار همه حرکت‌های ایمانی، رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که پیشی گرفتن از او مردود و عقب ماندن و دور شدن از او، باطل است (ر. ک. حجات: ۱). از سویی، تأسی به «خُلُقِ عَظِيمٍ» پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مستلزم تدبّر در آیات قرآن کریم است؛ زیرا «كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ» اخلاق او، سراسر قرآن بود (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۲: ۷۰) و به باور امامیه، همه چهارده معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ شأنی پیراسته از هرگونه پلیدی داشته؛ سایر معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، همواره به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تأسی می‌جویند.

### معرفت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ در پرتو معرفت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با تدبّر در حدیث ثقلین

در غدیر خم، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعلام فرمود:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَ بِاتِّبَاعِهِ؛ أَي مَرْدَم! مِنْ أَنْ صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ كَمَا خَدَّوْنَ بِهٖ يَرْوِي عَنْهُ مِنْ أَنْ فَرْمَانَ دَادَهُ اسْت (ر. ک. طباطبایی نسب، ۱۳۸۴: ۷۷).

بر این اساس، در میان امت، دو میراث گران‌بار قرار داد که پیروی از صراط مستقیم، مستلزم تمسک به هر دوی آن‌ها به مثابه ثقل اکبر (قرآن کریم) و ثقل اصغر (اهل بیت گرامی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) است (ر. ک. طباطبایی نسب، ۱۳۸۴: ۶۲). یکی از دلالت‌های حدیث



شریف ثقلین، ضرورت جانشینی و وراثت دو حقیقت گرانبار برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای ایفای نقش هدایت است؛ هدایتی که حضرت ختمی مرتبت، با همه وجود، به تنهایی عهده‌دار آن بود. خداوند متعال، بر ایشان، «سبع مثانی» و «قرآن عظیم» را عطا فرمود (ر.ک. حجر، ۸۷). همچنین، اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در شأن تفسیرکنندگان صادق قرآن و آگاهان به احکام و اوامر و نواهی خداوند متعال قرار دارند. این دو یادگار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به تصریح روایت ثقلین و خطبه غدیر، هدایتگران عامه مردم پس از پیامبرند (ر.ک. طباطبایی‌نسب، ۱۳۸۴: ۷۷).

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز اِکمال دین، آینده امت اسلامی را ترسیم فرمود و ویژگی های ائمه هدایتگر و جانشینان بر حق خویش را در پرتو آیه نور اعلام داشت و بیان فرمود:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيَّ ثُمَّ مَسْلُوكٌ فِي عَلِيٍّ ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ؛ ای مردم! نور مطلق از جانب خداوند عز و جل است و آن نور در طریق من قرار گرفته است و بعد از من در طریق علی است و بعد از او در طریق نسل او خواهد بود تا زمان قائم مهدی عَلَيْهِ السَّلَام (ر.ک. طباطبایی‌نسب، ۱۳۸۴: ۷۱).

ایشان همچنین در همین خطبه، امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را چنین توصیف فرموده است:

الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ؛ او حق خدا و هر مؤمنی را می‌گیرد (ر.ک. طباطبایی‌نسب، ۱۳۸۴: ۷۱).

نیز:

أَلَا وَإِنَّ خَاتَمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ؛ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ؛ أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِمُهَا؛ أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ أَهْلِ الشُّرْكِ؛ أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ كُلِّ تَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ أَلَا إِنَّهُ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ؛ أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ؛ أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مَخْتَارُهُ؛ أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ؛ أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْمُنْبَهُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ؛ أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ؛ أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوِّضُ إِلَيْهِ؛ أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛ أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقٌّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ؛ أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ؛ أَلَا إِنَّهُ

وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ؛ آگاه باشید آخرین امام امت هم از خاندان ماست و او قائم مهدی عجل الله تعالی فرجه است که درود خداوند بر او باد! آگاه باشید او بر کلیه ملل با ادیان گوناگون پیروز می‌گردد؛ او از ستمگران انتقام می‌گیرد؛ او همه دژها را فتح نموده و ویران می‌گرداند؛ او مشرکان را از هر نژاد و ملتی باشند، نابود می‌نماید؛ او انتقام خون دوستان خدا را می‌گیرد؛ او یاور دین خداوند عزّ و جلّ است؛ او کشتیبان دریای مواج و سامان بخش زندگی متلاطم خلایق است؛ او فضل و برتری دانایان و جهل و بی‌خردی نادانان را می‌داند؛ او برگزیده خداوند و منتخب اوست؛ او گزارش‌دهنده فرمان خداوند عزّ و جلّ است و احکام الهی را روشن می‌کند؛ او راست‌کردار و درست‌کار است و در انجام امور پایدار و استوار است؛ امور آفریدگان به او تفویض شده است؛ پیامبران گذشته همه به وجود او بشارت داده‌اند؛ او آخرین حجّت خداوند است و بعد از او حجّتی نخواهد بود و در جهان حقّی نیست، مگر با او و علم و دانشی نیست مگر نزد او، هیچ‌کس بر او غلبه نمی‌نماید و کسی بر او پیروز نمی‌گردد؛ او ولیّ خدا در زمین است و حکم و فرمان او، حکم و فرمان خداوند است و پروردگار او را به اسرار آفرینش خود از پنهان و آشکار، آگاه ساخته است (ر. ک. فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۶۴).

در پرتو آیات قرآن کریم و سنت قطعی اهل بیت، حق‌گرایی اصلی اساسی در رفتارهای مؤمنان صالح است (ر. ک. عصر: ۱-۳). بر این اساس، حق اصالتاً و ابتدائاً حقّ خداوند است و سپس حقوق انسان‌ها بر یکدیگر موردنظر قرار می‌گیرد. در این فرایند، بزرگ‌ترین وظیفه و تکلیف امام زمان عجل الله تعالی فرجه، تأدیه حقوق است؛ حقوقی که با غفلت امت اسلامی از هشدارهای دلسوزانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر و با حاکمیت پیشوایان ستمگر و هدایت مردم به سوی آتش و جایگزینی کاخ‌ها و دربارها به جای گوهر پاک امامت تزییع شد (ر. ک. طباطبایی نسب، ۱۳۸۴: ۷۵). همچنین خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضد قرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دریافت کرده بودند و ندای «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ» را در ضمیر و قلب خویش، جوشان داشتند؛ کنار زدند و قرآن را که بزرگ‌ترین

هدایتگر زندگانی مادی و معنوی از سوی خداوند است مهجور ساختند و حکومت عدل الهی را منحرف نمودند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه گذاری کردند (ر. ک. وصیتنامه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۴: ۱۳).

### هدایتگری گم‌شدگان

سال‌ها پس از واقعه بعثت، احتجاج غدیر و حادثه سقیفه و فتنه‌های جمل و صفین و نهروان و عاشورا، بارها و بارها حرکت‌های اصلاحی مردم در قالب نهضت‌های توابین و مختار و زید و نظایر آن، یا به شکست انجامید یا منحرف شد و به شکل‌گیری سلسله‌های ظالمی چون صفویه منجر گشت. این همه در شرایطی رخ داد که جهت‌گیری‌های نهضت‌های اصلاحی از جامعه عدل موعود، به جوامعی با طرح‌های خودساخته منحرف می‌گشت و بدعت‌های عوام و خواص، جای سنت‌های چهارده معصوم علیهم السلام و شیعیان آن‌ها را می‌گرفت. در این حال، آنچه موجب انحراف این نهضت‌ها و اقدامات اصلاحی می‌شود، غفلت آنان از وجود مبارک هدایتگر زنده، صالح، امین، دانا و حکیم و آگاه از امر پروردگار و حکمت آفرینش او بود.

هدایتگری که نام او، خاطره سلوک او، یاد او و شوق وصال به حکومت او، هر لحظه در حال ساختن آینده و جلب کشتی سیال جامعه به سوی خویش است تا در نقش مصباح‌الهدی، هر زمان و هر مکان گم‌گشتگان را به اعلا درجات نجات رهنمون گردد.

### نتیجه

جهان آفرینش در حرکت خود به سوی کمال به آیات هدایت نیازمند است و جامعه انسانی در حرکت تکاملی خویش به نشانه‌های تعالی محتاج. اسمای حق تعالی، آیات و نشانه‌های هدایت آدمیان‌اند که در عهد «الست» سرنوشت آنان را بر آن پیمان سرشته‌اند. در این میان، امام تجلی‌دهنده اسمای حسنی و انشاگر همه چیزهایی است که آدمیان باید از آن‌ها بپرهیزند و تجلی‌دهنده همه چیزهایی است که آدمیان باید متجلی سازند. آدمی مسئول است که رحیم و عادل و حکیم و لطیف و خبیر باشد و موظف است از تکبر

و ظلم و جهل و بی‌خبری پرهیزد.

آدمی موظف است که هدایتگر دیگران باشد و مسئول است در برابر ناپاکی‌ها و ضلالت‌ها و انحراف‌ها مقاومت نماید تا آینده را زیباتر و پاکیزه‌تر ساخته، آن را چون امانتی به آیندگان بسپارد.

در فراگرد ساختن آینده در پرتو اسمای حق تعالی، نام «مهدی» نشانه‌ای است که مشتاقان تحقق امر الاهی را به سوی خود فرا می‌خواند (پورعزت، ۱۳۹۱: ۲۹)؛ چنان‌که در قرآن کریم حکم فرموده که جهان آینده جهان عباد صالح است (ر. ک. انبیاء: ۱۰۵) و در نهج‌البلاغه نوید داده که جهان یکباره شرایط ظهور او را مهیا می‌سازد (ر. ک. نهج‌البلاغه، حکمت ۲۰۰).



در این مقاله، بنای بحث بر آن است که نام مهدی و صفات و خصال او چون نیای اسوه‌اش، هدایتگر ساختن آینده‌ای است که مقرر است در احیای سنت خیردهی از اسمای خداوند متعال در طریق هدایتگری و احیای جامعه بشری جلوه‌گر شود.

بر این اساس، باور به حضور امام مهدی علیه السلام و تکرار نام او، مستمراً و پی در پی، آینده‌ای پر امید را می‌آفریند و بارور می‌سازد تا هنگام آن فرا رسد که در هر گام بندگان خالص خداوند به سوی آینده، در جهت درخشش نور مهدی علیه السلام، پرده‌های ابهام فرو گرفته شود و چراغی بر چراغ‌های هدایت و نورانی افزوده گردد تا ضمن کاستن از ابهام راهیان آینده، بر اطمینان گام‌های آنان افزوده گردد و طریق مؤمنان از علم الیقین تا عین الیقین و حق الیقین به پرتوهای بی‌نظیر انوار عصمت روشن شود (ر. ک. پورعزت، ۱۳۹۳: ۵۴).

در این صورت، حرکت مستمر آدمیان به سوی آینده، مبهم و تاریک نخواهد بود و جاده‌ای به سوی آینده روشن می‌شود که راهیان خود را مستمراً بر صراط مستقیم استوار ساخته، به مقصد موعود نایل می‌رساند.

## منابع

- قرآن کریم.  
نهج البلاغه.
۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*، قم، مؤسسه انتشاراتی اسماعیلیان.
  ۲. ابن بابویه، محمد (۱۳۶۲). *صفات الشیعه*، تهران، انتشارات اعلمی.
  ۳. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۳ هـ.ق). *مدینه معجز الائمہ الاثنی عشر*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
  ۴. بحرانی، سید هاشم (۱۴۲۷ هـ.ق). *بہجہ النظر فی اثبات الوصایہ و الامامہ للائمہ الاثنی عشر علیہ السلام*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
  ۵. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۷). *مختصات حکومت حق مدار در نهج البلاغه امام علی علیہ السلام*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
  ۶. پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۱). *تجلی نام امام مهدی بر ساخت واقعیت آینده، فصلنامه علمی ترویجی انتظار موعود*، سال دوازدهم، شماره ۳۸.
  ۷. پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۳). *مدیریت ما: مدیریت اسلامی در پرتو نهج البلاغه*، مقدمات و روش‌شناسی، تهران، انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
  ۸. پورعزت، علی اصغر (۱۴۳۴ هـ.ق). *الامام المهدی و بناء واقع المستقبل، مجموعه مقالات مؤتمر الامام المهدی علیہ السلام و مستقبل العالم*، ج ۴، النجف الاشرف، مجمع اهل البيت.
  ۹. پورعزت، علی اصغر و سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۱). *ویژگی‌های پیشرفت و تعالی در پرتو رهنمودهای امام علی علیہ السلام*، مدیریت اسلامی، سال ۲۰، شماره ۱.
  ۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). *مهدویت و عدل الهی، فصلنامه علمی ترویجی انتظار موعود*، شماره ۱۳.
  ۱۱. سعدآبادی، علی اصغر و پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۲). *ویژگی‌های حکومت توسعه‌یافته در پرتو رهنمودهای امام علی علیہ السلام*، پژوهشنامه علوی، سال چهارم، شماره ۱.
  ۱۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ هـ.ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات دفتر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
  ۱۳. طباطبایی نسب، سید محمدرضا (۱۳۸۴). *بر آستان غدیر*، تهران، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی نور الائمہ علیہم السلام.
  ۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
  ۱۵. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ هـ.ق). *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات الصدر.

۱۶. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸هـ.ق). *الاصفی فی تفسیر القرآن*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۷. کلینی، محمد (۱۳۶۹). *اصول کافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیة.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷هـ.ق). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. (۱۳۸۴). *وصیتنامه امام خمینی* علیه السلام، با توضیحات و ۲۱۸ پرسش و پاسخ، ویژه دانشجویان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، تدوین علیرضا اسماعیلی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۲۰. لسانی فشارکی، محمدعلی و مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۱). *روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم*، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۲۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
23. Boje David M.; John T(2003), Luhman, & Ann L. Cunliffe: "A Dialectic Perspective on the Organization Theatre Metaphor". American communication journal, Volume 6, Issue 2, winter.
24. Boje, D.M. (1995), "Stories of the storytelling organization: a postmodern analysis of Disney as 'Tamara-Land'", Academy of Management Journal. 38 (4):p 997-1035.
25. Brumer, Vincent (1993), *The Model of Love: A study in Philosophical Theology*, Great Britain, Cambridg.
26. Clancy, J (1989), *The invisible powers: The language of business*. Lexington: D.C. Heath and Company.
27. Hatch, Mary Jo. & Onn L. Cunliffe (2006), *Organization Theory: Modern, Symbolic and postmodern perspectives*. Oxford Press.
28. Hatch, Mary Jo. & Weick, K.E. (1998), *Critical resistance to the jazz metaphor*. Organization Science. 9:p 600-604.
29. Hatch, Mary Jo. (1998), "Jazz as a Metaphor for Organizing in the 21st Century". Organization science. 9 (5)p :556-557.
30. Inns, Dawn(2002), "Metaphor in the Literature of Organizational Analysis: A Preliminary Taxonomy and a

- Glimpse at a Humanities-Based Perspective". Organization. 9 (2): 305-330.
31. Keidel, R.W(1987), "Team sports models as a generic organizational framework". Human Relations. 40: p591-613.
32. Morgan, Gareth (1997), Images of Organization. Sage Publication.
33. Morgan, Gareth(2006), Images of Organization, Sage Publication.
34. Oliver, R.W(1999), "Strategy as sports! War! food?". The Journal of Business Strategy. 20: 8-10.
35. Terry, L.D(1997), Public administration and the theater metaphor: the public administrator as villain, hero, and innocent victim. Public Administration Review. 57:pp 53-61.
36. Walck, Christa L (1996), "Organizations as places: a metaphor for change". Journal of Organizational Change. Management. 9 (6): pp. 26-40.
37. Wyld, D.C., Phillips, A.S., Phillips, C.R & Cappel, S.D. (1998), "Using the disease metaphor to view organizations: an alternative perspective". International Journal of Management. 15, 113-122.

## وجوه الگویی ارتباطات در جامعه مهدوی برای جامعه امروز با روش پس‌نگری

دکتر غلامرضا بهروزی لک \*

مهدی حاجی سیاری \*\*

### چکیده

«پس‌نگری»، یکی از روش‌های مؤثر آینده‌پژوهی برای رقم زدن آینده‌های بلند مدت است. در مقاله حاضر با بهره‌گیری از این روش تلاش شده است وجوه الگویی ارتباطات در جامعه مهدوی برای جامعه امروز، بررسی و به سؤالاتی نظیر چگونگی وضعیت ارتباطات در جامعه فعلی؛ ویژگی‌های ارتباطات در «جامعه حدی» (جامعه الگویی) و گام‌های مورد نیاز برای تحقق چشم‌انداز مورد نظر، در خصوص ارتباطات مناسب در جامعه حدی پاسخ داده شود. روش پژوهش مورد استفاده، بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و بررسی مستندات موجود در زمینه مهدویت و مصاحبه با تعدادی از کارشناسان رسانه بوده است. دستاورد این پژوهش عبارت است از این که اسلام دین حق است و باید ندای حق را به گوش همگان رساند و از آن‌جا که مسلمانان طالب خیر و سعادت همه بشر هستند، این خیرخواهی اقتضا می‌کند با بهره‌گیری از دانش ارتباطات، رسانه‌ای زمینه ساز و منتظر، برای تحقق مدینه فاضله و جامعه مورد نظر امام زمان علیه السلام فراهم آوریم و با استفاده مناسب از امکان‌های سخت افزاری و نرم افزاری، محتوای اسلام و آثار ارزشمند آن را به جهانیان ارائه دهیم که البته این مهم، به تربیت نیروی انسانی و زیر ساخت‌های فنی نیازمند است.

واژگان کلیدی: ارتباطات، پس‌نگری، جامعه مهدوی، جامعه حدی.



یکی از دغدغه‌های بشر که هیچ‌گاه بشر در طول زمان از آن رهایی نداشته، ایجاد جامعه آرمانی است که آن را «آرمان شهر»<sup>۱</sup> گویند. در واقع، بشر ترسیمی از وضعی دارد که در آن، جامعه به شکل بهتری است. در تعریف «واژه آرمان شهر» در ویکی پدیا آمده است: «جامعه یا اجتماعی که دارای کیفیت‌های بسیار مطلوب و عالی است.» همچنین سر توماس مور<sup>۲</sup> در سال ۱۵۱۶ میلادی، در کتاب خود با عنوان «آرمان شهر»، موقع جغرافیایی آن را جزیره‌ای سحرآمیز در اقیانوس آتلانتیک می‌داند. در مقابل آرمان شهر در ادبیات جهان، «ناکجا آباد»<sup>۳</sup> قرار دارد که هر دو، جامعه ذهنی و ایده آل هستند. در حوزه آرمان شهر، افراد زیادی قلم زده‌اند، مانند افلاطون در کتاب «جمهوری»<sup>۴</sup>، آگوستین او هیپیو<sup>۵</sup> در کتاب «شهر خدا»<sup>۶</sup> و از معاصرین، کسانی چون کانگ یین<sup>۷</sup> در کتاب «داتنگ شو»<sup>۸</sup>، اچ جی ولز<sup>۹</sup> در کتاب‌های «یک آرمان شهر جدید»<sup>۱۰</sup> و «مردانی شبیه خدا»<sup>۱۱</sup> و در سال‌ها نمانده چندین دور، کوزو آمانو<sup>۱۲</sup> در کتاب «آریا»<sup>۱۳</sup>. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، آرمان شهر و متناظر با آن،

- 
1. Utopia
  2. Sir Thomas More
  3. Dystopia
  4. The Republic
  5. Augustine of Hippo
  6. The City of God
  7. Kang Youne
  8. Datong Shu
  9. H. G. Wells
  10. A Modern Utopia
  11. Men like God
  12. Kozue Amano
  13. Aria

ناکجا آباد، در ادبیات جهان دایره زمانی و مکانی گسترده‌ای دارند؛ به نحوی که از قدیم تا کنون و در بیش‌تر اقوام، بحث آرمان شهر البته با اشتراک در مفهوم، نه در لفظ، مورد توجه قرار گرفته است. در فرهنگ شیعه نیز این آرمان شهر وجود دارد که بر اساس روایات تاریخی، این آرمان شهر به دست امام دوازدهم شیعیان، یعنی امام مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت. این آرمان شهر، ویژگی‌های متعددی دارد که از جمله ایجاد «حکومت واحد جهانی» است. تحقق این آینده، بر اساس آیات و روایات، از نوع ذهنی و خیالی نیست، بلکه در منطق شیعه، این آینده حتمی است. حکومت واحد جهانی بدون بهره‌گیری از دانش ارتباطات امکان‌پذیر نیست. ارتباطات دارای گستره بسیار وسیعی است و دسته‌بندی‌های مختلفی از آن وجود دارد. یکی از این دسته‌بندی‌ها، بر مبنای هدف از ارتباطات است که بر این اساس می‌توان چهار دسته ارتباط را مطرح کرد. ارتباطات با هدف فهماندن (خبری کردن و آموزش دادن)؛ تغییر عقیده دادن؛ گسترش و توسعه رابطه موجود؛ و تفریح و ایجاد رفتار مورد نظر (صبری، ۱۳۸۱: ۲۳).

در این تحقیق، هدف از ارتباطات، فهماندن، متقاعد کردن و مدیریت و انتقال اطلاعات و پیام به مخاطبان است. به هر حال، برای این که بتوان پیام مهدویت را در جامعه ترویج داد، لازم است پیام را به شیوه مناسبی منتقل کرد تا ضمن این که همه بتوانند محتوای اصلی پیام را درک کنند، اقناع صورت گیرد. از آن‌جا که نقص دانش بشر، تحلیل درست و ترسیم چشم‌اندازی مناسب از جامعه مهدوی را مانع می‌شود؛ باید وضعیت را در اشکال واسطه‌ای ترسیم کرد و جامعه‌ای نزدیک به جامعه مهدوی را در نظر گرفت که می‌توان از این جامعه به «جامعه حدی» تعبیر کرد. اگرچه جامعه حدی نسبت به جامعه مهدوی در سطح نازل‌تری است؛ نسبت به وضع موجود وضعیتی نسبتاً ایده‌آل است. بنابراین، تحقق آن، به سلسله مراتب و نقشه راهی نیازمند است که بتوان گام به گام جامعه را از وضع موجود به جامعه حدی رساند (دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا).

در این مطالعه، تلاش بر آن است با استفاده از روش پس‌نگری، ابتدا آینده مطلوب ترسیم شود؛ سپس به عقب و به سمت زمان حال حرکت نموده و گام‌ها و برنامه‌هایی تعیین کنیم

که تحقق آینده مورد نظر را ممکن می‌کند. هدف اصلی تحقیق عبارت است از بررسی وجوه الگویی ارتباطات در جامعه مهدوی برای جامعه امروز با روش پس‌نگری. اهداف فرعی نیز شامل موارد زیر است:

۱. احصای ویژگی‌های ارتباطات در جامعه حدی، مبتنی بر جامعه مهدوی؛
  ۲. تعیین چشم‌اندازها و زمان حصول آن‌ها برای شکل‌گیری نحوه ارتباطات در جامعه حدی؛
  ۳. تعیین گام‌های مورد نیاز برای تحقق چشم‌اندازهای مورد نظر.
- سوال اصلی در این تحقیق عبارت است از این‌که ارتباطات در جامعه حدی با الگوگیری از جامعه مهدوی چگونه خواهد بود؟ سوالات فرعی بر مبنای سوال اصلی نیز شامل موارد زیر است:

۱. ارتباطات در جامعه مهدوی چگونه است؟
  ۲. ارتباطات در جامعه حدی چگونه خواهد بود؟
  ۳. ارتباطات در جامعه فعلی چگونه است؟
  ۴. چشم‌اندازها و گام‌های مورد نیاز برای تحقق ارتباطات مناسب در جامعه حدی چه هستند؟
- به لحاظ پیشینه تحقیق، با توجه به بررسی‌هایی که به عمل آمد، مطالب فراوانی از گذشته تا امروز در مورد مهدویت از سوی محققان در قالب کتاب و مقاله ارائه شده؛ اما در زمینه ارتباطات و رسانه کم‌تر کاری صورت گرفته است. از کارهای انجام شده می‌توان به کتاب «رسانه‌ها و باز تولید جامعه منتظر»<sup>۱</sup> اشاره کرد که به موضوعاتی چون بایسته‌های انتظار در عرصه رسانه، رسانه و تجلی اصول اسلامی در عصر انتظار پرداخته است. اما در خصوص استفاده از روش پس‌نگری در موضوع مورد نظر، مطلبی یافت نشد. در روش پس‌نگری بر اساس روندهای موجود آینده‌ترسیم نمی‌شود؛ بلکه آینده به صورت هنجاری (فارغ از این‌که اکنون در کجا هستیم) ترسیم می‌شود و در پی آن، گام‌های مورد نیاز برای تحقق آینده تعیین می‌گردد (وحیدی مطلق، ۱۳۸۵).

۱. نوشته سید محمد میرتبار، انتشارات دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.

## ادبیات تحقیق

### ۱. مفاهیم

#### ۱.۱. ارتباطات

«ارتباطات»، از نظر «جیمز کری»<sup>۱</sup> فرآیندی است که به وسیله آن، واقعیت شکل می‌گیرد؛ نگهداری می‌شود و تغییر ماهیت می‌دهد. به عبارت دیگر، واقعیت به شکل نمادین تولید می‌شود. بر این اساس، کری می‌گوید: واقعیت اجتماعی نظمی آیینی است؛ یعنی از طریق مشارکت مردم در تجربه زیبایی شناختی، عقاید دینی، ارزش‌های فردی و نظریه‌های عقلانی و احساسی ساخته می‌شود و به واسطه این واقعیت ساخته شده «فرهنگ» شکل می‌گیرد (بهرامیان، ۱۳۹۰: ۱۴).

یکی از موضوعات اساسی در ارتباطات، مقوله «مدیریت پیام»، به معنای اجرای همه فرآیندهای مدیریتی، از جمله برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت، نظارت و کنترل است که در ارتباط با تعیین، تولید و ارسال پیام در جهت تحقق بهینه هدف‌های رسانه‌ای انجام می‌گیرد. مدیریت پیام، فرآیندی هدف‌دار و نظام‌گراست که همه فعالیت‌های مربوط به پیام‌رسانی را در بر می‌گیرد (حاجی هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۰۸). مدیریت سه مرحله‌ای پیام در دیدگاه‌های مربوط به مدیریت رسانه، اهمیتی ویژه دارد. این دیدگاه نیز بر عنصر پیام به عنوان مهم‌ترین عنصر محتوای رسانه‌ها متمرکز است؛ اما توجه خود را از تأکید صرف بر خود پیام و محتوای آن بر شیوه‌های تولید و توزیع پیام معطوف می‌کند. به عبارتی در این دیدگاه، مدیریت سه مرحله‌ای پیام شامل «تعیین»، «تولید» و «توزیع» به شرح زیر است:

تعیین پیام ← تولید پیام ← توزیع پیام

شکل ۱. فرآیند سه مرحله‌ای مدیریت پیام (همان، ۱۰۹).

1. James Carry

## ۱.۲. پس نگری

«پس نگری»، با تصور آینده مطلوب آغاز می‌شود و سپس با تعیین قدم‌های لازم برای افزایش اقبال رسیدن به آن آینده ادامه می‌یابد. این رویکرد تنها زمانی عملی است که اهداف آینده بروشنی و دور از هرگونه ابهام تعیین شده باشند، در غیر این صورت و در جایی که تعدادی اهداف بالقوه متناقض وجود داشته باشند، به کارگیری روش سناریو ارجح است (ویکی‌پدیا، ۱۳۹۱) در این روش، از حالت اکتشافی خارج و شیوه‌های جاری پیش گرفته می‌شود. پس نگری در واقع عبارت است از ملاحظه آینده مطلوب قابل ایجاد، نه آینده‌ای که احتمال وقوع دارد (بهروزی لک، ۱۳۹۲).

## ۱.۳. جامعه مهدوی

«جامعه جهانی مهدوی»، حکومت تہی از تبعیض‌ها، سرشار از عدالت و برابری، امنیت و معنویت و صلح خواهد بود که با نمایان ساختن شاخه‌های دیگر علوم و در هم آمیختن آن با ایمان، موجبات تکامل علوم و عقول را فراهم می‌آورد. جهانی بودن که اسلام منادی آن است، بر پایه محافظت از حرمت، منزلت و کرامت بنی آدم قرار دارد و بر اساس اصل مساوات و کرامت انسانی بنا شده است (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۱۶-۱۷). در چنین جامعه‌ای، زندگی انسان‌ها با دستان با کفایت اصلاحگر بزرگ جهانی، با طرح و برنامه ریزی، تدبیر امور و تنظیم شئون همه جانبه، اصلاح خواهد شد (شاخصه‌ها و ویژگی‌های جامعه مهدوی: ۲۶).

## ۱.۴. جامعه حدی (الگوی)

«جامعه حدی» جامعه‌ای فرضی است که در آن، حداکثر ویژگی‌های قابل الگوگیری جامعه مهدوی برای عصر غیبت وجود دارد. این نوع از جامعه با جامعه مهدوی که فقط با حضور حضرت مهدی علیه السلام محقق خواهد شد، فاصله دارد؛ اما برخی شاخص‌های بنیادین جامعه مهدوی در این جامعه نمونه و الگو نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این جا اصول و چارچوب‌ها بیان می‌شوند و ترکیبی از واقعیت و ایده آل‌ها مورد نظر قرار می‌گیرند (بهروزی لک، ۱۳۹۲).

## ۲. ارتباطات در جامعه مهدوی

بهترین راهکار برای وصف وضعیت ارتباطات در جامعه مهدوی، بهره‌گیری از آیات و روایاتی است که در این زمینه موجود است. از این رو در این بخش به مهم‌ترین و مرتبط‌ترین موارد اشاره شده است:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و ما در زبور [که] بعد از تورات [آمده است] نوشته ایم که عاقبت، بندگان صالح و شایسته، زمین را به ارث خواهند برد. (انبیاء: ۱۰۵).

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: این بندگان صالح و شایسته که وارثان زمین می‌شوند، اصحاب مهدی در آخرالزمان هستند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۶۶). در عصر ظهور، به جهت جهش علمی و پیشرفت فن‌آوری و صنعت، وسایل ارتباطی و اطلاعاتی آن قدر پیشرفته خواهد بود که دنیا را چون کف دست، نشان می‌دهد و برای آگاهی به دورترین نقاط کشور، به وسایل و ابزار ارتباطی امروزی نیازی نیست. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّىٰ لَا يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می‌کند که میان آنان و آن حضرت، نامه‌رسانی وجود ندارد و مردم در هر نقطه از کره زمین، امام را مشاهده می‌کنند و امام با آنان سخن می‌گوید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۲۴۰).

این مسئله، به امام و رعیت اختصاص ندارد؛ بلکه مردم عادی نیز با همدیگر سخن می‌گویند و همدیگر را مشاهده می‌کنند؛ در حالی که یکی در مشرق عالم و دیگری در مغرب است. از این رو، حکومت مرکزی نسبت به کل عالم - که تحت حکومت واحد او هستند - تسلط کامل دارد و بموقع و بدون فوت وقت، وارد عمل شده، مشکل را حل می‌کند و هرگونه توطئه و فساد را در نطفه خفه می‌سازد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۴۸۳).

وسایل انتقال صدا و تصویر، همگانی، ساده و آسان در اختیار همه بیروان او قرار می‌گیرد؛ آن چنان که چیزی به نام اداره پست در آن عصر، چیز زایدی به حساب می‌آید و مسائل

جاری آن حکومت، بدون نیاز به کاغذ بازی، حل و فصل می‌شود؛ زیرا همه دستورها و برنامه‌ها با سیستم «شهود و حضور» ابلاغ و اجرا می‌شود. امام صادق علیه السلام در گفتار دیگری این حقیقت را به طور بارزی فرموده است:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ  
 كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛ مؤمن در زمان حضرت  
 مهدی علیه السلام در حالی که در مشرق است، برادر خود را در مغرب می‌بیند و همچنین  
 کسی که در مغرب است، برادرش را در مشرق مشاهده می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳،  
 ج ۵۲: ۳۹۱).

نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ  
 مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَخَفَضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ مِنْهَا حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ  
 بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يُبْصِرْهَا؛ وقتی کارها به  
 صاحب اصلی ولایت حضرت مهدی علیه السلام برسد، خداوند هر نقطه فرو رفته‌ای از  
 زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پایین می‌برد؛ آن چنان که تمام دنیا  
 نزد او به منزله کف دستش خواهد بود. کدام یک از شماها اگر در کف دستش  
 مویی باشد، آن را نمی‌بیند؟ (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۶۷۴).

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید:

قَالَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرِ خَفِيٍّ حَتَّى إِنَّهُ يَبْعَثُ إِلَى رَجُلٍ لَأَ  
 يَعْلَمَ النَّاسُ لَهُ ذَنْبًا فَيَقْتُلُهُ حَتَّى إِنَّ أَحَدَهُمْ يَتَكَلَّمُ فِي بَيْتِهِ فَيَخَافُ أَنْ يَشْهَدَ  
 عَلَيْهِ الْجِدَارُ؛ حضرت مهدی علیه السلام از این جهت مهدی نامیده شده است که به  
 امور مخفی و پنهان هدایت می‌شود، تا آن جا که گاه او به سراغ کسی می‌فرستد  
 که مردم او را بی گناه دانسته و به قتل می‌رساند [زیرا از گناه نهانی او همانند  
 قتل نفس که موجب قصاص است، آگاه می‌باشد] و تا آن جا که برخی از مردم  
 هنگامی که درون خانه خود سخن می‌گویند، می‌ترسند دیوار بر ضد آن‌ها  
 شهادت دهد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۹۰).

آسانی رفت و آمد و جا به جایی از دیگر مواردی است که در احادیث به آن اشاره شده

است. رسول خدا ﷺ در مورد چگونگی حمل و نقل در آن زمان می‌فرماید:

پس از شما قومی خواهد آمد که زمین زیر پایشان طی و پیموده می‌شود و درهای جهان به رویشان باز می‌گردد... زمین در کم‌تر از یک چشم به هم زدن پیموده می‌گردد؛ به گونه‌ای که اگر کسی از آنان بخواهد، شرق و غرب را در ساعتی ببیند، این کار را انجام می‌دهد (طبری، ۱۳۸۰: ۱۸۵).

در روایتی از امام باقر علیه السلام بر سوار شدن امام، بر ابر اشاره شده است:

براستی ذوالقرنین ما بین دو ابر مخیر شد. پس، او ابر ذلول (آرام) را انتخاب کرد و ابر صعب برای امام مهدی علیه السلام ذخیره شده و آن، ابری است که در آن رعد و برق و صاعقه است. حضرت مهدی علیه السلام بر آن سوار می‌شود و به آسمان‌ها می‌رود و به زمین‌های هفتگانه سفر می‌کند (تاج لنگرودی، ۱۳۷۴: ۱۱۳).

این روایات همگی گویای ارتباطات سهل و آسان در جامعه مهدوی و طبعاً در ساختارهای نظام است؛ به طوری که در پی آن، مردم بدون مشکل با کارگزاران و حاکم جامعه سخن می‌گویند. امام صادق علیه السلام در حدیثی این سهولت را چنین بیان می‌کند:

در آن روزگار، مؤمن در شرق زمین، برادرش را که در غرب است، می‌بیند. همچنین مرد مؤمنی که در غرب است، برادرش را که در مشرق است، مشاهده می‌کند (طبرسی، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

### ۳. ارتباطات در جامعه حدی

رسانه، به عنوان ابزار ارتباطی دارای کارکردهای دوگانه و متقابلی است و به همان اندازه که می‌تواند موجب بصیرت، روشنگری و رشد فردی و اجتماعی باشد؛ می‌تواند عامل جهل، تفرقه و نابودی فکر و فرهنگ جامعه شود. از این رو و با توجه به مطالب طرح شده در زمینه ارتباطات در جامعه مهدوی، می‌توان برخی وجوه ارتباطات در جامعه حدی را به شرح ذیل وصف کرد:

#### ۳.۱. وضوح، شفافیت و سرعت در ارتباطات

«شفافیت» و «وضوح»، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ارتباطی برای انتقال پیام‌ها از



فرستنده به گیرنده است. این مسئله می‌تواند متأثر از زیر ساخت‌های فنی و رسانه‌ای حل شود و یا متأثر از شیوه شکل دهی به پیام، به نحوی که عامل تفاوت در مخاطبان و ادراکات آن‌ها را کنترل کند. به هر صورت، «وضوح» فراوان، از ویژگی‌های اصلی در برقراری ارتباط از طریق رسانه خواهد بود. «سرعت» در اطلاع رسانی نیز بسیار مهم است؛ چرا که در عصر حاضر و مطمئناً در آینده، هر فرد یا رسانه‌ای که پیام مورد نظر خود را زودتر به مخاطبان منتقل کند، موفق‌تر خواهد بود.

### ۳.۲. موقت بودن و اعتماد سازی در ارتباطات

رسانه بر محور «صداقت» و «راستی» بنا می‌شود؛ زیرا آرمان خواه و در پی ایجاد جامعه ایده آل است؛ یعنی رسیدن به جهانی سرشار از عدالت، امنیت، آسایش و پویایی را در سایه انتظار دنبال می‌کند. دستیابی به چنین جامعه‌ای به وجود روح حق خواهی و حق طلبی نیازمند است. از این رو، درستی و صحت باید سرلوحه این رسانه باشد (میرتبار، ۱۳۹۰: ۴۹).

### ۳.۳. قدرت متقاعد سازی، نفوذ و زمینه سازی در ارتباطات

ارتباطات در جامعه حدی، به گونه‌ای خواهد بود که پیام‌ها در قلب‌ها «نفوذ» و افراد را «متقاعد» کند؛ چرا که لازم است پیام‌های ارزشی و اصول مورد نظر عمیقاً مورد پذیرش قرار گیرد. «زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج)»، یکی از ویژگی‌های جامعه منتظر و بالتبع رسانه منتظر است. لذا ایجاد زمینه، وظیفه‌ای سنگین و سترگ بر عهده جامعه منتظر است... که باید با بهره گیری از دانش و مهارت‌های ارتباطی با جدیت صورت گیرد (همان: ۵۴).

### ۳.۴. بصیرت افزایی، عقلانیت و ایجاد فضای انتظار در ارتباطات

طبیعی است که برپایی جامعه مهدوی با انواع دسایس، دشمنی‌ها و تخریب روبه‌رو گردد. در چنین شرایطی رسانه می‌بایست با «بصیرت افزایی» به مقابله با رسانه‌های دشمن برخیزد. از آن‌جا که رسانه دشمن، واقعیات را به نفع خود دستکاری می‌کند: «مَنْ الْأَذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (نساء: ۴۶) و ظاهری فریبنده و ادبیاتی نرم دارد: «وَمِنْ

النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ» (بقره: ۲۰۴) و دستگاه اطلاع رسانی آن‌ها، جامعه مهدوی را رنج خواهد داد: «وَلَسَّمَعَنَ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (آل عمران: ۱۸۶) واز پای نمی نشیند، مگر این که امت اسلامی را به تمکین به خواسته‌هایشان وادار کند: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره: ۱۲۰)؛ آری، با توجه این موارد، اردوگاه کفر در عصر ارتباطات، در جدال با دانش آسمانی، می‌خواهد دل‌های مردم را با خود همراه کند که در این عرصه وظیفه رسانه است تا با افزایش عقلانیت در ارتباطات، ابتدا دوام رابطه با مخاطبان را تحقق بخشیده و سپس با عمق بخشیدن به تأثیر پیام با این رهزنان به مقابله جدی بپردازد (متکازینی، ۱۳۹۱: ۵۰).

### ۳.۵. برقراری مساوات، آمادگی و تلاش در فرصت‌های ارتباطی

در جامعه حدی، همه افراد به طور «یکسان» در معرض اطلاعات و اخبار قرار می‌گیرند و گروهی بر گروه دیگر رجحان ندارد. کانال ارتباطی به طور مساوی در اختیار همه قرار می‌گیرد تا بتوانند مسایل و دغدغه‌های خود را مطرح کنند. همچنین رسانه باید در جهت ایجاد آمادگی فردی و اجتماعی اعضای جامعه تلاش فراوان کند تا در برابر خطرات و فتنه‌های آخرالزمان غافلگیر نشوند. البته این آمادگی، هم برای خود رسانه که در معرض آماج حمله‌های رسانه‌ای رقبا قرار دارد باید وجود داشته باشد و هم برای منتظران ظهور (همان: ۵۴-۵۶).

### ۳.۶. ارزش آفرینی، رشد دهنده‌گی و ایجاد شور و اشتیاق در ارتباطات

رسانه، «رشد دهنده» و «ارزش آفرین» است؛ به نحوی که نه تنها جلو رشد فرد را نمی‌گیرد؛ بلکه باعث رشد و تکامل فرد می‌شود. یکی از راه‌های مبارزه با انحراف، تقویت بنیان جامعه اسلامی است. در چنین شرایطی، رسانه جامعه حدی با تکیه بر فطرت انسانی، برای احیای ارزش‌ها تلاش خواهد کرد که این تلاش به تبلور ارزش‌ها و رشد دهنده‌گی با ایجاد

شور و اشتیاق برای رسیدن به هدف و آرمان بزرگ منجر خواهد شد (همان: ۵۲).

### ۳.۷. الگوسازی، امیدبخشی و دوراندیشی در ارتباطات

یکی از اصول تربیتی قرآن، «چهره سازی» و «الگودهی» است. اولیای دین، همواره در زندگی خویش به پیروی از الگوی شخصیتی و رفتاری و اعتبار آن توجه داشته؛ بر همین اساس، مردم را به پیروی از الگوی مناسب دعوت کرده‌اند. از دیگر نقش‌های رسانه «امیددهی به آینده روشن» و کمک به تحقق حکومت عدل و داد و غلبه صالحان بر زمین است و این نگاه حاکی از آینده‌نگری و دوراندیشی جامعه منتظر است که باید برای نقش‌آفرینی و یاری امام خود، آمادگی‌های مادی و معنوی لازم را کسب کند؛ برنامه‌ریزی همیشگی داشته و با عاقبت‌اندیشی صحیح، از آینده جهان تصویری مناسب ترسیم کند (همان: ۵۳).

### ۳.۸. دفاع از مظلوم و منجی‌گرایی در ارتباطات

جامعه حدی، الگو برداری شده از جامعه مهدوی همواره بر مدار «عدالت خواهی» و «گریز از ظلم و ستم» حرکت می‌کند. رسانه نیز در این جامعه همواره در چارچوب ستم‌ستیزی و دفاع از مظلوم گام برمی‌دارد و می‌کوشد تا به مردم، نسبت به مصادیق و مفاهیم ظلم آگاهی بخشد و آنان را در مسیر عدالت کلان هستی قرار دهد و یاور و انتقال‌دهنده فریاد مظلومان و دشمن‌ظالمان و مستکبران سراسر عالم باشد. این رسانه به منجی موعود و تحقق وعده الهی و تابش نور الهی در تاریکی باور دارد و معتقد است چنانچه حتی یک روز مانده به پایان دنیا، منجی عالم و احیاکننده حق و عدالت، ظهور و حکومت بزرگ و جهانی مستضعفان را بر پا خواهد کرد. لذا رسانه بر خود واجب می‌داند تا چنین باوری را بیش از پیش و با بهره‌گیری از همه توانمندی‌های هنری و رسانه‌ای خود، نه تنها به مسلمانان جهان، بلکه همه مردم دنیا منتقل کند.

### ۴. ارتباطات در جامعه فعلی

به عصری که اکنون در آن به سر می‌بریم، نام‌های گوناگونی را نسبت داده‌اند که «عصر اطلاعات» یا «عصر اطلاعات و ارتباطات» نمونه‌هایی از آن‌هاست. توجه‌ای که بشر در این

قرن به اطلاعات معطوف داشته و راه‌ها و تدابیری که برای شناختن، گردآوری، سازمان‌دادن، انباشتن، بازیافتن و جا به‌جا کردن، اندیشیده و ابداع کرده؛ در سراسر تاریخ گذشته بی‌مانند است. این مسئله امروزه برای مخاطبان رسانه‌های گروهی، از جمله مخاطبان تلویزیونی نیز مصداق دارد. موضوع رو به رشد «تراکم اطلاعات»<sup>۱</sup> تا آن‌جا پیش رفته است که برخی از اندیشمندان، مخاطبان وسایل ارتباط جمعی را نه «گیرنده»، بلکه یک «قربانی» خوانده‌اند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۲۳).

مک لوهان<sup>۲</sup> با بیان «رسانه، پیام است» جهان را تکان داد. نوشته‌هایش پر از ایهام است، تا جایی که به رمز راز و رمز می‌رسد. اما کتاب او (درک رسانه‌ها) منظور وی را از «رسانه، پیام است»، نسبتاً روشن می‌کند. او بیان کرده است:

قبل از پدیداری سرعت الکترونیکی و جنبه فراگیر آن، این امکان که به‌طور مشخص پیام را خود رسانه بدانیم، وجود نداشت و نظریه حاکم بر آن بود که پیام، همان محتواست و در نتیجه ممکن بود مردم بپرسند یک نقاش چه چیزی را بیان می‌کند..... اما با پدیداری عصرالکتریسیت، آگاهی‌ها نیز تغییر کرد و مفهوم فراگیر ساختارها و اشکال متفاوت، چنان عمومیت یافت که در آموزش‌ها هم به‌کار گرفته شد (لوهان، ۱۳۷۷: ۱۸-۱۱).

امروزه درحوزه ارتباطات دو موضوع مهم مورد توجه است: «سرعت» و «دقت». اگرچه امروزه در دنیای رسانه‌ها در خصوص دقت در اطلاع رسانی فراوان صحبت می‌شود؛ بحث نفر اول بودن در اطلاع رسانی به نظر می‌رسد دغدغه‌های دقت را تا اندازه فراوانی تحت تأثیر قرار داده است. نمونه این نوع رفتار را می‌توان در بمب‌گذاری یک جوان چینی در جریان مسابقات دو، در بوستون دید. سی ان ان<sup>۳</sup> گزارش داد که یک جوان سیاه پوست به این اقدام مظنون است. در همان زمان، سی بی اس<sup>۴</sup> از مردی سفید یا سیاه پوست که کلاه بسکتبالی

1. Information overload
2. Mc Lohan
3. CNN
4. CBS

به صورت برعکس بر سر دارد، به عنوان مظنون نام برده است. نیویورک پست در همان زمان عکس دو جوان را به عنوان مظنونین روی صفحه اول خود قرار داد (لادراتی، ۲۰۱۳). بعد از بررسی این نمونه و نمونه‌های مشابه از عملکرد رسانه‌ها، اسبو لادراتی<sup>۱</sup> نتیجه می‌گیرد که به نظر می‌رسد رسانه‌ها در این رقابت شکل گرفته، به سرعت بیش از دقت توجه دارند. یکی از مسائلی که در ارتباطات و اطلاع رسانی مورد توجه قرار می‌گیرد، بحث تأثیر گذاری و نفوذ بر مخاطبان و شکل دهی به دیدگاه‌ها، شیوه تفکر و موضوعات مورد نظر آنان، به نحوی است که مسایل آنان از وضعیت خودشان منبعث نباشد. این پدیده را «امپریالیسم فرهنگی» نامیده‌اند که در کشور ما از آن با عنوان «تهاجم فرهنگی» نام برده می‌شود؛ که کشوری با آن ارزش‌ها، هنجارهای رفتاری، تصورات و نیز روش زندگی خود را به دیگران تحمیل می‌کند (جیلی، ۱۳۷۸).

تبدیل شدن رسانه‌ها به عنوان منبع مهم اطلاعاتی به ابزاری در دست مستکبران و نظام سلطه، نیز یکی از وضعیت‌های دنیای معاصر است. شاهدهی بر این ادعا تحقیقی است که نشان می‌دهد در جنگ سال ۱۹۹۱ خلیج فارس، از هر ۱۰ آمریکایی، ۸ نفر اطلاعات در این مورد را از رسانه‌ها دریافت کرده‌اند. این وضعیت باعث می‌شود که افراد با واقعیت‌ها فاصله پیدا کرده و در مقابل آنچه تلویزیون‌ها و رسانه‌ها مطرح می‌کنند، منفعل و آن‌ها را پذیرا می‌باشند. این تأثیر بر افرادی که تنوع منابع دریافت اطلاعات ندارند، شدیدتر است.

رسانه‌ها در دنیای امروز فوق العاده با اهمیت هستند و ابزاری دقیق برای تغییر معادلات جهانی‌اند؛ اما متأسفانه عمده آن‌ها، هم از منظر نرم افزار و هم سخت افزار در سیطره مستکبران جهانی، بویژه آمریکا (مثل هالیوود) قرار دارند و دقیقاً در نقطه مقابل مهدویت، بشدت در حال فعالیت هستند. از جمله مأموریت‌های هالیوود در برقراری دیپلماسی عمومی و واقعیت سازی، بویژه برای آینده، ابرقدرت نشان دادن آمریکا، ترسیم نظام نوین جهانی، تبلیغ تروریسم اسلامی و اسلام هراسی، مواجهه با دین و عالم ماورا، معرفی و القای سبک زندگی

---

1. Steve Laderanti

آمریکایی به عنوان تنها راه و روش زندگی بشر امروز است. درخصوص رویکردهای هالیوود نیز می‌توان به بزرگ نمایی خطر تروریسم در کشورهای اسلامی علیه غرب، القای برتری تمدن و فرهنگ غرب بر شرق، بویژه جهان اسلام و حفظ جهان از خطر نابودی توسط غرب و به ویژه امریکا اشاره کرد (عباسی: ۱۳۹۲).

در زمینه تأثیرات رسانه‌ای، همچون هالیوود، می‌توان از ترویج خشونت و وحشی‌گری و ایجاد تصویر منفی از مسلمانان و نگرانی همیشگی از اقدامات وحشیانه آنان اشاره کرد که رسانه مهدوی باید در مقابل این امور، به بهترین شکل عمل کند.

## ۵. چشم‌انداز و گام‌های تحقق ارتباطات در جامعه حدی

### ۵.۱. چشم‌انداز:

با اتکال به عنایات الهی، جهت بهره‌گیری از پیشرفت‌ها و تحولات فنی و محتوایی در عرصه ارتباطات رسانه‌ای در افق چشم‌انداز بیست ساله غربی همه جانبه خواهیم داشت. چنین رسانه‌ای در جهت دهی مثبت به تحولات فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی جامعه مبتنی بر معنویت و ارزش‌های دینی از نقش بی‌بدیل و همه‌جانبه برخوردار است و با استفاده از جدیدترین فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در همه ابعاد تولید، سیگنال‌رسانی و پخش در قالب‌ها و ساختارهای متنوع و اثرگذار، مدیریت پیام مهدوی را در عرصه ملی، منطقه‌ای و جهانی، با آگاهی از تحولات منطقه و جهان اسلام در تراز برتر از سایر رقبا به مخاطبان جهانی به مثابه رسانه مهدوی تحقق می‌بخشد.

در خصوص چشم‌انداز، این نکته حائز اهمیت است که از جمله اهداف اصلی در شکل‌گیری رسانه مهدوی، مدیریت پیام مهدوی است تا این معنا را در ذهن مخاطب ایجاد کند که منجی موعودی با نام مهدی خواهد آمد و هدفش رساندن سطح معرفت مخاطب از «باور مهدوی» به «ایمان مهدوی» است؛ یعنی با تبیین درست گزاره‌های معرفت‌بخش مهدویت، به غنای اعتقادی مخاطب خود عمق ببخشد. در این فرآیند مدیریت پیام، گام نخست تعیین پیام‌هایی است که باید تولید و عرضه شوند.

گام دوم، شیوه تولید پیام و قالب آن و گام پایانی، شیوه توزیع و پخش پیام است و این که پیام چگونه، در چه زمانی و توسط چه کسی ارائه شود (حاجی هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۰۹).  
بر اساس چشم‌انداز، رسانه مهدوی رسانه‌ای زمینه‌ساز است که با اشکال گوناگون، زمینه‌های رشد، آگاهی و بالندگی را در میان مردم محقق و موجبات ترویج گفتمان موعودخواهی و ظلم‌ستیزی را فراهم می‌کند و به این وسیله، به موضوع زمینه‌سازی و تحقق نصاب‌ها برای ظهور منجی مدد می‌رساند. برحسب آخرین تحقیقات در عرصه رسانه و قدرت نرم، چنین رسانه‌ای باید توانایی تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر عقاید، افکار، احساسات، خواست‌ها و نیازهای گروه‌های معین موردنظر خود را داشته باشد تا بتواند آن‌ها را به اهداف بلند و عالی سوق دهد (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۸: ۴۱۱).

#### ۵.۲. گام‌های تحقق رسانه مهدوی

با توجه به توضیحات بیان شده، برای تحقق ارتباطات تأثیرگذار بر جامعه زمینه ساز ظهور، می‌توان چهار گام را در نظر گرفت که در یک بازه زمانی بیست ساله به تحقق چشم‌انداز منجر خواهد شد. ترتیب گام‌های پیشنهادی به این معنا نیست که تحقق هر گام ضرورتاً به تحقق گام قبلی منوط است؛ هر چند اولویت با گام نخست و تربیت نیرو است و زمان قابل توجه و بیش‌تری را نیز می‌طلبد. در شکل ۲، چشم‌انداز مورد نظر و گام‌های تحقق از سوی نگارنده ارائه شده است که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم:

#### الف - گام نخست: تربیت نیروی انسانی متخصص و معتقد به مهدویت اصیل

انسان در همه ابعاد، برای تربیت و سازندگی قابلیت دارد و هنگامی که برنامه‌های تربیتی اش براساس ارزش‌های والای اخلاقی و انسانی تنظیم شود، جامعه راه صلاح و فلاح را در پیش می‌گیرد. برای تحقق جامعه مهدوی می‌بایست زمینه‌های لازم را هم به لحاظ محتوایی و هم به لحاظ فنی فراهم و پی ریزی کرد. یکی از بایسته‌های این کار، برنامه ریزی و ارائه آموزش‌های مناسب و تربیت افراد آگاه، شایسته و توانمند در زمینه ارتباطات است که ضمن داشتن آگاهی و مهارت کافی در زمینه فنی، به مهدویت و آینده حتمی با ظهور حضرت مهدی عج اعتقاد و التزام عملی داشته باشد (قزوینی، بی تا: ۷۳۸ - ۷۴۰).



شکل ۲: ترسیم چشم‌انداز و گام‌های چهارگانه پس‌نگری ارتباطات

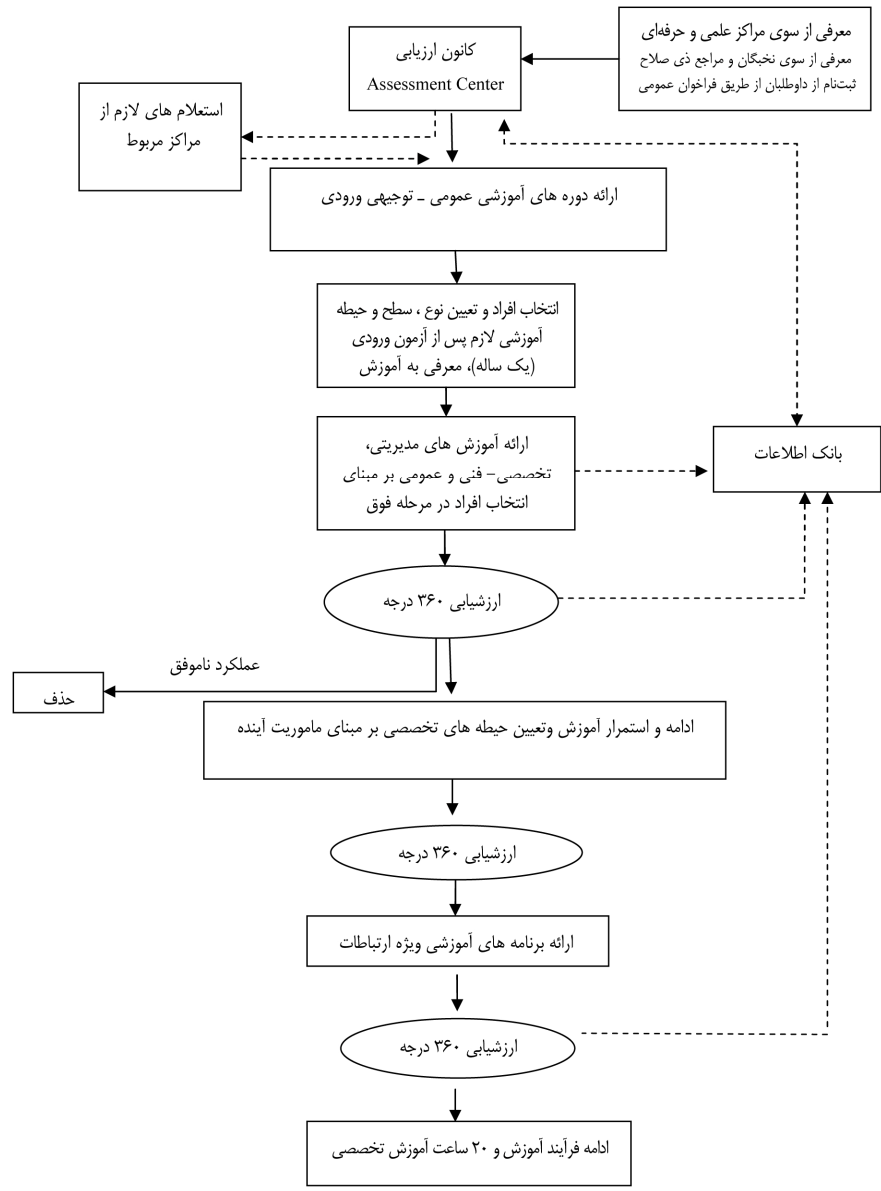
تربیت نیروی حرفه‌ای متعهد و معتقد برای اجرای کارهای بزرگ و مأموریت جهانی رسانه مهدوی، امری ضروری است. از این رو، شایسته است با برنامه ریزی و ارائه برنامه‌های آموزشی آینده نگرانه در این زمینه عمل شود:

۱. تشکیل مرکز ارزیابی برای شناسایی و انتخاب افراد مستعد؛
  ۲. فرهنگ‌سازی و ایجاد باور و اعتقاد راسخ در بین نیروها برای تحقق جامعه موعود مهدوی؛
  ۳. برنامه‌ریزی راهبردی و ارائه آموزش‌های کاربردی در زمینه مهدویت و ارتباطات؛
  ۴. اجرای دقیق و نظام‌مند برنامه‌های تدوین شده و نظارت مستمر بر پیشرفت برنامه.
- از اهداف اساسی تربیت مدیران و نیروهای حرفه‌ای برای رسانه مهدوی، زمینه‌سازی برای ایجاد رسانه‌ای پویا و امیدبخش است که اولاً دارای توان مناسب برای مقابله با رسانه‌های رقیب است و دوم این که پیام‌های مهدوی را به نحو مناسب بر اساس یک نظام دقیق ارتباطی تعیین، تولید و توزیع می‌کند.

از آن‌جا که تربیت نیروی انسانی، با اهمیت‌ترین گام است، به عنوان گام نخست در نظر گرفته شده، ضمن این که به لحاظ زمانی نسبت به سایر موارد، به زمان بیش‌تری نیاز دارد. در نمودار ۱، طرح پیشنهادی تربیت مدیران و عوامل حرفه‌ای در قالب مراحل متوالی ارائه شده که شامل آموزش‌های مدیریتی، فنی، تخصصی و عمومی (مباحث اعتقادی - اخلاقی و...) است. در این طرح، شناسایی نیروهای مستعد از طریق کانون ارزیابی با بهره‌گیری از منابع مختلف و



بررسی‌های اولیه از جهات تحصیلی ذهنی، روانی، جسمانی و سوابق اعتقادی و اخلاقی با حضور متخصصان حوزه‌های مختلف صورت می‌گیرد. پس از آن، منتخبان دوره‌های توجیهی اولیه و سپس دوره‌های تخصصی و آزمون‌های مستمر را در یک بازه زمانی ۱۰ ساله خواهند گذراند.



نمودار ۱: طرح پیشنهادی آموزش‌های مدیریتی و حرفه ای

ب. گام دوم: اقدام در جهت زیرساخت‌های فنی - مخابراتی

یکی از مهم‌ترین پیشران‌های تغییر در جوامع و به تبع آن، سازمان‌ها، «فناوری اطلاعات» است. در واقع، فناوری اطلاعات امروزه یکی از عواملی است که بشدت دنیا را متحول کرده است. اگر چه این تحولات فواید و ثمرات زیادی در رشد و اثرگذاری ارتباطات و رسانه دارد؛ همگام نشدن با تغییرات و تحولات، قدرت تأثیرگذاری و اجرای رسالت و مأموریت‌ها را برای رسانه مهدوی کاهش داده و حتی از بین خواهد برد. در حوزه رسانه می‌توان فرایند تولید و پخش را در سه دسته کلی زیر قرار داد:

۱. فناوری‌ها و ابزارهای مرتبط با تولید برنامه؛
۲. فناوری‌ها و ابزارهای مرتبط با پخش و سیگنال رسانی؛
۳. فناوری‌ها و ابزارهای مرتبط با دریافت و کد برداری.

سه دسته مذکور، اگرچه به صورت متمایز مورد توجه قرار گرفته اند؛ با هم رابطه نزدیک دارند. برای مثال اگر ابزارهای مناسب برای دریافت تصاویر سه بعدی وجود نداشته باشد، عملاً وجود این امکان در ساخت و در ارسال بی‌فایده است. به هر حال، سابقه تغییرات گویای آن است که زنجیر وار همدیگر را پوشش داده‌اند. لذا یکی از گام‌های اساسی برای آماده سازی، زیر ساخت‌های فنی متناسب با جامعه حدی مورد نظر، بهره گیری از نیروی انسانی حرفه‌ای تربیت شده در گام نخست است. تحقق این گام به زمانی حدود ۱۰ سال نیاز دارد که می‌تواند همگام یا با شروع ۵ ساله دوم گام نخست، آغاز شود.

پ- گام سوم: ایجاد و شکل دهی به رسانه‌ها و انتقال دهنده‌ها

در مواجهه با تغییرات سریع فناوری در ارتباطات، ضرورت برنامه ریزی دقیق برای پیش بینی و ایجاد رسانه‌ها و انتقال دهنده‌های مورد نیاز از گام‌های اساسی به شمار می‌رود. در این خصوص، موارد زیر برای آماده سازی کانال‌های ارتباطی مورد نیاز بسیار با اهمیت است:

۱. درک و شناسایی محیط: درک و شناسایی محیط کمک می‌کند تا بتوانیم به نحو مناسب تری رفتار خود را تنظیم و با آگاهی از شرایط و ضرورت‌ها، هزینه‌های لازم را برای تحقق اهداف صرف کنیم.

۲. تدارک و تجهیز فنی: لازم است تغییرات و روندهای موجود را شناسایی و تجهیزات مورد نیاز خود را انتخاب کنیم؛ کاربران آن را آموزش دهیم و فضا را برای انتقال از فناوری قدیم به سوی فناوری جدید فراهم سازیم.

۳. مدیریت هزینه: یکی از مسائل مهم در مواجهه با فناوری‌های جدید، فراهم سازی این فناوری‌هاست که به سرمایه گذاری مناسبی نیاز دارد. به هر حال، خیلی مهم است که ابتدا از محیط و تغییرات درکی مناسب داشته باشیم و سپس با توجه به مؤلفه‌های محیطی و کاری خود، در خصوص استفاده از سیستمی خاص با پیش بینی و تامین هزینه‌های آن تصمیم‌گیری کنیم.

۴. توجه به فضای رقابت: مفهوم «رقابت»، با توجه به تغییرات فناورانه و حضور رقبای قدرتمند بسیار تغییر کرده است. امروزه فضاهای زیادی وجود دارد که می‌تواند برای ورود رقبایی همچون هالیوود و شبکه‌های ماهواره‌ای و کاستن از مخاطبان رسانه به عنوان محیطی عمل کند. از این رو شکل‌دهی رسانه قدرتمند و تاثیرگذار برای کسب موفقیت ضروری است و به رصد و دیده بانی مستمر نیازمند است.

۵. توجه به مدیریت تنوع: منظور، توجه به فضای حاکم بر رسانه و شناخت و استفاده از قالب‌ها و ساختارهای متنوع برنامه سازی و همچنین رسانه‌های مکمل، مثل اینترنت است. از جمله عوامل انسانی و هنری به شرح جدول پیشنهاد شده است که در مجموع به تحقق رسانه مهدوی منجر خواهد شد. به لحاظ زمانی، گام سوم برای تحقق عملی، به ۱۰ سال نیازمند است که از ۱۰ ساله دوم چشم‌انداز نیز می‌تواند آغاز شود.

عوامل هنری (ساختارها و قالب‌های برنامه سازی)	عوامل انسانی	ردیف
سریال	مدیران	۱
تله فیلم	مجریان	۲
مستند	فیلمنامه نویسان	۳
سخنرانی	مهندسان فنی	۴
میزگرد	عوامل تولید	۵
و...	و....	۶

جدول ۱: عوامل انسانی و هنری لازم برای ایجاد و شکل دهی رسانه

گام چهارم: فراهم سازی عوامل موثر بر ایجاد و پاسخ دهی به نفوذ و صحت ارتباط «رسانه پویا»، رسانه‌ای است که آینده نگرانه، تحولات در تولید، پخش و سیگنال رسانی را رصد می‌کند و با بهره گیری از دستاوردهای نوین مدیریتی در رسانه، در واکنش به این تحولات گام بر می‌دارد. از این رو، رسانه مهدوی با ایجاد ظرفیت‌های نو در تلاش است تا میزان نفوذ و صحت فعالیت‌های ارتباطی و رسانه‌ای خود را افزایش دهد. در ادامه به ذکر برخی از ظرفیت‌ها می‌پردازیم:

#### ۱. سرعت انتقال

یکی از ظرفیت‌های رسانه «سرعت انتقال» است که در کوتاه‌ترین زمان ممکن، مطلب را به مخاطبان خود در سراسر جهان منتقل می‌کند.

#### ۲. جذابیت پیام

یکی دیگر از ویژگی‌های رسانه مهدوی، «جذابیت پیام‌های» آن خواهد بود؛ یعنی با به‌کارگیری شیوه‌های هنری، صوت، تصویر، رنگ‌آمیزی و شناخت مخاطب، پیام را به گونه‌ای ارائه می‌کند که جذاب است و مخاطبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

#### ۳. تأثیرگذاری سریع و قوی

رسانه به دلیل کاربرد فنون و روش‌های گوناگون تبلیغی و بهره‌گیری از کارشناسان قوی رسانه‌ای و رعایت اصول روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، به سرعت مخاطبان خود را تحت تأثیر قرار می‌دهند و به دلیل داشتن جذابیت، تأثیر آن‌ها قوی است.

#### ۴. وسعت حوزه نفوذ

از جمله ظرفیت‌های رسانه، «وسعت حوزه نفوذ» یا کارکرد آن است. البته حوزه نفوذ هر یک از رسانه‌ها متفاوت است؛ در این میان، اینترنت از حوزه نفوذی بسیار گسترده و جهان‌شمول برخوردار است.

## ۵. تنوع پیام‌ها

مقصود از این ظرفیت، آن است که هرگونه پیام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، دینی را می‌توان از طریق آن‌ها منتقل کرد.

## ۶. در دسترس بودن

یکی از ظرفیت‌های این رسانه، در دسترس بودن آن است؛ به گونه‌ای که هر لحظه مخاطب اراده کند، می‌تواند از آن‌ها استفاده کند (مرتضوی، ۱۳۸۹: ۵۹ - ۶۰).  
در رسانه مهدوی، علاوه بر بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطی، شیوه‌ها و ظرفیت‌های جدید، از رسانه‌های سنتی تاثیرگذار زیر، می‌بایست توأمان بهره‌گرفت که این، البته تاثیرگذاری پیام مهدوی را بیش از پیش فراهم می‌کند.  
الف. مراسم مذهبی، از قبیل حج، نماز عید فطر و قربان، نماز جمعه، نماز جماعت و جلسات مذهبی.

ب. اماکن مذهبی، از قبیل کعبه، مشهد مدینه، مشهد عراق، مشهد ایران و مساجد.  
ج. مناسبت‌های مذهبی، از قبیل عاشورا، اربعین، فاطمیه، شهادت‌ها و ولادت‌های معصومین.  
تحقق این گام می‌تواند از انتهای ۵ سال سوم و یا همگام با شروع گام سوم آغاز شود. البته همه گام‌ها در فرآیندی بدون توقف و مستمر وبا بازخورد گیری مداوم ادامه خواهند یافت.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ «رویکرد کیفی» است. گردآوری داده‌ها در این پژوهش، هم به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و هم به صورت میدانی انجام پذیرفته است. روش گردآوری داده‌ها در مطالعه کتابخانه‌ای، بررسی کتاب‌ها، مقالات و مستندات مرتبط با موضوع تحقیق و در بخش میدانی، مصاحبه با ۱۰ نفر از صاحب‌نظران رسانه و مدیران و کارشناسان معارفی شبکه‌ها بوده است.

## تجزیه و تحلیل یافته‌ها

امروزه رسانه‌ها این قدرت را دارند که با ارائه تفسیر رویدادها و حوادث و پخش مطالب دلخواه، بتوانند کنترل ذهن بخش زیادی از مردم را به دست گرفته و آن‌ها را به سمت و سوی تصمیم‌گیری‌های مورد نظر هدایت کنند. در فعالیت رسانه‌ای، دو بعد قابل توجه است: ۱. محتوا و غنای پیام و ۲. صورت و فرم پیام.

این دو بعد از ارتباط مستقیم برخوردار بوده و بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند. به دیگر سخن، هدف از زیبایی، جذابیت، سرعت و تنوع در رسانه آن است که محتوا، بیش‌تر و بهتر به جامعه هدف و مخاطبان انتقال داده شود. در جامعه حدی، ارتباطات از اهمیت بسیار فراوانی برای گسترش پیام مهدوی و مدیریت آن برخوردار و رسانه مهدوی چشم‌انداز و هدف غایی است و کارشناسان با الگوگیری از جامعه مهدوی، ۸ ویژگی برای آن برشمرده‌اند: «وضوح، شفافیت و سرعت»، «موثق بودن و اعتماد سازی»، «قدرت متقاعد سازی، نفوذ و زمینه سازی»، «بصیرت افزایی، عقلانیت و ایجاد فضای انتظار»، «برقراری مساوات، آمادگی و تلاش»، «ارزش آفرینی، رشد دهنده‌گی و ایجاد شور و اشتیاق»، «الگوسازی، امیدبخشی و دوراندیشی» و «دفاع از مظلوم و منجی گرایی در ارتباطات».

با بهره‌گیری از روش پس‌نگری، چشم‌انداز مورد نظر؛ یعنی رسانه مهدوی برای ۲۰ سال بعد، تصویرسازی شد و برای تحقق آن به چهار گام «تربیت نیروی انسانی متخصص و معتقد به مهدویت اصیل»، «پیاده‌سازی زیرساخت‌های فنی - مخابراتی»، «ایجاد رسانه‌ها و انتقال دهنده‌ها» و «فراهم‌سازی عوامل موثر بر ایجاد و پاسخ‌دهی به نفوذ و صحت ارتباط» پیش‌بینی شد.

به‌طور کلی رسانه مهدوی، رسانه‌ی زمینه‌سازی معرفی شد که با اشکال گوناگون زمینه‌های رشد، آگاهی و بالندگی را در میان مردم محقق و موجبات ترویج گفتمان موعودخواهی و ظلم‌ستیزی فراهم می‌کند و هوشمندانه از رسانه‌های تاثیر گذار سنتی، همچون مراسم مذهبی (حج، نماز جمعه و...)، اماکن مذهبی (کعبه، مدینه، مساجد و...) و مناسبت‌های مذهبی (عاشورا، اربعین، فاطمیه و...) رسانه‌ای بی‌رقیب با قدرت نفوذ و صحت بالا فراهم خواهد شد. زمان لازم برای تحقق چشم‌انداز (رسانه مهدوی)، بازه زمانی ۲۰ ساله در نظر گرفته شده است و گام‌های

چهارگانه جهت تحقق چشم‌انداز در جدول ۲ به این شرح است:

گام	عنوان	زمان شروع	زمان لازم
نخست	تربیت نیروی انسانی	ابتدای برنامه	۱۰ سال
دوم	زیر ساخت فنی - مخابراتی	همگام با گام نخست یا شروع سال پنجم	۱۰ سال
سوم	شکل دهی به رسانه‌ها و ابزارها	آغاز ده سال دوم	۱۰ سال
چهارم	نفوذ و صحت ارتباط	همگام با گام سوم یا شروع سال پانزدهم	۵ سال

جدول ۲: گام‌های تحقق چشم‌انداز (رسانه مهدوی) از حیث زمانی

### نتیجه

«رسانه مهدوی»، رسانه‌ای است که در نظر دارد پیام مهدوی را مدیریت و به جهانیان ابلاغ کند و طبعاً باید از ابزارهای ارتباطی نوین بهره بگیرد. این رسانه، رسانه‌ای زمینه ساز است و در پی آن است که زمینه‌های تحقق جامعه مهدوی را فراهم سازد. این رسانه، برای حضور در عرصه جهانی و تاثیرگذاری مناسب باید به لحاظ نیروی انسانی و عوامل فنی، خود را تجهیز کند تا توان مقابله با رسانه‌ها و برنامه‌های تخریبی دشمن را به طور کارآمد داشته باشد و اسباب معرفت‌بخشی و بیداری عمومی را فراهم سازد.

رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) می‌فرماید:

جنگ واقعی جهان پیچیده امروز، جنگ رسانه‌هاست و تهاجم خبری، تبلیغی، فرهنگی و اخلاقی رسانه‌های تحت کنترل زورمندان و زرمندان جهانی به ملت‌ها، بویژه ملت ایران در اوج خود قرار دارد (۱۳۸۳/۹/۱۱).

در این شرایط، رسانه مهدوی نقش راهبردی و محوری بر دوش دارد و باید ساز و کار مبارزه با رقبا را تشخیص دهد تا مقهور توانمندی‌های آنان نشود.

در آخرالزمان نیز این مهم بیش از پیش نمود و ظهور دارد. رسانه‌ی زمینه‌ساز باید ضمن ترسیم نقشه راه جامع و منسجم برای خود؛ راهبردهای دشمنان دین و نیز رسانه‌های آنان را رصد کند و راهبردهای لازم را در برابر آن به کار گیرد. اصحاب رسانه‌ای جبهه اسلام در دوران غیبت امام زمان علیه السلام باید تا زمان برپایی حکومت عدل واحد جهانی و در زمان ظهور حضرت از ابزارهای رسانه‌ای موجود برای پیشبرد دین کمال بهره را ببرند.

## منابع

- قرآن کریم.
۱. بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۹۶). *جزوه درسی بازانديشی آینده*، دوره سوم آینده پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
  ۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس و مدیران صدا و سیما، ۱۳۸۳/۹/۱۱.
  ۳. بهرامیان، شفیع (۱۳۹۰). *جزوه نظریه‌های ارتباطات جمعی*، چاپ اول، ارومیه، دانشگاه علمی کاربردی.
  ۴. تاج لنگرودی، محمد مهدی (۱۳۷۴). *سیمای امام زمان (عج)*، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات ممتاز.
  ۵. حاجی هاشمی، مرضیه (۱۳۹۰). مدیریت پیام‌های مهدوی در فراسیستم ارتباطات دینی، *فصلنامه علمی - تخصصی پژوهش‌های مهدوی*، سال اول، شماره ۱، قم.
  ۶. جبلی، پیمان (۱۳۷۸). ارتباطات نوین جهانی و سلطه خبری فرهنگی (با نگاهی به سیاست‌های ارتباطی جمهوری اسلامی ایران)، *فصلنامه رادیو و تلویزیون*، سال اول، پیش شماره، انتشارات دانشکده صدا و سیما.
  ۷. دومیننگ، ژوزف.ر (۱۳۷۸). پویایی ارتباط جمعی، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، *فصلنامه رادیو و تلویزیون*، سال اول، پیش شماره، انتشارات دانشکده صدا و سیما.
  ۸. سورین، ورترو و تانکارد، جیمز (۱۳۸۱). *نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه علی‌رضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
  ۹. شیری، علی‌اصغر (۱۳۷۵). شبکه اطلاع‌رسانی، نظریه، تعاریف و تاریخچه، *فصلنامه کتاب*، دوره هفتم.
  ۱۰. صبری، حمید (۱۳۸۱). *آشنایی با دانش ارتباطات*، چاپ اول، تهران، انتشارات مولف.
  ۱۱. طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۰). *چشم‌اندازی به حکومت مهدی (عج)*، سوم، قم، بوستان کتاب.
  ۱۲. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۴۶هـ.ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
  ۱۳. قرضاوی، یوسف (۱۳۸۲). *جهانی شدن و نظریه پایان تاریخ و برخورد تمدن‌ها*، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، تهران، نشر احسان.
  ۱۴. قزوینی، سید محمدکاظم (بی تا). *امام مهدی (عج) از ولادت تا ظهور*، ترجمه و تحقیق علی کریمی، و سید محمد حسینی، قم، موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج).
  ۱۵. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۶). *الکافی*، قم، انتشارات أسوه.



۱۶. مک لوهان، مارشال (۱۳۷۷). *برای درک رسانه، ترجمه‌ی سعید آذری*، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۱۷. ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۸). *گفتمان جنگ مجازی و رسانه‌های گروهی، مجموعه مقالات قدرت و جنگ نرم*، تهران، نشر ساقی.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). *بحارالانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۳). *ارتباط شناسی*، پنجم، تهران، انتشارات سروش.
۲۰. محمدی متکازینی، سید محمد علی (۱۳۹۱). *تجلی حکومت جهانی برپهنه گیتی*، قم، *فصلنامه اشارات*، شماره نهم.
۲۱. مرتضوی، سید محمد (۱۳۸۹). *ظرفیت‌ها و محدودیت‌های رسانه در جامعه و دولت زمینه ساز ظهور منجی موعود*، سال چهارم، شماره شانزدهم، قم، *فصل نامه علمی- پژوهشی مشرق موعود*.
۲۲. صافی گلپایگانی (۱۴۱۹هـ. ق). *منتخب الاثر*، قم، السیده المعصومه.
۲۳. میرتبار، سید محمد (۱۳۹۰). *رسانه‌ها و باز تولید جامعه منتظر*، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه‌ها.
۲۴. وحیدی مطلق، وحید (۱۳۸۵). *پس‌نگری از آینده به حال*. <http://www.atinegaar.com>.
25. <http://en.wikipedia.org/wiki/Utopia>.
26. <http://en.wikipedia.org/wiki/Backcasting>.
27. Ladurarantaye, Steve (2013). <http://www.theglobeandmail.com/news/world/news-outlets-pursuing-speed-before-accuracy-boston-shows/article11397684>.

## مهدویت و جایگاه آن در چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (با رویکرد آینده‌پژوهی)

رحیم کارگر \*

### چکیده

«آینده‌پژوهی» به عنوان یکی از حوزه‌های مطالعاتی، این رسالت را بر عهده دارد که مدیریت آینده جهان را ترسیم سازد. بر همین مبنا است که رهبران جوامع با در نظر گرفتن عوامل مختلف (ایده‌ها، آرزوها، فرصت‌ها، تهدیدها و استعدادها) و برای رسیدن و تعیین درست آینده، سندهایی را با عنوان «چشم‌انداز» تنظیم می‌کنند. بر این اساس، چشم‌انداز، بیان سازمان یافته‌ای است در مورد حرکت از حال به سوی آینده و از وضع موجود به وضع مطلوب. یکی از ضرورت‌های جامعه دینی ما تدوین سند چشم‌انداز فرهنگی بر اساس مهدویت است. نگاه مبتنی بر این باور، ضمن ارائه تصویری مطلوب و آرمانی و قابل دستیابی از ارزش‌ها و باورهای فراروی جامعه، بیانگر این نکته است که آینده‌ای مبتنی بر عدالت و حاکمیت توحید در سراسر جهان در انتظار ماست. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران که متضمن چشم‌انداز فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است؛ موعودگرایی و مهدویت را به طور شایسته و بایسته مورد توجه قرار نداده است که این کمبود را می‌توان با تدوین سند چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مهدویت را جبران نمود. ترسیم مبانی مهدویت به عنوان چشم‌انداز فرهنگی، در واقع نویدبخش تحقق ارزش‌هایی است که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام محقق می‌شود که اهم آن عبارتند از: کرامت آدمی و بازگشت به فطرت و پاک نهادی، آزادی واقعی، حاکمیت ارزش‌های اخلاقی، بالندگی عملی و... در این جهت لازم است قرار فرهنگی در شهر مقدس قم شکل گرفته و عهده دار تدوین چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران گردد.

واژگان کلیدی: چشم‌انداز، چشم‌انداز فرهنگی، مهدویت، آرمانگرایی.

امروزه «آینده پژوهی» در قالب شاخه جدید علمی و به عنوان یک حوزه مطالعاتی مهم سعی دارد نحوه تحقق برنامه‌های استراتژیک آینده محور را تشریح و گام‌های ساخت و مدیریت آینده را مشخص کند. مهم‌ترین مولفه آینده پژوهی را می‌توان تحرک وانگیزش خود و دیگران برای حرکت به سمت فردای بهتر و آبادتر دانست و درست در همین مسیر است که رهبران، با کنار هم قرار دادن حقایق، آرزوها، ایده‌آل‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها و استعدادها به تنظیم سندهایی با عنوان «چشم‌انداز» می‌پردازند. گرایش به ترسیم آینده‌ای درخشان و برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن چشم‌انداز، امروزه چهره‌ای همگانی و جهانی پیدا کرده و سیاست‌ها و برنامه‌های رشد و پیشرفت، بر اساس آن سامان داده می‌شود.

اندیشه‌ورزان و آینده‌پژوهان، در قالب تعبیر گوناگونی از چشم‌انداز یاد کرده‌اند. از منظر برخی از آن‌ها شناخت چشم‌انداز، به مثابه ارزشی فرهنگی است. چشم‌انداز، بیان سازمان یافته و نیرومند جایگاهی است که فرد، ملت یا سازمان باید به آن جا برسد. به عبارت روشن‌تر، چشم‌انداز، تصویری شفاف و عمیق از مسیر و هدف فرد یا گروهی است که قصد رسیدن به آن را دارند. در واقع، چشم‌انداز، ترکیب درک مشترک از موفقیت‌های آتی و تمایل رسیدن به آن‌هاست. بر این اساس، چشم‌انداز، توانایی نگرستن به فراتر از واقعیت موجود، آفرینش و ابداع چیزی است که اکنون وجود ندارد و تبدیل شدن به آنچه اکنون نیستیم و توانایی زندگی در آرمان و هدف‌گرایی، به جای زندگی، در اولویت است؛ یعنی آینده مطلوبی که علاقه‌مندیم به واقعیت بپیوند.

هر کشور و نظامی برای رسیدن به نقطه مطلوب و قابل قبول خود، باید اهدافی را تعریف کند تا به عنوان افق و چشم‌انداز آینده آن کشور شناخته شود و بتواند تمامی مسئولان آن کشور را به سمت آن افق رهنمون سازد. یکی از تاثیرات مهم و با ارزشی که می‌توان برای چنین چشم‌اندازی متصور بود، ایجاد ثبات در مدیریت کشور است؛ چراکه اگر قرار باشد آن کشور به اهداف بلند مدت خود، یعنی همان اهداف تعریف شده در چشم‌انداز برسد، باید در مسیری حرکت کند که در انتها به آن نقطه مطلوب می‌رسد. در واقع، تبیین یک چشم‌انداز

برای یک کشور، مسیر روشنی را در اختیار مسئولان آن کشور قرار می‌دهد تا با نگاه مستمر به آن، طی طریق کنند و این مسیر، برای سنجش میزان انحراف آن‌ها از چشم‌انداز کشور به عنوان «شاخص» عمل کند. بر همین اساس، ضروری است برنامه‌ها، سیاست‌ها و قوانین مصوب یک کشور (کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت) با اهداف و چشم‌انداز تبیین شده، در افق مسیر مذکور هماهنگ و در همان جهت باشد. این مسئله در تدوین و داشتن سند چشم‌انداز فرهنگی از اهمیت زیاد تری برخوردار است؛ زیرا مقوله فرهنگ خود زیر بنایی‌ترین رکن جامعه است و بنابراین، داشتن چشم‌انداز در این زمینه ضرورت خاصی دارد. فرهنگ، نظام‌واره‌ای است از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد. فرهنگ، میراث یک ملت، مجموعه رفتار آداب و رسوم، تلقی جمعی انسان از زندگی، جدا کننده انسان از حیوان، حاصل تجربه تاریخی ملل، فعالیت حیات مادی و معنوی بشر، نظامی از ارزش‌ها و دانش‌هاست:

فرهنگ، کیفیت یا شیوه بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان هاست که به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکاملی مربوط باشد (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۰).

رهبران و مدیران، برای معماری آینده مطلوب خود و جامعه در آغاز راه انگاره‌ها و گزاره‌های چشم‌نواز و محکمی از آینده به تصویر می‌کشند و در گام بعدی جامعه، آن انگاره و آرمان را پذیرفته، باور کرده و حمایت می‌کنند و سپس آن‌ها با همکاری یکدیگر، انگاره یاد شده را تحقق می‌بخشند. آفرینش دورنمایی از کامیابی‌ها و موفقیت‌ها همواره در بستر باورهای مشترک، دین، فرهنگ و ادبیات کارسازتر و دست یافتنی‌تر بوده است. ادیان الهی، بویژه دین مبین اسلام، با ترسیم چشم‌اندازهایی حرکت آفرین و الهام‌بخش از آینده قدسی بشر، بی‌بدیل‌ترین منابع خلق چشم‌انداز هستند:

و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص: ۵).

قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام سرشار از بشارت‌های حرکت آفرین به سوی

چشم‌اندازی تمام‌نما از پیروزی راستین خوبی‌ها بر بدی‌ها و حاکمیت مطلق حق بر باطل است. طبق بیان حضرت علی علیه السلام:

آن که به استقبال آینده می‌رود، بیناترین است و آن که پشت به آینده حرکت می‌کند، سرانجام سرگردان می‌ماند.

استقبال از آینده در کلام مولای متقیان، مفهومی جز برخورداری از رویکردهای فعالانه و پیش‌دستانه در رویارویی با آینده و داشتن چشم‌اندازی روشن ندارد.

در این منظر، «موعود گرایی و حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام»، چشم‌انداز و غایت کمال نوع انسان و ابنای بشر است و اهمیت و کرامت انسانی بر مبنای چنین چشم‌اندازی طراحی شده و معنا می‌یابد. در این نگاه، قرآن در قالب اندیشه مهدویت، به وضعیتی توجه می‌دهد که انسان‌ها با زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، در مسیر و مقصدی واحد شریک می‌باشند و آن توحید و عدالت بر اساس فطرت پاک خدادادی است و همه انسان‌ها با اعتقاد به موعودگرایی، ظهور عدالت جهانی را انتظار دارند. تلاش امامان معصوم نیز بخشی از اهداف الهی در چشم‌انداز دینی به آینده انسان‌ها را نشان می‌دهد. چشم‌انداز دینی تصویری مطلوب از آینده است که با فطرت و عواطف انسان ارتباط بسیار نزدیکی دارد و بشر را با عمیق‌ترین خواسته‌ها و آرزوهایش ارتباط می‌دهد. چشم‌انداز، در آینده‌پژوهی دینی در جهت ترسیم جایگاه رفیع بی‌انتهای و ملکوتی انسان و به دنبال تحقق مدینه‌ای آرمانی است.

بر این اساس، دو دغدغه اساسی به شکل‌گیری این پژوهش منجر شد: ابتدا احساس می‌شد جامعه به که چشم‌اندازی فرهنگی نیاز دارد که با تکیه بر مبانی معرفتی دینی و نگاه به آینده روشن تدوین شده و سرچشمه اصلی آن جامعه آرمانی اسلام (جامعه مهدوی) است. در واقع، «مهدویت» به عنوان چراغ راه آینده و الگوی جامع و کامل اسلام، برای رشد و بالندگی جوامع بشری، می‌تواند مطمئن‌ترین و کارآمدترین منبع تدوین چشم‌انداز و برنامه‌های سیاستی برای تعالی و تکامل جامعه باشد.

از طرفی، یکی از مباحث مهم جمهوری اسلامی ایران، تدوین «سند چشم‌انداز بیست ساله (در افق ۱۴۰۴)» است که به نظر می‌رسد جایگاه بحث مهدویت در این سند مورد توجه جدی

قرار نگرفته و ما باید به تحولی اساسی در افق چشم‌انداز پردازیم تا بتوانیم به جایگاه این مبحث مهم در آینده و چشم‌اندازهای بعدی دست یابیم. سند چشم‌انداز، برای قرار دادن برنامه ریزی مهدوی به تحولی اساسی نیاز دارد تا بتوانیم جامعه‌ای مهدوی و اسلامی برای پیشبرد اهداف ایجاد کنیم. از منظر قرآن، مهدویت فرجام و غایت جامعه بشری و الگوی واقعی آن است و باید هویت ما با استفاده از آن بازتعریف شود. اندیشه مهدویت، اندیشه ما را برابر و موقعیت جمهوری اسلامی را در اجرای مأموریت‌ها و رسالت انقلاب اسلامی در حفظ آرمان‌ها تقویت می‌کند. پیشرفت، عدالت و تعالی بخشی از ظرفیت‌های مهدویت است.

مهدویت، دارای مولفه‌ها و ابعاد گسترده و جامعی است که می‌تواند در تدوین سندهای چشم‌انداز مورد توجه واقع شود؛ از جمله این مؤلفه‌ها عبارتند از: فراگیری و عام‌نگری (جهان‌شمولی)، عدالت‌گرایی، معنویت‌گرایی و کمال‌بخشی، حق‌گرایی و ریشه‌کنی نمودهای باطل، تحقق عبودیت و یکتاپرستی، خشونت‌ستیزی (ظلم، جنگ، ناامنی و...)، تأمین رضایت‌مندی و خشنودی مردم، شایسته‌سالاری (حکومت صالحان و مستضعفان)، تحول‌گرایی مثبت و سازنده، ایجاد انسجام، سازواری و هم‌آهنگی و... (کارگر، ۱۳۸۹: ۴۴). از این رو، مهدویت از مبانی اساسی در باور شیعی، به عنوان عامل مهم و موثر بر طراحی و برنامه ریزی توسعه کشور می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد. شاید کم‌تر کسی به این موضوع توجه داشته باشد که مدیریت و برنامه ریزی توسعه در کشور بدون توجه به روح مهدویت و به کارگیری آموزه‌های این باور الهی در تشیع، بسختی بتواند در رشد و توسعه کشور و داشتن چشم‌اندازی روشن - بخصوص در عرصه فرهنگی - موفق شود. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نظامی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی شیعی، در تلاش است تا مسیر توسعه را با اتکال به خداوند و اتصال به تعالیم عالی اسلام طی کند. در این مسیر، توجه به جایگاه رفیع و والای مهدویت از اهمیت خاصی برخوردار است. به دلیل اشتراکاتی که در ماهیت باورداشت مهدویت وجود دارد، لازم است سیاست‌های کشور، بویژه چشم‌انداز بیست ساله، به طور دقیق و کامل با روح و محتوای اعتقاد به مهدویت سازگار شود.

بر این اساس، سوال اصلی این مقاله آن است که مهدویت دارای چه جایگاهی در تدوین چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است؟

### چیستی چشم‌انداز فرهنگی

مهم‌ترین وجه آینده‌پژوهی، بعد «چشم‌اندازساز» آن است که به هنجارها و رفتارهای کنش‌گرایانه نیازمند می‌باشد. خلق چشم‌انداز و تلاش برای محقق ساختن آن، تجلی بخش آینده‌پژوهی هنجاری است که بعضی از آینده‌پژوهان را بر آن داشته با ترسیم چشم‌اندازهایی فراگیر و برخوردار از مولفه‌های متعالی، تصویرهایی خلاقانه و اندیشمندانه از جامعه‌ای بدون نقص و کاستی و متفاوت از سایر جوامع را موجب شوند تا پیدایش و شکل‌گیری جهانی جدید را نوید دهند؛ چرا که چشم‌انداز، شگردی آینده‌پژوهانه است که با ارائه تصویری واضح و مطلوب از آینده به آن شکل می‌بخشد و توانایی نگرستن به فراتر از واقعیات موجود و خلق و ابداع چیزی است که هم اکنون موجود نیست. می‌توان گفت رشد و پویایی جوامع در گرو ترسیم چشم‌انداز آن‌هاست؛ زیرا هیچ امر مهمی بدون چشم‌انداز محقق نشده است و گرچه یگانه عامل موفقیت نیست؛ ضروری‌ترین و مهم‌ترین عامل به شمار می‌آید. به همین خاطر، سازمان‌ها و جوامع چشم‌انداز محور، از سازمان‌ها و جوامع محروم از چشم‌انداز بسیار تواناتر می‌باشند. تمامی ادیان آسمانی، بویژه دین اسلام، با ترسیم چشم‌اندازهایی حرکت‌آفرین و الهام‌بخش از آینده قدسی بشر، بی‌نظیرترین منابع خلق چشم‌اندازها هستند. البته آینده‌پژوهی برای مطالعه آینده از سه رویکرد «اکتشافی»، «هنجاری» و «تصویر پرداز» بهره می‌گیرد:

۱. رویکرد تحلیلی؛ آینده‌پژوهی اکتشافی: رویکرد اکتشافی، در پی کشف آینده است. این رویکرد، از زمان حال شروع شده و رو به سوی آینده دارد و به اصطلاح رو به بیرون (outward bound) است و تلاش می‌کند تحت شرایط مختلف، کشف کند که کدام آینده رخ می‌دهد. این رویکرد با دو پرسش روبه‌روست: «آینده می‌تواند چگونه باشد» و: «چه آینده‌هایی را می‌توان ساخت».

۲. رویکرد هنجاری؛ آینده پژوهی تجویزی: رویکرد هنجاری از موقعیتی مطلوب در آینده شروع کرده، به زمان حال می‌رسد و چگونگی تحقق آن موقعیت مطلوب در آینده را بررسی می‌کند؛ به اصطلاح رو به درون (Inward bound) است. این رویکرد با پرسش‌هایی چون «آینده باید چگونه باشد؟» و «چه آینده‌ای را باید ساخت؟»؛ به پژوهش می‌پردازد. در این رویکرد، آینده جایی نیست که به آن جا می‌رویم، بلکه جایی است که آن را به وجود می‌آوریم. بنابراین رویکرد، راه‌هایی که به آینده ختم می‌شوند، یافتنی نیستند، بلکه ساختنی‌اند (قدیری، بی تا: ۹).

۳. رویکرد تصویر پردازی: رویکرد تصویر پرداز با پرسش «آینده بهتر است چگونه باشد؟»؛ پژوهش را آغاز می‌کند (ملکی فر و همکاران، ۱۳۸۵: ۶-۱۲۱).

روش چشم‌انداز در پژوهش حاضر، روشی هنجاری است. وظیفه عملی این رویکرد، طراحی آینده بایسته جامعه، به گونه‌ای باور پذیر و مقدور در افق زمانی مشخص است. در چشم‌انداز باید آینده‌های عملیاتی را مثل چشم‌انداز بیست ساله، هنجاری تعریف کنیم و به تمام بخش‌های جامعه آموزش می‌دهیم که در جهت آن چشم‌انداز برنامه ریزی نمایند (علیپور، ۱۳۹۰: پایان نامه، دانشگاه باقرالعلوم ع).

چشم‌انداز، که از آن به دور نما، منظر، آینده متصور و یا آینده آرمانی و مطلوب نیز نام برده می‌شود؛ توصیفی است از شرایط آینده و به عبارت دیگر، تصویری است از وضعیت آینده یک مجموعه، زمانی که به اهداف و استراتژی‌های خود دست یافته باشد. چشم‌انداز، در زبان فارسی به معنی چیزی است که از آینده در نظر انسان مجسم می‌شود. چشم‌انداز را می‌توان ترجمه فارسی «Vision» دانست. «Vision»، چیزی است که به طور واضح و روشن، از غیر راه‌های معمولی دیدن، مشاهده می‌شود، بخصوص ظهوری از پیشگویی یا ویژگی اسرارآمیز یا دارا بودن ماهیت وحی که به‌طور مافوق طبیعی در عالم رؤیا و یا در حالتی غیر طبیعی، در ذهن انسان ظهور پیدا کند. همچنین مفهوم طرح یا پیش بینی تخیلی فوق العاده، آینده نگری و تعقل در برنامه ریزی، پیشگویی و توانایی تخیل و آمادگی برای آینده و یا منظره‌ای زیبا، شخص یا صحنه و... زیبایی غیر عادی دارد. دو تن از محققان با استفاده از



مجموع این تعریف‌ها، در تعریف چشم‌انداز چنین ابزار داشته‌اند که چشم‌انداز، تصویری است که شکل گرفته‌اند و فرایندی تعاملی است که به همان میزان که به گذشته مربوط می‌شود به آینده هم ربط پیدا می‌کند؛ بلکه باید گفت با طرحی برای آینده گره می‌خورد و تدوین آن، به پایداری و توانبخشی زیر دستان منجر خواهد شد. ایشان این نوع چشم‌اندازها را «چشم‌اندازهای استراتژیک» می‌نامند (ر.ک. از گلی، ۱۳۸۳: ۳۷-۴۰).

اندیشه ورزان و آینده پژوهان در قالب تعبیر گوناگونی از چشم‌انداز یاد کرده‌اند. برخی از آن‌ها چشم‌انداز را روشن‌گر راه دانسته و شناخت چشم‌انداز را به مثابه ارزش فرهنگی عنوان کرده‌اند. می‌توان رایج‌ترین توصیف‌های چشم‌انداز را چنین برشمرد:

چشم‌انداز بیان سازمان یافته و نیرومند جایگاهی است که فرد، ملت یا سازمان باید به آن جا برسد. چشم‌انداز تصویری شفاف و عمیق از مسیر و هدف فرد یا گروهی است که رسیدن به آن را قصد دارند. چشم‌انداز ترکیب درک مشترک از موفقیت‌های آتی و تمایل رسیدن به آن‌هاست.

چشم‌انداز عبارت است از تصویری مطلوب و آرمان قابل دستیابی که منظور و دورنمایی در افق بلند مدت فراوری مدیریت عمومی جامعه قرار می‌دهد و دارای ویژگی‌های جامع‌نگری، آینده‌نگری و ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی است (مبینی دهکردی و میرفانده، ۱۳۹۰: ۶۵).

چشم‌انداز، تصویری از آینده‌ای مطلوب و پاسخی به این پرسش که ما می‌خواهیم چه چیزی بیافرینیم؟ در این تعریف، بر خلاف رویکرد سنتی، چشم‌انداز آینده‌ای نیست که باید پیش‌بینی شود، بلکه فردایی است که باید خلق شود.

(Parikh, J and Neubauer, F. "corporaet visioning Int. rev. 1993, p.4)

چشم‌انداز عبارت است از آینده‌ای واقع‌گرایانه، محقق‌الوقوع و جذاب برای سازمان شما. چشم‌انداز بیان صریح شما از سرنوشتی است که سازمانتان باید به آن سمت حرکت کند. آینده‌ای است که برای سازمان شما به گونه‌های مهمی موفقیت‌آمیزتر و مطلوب‌تر از وضع فعلی آن (رضایی، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۵).

چشم‌انداز، با در نظر گرفتن امکان تحقق در یک دوره بلندمدت و با توجه شناخت محیط ملی (درونی) و بررسی نقاط قوت و ضعف تعیین می‌گردد و به رخدادهای جهانی و روند تحولات محیط بین‌المللی (بیرونی) نگاهی دقیق دارد

تا فرصت‌ها و تهدیدات احتمالی را بشناسد و نحوه تعامل محیط بیرونی و درونی را روشن سازد. چشم‌انداز همواره، تصویری جذاب و استثنایی از آینده به ما ارائه می‌دهد و ما باید سهم خود را در تحقق آن بدانیم. تحقق متفکرانه در چشم‌انداز، مهر تاییدی بر ارائه پیگیری و تعهد ما در ایجاد تحول است. چشم‌انداز تأکید می‌کند که سازمان به کجا می‌خواهد برود و چگونه به آن جا می‌رود. با نگاهی به آینده و موفقیت در محیط رقابت بی رحمانه یک چشم‌انداز مشترک زیرکانه و دستیابی به عملکرد عالی، به اجرای صحیح کارها بستگی دارد. چشم‌انداز، هنر دیدن چیزهای نامرئی است. چشم‌انداز، یک راهبرد، یک فرهنگ و یک توانایی بالقوه ذهنی است برای بسط افق‌های یک سازمان، در مورد آنچه می‌تواند باشد (پاتریک، ۱۳۸۶: ۲۷).

با توجه به تعاریف یاد شده می‌توان گفت:

چشم‌انداز فرهنگی عبارت است از تصویری مطلوب و آرمان قابل دستیابی از ارزش‌ها و هنجارها و باورها که منظور و دورنمایی در افق بلند مدت فراروی جامعه (مدیران و مردم) قرار می‌دهد و دارای ویژگی‌های جامع‌نگری، آینده‌نگری و ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی است.

در این‌جا مسئله اصلی این است که چگونه می‌توانیم چشم‌انداز فرهنگی داشته باشیم؟ به عبارتی، چگونه می‌توان چشم‌انداز فرهنگی را تدوین و اجرا نمود؟ پاسخ این است که فرآیند ساخت تصویری از آینده باید به حد کافی واقعی باشد؛ همانند یک آهن ربا بتواند اهداف مورد نظر را جمع کند و همانند یک «مهمیز» برانگیزاننده اقدامات فعلی باشد. این فرآیند می‌تواند به صورت فردی انجام شود؛ اما غالباً در کارگاه‌های آینده‌اندیشی انجام می‌پذیرد (اسلاتر، ۱۳۸۶: ۵۸). چشم‌انداز، به منزله عامل جلوبرنده فعالیت‌های فردی و جمعی بوده و مجموعه‌ای از مدیران و تصمیم‌گیرندگان را در جهت هدفی بزرگ و دشوار، در افق زمانی بلند مدت (۲۰-۱۰ ساله)، بسیج و تهییج می‌کند. چنین چشم‌اندازی، قوی‌ترین عامل انگیزش فعالین در جامعه است و در صورتی که واضح و به حد کفایت پر معنا باشد، می‌تواند افراد را برای انجام دادن کارهای مبهوت‌کننده برانگیزاند. برای نیل به چشم‌اندازی فراگیر در سازمان، یا دستگاه فرهنگی، بایستی اهداف بلند مدت کاملاً واضح باشند؛ در غیر این صورت، بیانیه

چشم‌انداز بی معنا و بی محتوا خواهد بود. بر همین اساس است که اندیشمندان مدیریت استراتژیک چشم‌انداز را به مثابه ستاره قطب شمال تعریف کرده‌اند، نه یک آرمان. در این صورت، اگر چشم‌انداز با واقع بینی، فراست و مبتنی بر احساسات، ارزش‌ها و هوشمندی جامعه، فعالین دستگاه‌ها و سازمان‌های فرهنگی تعریف شده باشد؛ می‌تواند نقش یک عامل نیروزا، جهت دهنده و هماهنگ کننده را بازی کند.

هر چشم‌انداز علمی، پویا و حرکت آفرین دارای بخش‌هایی است که هر بخش کارکرد ویژه‌ای دارد و جمع تمامی این بخش‌ها علت تامه وجود چشم‌انداز است. کاستی و نقصان در هر بخش که به مثابه علت ناقصه چشم‌انداز است، در ارکان چشم‌انداز خلل وارد خواهد ساخت. جمع این علل ناقص، موجب پیدایش علت تام خواهد شد.

#### ۱. جهان‌بینی محوری (Core Ideology)

«جهان‌بینی محوری»، در چشم‌انداز به ما می‌گوید که بر چه چیزی تکیه داریم و فلسفه وجودی ما چیست. این بخش نمایانگر هویت یک جامعه یا سازمان است. جهان‌بینی همواره ثابت و پایدار و مکمل آینده‌تصویر شده است. جهان‌بینی محوری، همچون ستاره قطبی است که همیشه در آسمان چشم‌انداز به دنبال آن هستیم؛ اما هیچ‌گاه به آن نمی‌رسیم. البته این ستاره تنها مسیر را به ما نشان می‌دهد. جهان‌بینی محوری از دو بخش تشکیل شده است:

#### ۱-۱. ارزش‌های اساسی (Core Values)

این ارزش‌ها، «اصول و باورهای هدایت‌گری» اند که همواره ثابت و پا بر جا هستند و مستقل از زمان و راهبردهای گوناگون به حیات خود ادامه دهند. اغلب ارزش‌های اساسی را در قالب سه تا پنج گزاره توصیف می‌کنند. برای آزمودن ارزش‌های اساسی و تشخیص آن‌ها از راهبردها و تاکتیک‌های اقدام، با طرح پرسش‌هایی از این دست، آن‌ها را محک می‌زنند: آیا حاضر هستید ارزش‌ها را تا یکصد سال حفظ کنید؟ اگر ارزش‌ها موجب زیان مالی شد، آن‌ها را حفظ می‌کنید؟

## ۱-۲. منظور اصلی (Core Purpose)

علت وجودی جامعه که ثابت و پایدار بوده و سنجه‌ای مهم برای یافتن مسیر است. برای آزمایش درستی منظور اصلی، در پنج مرحله عبارت منظور اصلی را با این پرسش می‌آزماییم: چرا این، برای شما مهم است؟

## ۲. آینده تصویر شده (envisioned Future)

برای ایجاد ارتباط، درک پذیر سازی و باور چشم‌انداز، باید آن را مشروح و پر جزئیات به تصویر کشید. انسان‌ها، سازمان‌ها و ملت‌ها شکست می‌خورند؛ زیرا نمی‌دانند در چه عرصه‌ای عزم پیروزی دارند. آینده تصویر شده، توصیفی شفاف از جایی است که می‌خواهیم به آن برسیم. در این بخش، بایستی اهداف بزرگ، مهیج و بی‌باکانه‌ای ترسیم شود که از برنامه‌های منطقی و روندپژوهی آینده بسیار بلندپروازانه‌تر است. در این تصویر، آماج‌های خود را ترسیم می‌کنیم؛ به شکست رقیبان اشاره می‌کنیم؛ از خلال تصویرها الگوهایی برای آینده می‌سازیم و به تحول درونی اهداف توجه می‌کنیم. آینده تصویر شده می‌کوشد چشم‌انداز را از تنگنای واژه‌ها رها ساخته و به تصاویری زنده تبدیل کند که تصویرسازی آن برای همگان امکان‌پذیر باشد. بر این پایه، هر چشم‌اندازی باید به سه پرسش اساسی پاسخ دهد:

- چه اقدامی باید انجام شود؟

- چرا باید انجام شود؟

- چگونه باید انجام شود؟

این سه پرسش هدایت‌گر، هدف، فلسفه و مسیر چشم‌انداز را روشن می‌سازند. بنابراین، می‌توان گفت آینده تصویر شده نیز از دو بخش تشکیل شده است: اهداف بی‌باکانه، مهیج و بزرگ (اهداف بمب) و توصیف شفاف: تبدیل چشم‌انداز از کلمات به تصاویر زنده...

([www.ayandehpajoohi.com/archive/00138.php](http://www.ayandehpajoohi.com/archive/00138.php))

## چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مهدویت

«سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی»، تصویری مطلوب از

وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و علمی کشور بر اساس مبانی و آرمان‌های انقلاب اسلامی در سال ۱۴۰۴ را ترسیم می‌کند. این سند به عنوان یک سند فرادستی و کلان در آذرماه ۱۳۸۲ توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، به قوای سه گانه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و به نوعی به آحاد ملت ایران ابلاغ شد. حضرت آیت الله خامنه‌ای در ابلاغیه خود با تأکید بر تدوین برنامه جامع عملیاتی برای تحقق این چشم‌انداز می‌فرماید:

انتظار می‌رود چارچوب این سیاست‌ها و نقاط مورد تکیه در آن بتواند به تدوین برنامه‌ای جامع و عملیاتی برای دوره پنج ساله بینجامد.

یکی از مشخصات جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز عبارت است از دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه). با این‌که مدتی است سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تهیه و ابلاغ گردیده، ضرورت دارد سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی کشور که نقش اساسی در تحقق آن دارند، برای خود، سند چشم‌انداز تهیه کنند و همه دستگاه‌های فرهنگی همچون وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات، و دیگر بخش‌ها و موضوعات اصلی فرهنگ کشور، هم چون فیلم، هنر، مطبوعات، رسانه‌ها، جهانگردی، میراث تاریخی، چشم‌انداز خود و بویژه سهم خود را در سند ملی چشم‌انداز تعریف و تبیین کنند.

چشم‌انداز بخش فرهنگ کشور که تجمیع چشم‌اندازهای دستگاه‌های فرهنگی و موضوعات مختلف فرهنگ است، پرتوافکن مسیر حرکت همه آن‌ها و هم سو کننده آن‌ها در جهت تحقق ابعاد فرهنگی سند چشم‌انداز ملی کشور است و شورای عالی انقلاب فرهنگی را به عنوان ستاد اصلی و قرارگاه سازماندهی فرهنگ کشور در راهبری و هدایت دستگاه‌ها و تعریف نقش مؤثر و کارآمد هر یک و همچنین نظارت و کنترل آن‌ها کمک خواهد کرد. بدون وجود چشم‌انداز واحد، امکان تعیین سهم هر یک از دستگاه‌ها و همچنین سهم هر یک از موضوعات وجود نخواهد داشت.

بر این اساس، سند چشم‌انداز فرهنگی کشور، باید برگرفته از سند چشم‌انداز ملی باشد. در واقع، سند چشم‌انداز بخش فرهنگ کشور، سند چشم‌انداز دستگاه‌ها، نهادها، سازمان‌ها،

مؤسسات فرهنگی کشور خواهد بود که نسبت و سهم هر یک را در جهت تحقق اهداف سند چشم‌انداز فرهنگی و سند چشم‌انداز ملی روشن و تعیین می‌کند. همچنین سند چشم‌انداز موضوعات اصلی فرهنگی، سند چشم‌انداز آن موضوع و ترسیم کننده تصویر آن در سند چشم‌انداز کشور خواهد بود. از این رو، باید سند چشم‌انداز فرهنگی کشور برگرفته از سند چشم‌انداز ملی توسط مرجع ذی صلاحی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین شود. این سند، به سازمان‌های فرهنگی کشور ابلاغ گردد و همه سازمان‌ها، طی فرآیندی مشابه، سند چشم‌انداز خود را تهیه نمایند و به مرجعی، همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت تأیید و تطبیق آن با سند چشم‌انداز ملی ارائه دهند. پس از تأیید و یا اصلاح، به عنوان سند چشم‌انداز آن سازمان یا دستگاه تصویب و ابلاغ گردد (علی اکبری، ۱۳۸۶، شماره ۸ و ۹: ۱۸-۲۳).

ابتدا باید بدانیم سیاست‌های کلی فرهنگی در دوره چشم‌انداز، شامل مولفه‌های متعددی می‌شود؛ از جمله تقویت روحیه ایمان و ایثار و عنصر فداکاری به عنوان عامل اصلی اقتدار ملی؛ تبیین مبانی ارزشی و تقویت اعتماد به نفس ملی؛ ایجاد جامعه‌ای سالم، اخلاقی، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، فرهنگ‌مدار و شهروندانی آگاه، عزت‌مند و برخوردار از ملاک‌های درستکاری و احساس رضایتمندی؛ رشد و اعتلای فرهنگ و هنر ایران و اسلام به‌عنوان عناصر هویت ملی؛ پیشبرد راهبرد گفت و گوی میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ ارتقای نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور و تقویت نهاد خانواده؛ نهادسازی در جهت تولید و ترویج علم و تحقیق و افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان و گسترش و تعمیق نهضت نرم‌افزاری و تأکید بر رویکرد خلاقیت و نوآوری؛ توسعه علوم و فناوری‌های جدید، شامل فناوری زیستی، ریزفناوری، فناوری فرهنگی، فناوری زیست‌محیطی و فناوری مواد جدید؛ توسعه ارتباطات و زیرساخت‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات، متناسب با پیشرفت‌های جهانی.

بر اساس این سیاست‌های کلی، ضرورت و بایستگی تدوین سند چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران روشن می‌گردد. گام اول در این زمینه تهیه نقشه مهندسی فرهنگی

است که دارای ارکان مختلفی است. بخش اصول، ارزش‌ها، مبانی و چشم‌انداز آن به تصویب شورای مهندسی فرهنگی رسیده است. این چشم‌انداز دارای یک مقدمه و بیانیه است که مقدمه آن به این صورت است:

با توکل به خداوند متعال و اعتصام به قرآن و عترت و در پرتو اسلام ناب محمدی صلوات الله علیه و با عزم و مجاهدت ملی برای نیل به جامعه منتظر و زمینه‌ساز ظهور و در راستای برپایی تمدن نوین اسلامی در چشم‌انداز فرهنگی ۱۴۰۴...

مهم‌ترین نقطه این سند، تکیه آن برای رساندن جامعه به مقصدی روشن و مهدوی (جامعه منتظر و زمینه‌ساز ظهور و در جهت برپایی تمدن نوین اسلامی) است.

بیانیه این چشم‌انداز، به این به شرح است:

ایران کشوری است با هویت اسلامی ایرانی انقلابی، دست یافته به نظام فراگیر و منسجم فرهنگی، هدایتگر تمامی نظام‌ها و شئون جامعه، دارای جایگاه نخست در عرصه فرهنگ، هنر، تعلیم و تربیت، علم و فن‌آوری، ارتباطات و رسانه و پیش‌تاز در اخلاق و رفتار حسنه در منطقه و جهان اسلام، الهام بخش امت اسلامی و با تعامل فرهنگی سازنده در سطح جهانی.

بر اساس این چشم‌انداز فرهنگ جامعه ایران در افق این چشم‌انداز دارای ویژگی‌هایی است که در هفت محور به تصویب رسید، و برخی از آن‌ها به شرح ذیل است:

۱. برخوردار از هویت اسلامی ایرانی انقلابی؛ مبتنی بر عقلانیت اسلامی، متمسک به قرآن و عترت، ایمان و عمل صالح، پاسدار میراث‌های ارزشمند ایرانی و زبان و ادبیات فارسی، متعهد به نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه و آرمان‌های امام خمینی علیه السلام و رهنمودهای مقام معظم رهبری و برخوردار از روحیه مقاومت، ایثار، جهاد، شهادت، استکبارستیزی و....
۲. دست‌یافته به نظام فراگیر و منسجم فرهنگی؛ مبتنی بر نظام فرهنگی طراحی شده با تحول در ساختارها، فرایندها و نهادهای مردمی، عمومی و دولتی با رویکرد ایجاد انسجام، هم‌افزایی، ارتقای کارآمدی و محوریت مشارکت مردمی و بهره‌مند از نهادهای اصیل دینی.
۳. هدایتگر تمامی نظام‌ها و شئون جامعه؛ مهندسی و مدیریت نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به مبانی، ارزش‌ها و اصول مذکور در سند.

۴. دارای جایگاه نخست در عرصه‌های:

الف. فرهنگ؛ بهره‌مند از معنویت دینی، کرامت انسانی، خانواده محور، امیدوار و آینده نگر، پرنشاط، خودباور، فعال و خطر پذیر، جمع گرا و ملتزم به نهادهای اجتماعی و حضور مسئولانه در جامعه؛

ب. هنر؛ مبتنی بر حکمت اسلامی، استحکام‌بخش ایمان و احیاگر فطرت بشر و عدالت، مردمی، مروج اخلاق و متعهد به ارزش‌های انقلاب اسلامی و گسترش بخش هنرهای سنتی؛  
ج. تعلیم و تربیت؛ مبتنی بر فلسفه و نظام تعلیم و تربیت اسلامی، شکوفایی استعدادها، خلاقیت، تعقل و تحقیق؛

د. علم و فناوری؛ مبتنی بر فرهنگ اسلامی - ایرانی و نقشه جامع علمی کشور؛

ه. ارتباطات و رسانه؛ حضور تعیین کننده در فضای نوین ارتباطات و اطلاعات مبتنی بر ارزش‌ها، شعائر اسلامی و اصل مسئولیت اجتماعی و بهره‌مند از نهادهای اصیل ارتباطی - تبلیغی بازآفرینی شده.

۵. پیشتاز در اخلاق و رفتار حسنه:

الف. اقتصادی؛ دارای وجدان کاری، روحیه همکاری و کار جمعی، کارآفرین و رضایت‌مند مبتنی بر الگوی صحیح مصرف و اتقان در عمل؛

ب. سیاسی؛ برخوردار از وحدت و امنیت ملی، عدالت محوری، استقلال فرهنگی و آزادی مسئولانه، مشارکت سیاسی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛

ج. اجتماعی؛ برخوردار از مودت، اخوت، تعاون و سازگاری اجتماعی، با نشاط و سرزنده، دارای صداقت، اعتماد، اطمینان و انسجام اجتماعی بالا، منضبط و قانون‌گرا؛

د. فرهنگی؛ عامل به احکام و مناسک دینی، مانوس با قرآن کریم، بهره‌مند از عفت عمومی، نمادها و آیین‌های اسلامی - ایرانی.

۶. با تعامل فرهنگی سازنده در سطح جهانی مبتنی بر شوق آفرینی نسبت به اسلام ناب محمدی ﷺ، صلح و امنیت جهانی، حقوق فطری و طبیعی انسان‌ها، رفاه عمومی، اخلاق و معنویت، عدالت و امید به فرجام نیک جهان.

۷. الهام بخش امت اسلامی مبتنی بر مردم سالاری دینی و الگوهای کارآمد پیشرفت،

منادی وحدت و همگرایی اسلامی (سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، ۱۳۸۴).



## مهدویت، منبع تدوین چشم‌انداز فرهنگی

در جامعه منتظر، یکی از ارکان و منابع اصلی تدوین سند چشم‌انداز، جامعه آرمانی مهدوی است. البته خود «چشم‌انداز عصر ظهور» چشم‌اندازی است که از وضع موجود حادث نمی‌شود؛ بلکه از ارزش‌های اساسی (core Values) و اهداف بنیادین (Core Purpose) در آرمان شهر مهدوی به دست می‌آید. این رویکرد که به «پس بینی» شهرت دارد، یک برنامه‌ریزی از آینده به حال است؛ نه یک شیوه از حال به آینده. برای «پس بینی»، نخست باید یک هدف یا وضعیت مطلوب در آینده را مبنا قرار دهیم و آن‌گاه بکوشیم سلسله گام‌ها یا مراحل را به گونه‌ای تنظیم کنیم که بتواند هدف مورد نظر ما را به امروز برساند. از آن‌جا که جامعه آرمانی مهدوی، بسادگی و در افق زمانی نزدیک قابل تحقق نیست و جامعه در عمل مجبور است، نسخه نازل تری از آن را عملی قرار دهد، این نسخه نازل تر با عنوان چشم‌انداز تصویر پرداز، هنجاری تحقق می‌یابد.

ظهور منجی موعود<sup>ﷺ</sup> در آخرالزمان، یک پیشگویی پیامبرانه است که به طور قطع و یقین حادث خواهد شد؛ هر چند ساعت وقوع آن را تنها خداوند متعال و اولیای گرامی او می‌دانند. پس، سخن گفتن از ظهور منجی که در اندیشه تشیع با اصل بنیادین مهدویت مترادف است، از نوع شناخت مسلم آینده یا «آینده شناسی» است و ما در این‌جا با آینده‌ای مسلم سر و کار داریم که وجوه گوناگون، اما اصلی و بنیادین آن را حسب بیانات مخبران صادق به نیکی می‌شناسیم. در مهدویت، سخن از جامعه‌ای «کامل» و «آرمانشهری» در میان است که بویژه بر محور عدالت، معنویت، استغناء، حق‌گرایی، عبودیت، تعاون و... سازماندهی و مدیریت می‌شود. بر این اساس، ارزش‌های محوری چشم‌انداز ساز مهدویت عبارت است از:

### ۱. بازیابی کرامت آدمی

بر اساس آموزه‌های اندیشه مهدویت، اوج بالندگی و شکوفایی نهایی کرامت آدمی را در روزگار ظهور مشاهده می‌کنیم که در آن، انسان، به فطرت پاک خویش، آزادی واقعی و تکامل خرد دست می‌یابد و جلوه‌گرترین نمونه این‌گونه کرامت، عقل معاندندیش است که افزون بر این که غایت فرجامین بشر، یعنی کمال معنوی را سرلوحه اعمال خویش قرار می‌دهد،

به‌سازی زیست دنیوی و عمارت و آبادانی دنیا را در پی دارد و همچنین در این عصر، آدمی با کسب تقوای الهی، به کرامت اکتسابی دست یافته و با رعایت قوانین اسلام و احترام آدمیان به یکدیگر به کرامت اجتماعی دست می‌یابد.

## ۲- بازگشت به فطرت و پاک نهادی

عصر ظهور، عصر بازگشت انسان به فطرت حقیقی خویش و حاکمیت قوانین فطری است. این امر سبب رشد عدالت خواهی در میان بشر شده و عدالت‌خواهی به عنوان امری فطری، همگان را به پذیرش قیام منجی مصلح وامی‌دارد.

## ۳- آزادی واقعی

در عصر ظهور، در چارچوب رابطه انسان با جامعه و حکومت، قانون‌گریزی‌ها، عنادورزی‌ها و اباحی‌گری‌ها به شکلی گسترده رخت برمی‌بندد. در نتیجه، آزادی‌های اجتماعی در حیطه شریعت محدود می‌گردد؛ زیرا اولاً، از دیدگاه اسلام، مرز آزادی تا جایی است که به حقوق دیگران تجاوز نشود و با آن‌ها در تزامم نباشد. از آن‌جا که تحقق حکومتی عادلانه تنها با رعایت حقوق همگان و اجابت دادخواهی مظلومان و قضاوت‌های عادلانه و رعایت شدن اصل برابری در همه عرصه‌ها میسر می‌شود؛ کمتر کسی در آن عصر از رعایت حقوق بندگان خدا و تلاش برای هم‌زیستی با آنان کوتاهی می‌کند؛ زیرا این کوتاهی‌ها با قاطعیت حکومت عدل مهدوی روبه‌رو خواهد شد.

ثانیاً، آزادی باید با نظام و قانون شریعت اسلامی سازگار باشد. در صورت ناسازگاری در هر وضعیتی، قوانین اسلامی، از جمله اجرای حدود و تعزیرات الهی، در حق او جاری خواهد شد و با قانون‌شکنان بدون هیچ سازش‌کاری و با قاطعیت تمام برخورد می‌شود. از این‌رو، کمتر کسی به ارتکاب فسوق ظاهری، جرئت می‌کند. بنابراین، انسان به آزادی واقعی که همان آزادی معنوی است، نایل می‌آید.

## ۴- فلسفه زیستن

بر اساس آموزه‌های شیعی، حکومت جهانی حضرت امام مهدی علیه السلام بر مبنای خدامحوری و

کفرستیزی و عدالت محوری بر سراسر گیتی سایه می‌افکند و در نهایت، بنیان کنی کفر و الحاد، تصحیح انحرافات فکری و در یک کلمه خدامحوری و اصلاح معنوی حاصل می‌آید و بدین سان هدف اساسی از زندگی آن عصر، بر خداباوری استوار بوده و زندگی را نیز این گونه سامان می‌دهد و لذا انسان که به عالم ماورا ارتباط وثیقی دارد، هیچ گاه احساس تنهایی، پوچی و نیست انگاری نمی‌کند؛ بلکه زیستی زیبا و نه تنفرآور برای خویش ترسیم می‌کند و او که به افق روشن حیات دنیوی خویش رسیده است، ناامیدی و سرخوردگی را در خود راه نمی‌دهد و با حضور خداوند در زندگی و ارتباط با آن غایت متعالی، خود حقیقی و هویت واقعی خویش را بازمی‌یابد و به زندگی خود معنا می‌دهد (محمدی منفرد، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

#### ۵- حاکمیت ارزش‌های اخلاقی

در جامعه مهدوی که بر مبنای اسلام است، دولتی اخلاقی با اخلاق مطلق اسلامی تشکیل می‌شود که برگرفته از آموزه‌های وحیانی، مضامین شریعت، تعقل و فطرت پاک انسانی است. بر اساس دولت مهدوی، جامعه بشری به سمت و سوی بصیرت، معنویت، تقواگرایی و اخلاق متعالی پیش می‌رود و بسیاری از انحراف‌ها، فسادها و رذایل اخلاقی، پوچی‌ها و بی‌بندوباری‌ها از جامعه رخت بر می‌بندد و بدین سان، آسایشی را که بشر قرن‌ها به دنبال آن بوده است، به بشر عرضه می‌دارد و آدمی در سایه آن به تکامل روحی و ادراکی نیز نایل می‌آید.

#### ۶- عدالت اجتماعی و اقتصادی

همان طور که اشاره شد، در عصر ظهور، عدالت به تمام معنا حاکم می‌شود تا جایی که آن عصر را عین تحقق عدالت می‌نامند.

#### ۷- حاکمیت امام معصوم علیه السلام

بر اساس دیدگاه شیعه امامیه، حکومت جهانی را دوازدهمین امام از سلسله امامان معصوم اداره می‌کند. او افزون بر این که خود، رئیس عاقلان است و از قوه خرد در اداره نظام سیاسی و اقتصادی جامعه بهره می‌برد، با عالم ماورا پیوند دارد و از دانش‌های آسمانی برخوردار است.

او با یاری جستن از ذات باری تعالی و وحی و شریعت آسمانی، بر نیازها و مشکلات جامعه بشری چیره می‌شود و اقتصاد و فرهنگ سالم، آسایش و امنیت، رفاه عمومی و پارسایی را در جامعه می‌گستراند. بنابراین، بخش مهمی از آبادانی، رفاه، آسایش، توسعه اقتصادی، در مدینه فاضله مهدوی، مرهون وجود امام معصوم و مصون از خطا و اشتباه است؛ زیرا وجود او به منزله انسان کامل، مایه خیر و برکت به شمار می‌رود که با دانایی و توانایی الهی خویش، تمامی مشکلات بشری را پاسخ می‌گوید.

#### ۸- امدادهای آسمانی

در دوران ظهور، همانند یاری‌های آسمانی حضرت حق به مؤمنان، به شکل گسترده‌ای، امدادهای آسمانی برای رفع مشکلات مادی و معیشتی و حتی فرهنگی بشر به یاری زمینیان می‌شتابند؛ چنان که طبق فرمایش رسول گرامی خدا، مردم در زمان قیام مهدی علیه السلام به نعمت‌هایی دست می‌یابند که پیش از آن و در هیچ دوره‌ای دست نیافته بودند. در آن روزگار، آسمان باران فراوان دهد و زمین هیچ رویدنی را در دل خود نگاه ندارد.

#### ۹- بالندگی قوه خرد

قلمرو عقل کامل شده بشری در عصر ظهور، از روزگاران پیشین بسیار فراتر است. همین امر، سبب می‌گردد در مواردی که همانند قبح کذب و حسن صدق قابلیت تشخیص وجود دارد، به قبح و حسن آن‌ها پی ببرد و در مواردی که بر تشخیص حسن و قبح فعلی ممکن نیست، انسان به شریعت و امام معصوم روی آورد؛ زیرا عقل بشری به این مرحله از تکامل رسیده است که تشخیص دهد امام از جانب ذات باری تعالی است و نظر امام در تبیین رذایل و فضایل اخلاقی جنبه یقینی دارد (همان: ۱۷۹).

بر این اساس، چشم‌انداز مهدوی - بخصوص در عرصه فرهنگ، دارای استراتژیک رقابتی برای ایران اسلامی، به عنوان تنها جامعه عمدتاً شیعی نهاد است و همین دارای استراتژیک است که از ما جامعه‌ای متفاوت ساخته است. در جهان رقابتی، آنچه قدرت رقابت‌پذیری جوامع را تضمین می‌کند، تفاوت‌های معناداری است که در جامعه جهانی خریدار

داشته باشد و تردید نکنیم آنچه نوید آن از قول پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان گرامی رسالت داده شده است، منصور بالفطره است، و این نصرت الاهی است که راه گسترش و تعمیق چشم‌انداز مهدوی را در سطح جوامع بشری تسهیل کرده است. هر دارایی استراتژیکی که در عرصه‌های رقابتی داشته باشیم، باید در حفظ آن بسیار بکوشیم و بویژه از تقلید آن توسط رقبا جلوگیری کنیم؛ در حالی که در خصوص این دارایی استراتژیک خاص، ما خرسند می‌شویم که رقبا آن را از ما تقلید و خود را به آن مجهز کنند؛ زیرا با هر گامی که در جهت گسترش و تعمیق چشم‌انداز قدسی در سطح جوامع بشری داشته باشد، عرصه برای تضمین امنیت ملی و سعادت ایران اسلامی بازتر می‌شود. بنابراین، ما باید این دارایی استراتژیک را با تمام قوا پاس بداریم و در جهت ترویج جهانی آن، به گونه‌ای نظام‌مند و برنامه‌دار بکوشیم.

در عصر گفتمان، رهبری جامعه جهانی از آن کسانی است که قادر به خلق گفتمان‌های مسلط باشند. ایران اسلامی، به اقتضای «ماموریت تاریخی» خویش، خواهان حضور و مشارکت فعالانه در رهبری نظام جهانی است، و این حضور و مشارکت، زمانی تضمین می‌شود که ایران اسلامی بتواند «چشم‌انداز قدسی» را به «گفتمان مسلط» در خصوص آینده بشر تبدیل کند. ما می‌توانیم و باید از پس این مهم برآییم و راه کشور و نظام مقدس اسلامی را برای حضور و مشارکت هر چه فعال‌تر در عرصه رهبری جامعه جهانی هموار کنیم. یکی از ویژگی‌های بارز اسلام ناب، اعتقاد آن به ظهور منجی و شکل‌گیری جامعه مهدوی است که به مثابه چشم‌انداز آرمانی جامعه اسلامی تعریف می‌شود. عالمان حوزه و دانشگاه، فیلسوفان، نویسندگان و آینده پژوهان می‌توانند با پژوهش و تحقیق هرچه بیشتر در این زمینه، شناخت خود را از جوانب مختلف آرمان شهر مهدوی تعالی بخشند؛ اما نمی‌توانند چیزی از ظن خود بر آن بیفزایند و یا از آن بکاهند. مبانی و خطوط اصلی این جامعه در آیات و روایات ترسیم شده، و هر نوع تصرف خودسرانه در آن‌ها می‌تواند به منزله بدعت در دین باشد که کم یا زیاد آن خطرناک و به کلی مطرود است.

بحث اخیر نشان می‌دهد گرچه آینده پژوهی تصویرپرداز، بویژه تعریف و تبیین آرمان شهرها در هر جامعه‌ای می‌تواند متصور و مورد نیاز باشد؛ در جامعه اسلامی ما به شناخت و

تبیین آرمان شهر مهدوی مقید است که جایی برای جولان عقل خود بنیاد بشری باقی نمی‌گذارد. این، نشان می‌دهد که محتوای نظام آینده پژوهی در جامعه ما به منظور طراحی کلان آینده جامعه با نظام‌های آینده پژوهی در جوامع سکولار غربی و غیرغربی تفاوت‌های اساسی دارد. این، خود دلیل مضاعفی بر ضرورت بومی سازی آینده پژوهی در ایران اسلامی است.

فرهنگ صحیح و اصیل انتظار و مهدویت را باید در فرهنگ سعادت پروری و زمینه سازی رشد و تعالی انسان‌ها از طریق نیل به عبودیت و هدایت به سوی خداوند جست‌وجو کرد. در عالی‌ترین بخشی از دعای افتتاح بر این امر تأکید شده است که رغبت منتظران به دولت حقه کریمه ارتزاق کرامت دنیا و آخرت است:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا  
النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ  
تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (فقره دعای افتتاح).

شاید بتوان این عبارت را عالی‌ترین بیان و توصیف در باب دولت مهدوی دانست. برخلاف رویکردهای امدادگرا و دنیاگرا به مهدویت، در این رویکرد اساس رغبت انسان‌ها به مهدویت و دولت کریمه عبارت است از نیل به سعادت و کرامت از طریق عبودیت الاهی. مهم‌ترین کار مهدی یاوران در دولت کریمه عبارت است از دعوت به طاعت الاهی و راهنمایی به راه خداوند: «مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ». در قرآن کریم نیز به شیوه‌های مختلف غایت امامت و حکومت هدایت به سوی خداوند و نیل به عبودیت الاهی دانسته شده است. کار اساسی پیامبران به مثابه امامان عبارت است از هدایت به امر الاهی:

وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ  
إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (انبیاء: ۷۳).

آیه مذکور، کار اصلی انبیا را به عنوان امامان جامعه برپایی کارهای نیک، از جمله نماز و زکات می‌داند. بر این نکته در آیه شریفه دیگری نیز تصریح شده است:

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ  
وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج: ۴۱).

بدین سان می‌توان گفت فرهنگ اصیل مهدوی را باید در جهت سعادت محوری تعریف و شناسایی کرد. این امر در تنظیم زندگی فردی و اجتماعی عصر غیبت نیز تعیین کننده است. جامعه عصر غیبت جامعه‌ای است که می‌بایست در جهت تأسی به جامعه مهدوی به سمت سعادت و عبودیت الهی حرکت کند (بهروزی لک، ۱۴۳۴: ۱۲۲-۱۲۵).

از طرفی، مهم‌ترین و کاربردی‌ترین کاربرد آینده‌پژوهی را در حوزه مهدویت می‌توان در بعد تجویزی آینده‌پژوهی جست‌وجو نمود. مهدویت در این حوزه، بزرگ‌ترین فرج برای جامعه عصر غیبت است تا بتواند با تأسی به جامعه موعود، به بازسازی و احیای خویش بپردازد؛ بویژه در شرایط کنونی که عصر بیداری اسلامی و احیای تمدن اسلامی است. هر گونه اقدام و طرحی برای احیای جهان اسلام و رشد و بالندگی جوامع اسلامی به تمسک به عروة الوثقی الگوهای ناب اسلامی نیازمند است. در این زمینه علاوه بر مبانی دینی، آموزه‌های قرآن و سنت، الگوهای کاربردی و عملی موثری وجود دارد. مصداق برتر الگو و اسوه را برای احیای تمدن اسلامی می‌توان در دنیای کنونی (علاوه بر الگوهای مذکور پیشین) تمسک به الگوی آرمانشهر مهدوی دانست. یقیناً به لحاظ کیفی، جامعه مهدوی بر تمامی جوامع ایمانی پیشین، حتی جامعه رسول الله ﷺ برتری دارد. جامعه نبوی به دلیل نقصان شهروندان خویش و نه رهبر و قائمش، نتوانست به تمامی ظرفیت‌های کمالی اجتماعی مطلوب برسد. بدین جهت، آرمانشهر مهدوی را می‌توان تحقق تمامی ظرفیت‌های تحقق نیافته در جامعه نبوی دانست (سعدی، ۱۳۸۱: ۸).

بر این اساس، آرمانشهر مهدوی الهام بخش آینده مطلوب در آینده‌پژوهی دینی است. اگر به تعبیر جیمز دیتور آینده را محصول تعامل و تأثیر چهار عامل تلقی‌ها، اقدامات، روندها و حوادث بدانیم؛ بدون تردید تلقی از آینده در بستر دینی در چارچوب آموزه مهدویت شکل می‌گیرد. بدین جهت، مهدویت پژوهی می‌تواند الهام بخش محتوای جامعه مطلوب در آینده‌پژوهی گردد. وجه الهام بخشی آرمانشهر مهدوی را در تنظیم و تجویز آینده‌های محتمل پیش رو در عصر غیبت می‌توان با استفاده از الگوی پس‌نگری تبیین کرد.

باید توجه داشت تدوین سند چشم‌انداز، با توجه به امکانات موجود، ارزش‌های اساسی و

اهداف بنیادین در هر نظام سیاسی، متفاوت است. از این رو، باید از ترسیم چشم‌اندازی که با ارزش‌ها و اهداف نظام سازگاری ندارد و یا چشم‌اندازی غیر ممکن و محال اجتناب کرد. چشم‌انداز، به مثابه یک روش، با ترسیم آینده محال هیچ تناسبی ندارد؛ و به دنبال آینده مرجح است. چشم‌انداز فرهنگی مبتنی بر مهدویت، باید آرمان‌گرا باشد و نباید چشم‌انداز مهدوی با جامعه دست نیافتنی اشتباه گردد. این چشم‌انداز، باید محصول ارزش‌های اساسی و اهداف بنیادین باشد که از آموزه‌های مهدویت سرچشمه گرفته است. بر این اساس، باید کلیدی‌ترین ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف در نظام سیاسی از طریق چشم‌انداز بیان شود تا درک روشنی از شرایط کنونی ارائه دهد و نقشه راهی برای آینده باشد. نکته مهم در این چشم‌انداز فرهنگی، این است که باید در پی تغییر وضع موجود با چراغ راهنما قرار دادن آینده باشد. همچنین بتواند به میثاق عمومی تبدیل شود و مشارکت مردمی را در حد اعلا جلب کند؛ یعنی باید برانگیزنده مشارکت همگانی و مشوق حرکت جامعه به سوی جامعه آرمانی مهدوی باشد.

#### نتیجه

تدوین سند چشم‌انداز فرهنگی جمهوری اسلامی، مبتنی بر مهدویت، از ضرورت‌های اساسی جامعه ماست که به هم فکری و پژوهش و دقت نظر فراوان نیاز دارد. در واقع، ترسیم وضعیت مطلوب از جامعه آرمانی مهدوی، تلاش و همکاری گروه نخبگان فکری حوزه و دانشگاه را می‌طلبد. استخراج چشم‌انداز مهدوی از آیات و روایات، همراه با بررسی اندیشه‌های سیاسی رهبران عالی نظام، قانون اساسی و سند چشم‌انداز و نیز استخراج ارزش‌های اساسی، اهداف بنیادین مهدوی و ترسیم آینده ترسیم شده، از یک سوکاری دشوار؛ اما لازم و ضروری است؛ که با همت گروهی نخبگان امروز جمهوری اسلامی ایران، شذنی است. از سوی دیگر، به دو دانش حوزوی و دانشگاهی آشنا به امور آینده پژوهی نیاز است. از طرفی جذاب‌ترین کارآمدترین چشم‌انداز بدون استراتژی و تاکتیک‌های اجرایی، در حد تصویری مطلوب زیبا باقی خواهند ماند. در سه دهه انقلاب، شعارهایی متفاوت و فراز و نشیب‌های جدی از سوی دولت‌ها را شاهد هستیم. بر این اساس، حرکت از تدوین چشم‌انداز به اجرا و پیاده‌سازی آن،



به مدیریت کلان نیازمند است؛ بدین معنا که به تصویب چشم‌انداز از سوی بالاترین مرکز تصمیم‌گیری نیاز دارد؛ تا با آمد و رفت و تغییر سیاست دولت‌ها، در استراتژی چشم‌انداز مهدوی به مشکل دچار نباشیم. این برنامه استراتژیک و تاکتیک‌ها باید همه ساله از سوی مدیریت کلان مورد بازنگری قرار گیرد. در کنار مدیریت کلان، چشم‌انداز مهدوی به بسیج ملی نیاز است که همکاری همگانی نهادهای دولتی (وزارت خانه‌ها و نهادهای دولتی) و نهادهای مردمی (خانواده، مدرسه و نهادهای غیر دولتی) را می‌طلبد؛ تا بتوان آموزه‌های مهدوی را به اجرا گذاشت (علیپور، ۱۳۹۲: ۲۱۰).

بر این اساس، باید ادبیات آینده‌پژوهی در مراکز علمی و دینی ما ترویج گردد و با تقویت مراکز تخصصی و پژوهشی مهدویت، ابعاد مختلف محورهای اساسی سند شکافته شده و الگوها و راهبردهای متناسب با هر محور به صورت شفاف تعریف و اعلام گردد. با عنایت به اهمیت موضوع، لازم است حوزه‌های علمیه در جذب مشارکت ملی تحقق چشم‌انداز فرهنگی کمک کنند. همچنین طرح یک شعار مناسب ملی و فراگیر در پیشبرد اهداف چشم‌انداز فرهنگی برای عموم مردم ضروری است و تا زمانی که این شعار جامع و فراگیر، انتخاب نشود، نمی‌توان جایگاه این نوع سند را در جامعه نهادینه کرد.

## منابع

۱. اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۴). *دانش واژه آینده پژوهی*، ترجمه محمدرضا فرزاد و امیر ناظمی، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم فناوری دفاعی.
۲. اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۴). *نو اندیشی برای هزاره نوین*، ترجمه عقیل ملکی فر و همکاران، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم فناوری دفاعی.
۳. ازگلی، محمد (۱۳۸۳). *رهبری استراتژیک چشم/انداز*، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام.
۴. امام خمینی، روح الله (بی تا). *صحیفه امام، تهران*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نرم افزار.
۵. ایکاف، راسل و جیسون، گلیدسون و هربرت، اریسو (۱۳۸۶). *طراحی آرمانی*، ترجمه اسلاتر، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۶. بستان، حسین و همکاران (۱۳۸۷). *گامی به سوی علم دینی (ساختار علم تجربی و امکان علم دینی)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. بهروزی لک، غلامرضا (۱۴۳۴ هـ.ق). *مجموع مقالات مؤتمر الامام المهدی و المستقبل العالم، الدراسات المستقبلیه و قدرات، استخدام نموذج المدينة الفاضلة المهدویة فی عصر الغیبة، نجف اشرف، مجمع اهل البيت علیهم السلام*.
۸. پال، هرسی و کن، بلانچارد (۱۳۶۸). *مدیریت رفتار سازمانی*، ترجمه قاسم کبیری، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۹. پدرام، عبدالرحیم و همکاران (۱۳۸۸). *آینده پژوهی مفاهیم و روش*، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری و دفاعی.
۱۰. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۶). *فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو*، قم، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۱. حفیظی، روح الله (۱۳۸۶). *چشم انداز ۲۰ ساله ایران و طرحی استراتژیک برای تحقق آن*؛ تهران، بی تا.
۱۲. خزایی، سعید (۱۳۸۰). *درآمدی بر معنای آینده پژوهی و مهندسی هوشمندانه آینده*، سایت آینده پژوهی، [www. Ayandeh pajoohi. Com/archive/....php](http://www.Ayandeh-pajoohi.Com/archive/....php).
۱۳. خزایی، سعید (۱۳۸۸). *شکل بخشیدن به فردای مطلوب و هنر خلق چشم انداز*، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری و دفاعی.
۱۴. رضائی میرقائد، محسن و مبینی دهکردی، علی (۱۳۶۸). *ایران آینده در افق چشم انداز*، تهران، بی تا.

۱۵. رضائیان، علی (۱۳۸۶). *تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم*، تهران، بی‌نا.
۱۶. رضایی، محسن (۱۳۸۴). *چشم‌انداز/ایران فردا*، تهران، انتشارات ال‌دی‌کا.
۱۷. سعدی، حسین علی (۱۳۸۱). *جامعه مهدوی آرمان‌شهر نبوی در جمهوری اسلامی*، بی‌نا.
۱۸. سی‌پاتریک، لوئیس (۱۳۸۶). *ایجاد چشم‌انداز مشترک*، ترجمه دکتر ابراهیم حسن بیگی، بی‌جا، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۹. علی اکبری، حسن (۱۳۸۶). *نشریه مهندسی فرهنگی*، شماره ۸ و ۹، اردیبهشت و خرداد.
۲۰. فرد، فیدلر و شیمرز، مارتین (۱۳۷۱). *رهبری اثربخش*، ترجمه سهراب خلیلی، تهران، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۱. قدیری، روح ا.، (بی‌تا). *بررسی و شناخت روش‌های مطالعه آینده*، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقات صنایع دفاعی.
۲۲. کاپلان، رابرت و نورتون، دیوید (۱۳۸۶). *نقشه استراتژی*، ترجمه حسین اکبری و مسعود سلطانی و امیر ملکی، تهران، گروه پژوهشی صنعتی آریانا.
۲۳. کارگر، رحیم (۱۳۸۵). *آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۲۴. کارگر، رحیم (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی مهدوی، فصلنامه انتظار موعود علیه السلام*، شماره ۲۸، بهار.
۲۵. کورنیش، ادوارد (۱۳۸۸). *آینده پژوهی پیشرفته*، نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های آینده پژوهی، ترجمه سیاوش ملکی فر، تهران، اندیشکده آصف.
۲۶. کوشا، غلام حیدر، پژوهشی در الگوی مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن، *فصلنامه معرفت فرهنگی/اجتماعی*، سال اول، شماره ۲، بهار.
۲۷. لیندگرن، ماتس و باندهولد، هانس (۱۳۸۶). *طراحی سناریو، پیوند بین آینده و راهبرد*، ترجمه عزیز تاتاری، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۲۸. محمد علیپور، محمود (۱۳۹۲). *مجموع مقالات مهدویت و آینده‌پژوهی*، کاربرد روش‌های چشم‌انداز در مهدویت‌پژوهی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۹. محمدی منفرد، بهروز (۱۳۸۹). *عنوان رساله ی سطح چهار، نقد و بررسی اتوپای عصر مدرن (تامس مور و فرانسیس بیکن) با تأکید بر اندیشه مهدویت*، بهار.
۳۰. — (۱۳۸۴). *سند چشم‌انداز بیست ساله کشور*، ابلاغی مقام معظم رهبری به سران سه قوه، تهران، منتشره توسط دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۳۱. ملکی فر، عقیل و همکاران (۱۳۸۵). *الفبای آینده‌پژوهی*، تهران، کرانه علم.

## تحلیلی کارکردگرایانه بر آموزه‌های متعالی مهدویت از نگاه آینده‌پژوهی

سعید قربانی \*

### چکیده

آینده‌پژوهی، حوزه نسبتاً جدیدی است که به لحاظ گستردگی و تنوع حوزه‌های مرتبط، دستاوردهای بسیار مهمی برای کشورها و جوامع داشته؛ به گونه‌ای که امروزه به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تصمیم‌سازی تبدیل شده است. هم‌اینک در این زمینه از سوی کشورهای قدرتمند به منظور کسب مزیت‌های رقابتی و سلطه بر جهان مطالعات گسترده‌ای صورت می‌گیرد. این رویداد، بر اهمیت دستیابی به رویکردهای توانمندتر در عرصه آینده‌پژوهی می‌افزاید. بی‌شک، منظومه فکری اسلام، بویژه منابع شیعی، برتر از هر مکتب فکری بشری، توان تبیین راهبردی‌ترین مسائل آینده‌اندیشانه را داراست. یکی از بسترهای متعالی در این منظومه، اندیشه مهدویت است. همان‌گونه که می‌دانیم، اعتقاد به منجی آخرالزمان، مطلوب بیش‌تر ادیان بوده؛ اما ظرفیت بهره‌مندی از آموزه‌های آینده‌نگرانه مبتنی بر وحی، جز در تشیع و آموزه‌های مهدویت، در توان دیگر نحله‌ها نیست. پس، جادارد در نظام آینده‌پژوهانه مهدویت بررسی‌های جامعی صورت گیرد. نوشتار حاضر بررسی تحلیلی جامعی است در زمینه مهدویت و کارکردهای آینده‌پژوهانه آن، مبتنی بر منابع معتبر شیعی. این پژوهش، در حیطه مباحث علم‌شناسی فلسفی مشتمل بر ابعاد پنج‌گانه «معرفت‌شناسی»، «روش‌شناسی»، «هستی‌شناسی»، «ارزش‌شناسی» و «نشانه‌شناسی» خواهد بود. همان‌گونه که نتایج تحقیق نشان خواهد داد، نظام معرفت‌شناختی آینده‌پژوهی، متضمن مفاهیم، روش‌ها و ابزارهایی است که برخی از آن‌ها برای مطالعات گسترده و فهم آموزه‌های الهی و وحیانی مهدویت کاربرد مناسبی دارند.

واژگان کلیدی: آینده، آینده‌پژوهی، مهدویت، آرمان‌شهر مهدوی، کارکردها.

یکی از محورهای بسیار با اهمیت و بنیادین در نظام فکری و فلسفی ادیان الهی در طول تاریخ، ایمان به غیب و امور بظاهر نادیدنی در عالم وجود بوده و هست. در واقع، هسته اصلی و جوهر آموزه‌های ادیان آسمانی، همواره بر ایمان به غیب استوار بوده است. یکی از مصادیق بارز این موضوع، ایمان به زنده بودن انسان‌های برگزیده الهی، همچون حضرت مسیح علیه السلام در آیین مسیحیت و زنده بودن پیامبران علیهم السلام، امامان معصوم علیهم السلام، شهدا و اولیای الهی در اسلام و بویژه مکتب تشیع است. بدین ترتیب، مصداق روشن انسان کامل و غایب از نظر که روزی ظهور خواهد کرد و برپاکننده نظام عدل و نیکی‌ها و پایان دهنده به شرور و بدی‌ها خواهد بود؛ قدر مشترک تمامی ادیان آسمانی است و هر کدام از آیین‌های توحیدی، او را با عنوانی خاص همچون سوشیانت، میتربه معرفی کرده است. شیعه معتقد است انسان کامل و آخرین ذخیره الهی، هم‌اینک زنده و از دیدگان غایب است؛ اما در آینده‌ای نامعلوم ظاهر خواهد شد؛ گرچه برخی از پاکان و اولیای الهی توفیق تشریف به حضور ایشان را داشته و دارند.

نظام فلسفی ایمان به انسان کامل و آخرین ذخیره الهی در مکتب تشیع یا همان مهدویت؛ در برگیرنده آموزه‌های بسیار غنی و سازنده‌ای برای تفکر آینده‌نگر بوده و هست؛ تا حدی که با تفکر و تعمق اندیشمندانه در این نظام پویا می‌توان در شناخت خطوط کلی نظام آینده‌نگری اسلام و مبانی آن بهره‌های ارزشمندی به دست آورد؛ و این، واقعیتی است گران بر نظام‌های معارض و غیرهمسو با آرمان‌های متعالی اسلام؛ زیرا بخوبی می‌توان مشاهده کرد که در سطح جهانی تلاش‌های گسترده‌ای صورت می‌گیرد تا اندیشه آسمانی مهدویت، با تکنیک‌ها و ابزارهای هنری و رسانه‌ای و توسل به روش‌های علمی و آینده‌نگر که کارکرد سلبی دارند، استحاله گشته، یا به فراموشی سپرده شود.

هدف از این پژوهش، بررسی و شناسایی خطوط کلی آموزه‌های مهدویت در قلمرو آینده‌پژوهی است. این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که بررسی آینده‌پژوهانه در عرصه مهدویت، برای ما در قلمرو پژوهش‌های آینده‌پژوهانه دارای چه

دستاوردهای نظری و عملی ویژه‌ای است.

قابل ذکر است که ورود به این بحث، به هیچ روی به معنای اثبات آموزه‌های والای مهدویت از منظر آینده‌پژوهی نیست؛ زیرا مهدویت به جهت منشأ وحیانی‌اش، متعالی‌ترین اندیشه و نظام فکری بوده و هست. از این رو، پژوهش‌هایی از این دست، بیش‌تر به دنبال ایجاد درکی بهتر از آموزه‌های مهدویت با زبان و بیان آینده‌پژوهی است.

### ادبیات تحقیق

بنابراینچه گفته شد، در آغاز بر اساس داده‌ها و یافته‌های پژوهش، بر مفاهیم اولیه و مبانی نظری پژوهش گذری خواهیم داشت؛ آن‌گاه به بررسی تحلیلی موضوع مورد بحث خواهیم پرداخت.

### پیشینه آینده‌پژوهی

در طول تاریخ، یکی از جذاب‌ترین گرایش‌های بشر، آگاهی به آینده و اسرار غیب بوده است. از نخستین روزهای خلقت، تمام روش‌های پیشگویی، با شیوه‌های گوناگون در پی ترسیم و تصویرسازی آینده بوده‌اند و مهم‌ترین راه‌های کسب معرفت در خصوص آینده از دیرباز تا به امروز مشتمل بر ستاره‌بینی<sup>۱</sup>، پیشگویی<sup>۲</sup> و پیش‌نگری<sup>۳</sup> بوده است. به اعتقاد عنایت‌الله، ستاره‌بینی از این حیث اهمیت داشته که بشر میان حرکات ستاره‌ها و زندگی انسان‌ها ارتباطی احساس می‌کرده و بر این باور بوده که میان آسمان و زمین نوعی هماهنگی و ارتباط وجود دارد. در واقع، ستاره‌بینی یک سیستم هشدار اولیه برای اجتناب از مخاطرات آینده و کنترل آن بوده است (عنایت‌الله، ۲۰۰۷).

بل نیز معتقد است که نمونه‌هایی دیگر از روش‌های پیش‌بینی و غیب‌گویی<sup>۴</sup>، مثل تعبیر

1. Astrology
2. Prophecy
3. Prediction
4. Prophecy

خواب و رویا<sup>۱</sup>، غیب‌گویی و آینده‌خوانی از روی شعله‌های آتش<sup>۲</sup>، ترک برداشتن استخوان کتف حیوانات<sup>۳</sup> و بسته شدن پنیر<sup>۴</sup> شناسایی شده است (Bell 2003). گفتنی است امروزه نیز بسیاری از افراد در سراسر جهان به این روش‌های سنتی همچنان پایبند هستند.

اولین نشانه‌های توجه عالمانه بشر به آینده را در عصر روشنگری می‌توان دید؛ یعنی زمانی که بشر به این نتیجه رسید که علوم طبیعی برای هر مسئله راه حلی خواهند یافت. حرکت عالمانه‌تر در عرصه آینده‌پژوهی از اوایل دهه بیستم آغاز گردید و پیشران توسعه آن، تجربیات دو جنگ جهانی اول و دوم بود. مطالعات این حوزه طی دهه ۷۰ میلادی، با تاسیس مجامع معتبر آینده‌پژوهی وارد عرصه جدیدی گردید.

امروزه، آینده‌پژوهی در مراکز تحقیقاتی، دانشگاهی، نظامی و سیاسی گسترده‌ای، همچون انجمن جهانی آینده مطالعه می‌شود و از قالب‌های کهن و غیرعلمی گذشته فاصله گرفته و به مجموعه گسترده‌ای از روش‌های نظام‌مند، همچون پیمایش‌های دلفی<sup>۵</sup>، تحلیل روند<sup>۶</sup>، پانل‌های خبرگان<sup>۷</sup>، طراحی سناریو<sup>۸</sup> تبدیل شده است.

### تعریف آینده‌پژوهی

تاکنون برای آینده‌پژوهی و مفهوم آن، تعاریف گوناگونی ارائه شده که در این جا به دو تعریف جامع و مهم از میان آن‌ها بسنده می‌شود:

1. Oneiromancy
2. Pyromancy
3. Scapulimancy
4. Tyromancy
5. Delphi surveys
6. Trend analysis
7. Expert panels
8. Scenario planning

### تعریف جامعه‌شناختی وندل بل

آینده پژوهی، بخشی از اومانیزم یا انسان گرایی<sup>۱</sup> مدرن است که هم فلسفی است و هم علمی و ماهیتاً سکولار<sup>۲</sup> است. آینده پژوهان، یعنی فعالان حوزه مطالعات آینده تلاش می‌کنند می‌کنند از آینده رمزگشایی کنند؛ روش‌های خود را شفاف سازند؛ نظام مند و عقلایی عمل کنند و نتایج مطالعاتشان را بر مشاهدات تجربی واقعیت بنا نهند... ایشان از خلاقیت و شهود خویش نیز بهره می‌برند (Bell 2003).

### تعریف معرفت شناختی سهیل عنایت‌اله

آینده پژوهی، بررسی نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح<sup>۳</sup> جهان‌بینی‌ها و پشتوانه‌های اساطیری هر آینده است. آینده پژوهی از دیرباز مشتمل بر بررسی نیروهای بیرونی و تأثیرگذار بر آینده - طالع‌بینی و پیشگویی - بوده که بعدها به سمت مطالعات ساختاری (الگوهای تاریخی تغییر؛ و ظهور و سقوط ملت‌ها و نظام‌ها) و عاملیت انسانی (مطالعه و خلق تصاویر مرجح مربوط به آینده) حرکت کرده است (عنایت‌اله، ۲۰۰۷).

با توجه به اهداف و جهت‌گیری‌های موجود در عرصه آینده پژوهی، می‌توان برای مفهوم آینده پژوهی تعریف زیر را به عنوان تعریف مختار و پیشنهادی ارائه کرد:

آینده پژوهی در مفهوم نوین خود، دانش - فناوری نوپدیدی است که با هدف پیش بینی و خلق مطلوب‌ترین آینده‌های ممکن، از مجموعه وسیعی از ابزارها و روش‌های علمی و حتی هنری بهره می‌برد. تبیین این که تغییر یا تغییرات امروز برواقعیت فردا چگونه تأثیر خواهد گذاشت، بازتابی از فعالیت‌های آینده پژوهانه است.

شایان ذکر است که مراد از بعد فناورانه آینده پژوهی، کاربرد مهارت‌ها، نوآوری‌ها، توانمندی‌ها و ابزارهای دانشی در حوزه آینده پژوهی است که به تغییرات بنیادین در تصمیم‌سازی‌ها و اقدامات آینده پژوهانه منجر می‌شود. به عنوان مثال، استفاده از مهارت‌ها و

1. Humanism
2. secular
3. Possible, Probable and Preferable Futures



ابزارهای خلاقیت و نوآوری یکی از وجوه فناورانه‌ای است که در حوزه آینده‌پژوهی از اهمیت بالایی برخوردار است.

### ویژگی‌های آینده‌پژوهی

- از میان ویژگی‌های اصلی تفکر آینده‌نگر که در تبیین آموزه‌های مهدویت قابل بهره‌برداری است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱. مشارکتی، هنجاری، پویا و مبتنی بر اجماع خبرگان؛
  ۲. تلاش در ارائه الگوها، مدل‌ها و سناریوهای آینده؛
  ۳. جامعیت، نگاه جهانشمول و کلان‌نگری و دربر گرفتن موضوعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و...؛
  ۴. اهمیت دادن به اقدامات فردی یا جمعی به عنوان عامل محرک روندها؛
  ۵. تلاش برای فهم ممکنات و امور امکان‌پذیر (آینده‌های ممکن)، امور احتمال‌پذیر (آینده‌های محتمل) و مرجحات (آینده‌های مطلوب)؛
  ۶. تلاش در درک بهتر و شفاف از تصاویر آینده (بل، ۲۰۰۳).

### نظام جامع فکری و فلسفی مهدویت

بر اساس نگاه شیعه، تفکر مرتبط با ظهور انسان کامل و آخرین ذخیره الهی، دربرگیرنده نظام فکری متعالی است که آن را با عنوان «مهدویت» می‌شناسیم. شیعه در نگاه بنیادین خود بر این باور است که انسان کامل و موعود امت‌ها که به حسب ظاهر از نظرها غایب است؛ همچنان منشأ خیر و برکت برای جهان و ساکنان آن است.

این نظام متعالی دربردارنده اصول و معرفت‌هایی بسیار غنی است. روایات مهدویت، بویژه آنچه در نهج‌البلاغه و بحث ملاحم و پیشگویی‌ها وجود دارد، با حکمت‌ها و معرفت‌هایی متعالی برای تمام جوامع همراه است.

### گونه‌شناسی روایات مهدویت

در ادامه، لازم است نگاهی داشته باشیم بر ساختار و شاکله مباحث مهدویت و آنچه در

بررسی مهدویت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. پرواضح است که مباحث مهدویت، بر آیات کریمه قرآن و روایات صحیح رسیده از معصومان بزرگوار استوار است و به طور طبیعی می‌توان دریافت که پیش‌نیاز و مقدمه هرگونه پژوهش در این جهت، دسته‌بندی تحلیلی آیات و روایات مهدویت است تا بتوان میان مهدویت و آینده‌پژوهی ارتباط منطقی‌تری برقرار کرد. از این رو، یکی از مبادی مهم پژوهش در این قلمرو، «گونه‌شناسی روایات مهدویت» است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که روایات مهدویت از چهار جهت آینده را ترسیم می‌کنند:

۱. شرایط، نشانه‌ها و زمینه‌های ظهور؛

۲. حوادث پس از ظهور؛

۳. دولت پس از ظهور (اهداف و ماموریت‌های آن)؛

۴. وظایف مؤمنان منتظر.

ابعاد مذکور، در ادامه مباحث به شکل تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### تحلیل کارکردهای آینده‌پژوهی در تبیین آموزه‌های مهدویت

بنابر مقدمات پیشین، می‌توان برای درک و فهم آموزه‌های بنیادین و آسمانی مهدویت، از کارکردها و اصول منطقی و عقلایی آینده‌پژوهی کمک گرفت. از این رو، آنچه در ادامه می‌آید، تحلیلی است بر کارکردهای آینده‌پژوهانه آموزه‌های مهدویت:

#### کارکرد معرفت‌شناختی<sup>۱</sup>

یکی از ابعاد یا اضلاع شناخت علوم در رویکردهای نوین به علم، بررسی «مبانی معرفت‌شناختی» آن‌هاست. آینده‌پژوهی نیز به مقتضای مبانی معرفت‌شناختی و مطالعه آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح، دربرگیرنده رویکردهایی بنیادین نسبت به موضوع مورد

---

1. Epistemological

بررسی خود یا همان مولفه آینده است. با این نگاه، وجود «رویکردهای اکتشافی»<sup>۱</sup> و «تصویرپردازانه»<sup>۲</sup> در آینده‌پژوهی در فهم اندیشه آرمان‌شهر مهدوی موضوعیت بسیار مهمی دارد؛ زیرا با نگاه آینده‌پژوهانه به اقسام روایاتی که در باب شرایط و علائم زمان ظهور وجود دارد؛ فهم جامعی از این روایات به دست می‌آید؛ به ترتیب زیر:

### رویکرد اکتشافی<sup>۳</sup>

مجموعه احادیثی را که در زمینه شرایط، نشانه‌ها و زمینه‌های ظهور از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام صادر شده‌اند، می‌توان ناظر بر رویکرد اکتشافی دانست. توضیح این که رویکرد اکتشافی بر آینده‌های باورپذیر متمرکز بوده و شکل‌گیری رویدادهای باورپذیر آینده نیز تابع سلسله قوانین و سنت‌های طبیعی و محتوم است که در پرتو روابط علت و معلولی و با پیگیری روندها و رویدادهای گذشته تا حال می‌توان خط سیر آن‌ها را تعقیب کرد. آینده‌پژوهان بر مبنای رویکرد اکتشافی و برحسب محاسبات عقلی و علمی در جهت این پیش‌بینی تلاش می‌کنند که در آینده چه چیزهایی قابلیت تحقق داشته و چه رویدادهایی بر آینده تأثیرگذار خواهند بود. بر این اساس، اخبار مبتنی بر وقوع رویدادی مهم در آینده، ناظر بر زنجیره علت و معلولی رویدادها هستند و دقت در آن‌ها کاشف رویدادی مهم در آینده است. به عنوان نمونه در حدیثی معتبر از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

خمس علامات قبل قیام القائم: الصیحه و السفیانی و الخسف و قتل نفس الزکیه و الیمانی....؛ پیش از ظهور قائم علیه‌السلام پنج نشانه محقق می‌شود: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، فرورفتگی در بیدا (مکانی نزدیک مکه)، کشته شدن نفس زکیه و خروج یمانی (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۸: ۲۴۵).

همان گونه در روایت مذکور مشاهده می‌شود، پنج عامل به عنوان شرایط و مقدمات ظهور

- 
1. Exploratory
  2. Imaginary
  3. Exploratory

مطرح شده؛ به گونه‌ای که وقوع هر کدام می‌تواند در جهت نزدیک‌تر شدن به دوران ظهور و کشف شرایط مختص آن دوران دلیل یا راهنمایی منحصر به فرد قلمداد گردد. بدین ترتیب، چنین اخباری مسیر روندهای حال و آینده را برجسته‌تر می‌سازند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که امامان بزرگوار شیعه با بیان چنین روایاتی توانسته‌اند اذهان شیعیان را پیشاپیش به رویدادهای تاثیرگذار بر آینده متوجه سازند تا در زمان وقوع چنین شرایطی، برای آمادگی و سازندگی مطلوب‌تر آن‌ها زمینه لازم فراهم گردد.

در همین جهت، بخشی از روایاتی که به پیشگویی‌های ائمه در خصوص رویدادهای آینده اختصاص دارند (با عنوان اخبار ملاحم و فتن) با رویکرد اکتشافی مرتبط بوده که با تحلیل این روایات می‌توان از اخبار ظهور برداشتی اکتشافی نمود؛ نظیر این روایت از امام محمد باقر علیه السلام:

گویی قومی را می‌بینم که از مشرق قیام کرده‌اند؛ حق را می‌طلبند؛ اما به آن‌ها داده نمی‌شود؛ ولی آنان از پای نمی‌نشینند. از این‌رو سلاح به دست می‌گیرند؛ در نتیجه آنچه می‌خواستند، به آن‌ها داده می‌شود و آن‌ها نمی‌پذیرند تا آن‌که قیام می‌کنند و حکومت را فقط به صاحب شما تحویل می‌دهند. کشته‌شدگان آن‌ها، شهیدند و اگر من آن زمان را درک می‌کردم، وجودم را برای صاحب این امر وقف می‌کردم (مجلسی، ۱۴۱۷، ج ۵۲: ۲۴۳).

خطبه‌های ۱۰۰، ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۵ و حکمت‌های ۱۴۷ و ۲۵۹ نمونه‌هایی از اخبار قطعی آخرالزمان است.

### رویکرد تصویرپردازانه<sup>۱</sup>

«رویکرد تصویرپردازانه آینده‌پژوهی» با روایات مرتبط با مهدویت سازگاری و پیوند عمیقی دارد؛ زیرا آرمان حقیقی بشر و چشم‌انداز برتری که در پهنه هستی می‌تواند محقق شود؛ در این‌جا ترسیم می‌شود. آینده‌پژوهی تصویرپردازانه رکن مهمی از آینده‌پژوهی است که با خلق آینده‌های مرجح و چشم‌اندازهای برتر سروکار دارد. افزون بر این که تحقق جامعه پایدار و

دارای رفاه بشر، یکی از اهداف بنیادین بشری است. هویلی<sup>۱</sup> به نقل از ادوارد کورنیش<sup>۲</sup> - از آینده‌پژوهان برجسته و مؤسس انجمن جهانی آینده - به سه هدف مهم آینده‌پژوهی اشاره می‌کند که یکی از آن‌ها همین موضوع است:

آینده‌پژوهی، متعالی‌ترین اندیشه‌ها و مهارت‌ها را برای افزایش سهم بشر از حیات در اختیار دارد. ترسیم فضایی که در آن، انسان‌ها بخوبی تغذیه می‌شوند؛ لباس‌های فاخر می‌پوشند؛ از امکانات تحصیلی خوبی برخوردارند و محیط زندگی‌شان از امنیت و رفاه اجتماعی سرشار است؛ نمونه‌هایی از این دست اندیشه‌های متعالی است (هویلی، ۱۹۹۵).

آینده‌پژوهان و نیز رهبران بزرگ، به مقتضای این رویکرد، پیشاپیش آرمان‌های مطلوب و مورد انتظار خویش را در ذهن خود ترسیم و تصویر می‌کنند. آن‌گاه افراد و جوامع را به سوی آن سوق داده و موجب حرکت‌های اجتماعی سازنده می‌گردند. در مقوله روایاتی که در خصوص دولت پس از ظهور، اهداف و ماموریت‌های آن وجود دارد؛ بخوبی می‌توان دریافت که امامان بزرگوار و معصوم ما زیباترین وضعیت ممکن از آینده را به تصویر کشیده و جامعه مسلمانان را برای تمامی اعصار و زمان‌ها، به سوی آن راهبری کرده‌اند. در این زمینه می‌توان به روایاتی اشاره کرد؛ از جمله این که رسول اکرم ﷺ فرمودند:

و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب؛ سلطنت مهدی ﷺ شرق و غرب عالم را در بر خواهد گرفت. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۳۱).

همان گونه که مشاهده می‌شود، نوید برپایی دولت یا حکومت مطلوب اسلام که مطلوب تمامی انسان‌ها بوده و هست، در این سنخ روایات، به عنوان مطلوب‌ترین تصویر آینده بخوبی ترسیم شده تا جهان در رسیدن به این آینده و محقق ساختن چنین دولت ارزشمند و مطلوبی از حرکت سازنده خویش غافل نماند.

- 
1. Hoyle
  2. Edward Cornish

## کارکرد روش‌شناختی<sup>۱</sup>

«آینده‌پژوهی عرفی»، به پیروی از علوم طبیعی و انسانی در کمی و کیفی‌سازی روش‌های پژوهش، از سه مؤلفه یا ابزار «تجربه»، «عقل» و در مواردی از «شهود»<sup>۲</sup> بهره می‌گیرد. از طرفی، ابزار علوم تجربی، تجربه و ابزار فلاسفه، عقل و منطق است و این دو ابزار در آینده‌اندیشی و بویژه روش‌هایی که بر اجماع خبرگان و پیمایش‌های کمی مبتنی هستند، حضوری جدی دارند؛ زیرا خبرگان از آن رو واجد اهمیت هستند که در زمینه علمی و مورد تخصص خود حامل تجربیات گسترده‌ای هستند و تفکر فلسفی نیز جنبه نرم‌افزاری و یا بعد کیفی آینده‌پژوهی است که با ابزار خرد و تفهّم بشری سروکار دارد. مؤلفه یا ابزار اشراق و شهود نیز در روش‌های کیفی، بویژه روش‌هایی که بر خلاقیت و ژرف‌اندیشی به منظور بهره‌گیری از ضمیر ناخودآگاه بشری مبتنی هستند، کاربرد دارند. روش‌های آینده‌پژوهی بر درک و فهم عقلایی و شهودی از فضا و مختصات زمان آینده، برای مدیریت فاعلانه بر آن مبتنی است.

با این مقدمه باید گفت روش‌های آینده‌پژوهی همچون سناریوپردازی، نقشه راه و طراحی چشم‌انداز، از جمله روش‌هایی هستند که در فرایند درک و فهم بهتر آموزه‌های ناب مهدوی می‌توانند نقش موثری اجرا کنند، به عنوان شاهدی بر کارکرد روش‌شناختی آینده‌پژوهی، به یک مورد اشاره می‌شود:

**روش سناریوپردازی:** در این روش که نخستین بار توسط یکی از آینده‌پژوهان برجسته به نام هرمان کان<sup>۳</sup> معرفی شد؛ تصاویری از آینده‌های محتمل به شکل روایت‌های داستانی و جذاب ترسیم و به جامعه معرفی گردید. این روایت‌ها در واقع، احتمالات و صورت‌های مختلفی از آینده‌های ممکن و محتمل هستند که بر اساس مطالعات و بررسی‌های عمیق و چندین ساله گروهی از خبرگان عرصه‌های گوناگون علمی پیش‌بینی شده‌اند. وظیفه خبرگان

1. Methodological
2. intuition
3. Herman Kahn

و مردم این است که از هر جهت، برای رویایی با هر کدام از این احتمالات یا بدیل‌های محتمل آینده، آمادگی لازم را کسب کنند تا در صورت مواجهه با هر کدام از این آینده‌های احتمالی، از مخاطرات و پیشامدهای همراه آن غافل نباشند و با اقداماتی از پیش طراحی شده آمادگی دفع آن‌ها و غلبه بر آن‌ها را داشته باشند. افزون بر این، باید پیشران‌ها یا حوادثی که محرک وقوع هر کدام از این احتمالات خواهد بود نیز، مورد شناسایی قرار گیرد. این روش در قلمرو مهندویت از این کارایی برخوردار است؛ بدین صورت که با استناد به روایات صحیح رسیده از معصومان و استفاده از تکنیک پس‌نگری، می‌توان گام‌ها و مسیرهای رسیدن به حال را از سوی آن سناریو یا آینده مطلوب ترسیم کرد. قابل ذکر است که پس‌نگری به عنوان یکی از تکنیک‌های سناریوپردازی، شیوه‌ای از پیش‌بینی یا برنامه‌ریزی بلندمدت است که در آن، یک رویداد در آینده قطعی و مسلم تلقی شده؛ سپس این نکته مطرح می‌شود که آن رویداد چگونه به زمان حال منتهی می‌شود.

#### کارکرد هستی‌شناختی<sup>۱</sup>

بنابر دیدگاه «هستی‌شناسی»، وصف‌های گوناگونی از آینده‌پژوهی و ابعاد تشکیل دهنده آن ارائه شده که میان آن‌ها، دیدگاه آینده‌پژوه برجسته، جیمز دیتور،<sup>۲</sup> جامع‌ترین وصف هستی‌شناختی از ابعاد آینده‌پژوهی است. دیتور بر این باور است که آینده از تعامل و همگرایی چهار مؤلفه «رویداد»، «روند»، «کنش» و «تصویر» شکل می‌گیرد (دیتور، ۱۹۹۶)؛ بدین معنا که در طراحی اقدامات آینده، باید به این چهار نکته توجه اساسی کرد؛ زیرا کنش‌ها یا اقدامات آینده بشر، بر مبنای تصاویری است که او در ذهن و ضمیر خود می‌پروراند. همین‌طور روندهای حاکم بر گذشته و حال که می‌توانند مسیر آینده را تا حدودی روشن و شفاف نشان دهند و نیز رویدادهای مرتبط با بشر که بر جوامع و انسان‌ها آثار عمیقی می‌گذارند؛ مولفه‌هایی هستند که آینده‌پژوهان نسبت به آن‌ها اعتنای ویژه‌ای نشان می‌دهند. به اعتقاد

1. Ontological
2. James Dator

دیتور و دیگر آینده‌پژوهان برجسته، دو مولفه آخر، یعنی «تصاویر» و «اقدامات»، با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند؛ زیرا مردم اقدامات خود را بر مبنای تصاویری که از آینده دارند، انجام می‌دهند. در واقع یکی از ماموریت‌های آینده‌پژوهی این است که به مردم کمک کند تا آنان تصویرها و اقدامات خود را از محدوده کوشش‌های منفعلانه فراتر برده و بکوشند آینده را پیش‌نگری کرده و آن‌گاه بر مبنای این پیش‌نگری‌ها طرح‌های عملی خود را پیش ببرند (دیتور، ۱۹۹۶). به همین دلیل، آینده‌پژوهی را «علم اقدام»<sup>۱</sup> نامیده‌اند؛ علمی که متضمن اقدام یا کنش آگاه و پیش‌دستانه به منظور مدیریت عاملانه و فاعلانه بر آینده است.

در نامه‌ای که از امام عصر علیه السلام رسیده، ایشان به یکی از زمینه‌ها و بسترهای مهم معنوی که در واقع کنش یا اقدامی زمینه‌ساز در جهت نزدیک شدن و تقرب به آن حضرت است؛ اشاره می‌فرمایند و آثار اعمال شایسته و کنش‌های ارزشمند را بر می‌شمردند و تصویری مطلوب از پیامدهای عمل به این دستورها را متذکر می‌شوند:

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكَرَهُهُ وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛ اگر شیعیان ما که خداوند آنان را بر انجام دادن طاعت خویش موفق گرداند! در عمل به پیمانی که بر عهده دارند، همدل می‌شدند؛ افتخار دیدار ما از ایشان به تاخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیبشان می‌شد؛ دیداری همراه با شناخت حقیقی و صداقت آنان نسبت به ما؛ و آن‌چه ما را از شیعیان دور نگه می‌دارد، کردارهایی از ایشان است که به ما می‌رسد و برای ما ناخوشایند و دوراز انتظار است (مجلسی، ۱۴۱۷، ج ۵۳: ۱۷۷).

همان گونه که در این روایت مشاهده می‌شود، یکی از ابعاد تشکیل دهنده و سازنده آینده که همان اقدام یا کنش شایسته از سوی موالیان امام علیه السلام است، مورد توصیه آن حضرت واقع شده و آن عبارت است از عمل به پیمان معهود الهی.



بر اساس دیدگاه هستی‌شناختی به اخبار مهدویت، جمیع روایات مرتبط با آرمان‌شهر مهدوی که از دوران پس از ظهور و برپایی حکومت جهانی حضرت در آینده‌ای قطعی خبر می‌دهند؛ با مولفه آینده‌پژوهانه تصویر در ارتباط هستند و به نوعی تصویرسازی آن دوران آرمانی حکومت صالحان بر روی زمین را نوید می‌دهند. بنابر این دیدگاه، آنچه امروزه با عنوان جهانی شدن یا جهانی سازی از آن یاد می‌شود، به لحاظ هستی‌شناختی، دارای ماهیتی مغایر با آرمان بزرگ اسلام و بشریت قلمداد می‌شود؛ زیرا در منطق دنیای امروز، جهانی شدن به مثابه یک پروژه یا پروسه (فرایند) به حساب می‌آید؛ پروژه‌ای تحت هدایت گروهی اندک و یا پروسه‌ای به شکل یک حرکت طبیعی به سمت تحقق منافع عده‌ای یا جامعه‌ای خاص. اما نگاه هستی‌شناختی اسلام به مقوله جهانی شدن عبارت است از حرکت محتوم الهی به سوی آینده‌ای مطلوب و سرشار از مساوات و عدالت برای تمامی بشر، نه حرکت به سمت سلطه و انتفاع گروهی خاص. در این منطق، جهانی سازی نیز عبارت است از تلاش و اقدام آگاهانه جهت تحقق وعده قطعی الهی در برپایی حکومت عدل صالحان و پاکان بر روی زمین.

#### کارکرد ارزش‌شناختی<sup>۱</sup>

بنابر «کارکرد ارزش‌شناختی»، یکی از مولفه‌های ارزشی و مورد تاکید در تفکر آینده‌نگر، مفهوم آمادگی و هشیاری نسبت به آینده به منظور غافل نماندن از آینده و رویدادهای محتمل همراه با آن می‌باشد. کارکرد ارزش‌شناختی آینده‌پژوهی، به برجسته‌سازی معیارهای اخلاقی در مواجهه با آینده ناظر است. به عنوان مثال، یکی از مفروضات مهم آینده‌پژوهی توجه به رفاه و آسایش نسل‌های آینده در برنامه‌ریزی‌های زمان حال است؛ بدین شکل که در استفاده از ذخایر موجود، توجه به حقوق آیندگان شدیداً از اهمیت برخوردار است.

براین مبنا و با اتخاذ چنین نگاهی به آموزه‌های مهدوی، می‌توان به فهم آن دسته از روایاتی پرداخت که از فضایل و ارزش‌های اخلاقی مورد توجه و توصیه در اخبار مهدوی

---

1. axiologic

سخن می‌گویند. به عنوان مثال، یکی از محورهای مورد تاکید در این روایات، مسئله «انتظار» است. از نگاه ارزش‌شناختی، بخش مهمی از اخبار و آثار مهدوی، در زمینه فضیلت انتظار، حرکت سازنده، وظایف منتظران (برای حال و آینده) و مفاهیمی از این دست سخن می‌گویند و رویکرد ارزش‌گرایانه آن، تماماً در جهت ایجاد آمادگی و تهیاً برای آینده است. این بخش از روایات، انتظار را در مفهوم «فاعلیت» و «عاملیت» مسلمانان و دوری از «انزوا» و «رفتار انفعالی» ترسیم می‌کنند؛ انتظاری که با کنش<sup>۱</sup> و کنش<sup>۲</sup> آگاهانه به سوی اهداف متعالی دین همراه است. روایات، برای انتظار، آثار، فواید، پیامدها و درس‌های بی‌شماری را مترتب ساخته و نشان می‌دهند که موضوع انتظار در اسلام نه تنها به عنوان راهبردی متعالی فضیلت دارد؛ بلکه نسبت به تمامی برنامه‌های کلان جامعه افضل است. در واقع، موضوع انتظار در مسیر تحقق آینده، بتنهایی موضوعیت داشته و در تحقق آرمان شهر مهدوی، توجه به ابعاد گسترده و عمیق مفهوم انتظار راهبردی اساسی به شمار می‌رود. از این‌رو، از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام، تعابیر فراوانی چون *افضل الاعمال* (همان، ج ۵۲: ۱۲۲) یا *من افضل العباده* (همان: ۲۵) یا *افضل الجهاد* (همان: ۱۴۳) برای انتظار فرج صادر شده که مجموعه این تعابیر با نگاه آینده‌اندیشانه بر توصیه به یک راهبرد مهم و حیاتی دلالت می‌کنند و آن، تصور، تجسم یا احساس زندگی در دوران فرج است. به طور خلاصه، روایات انتظار مشتمل بر پیام‌های آینده‌پژوهانه‌ی بنیادین زیر هستند و به این دلیل اهمیت دارند که تفکر انفعالی و ایستا و نیز انتظار برای فراگیر شدن معاصی را منتفی ساخته و انتظار پویا، آینده‌نگر و هویت بخش را به ارمغان می‌آورند:

- تأکید بر نگاه و توجه دائمی به دوران ظهور، نه منتظر ماندن برای رسیدن آن دوران. از این روست که در تعابیر امامان، انتظار فرج جزئی از فرج دانسته شده است؛
- پویایی و حرکت؛

1. action
2. tension

- مدیریت بر عصر انتظار و لوازم؛ آن همچون پرهیز از پیشگویی (زمان ظهور) که در روایات از آن نهی شده است؛
- توجه به اقدامات جمعی آینده‌نگر یا پیشران‌های تحقق ظهور دولت مهدوی؛
- تعیین شاخص‌های نزدیک شدن به عصر ظهور.

### کارکرد نشانه‌شناختی<sup>۱</sup> آینده‌پژوهی

در جهت برنامه‌ها و روش‌های آینده‌پژوهی برای ترسیم سناریوها و تصاویر آینده، نمی‌توان از رویدادهای تأثیرگذار بر آینده یا همان پیشران‌ها<sup>۲</sup> و نیز علائم ضعیف<sup>۳</sup> تغییر غافل شد. در واقع، یکی از کانون‌های توجه آینده‌پژوهی موضوع پیشران‌ها و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر آینده و نیز علائم ضعیف تغییر است. علائم حتمی یا غیر حتمی ظهور را که پیش‌زمینه عصر ظهور هستند، از جهاتی می‌توان پیشران تحقق آرمان‌شهر مهدوی و از جهاتی علائم ضعیف تغییر به سوی تحقق جامعه آرمانی ظهور قلمداد کرد؛ زیرا روایات بر این نکته تأکید می‌کنند که مشاهده علائم ظهور بر نزدیک‌تر شدن به آن آینده حتمی دلالت می‌کند و از تطبیق عالمانه اخبار صحیح‌السند با علائم مشاهدتی، جهت درک و فهم آینده و آمادگی هرچه بیش‌تر برای رسیدن به آن زمینه لازم فراهم می‌شود. از این رو، به زبان آینده‌پژوهی، توجه به علائم ضعیف تغییرات، همان علائم ظهور به زبان مهدویت محسوب می‌شود.

نکته مورد اهمیت و اشتراک در هر دو حوزه، آمادگی برای رویارویی با تحولات فرارو و رصد تغییرات است. آموزه‌های آینده‌پژوهی بر پایش<sup>۴</sup> و پویش<sup>۵</sup> تغییرات صحنه می‌نهند. روایات نیز مفهوم تهیاً و آمادگی را مورد توجه فراوان قرار می‌دهند و معصومان بزرگوار ما، همواره پیروان خود را به آمادگی و انتظار توصیه کرده‌اند؛ آمادگی برای غافل‌نماندن از هر علامت

1. Semiotic
2. drivers
3. weak signals
4. scanning
5. scimming

ضعیفی از تغییر و غافل نماندن از رویدادی شگفت‌انگیز که احتمال وقوعش بظاهر کم است؛ اما تاثیراتش غیرقابل پیش‌بینی. کارکرد نشانه‌شناسی ارائه مکانیزم یا سازوکار هشدار سریع و بهنگام برای مواجهه با آینده و رویدادهای محتمل آن است.

در نوع روایاتی که از ائمه علیهم‌السلام نسبت به علائم حتمی صادر شده است، تاکید بر این بوده که نباید نسبت به علائم حتمی و پیش‌ران‌های ظهور بی‌توجه و غافل بود. به عنوان نمونه، تاکید بر ناگهانی بودن ندای آسمانی و حرکت سفیانی، مؤید این نکته است که آخرالزمان نشانه‌هایی دارد که باید آن‌ها را شناخت و نسبت به آن‌ها آگاهی عمیق پیدا کرد. باید به میزان کافی نسبت به رویدادهای محتمل آینده و پیش‌زمینه‌ها و علایم پیش از وقوعشان حساس بود. بنابراین، یکی از مزایای اتخاذ چنین رویکردی، ایجاد حس تعهد نسبت به آینده و فرصت‌ها و مخاطرات آن خواهد بود.

#### نتیجه

آینده‌پژوهی به عنوان شاخه‌ای جدید از علوم نظری جدید، مختصات معرفت یا دانشی جامع را داراست که تا امروز مسیرهای تکاملی ویژه‌ای را طی کرده است و ویژگی مهمی که آن را برجسته می‌سازد، ابعاد روش‌شناختی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و نشانه‌شناختی آن است. از این رو، می‌توان به عنوان یکی از چارچوب‌های معرفتی و نظری در شناخت و اکتشاف اخبار مهدویت از آن بهره گرفت. هرچند اخبار وحیانی مهدویت، خود از هر نوع ابزار بشری آگاهی رسانی مستغنی است؛ می‌توان از نظام فکری و فلسفی و ابعاد سازگار آن با نظام مهدویت بهره گرفت تا روشنگری و ایضاح بهتر و بیش‌تری در ذهن مخاطبان نسبت به اخبار آرمان‌شهر مهدوی ایجاد گردد. براین اساس، نظام معرفت‌شناختی آینده‌پژوهی متضمن مفاهیم، تکنیک‌ها، روش‌ها و ابزارهایی است که برخی از آن‌ها برای مطالعات گسترده به منظور فهم آموزه‌های الهی و وحیانی مهدویت کاربرد مناسبی دارند. در مجموع باید گفت درونمایه اصلی مهدویت، همچون آینده‌پژوهی، موضوع آینده است و از آن‌جا که یکی از مصادیق غیب در اندیشه اسلام، موضوع آینده است، در می‌یابیم که در

متون دینی ما در تبیین ویژگی‌های جهان آخرت و آخرالزمان تعمّدی وجود دارد. حتّی از نقیض این گزاره نیز به اهمیت آینده مورد اشاره پی می‌بریم؛ بدین شکل که اگر اراده خداوند بر این تعلق می‌گرفت که خبری از آینده مطرح نشود، قطعاً این کار صورت می‌گرفت؛ حال آن که بنا بر اراده الاهی، موضوع معاد که ماهیتی آینده‌نگرانه دارد، یکی از ارکان اصلی و اعتقادی دین قرار گرفته و همان‌گونه که مشاهده شد، بخش بزرگی از آیات و روایات به دو آینده محتوم دنیوی (مهدویت) و اخروی (معاد) اختصاص یافته است که ضرورت دارد به هر شکل ممکن در تبیین و ایضاح نظام آینده‌نگری اسلام تلاش عالمانه و محققانه صورت گیرد.

## منابع

### قرآن کریم

۱. آمدی (۱۳۷۸). *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۴). *الحیة*، ترجمه آرام احمد، ج ۱، چاپ ششم، انتشارات دلیل ما.
۳. شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۹). *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ نوزدهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، خطبه ۱۳۸.
۴. صدوق، محمد (۱۳۹۵هـ.ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، چاپ دوم، تهران، اسلامیه.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). *کافی*، ترجمه و شرح محمد باقر کمره ای، چاپ سوم، قم، انتشارات اسوه.
۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۷هـ.ق). *بحار الانوار*، لبنان، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی.
۷. نعمانی، محمد (۱۳۶۶). *الغیبة*، به تصحیح استاد غفاری، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران، نشر صدوق.
8. Bell, Wendell. (2003), *Foundations of Futures Studies*, New Brunswick (USA) and London (UK), Transaction Publishers.
9. Hoyle, John (1995), *Leadership and Futuring: Making Visions Happen*. Thousand Oaks: Corwin Press.
10. Inayatullah, Sohail. (2007), *Questioning the Future*, Tamkang University, Taiwan
11. Slaughter, Richard. (1996), *New Thinking for a New Millennium*. Routledge & London and New York.



## آینده پژوهی در پرتو انتظار پویا با تأکید بر کارکرد وحدت امت اسلامی

راضیه علی اکبری \*

### چکیده

امروزه، «آینده پژوهی»، به عنوان دانش شناخت و شکل دهی به آینده، جایگاه مهمی در دنیا پیدا کرده و به عرصه‌های مختلف زندگی انسان‌ها وارد شده است. آینده مطلوب، بر اساس آموزه‌های اکثر ادیان و مذاهب، در ظهور منجی قابل تحقق است و در اسلام، آموزه مهدویت به عنوان مهم‌ترین بعد آینده‌پژوهی قلمداد می‌شود. مقاله حاضر، با روش تحلیلی - توصیفی و با هدف تعمیق و تثبیت جایگاه آینده پژوهی دینی بر اساس آموزه مهدویت و بررسی نقش مهدویت در آینده پژوهی و شکل دهی به آینده مطلوب؛ نقش آینده‌پژوهی و کارکردهای فرهنگی اجتماعی آن، بویژه کارکرد وحدت امت اسلامی را، به عنوان یکی از مهم‌ترین کارکردهای این عرصه، در جهت زمینه‌سازی تحقق شرایط ظهور، پی‌جویی کرده و آینده جهان را بر اساس تبیینی که از آموزه مهدویت متبادر می‌شود، مورد کاوش قرار می‌دهد. بررسی‌های انجام شده حاکی از این است که وحدت اسلامی زمانی شکل می‌گیرد که افرادی با اهداف و آرمان‌های مشترک، رویکرد واحدی اتخاذ کنند. دستیابی به جامعه برتر و موعود ادیان و رسیدن به سعادت و کمال، آرمان تمام انسان‌های موحد است و این، زمانی محقق می‌شود که همه یکتاپرستان عدالت خواه، در صف واحدی قرار گرفته و با پیوستن به حکومت جهانی مهدوی، تحت رهبری موعود قرار گیرند. در نتیجه می‌توان گفت این آرمان مشترک، در سایه وحدت اسلامی به دست می‌آید.

واژگان کلیدی: مهدویت، آینده‌پژوهی، انسجام اجتماعی، وحدت اسلامی، مسلمانان.



«جامعه آرمانی»، موضوعی است که در طول تاریخ بشر، همواره ذهن اندیشمندان و متفکران اجتماعی را به خود مشغول داشته است و موجب پدید آمدن طرح‌های متعددی گردیده که در خلال آن‌ها، جامعه‌ای مطلوب ترسیم شده است. در میان این طرح‌های آرمان‌شهری، دین مبین اسلام، فرجام تاریخ و جامعه بشری را بسیار روشن و امیدآفرین ترسیم کرده و علاوه بر نوید آینده‌ای روشن در پایان تاریخ، همواره پیروان خود را به رعایت برخی امور در تحقق جامعه‌ای مطلوب در هر عصر و زمانی دعوت کرده است.

ظهور حضرت مهدی موعود<sup>ع</sup> و شکل‌گیری جامعه آرمانی اسلام، آخرین حلقه مبارزات اهل حق و باطل است و اسلام از پیروان خود می‌خواهد که در جهت آن جامعه آرمانی به تلاش و کوشش بپردازند و انتظاری پویا را پیشه خود سازند. اما این مسئله جای طرح دارد که آینده پژوهی چگونه می‌تواند آموزه مهدویت را تبیین کرده و برنامه‌ها و سیاست‌های خود را در جهت آن تعیین کند؟

آنچه مشخص است، این که هنوز آن گونه که شایسته است، «مهدویت»، نقطه کانون و محوری برنامه و فعالیت‌ها قرار نگرفته و راهبردهای مشخصی در مورد آن اتخاذ نشده است. علت آن نیز فقدان اندیشه جامع در سیاست‌گذاری‌ها، بر اساس آینده‌پژوهی است؛ یعنی نه تنها از آینده‌پژوهی نسبت به مهدویت شناخت درستی وجود ندارد؛ بلکه راهبردها و استراتژی‌های خاص هم در بین نیست. از این رو باید با تغییر سیاست‌ها و خط مشی‌های مبتنی بر آینده‌پژوهی در این زمینه، موجب تغییر و دگرگونی اساسی در نوع نگاه‌ها نسبت به مهدویت خواهد شد و جایگاه محوری و بنیادی آن، نه تنها در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان مشخص گردد؛ بلکه در جهت تبیین، ترویج و تبلیغ آن نیز راهبردهای مشخصی ارائه شود. این امر، به این نکته نیازمند است که نوع نگاه و رویکردها نسبت به مهدویت و بهره‌مندی از آینده‌پژوهی تغییر یابد و در مسیر صحیح آن قرار گیرد، تا در این زمینه بتوان نظریه‌پردازی کرد.

آینده‌پژوهی سه وظیفه عمده برای خود در نظر گرفته است: «رویارویی آگاهانه با روندهای آتی، به منظور کاهش خسارت‌های ناشی از غافل‌گیری پدیده‌ها»؛ «تصحیح روندهای موجود با

نگاه به آینده» و «تلاش برای شکل‌گیری آینده مطلوب». در این جهت با توجه به این که اسلام دینی اجتماعی بوده و هدف آن، نه تنها پرورش افراد دیندار، بلکه ساختن جامعه‌ای مطلوب و نمونه است؛ یکی از اهداف آینده‌پژوهی دینی «وفاق اجتماعی، صلح، آرامش و عدالت اجتماعی» است؛ اجتماعی که روابط آن بر اساس اهداف و احکام دین سامان گیرد. در این جامعه ارزش‌مدار، معتدل و جهانی، سعادت فرد با سعادت جامعه پیوند خورده و میان مسئولیت‌های اجتماعی و ایمان اسلامی، ارتباطی قوی و جدایی ناپذیر به وجود می‌آید.

**ضرورت تحقیق:** در علم آینده پژوهی، آموزه مهدویت، کارکردهای فردی و اجتماعی دارد. در پژوهش حاضر، کارکرد اجتماعی و به طور خاص مسئله وحدت اسلامی مورد نظر است. وحدت اسلامی، به مثابه اصلی قاطع و ضروری در همه زمان‌ها محسوب می‌شود و از مفاهیمی است که مورد توجه و تأکید خاص اسلام قرار گرفته و قوام و دوام جامعه، بدان وابسته است. در آرمان شهر مهدوی نیز این موضوع، تأمین‌کننده منافع و مصالح اعضای آن و موجب استقرار امنیت و توسعه عدالت فردی و اجتماعی است.

**اهداف تحقیق:** اهداف اصلی تحقیق در سه عرصه قابل تبیین است: «تعمیق و تثبیت جایگاه آینده پژوهی دینی بر اساس آموزه مهدویت»، «بررسی و تبیین نقش مهدویت در آینده پژوهی و شکل‌دهی به آینده مطلوب» و «تبیین آموزه مهدویت در سطح فراگیر و جهانی با بررسی کارکرد وحدت اسلامی».

از منظر نگارنده با تکیه بر علم آینده‌پژوهی و به کارگیری کاربردهای آن، می‌توان آموزه مهدویت را تبیین کرد؛ اما مهم آن است که جامعه اسلامی نیز با وحدت خود، بکوشد حرکتی تکاملی و رو به رشد داشته باشد.

## ۱. مفهوم شناسی

### الف) آینده‌پژوهی

«آینده‌پژوهی»، در پی شناسایی آینده‌ای ممکن و مطلوب و کاربست آن در زمان حال؛ یکی از روش‌های مدرن مطالعه آینده است که از شاخه‌های فناوری‌های نرم محسوب

می‌شود و هدف آن، تولید روش‌مند دانش راهنما و استفاده بیش‌تر از ملاحظات آینده‌محور در فرآیند تصمیم‌گیری است (پرومیچیچ، ۱۳۸۷: ۱۱). رسالت آینده‌پژوهی، شناخت دقیق همه اجزای نظام، کارکرد آن‌ها و چگونگی میان‌کنش آن‌ها با عوامل بیرون از نظام می‌باشد.

آینده‌پژوهی به انسان کمک می‌کند که از درون «تغییرات امروز»، «واقعیت فردا» را استخراج کرده و تصمیم‌گیری مربوط به آینده را در زمان حال صورت دهد. دانش و بینشی که آینده‌پژوهی در اختیار انسان می‌گذارد، او را در کسب موقعیت برتر در عرصه رقابتی یاری رسانده و در نتیجه فهم و درک نیروها و عوامل مؤثر بر زمینه فعالیت‌های شخصی و سازمانی؛ او را درباره تغییرات احتمالی آینده هوشیارتر می‌کند و به همگان اجازه می‌دهد آینده‌های محتمل و آینده‌های بایسته و مسیر رسیدن به آینده مطلوب را بدانند. آینده‌پژوهی معنوی نیز بر تأثیر ویژه ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای انسانی بر شکل‌گیری آینده مثبت و متعالی تأکید می‌ورزد و همگان را بر پایداری به دین و معنویت دعوت می‌کند تا نتایج درخشان آن را در زندگی خود شاهد باشند (منصوری، ۱۳۷۷: ۷۳).

کاربرد آینده‌پژوهی این است که مردم را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها، و مخاطرات احتمالی آینده هوشیار نگه می‌دارد؛ ابهام‌ها، تردیدها و دغدغه‌های فرساینده را تا حدی می‌کاهد و توانایی انتخاب‌های هوشمندانه جامعه و مردم را افزایش می‌دهد. این علم، دانش و معرفت «شکل بخشیدن به آینده»، به گونه‌ای آگاهانه است (ملکی فر، ۱۳۸۵: ۷).

همه ادیان الهی، دارای آموزه‌ها و گزاره‌هایی‌اند که با آینده بشر ارتباط تنگاتنگی دارد (ابراهیم نژاد، ۱۳۸۵: ۶۰۲)؛ بخصوص در فرهنگ اسلامی، آموزه‌ها و گنجینه‌های بی‌بدیلی برای هدایت و به‌تحرك واداشتن نسل‌های فعلی و آتی وجود دارد و باید با بهره‌برداری از این گنجینه‌ها و منابع عظیم، نیازهای روز جامعه و بشر را پاسخ داد. به عبارت صحیح، این توانمندی، خود فناوری نرمی است که به زمینه‌سازی برای تولید انبوه نیاز دارد.

موضوع از این زاویه بسیار با اهمیت و قابل تأمل است که بدانیم اسلام دارای ظرفیت جهانی شدن است و گزاره‌هایش آینده‌سازند؛ چرا که اسلام، دینی است که بنا بر ماهیت خود و نه به پشتیبانی‌های گسترده مالی و سیاسی، دین آینده و فراگیر بشری خواهد بود

(کنیری، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۲۲). از جمله مهم‌ترین آموزه‌های آینده ساز دین «آموزه مهدویت» می‌باشد و بنا به آموزه‌های اسلامی، ظهور آن حضرت قطعی است؛ هرچند زمان ظهور قطعی نمی‌باشد. نکته جالب توجه این که زمان ظهور امام علیه السلام بنا بر آمادگی و خواست جامعه انسانی و بویژه شیعیان، ممکن است به تعجیل افتاده یا به تأخیر افتد (نودهی، ۱۳۸۴: ۱۷-۱۸).

مفهوم انتظار منجی، موضوعی است که می‌تواند همچون قوه محرکه بدیلی در فرایند ساخت آینده جامعه، مورد بهره برداری قرارگیرد. لذا آن نوع از آینده نگاری می‌تواند کشور ما را به مسیر اراده الهی رهنمون گردد که یکی از محورهای کلیدی آن، تقویت فرهنگ انتظار و ساختن انسان‌هایی منتظر در شهر منتظران باشد (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۰: ۷۲).

برخی از اندیشوران و فلاسفه، نظیر علامه طباطبایی، آینده روشن انسان را در قالب هدایت عمومی موجودات توجیه و تفسیر می‌کنند و از منظر هدایت عمومی، انسان را رو به کمال دانسته و آینده را متکامل ارزیابی می‌کنند:

چنان که هر نوع از موجودات با سرمایه اختصاصی خود به سوی کمال خود رهسپار می‌شود و هدایت می‌یابد؛ انسان نیز با هدایت تکوینی، به سوی کمال واقعی خود هدایت می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۱۳۴).

همچنین شهید مطهری درباره هدفمندی تاریخ و تکامل بشر و جوامع بشری می‌گوید:  
مسئله‌ای که اکنون همه ادیان، در رابطه با حضرت حجت پیش‌بینی می‌کنند که عدل کامل، صلح کامل، رفاه کامل، سلامت کامل و امنیت کامل برقرار خواهد شد؛ همان پیش‌بینی تاریخ و تکامل بشریت است؛ یعنی زندگی بشر در آینده منتهی می‌شود به عالی‌ترین و کامل‌ترین زندگی‌ها (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۱۷۸).

#### (ب) مهدویت

موعودگرایی، از مفاهیمی است که در همه ادیان وجود داشته و از ابتدای تاریخ بشر، در ذهن مردم بوده است؛ زیرا در ادیان آسمانی قبل از ظهور اسلام، مشاهده می‌شود که همگی از وقوع این حقیقت خبر داده‌اند و حتی صفات مصلح و راهکارهای اصلاحی او را بیان

کرده‌اند. بنابراین، مهدویت از آرمان‌های پایدار انسان در طول قرن‌ها و از مسلمات اعتقادی مشترک ادیان مختلف آسمانی بوده است؛ بدان دلیل که پیامبران گذشته در میان امت‌های خویش از اصلاح اساسی و اجرای عدالت همگانی سخن گفته و ظهور مصلح بزرگ را به پیروان خود وعده می‌دادند.

اعتقاد به ظهور مصلحی به نام مهدی علیه السلام از اولاد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، مورد اتفاق همه فرقه‌های اسلامی است. عده‌ای از بزرگان اهل سنت، احادیثی در این زمینه آورده‌اند؛ از آن جمله ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، حاکم و طبرانی. بیش‌ترین مباحث مهدویت از نظر اهل سنت، براساس منابع سنت و اقوال محققین آن‌هاست. به اختصار یک حدیث از کتاب‌های معتبر آنان را ذکر می‌کنیم:

دنیا به پایان نمی‌رسد، مگر آن که مردی از اهل بیت من که اسمش اسم من است، مالک جهان عرب شود (هیتمی، ۱۳۸۵: ۲۴۹).

شیعه نیز معتقد است از نسل پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، شخصی همانا ایشان ظهور و جهان را از عدل و داد پر می‌کند؛ همان‌طور که از ظلم و جور پر شده است و مهدی علیه السلام، دوازدهمین وصی تعیین شده پیامبر صلی الله علیه و آله است که در سال ۲۵۵ هـ. ق متولد شده؛ با شهادت پدر بزرگوارش، امام حسن عسکری علیه السلام، از سال ۲۶۰ هـ. ق تاکنون مسئولیت سنگین هدایت علمی و معنوی امت اسلامی و فیض‌رسانی و نور افشانی به جهانیان را - همچون خورشید پشت ابر (صدوق، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۶۵)؛ بر عهده داشته و دارد. قرآن و سنت، دو منبع اصلی اسلام، درباره حکومت واحد جهانی سخن فراوان دارند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۴۴-۶۴)؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ  
(انبیاء: ۱۰۵).

در مورد این آیه، طبق روایت، «عباد صالح»، همان قائم علیه السلام و اصحاب اویند (قمی، ۱۴۱۱: ۷۷). واژه «الارض» در آیه بدان معناست که آیه همه زمین در قلمرو حکومت صالحان قرار می‌گیرد و این، همان حکومت امت واحد است که به عنوان یکی از کارکردهای مهدویت

مورد بررسی است؛ چنان که در آیه دیگر آمده است:

الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ (حج: ۴۲).

حضرت باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

این [مژده] برای آل محمد علیهم السلام است. خدای تعالی مهدی علیه السلام و یارانش را در

مشارق و مغارب زمین پادشاهی می‌دهد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۱۳۴).

در آیه دیگر، غلبه جهانی حق طلبان با دین حق همراه شده است:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه: ۳۳ و صف: ۹).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

به خدا سوگند! همانا که از آیین‌ها و دین‌ها، اختلاف را برطرف می‌کند و دین

همه‌اش یکی خواهد شد؛ همان گونه که او فرمود: همانا دین نزد خدا اسلام است

و خدای تعالی باز فرمود: هرکس از دینی جز اسلام پیروی کند، از او پذیرفته

نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳: ۴-۵).

آیه دیگر، علاوه بر تأیید حکومت جهانی، به برخی اهداف آن اشاره می‌کند:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا

اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم

مِن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّنًا يَغُيْبُونَ لَهَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا... (نور: ۵۵).

بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه، معلوم می‌شود این آیه، به حکومت

آخرالزمان مربوط است که هم جهانی است و هم به دست منجی موعود مهدی علیه السلام است:

اگر بعد از این، قائم ما برخیزد، هر که او را درک کند آنچه را از این آیه تأویل

می‌شود، خواهد دید و دین محمد صلی الله علیه و آله به هر جا که شب به آن می‌رسد، یقیناً

می‌رسد؛ به حدی که مشرکی بر پشت زمین نباشد؛ همان گونه که خدای تعالی

فرموده است: مرا بپرستند و چیزی را با من شریک قرار ندهند (طباطبایی، ۱۴۱۱،

ج ۹: ۸۷).

آیه دیگر، از اراده حتمی خداوند مبنی بر امام و پیشوا قرار گرفتن مستضعفان و به ارث

رسیدن زمین به آنان و تمکن آن‌ها بر زمین حکایت دارد:

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ... (قصص: ۵-۶).

امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر آیه فرمودند:

این آیه مخصوص صاحب الامر است که در آخر الزمان ظهور و جباران و فرعون‌ها را ریشه کن می‌کند و زمین را از شرق و غرب در اختیار گیرد و آن را از عدل پر کند؛ همان گونه که از ستم پر شده است (بحرانی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۲۳۰). در این روایت، سخن از نابودی جباران و فرعون‌ها و برقراری عدالت جهانی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی می‌فرماید:

بدانید که زمین از حجت خدای عزیز، خالی نمی‌ماند؛ که اگر زمین حتی یک ساعت از حجت خدا خالی بماند، زمین، اهل خود را فرو خواهد برد؛ ولی بزودی خداوند، چشمان خلقش را از دیدار او کور خواهد ساخت؛ به سبب ظلم و ستم و اسراف که آنان به خود روا می‌دارند (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵، ج ۲۹: ۳۳۴).

اسلام، برای تثبیت حکومت صالح دستور می‌دهد:

قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ (انفال: ۳۹).

دستور جهاد، مطلق و فتنه بدون قید است و هر دو، به مقصد سلطنت بخشیدن به دین الاهی است. امام فرمود:

مشرکان کشته می‌شوند تا خدای عزوجل را به یگانگی عقیده بورزند و تا آن که شرکی در میان نباشد و آن، در مورد قیام قائم ماست (بحرانی، ۱۳۹۸: ۷۸).

مهم‌ترین تأیید برای مفهوم این آیه و تأیید جهانی بودن حکومت منجی موعود، آیات و روایات متواتری است که خاتمیت و جهانی بودن اسلام را اعلام می‌کند (تکویر: ۲۷ و اعراف:

۱۵۸)؛ چون حکومت مهدوی، ادامه حکومت نبوی است که هم قابلیت‌های جهانی شدن را دارد و هم تجربه آن‌را. امام عسکری علیه السلام ولادت حضرت مهدی علیه السلام را به مادر او چنین مژده می‌دهد:

فَأَبْشِرِي بِوَكْدِ يَمْلِكِ الدُّنْيَا شَرْقًا وَ غَرْبًا وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا

(طوسی، ۱۴۱۱: ۱۲۸).

امام باقر علیه السلام فرمود:

لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمٌ آلَ مُحَمَّدٍ... يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ الرُّومَ وَالصِّينَ وَالتُّرْكَ وَ  
الدِّيْلَمَ وَالسُّنْدَ وَالْهِنْدَ وَكَابُلَ شَاهٍ وَالْخَزَرَ... (نعمانی، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

مخاطب پیام و ندای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تمام جهان است:

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الْأَمَامُ الْقَائِمُ (حائری یزدی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۸۲).

تمام این موارد گویای تشکیل امت واحد اسلامی در عصر ظهور است.

اهمیت فرهنگ مهدویت را می‌توان در هویت بخشی به فرد و جامعه دانست؛ جامعه‌ای که به آینده اعتقاد دارد و بر آن باور است که عصری دگر فرا خواهد رسید که از وضع موجود متفاوت است؛ از نقص‌ها بر کنار است و به اصطلاح دارای معیارهای «مدینه فاضله» است و می‌تواند زندگی امروز خود را نیز بر اساس مدل کامل سازمان دهد. به بیان دیگر، آینده‌پژوهی مهدویت، الگویی از وضع مطلوب ارائه می‌دارد و به دنبال سنجش موقعیت و منزلت کنونی با آن، و شبیه سازی جامعه امروزی با آن عصر است.

مهدویت در عصر غیبت، هویت ساز است. هویت فرد مسلمان با امام زمان خویش تعریف می‌شود؛ چنان که پیامبر خدا ص فرمود:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ کسی که بمیرد، در حالی که امام زمان خود را نمی‌شناسد، به مرگ جاهلیت مرده است (خزاز قمی، ۱۴۰۱: ۲۹۶).

در مکتب اسلام، امام، هویت بخش است و انسان را از جامعه جاهلی و عصر جاهلی جدا می‌سازد. بنابراین امام زمان عجل الله تعالی فرجه، بخشی از هویت و وجود شیعیان است.

### ج) وحدت اسلامی

«وحدت»، در لغت به یگانه (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۵: ۲۳۲ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۵۷) و همبستگی، همدستی، یکی بودن و یکدلی معنا شده است (عمید، ۱۳۶۱: ۱۱۳). این کلمه در مقابل دو واژه مذموم اختلاف (ناسازگاری) و تفرقه (پراکنده نمودن) قرار دارد (دهخدا، ۱۳۳۹، ج ۴: ۳۸۵). در اصطلاح، تعریف اتحاد امت اسلامی به «تبدیل یکی به دیگری» و یا «یکی شدن»، غیر قابل تحقق است؛ بلکه به معنی «تعامل بر اساس اشتراکات مذهبی» است (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱: ۹۱). برخی از اندیشمندان، وحدت را مقوله‌ای رفتاری و



منشی، و به معنی سجایا و صفات، رفتارها و منش‌ها، پایبندی‌های پایدار و اخلاق برجسته معنی کرده‌اند (آل کاشف الغطاء، ۱۴۰۴: ۳۶). به هر صورت، معنی مورد نظر این مقاله از وحدت، با واژه «تقریب» مترادف است؛ بدین معنی که:

امت اسلامی با حفظ باورها و بینش‌های خود، و بر محور اشتراکات دینی، از جمله توحید، پیامبر اسلام ﷺ و قرآن کریم، در مقابل خطراتی که اصل اسلام و تمام مسلمانان را تهدید می‌کند، اتحاد و همبستگی داشته باشند و از اختلافات مذهبی، سیاسی، نژادی و زبانی پرهیز نمایند (علی اکبری، ۱۳۹۲: ۱۸۳).

همگرایی نعمتی الاهی است که قرآن کریم بر این حقیقت صحه گذاشته است:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْهِمْ إِذْ كُنْتُمْ  
أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ  
النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا؛ همه به ریسمان خدا چنگ زدید و پراکند نشوید، و نعمت  
خدا را بر خود یاد کنید؛ آن گاه که با هم دشمن بودید و او میان دل‌های شما  
الفت انداخت تا به لطف او برادر یکدیگر شدید؛ و بر پرتگاهی از آتش بودید و او  
شما را از آن رهانید (آل عمران: ۱۰۳).

قرآن کریم، فلسفه تشریح دین و بعثت پیامبران را نیز پیشگیری از هرگونه تفرقه و پراکندگی معرفی کرده است:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ  
الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ؛ مردم، امتی یگانه بودند؛  
سپس خداوند، پیامبران را مژده رسان و بیم دهنده برانگیخت و به همراه آنان،  
کتاب را به حق نازل کرد تا میان مردم در آنچه اختلاف داشتند، داوری کنند  
(بقره: ۲۱۳).

انسجام امت اسلامی آثار و برکات بسیاری به دنبال دارد؛ از جمله رسیدن به آرامش و آسایش (آل عمران: ۱۰۳ و انعام: ۶۵)؛ برچیده شدن زمینه سلطه بیگانگان و استعمارگران (قصص: ۴) و افزایش قدرت و هیمنه مؤمنان (انفال: ۴۶). از این رو، بر مسلمانان لازم است بر اصول دین اسلام تأکید ورزند و به ریسمان الاهی (قرآن و پیامبر ﷺ) چنگ زنند و از آن

دور نشوند (نساء: ۵۹)؛ حقوق برادری را رعایت کنند، عیب یکدیگر نجویند و در حق یکدیگر گمان باطل نبرند (حجرات: ۱۱-۱۲) و نیز امر به معروف کنند و از کار زشت و ناهنجار پرهیز کرده و دیگران را نیز از آن‌ها باز دارند (آل عمران: ۱۰۴).

اندیشمندان مسلمان، برای وحدت انواعی بر می‌شمرند؛ از آن جمله «وحدت مطلق»، «وحدت مصلحتی» و «وحدت معقول». «وحدت مطلق» عبارت است از اتفاق نظر در همه عقاید و معارف و احکام اسلامی با همه اصول و فروع آن‌ها. این‌گونه وحدت با نظر به آزادی اندیشه و تعقل در خصوصیات و کیفیات و انتخاب دلایل در عناصر و اجزای اصلی عقاید و احکام دین اسلام، به قدری بعید است که می‌توان گفت امکان پذیر نیست.

«وحدت مصلحتی»، از جبر عوامل خارج از حقیقت و متن دین پیش می‌آید و در مواقعی لازم می‌آید که آن عوامل، جوامع اسلامی را در خطر اختلال قرار داده‌اند. توقع این که وحدت مصلحتی عارضی بتواند فرقه‌ها و مذاهب اسلامی را از هماهنگی و اتحاد همیشگی و معقول برخوردار سازد، انتظاری نابجاست.

«وحدت معقول»، وحدت مطلوب میان امت اسلامی است که عبارت است از قرار دادن متن کلی دین اسلام برای اعتقاد همه جوامع مسلمان و برکنار کردن عقاید شخصی و فرهنگ محلی و خصوصیات آرا و نظریات متعلق به هر یک از اجزای متن کلی دین که به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی مربوط است. تحقق این نوع وحدت، هیچ مانع شرعی و عقلی ندارد. هر متفکر آگاه از منابع اولیه اسلام و طرز تفکر امامان معصوم علیهم‌السلام و صحابه و تابعان آنان، می‌داند که پیروی از متن کلی دین، با تکاپو و اجتهاد برای فهم خصوصیات و کیفیت انتخاب دلایل، امری ضروری است (موثقی، ۱۳۷۰: ۲۸-۳۰). از این رو، از منظر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جامعه مؤمنان، به مثابه پیکری می‌ماند که افرادش، اعضای آن به شمار می‌آید (ابن حنبل، ۱۴۱۵، ج ۴: ۲۷). همچنین آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفُرْقَةُ عَذَابٌ (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۲: ۷۵۸).

## ۲. کارکرد وحدت اسلامی در آینده پژوهی مهدوی

آینده پژوهی در برخورد با آینده دو گرایش عمده دارد: گرایش بر وضع موجود و گرایش بر وضع مطلوب. گرایش نخست عمدتاً با نگرشی کاوشی - توصیفی در پی شناخت آینده‌ای محتمل بر پایه شرایط موجود بوده و بر آن است تا انواع داده‌های اجتماعی خاص را به پیامدهای مطلوب برساند و با به تصور درآوردن آینده مطلوب اتخاذ تصمیم‌های ویژه‌ای را برای دستیابی به آن توصیه کند. بنابراین، تعیین نقطه مطلوب در آینده، اولین گام در امید به تحقق راهبردهاست و ضرورت دارد برای رسیدن به رویکردهای مناسب در راهبردها تحقیقاتی صورت گیرد که بتوان به شناسایی نیازها و وضع موجود انسان معاصر پرداخت و ضمن احصای ضرورت‌های ترمیم وضع حاکم و گرایش به مطلوب‌سازی، نحوه سیر از وضع موجود به وضع مطلوب را شبیه‌سازی کند و به مورد اجرا گذارد (سلیمیان، ۱۳۸۴: ۱۵۱).

اهمیت توجه به آینده پژوهی در حوزه مهدویت می‌تواند محدوده بسیار وسیعی از جنبه‌های مختلف زندگی جوامع انسانی را پوشش دهد و کارکردهای دامنه دار و توانمندی را فراهم کند و در معرض برنامه‌ریزی قرار دهد، که از جمله مهم‌ترین آن‌ها کارکردهای فرهنگی اجتماعی و به طور خاص کارکرد وحدت امت اسلامی است.

گرچه به لحاظ اعتقادی، اعتقاد به امام زمان علیه السلام و ظهور حضرت، در جوامع اسلامی وجود دارد؛ در میان عامه مردم، حالت انتظار کمرنگ بوده و در حد لازم برای اجرای برنامه‌های آینده پژوهی مهدوی نیست. بنابراین، با استفاده از مبانی آینده پژوهی می‌توان طبق برنامه ریزی استراتژیک، جامعه را برای پذیرش این آموزه مهیا نمود تا پس از آن، در زمینه سازی تحقق شرایط ظهور موفقیت حاصل شود.

کارکرد وحدت امت اسلامی باعث می‌شود رفتار افراد در جهت همسویی با جامعه و پیروی از آن، سوق داده شود و انسجام جامعه حفظ گردد (کازینو، ۱۳۶۴: ۷۱). چنین انسجامی در جهت تحقق جامعه مهدوی انجام می‌پذیرد؛ به گونه‌ای که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، درونی شده و با فرد یگانه گردد و او، خود را به اجرای آن ملزم ببیند و بدون این که تحت نظارت بیرونی قرار گیرد؛ به این ارزش‌ها عمل می‌کند. در این حالت، فرد، لحظه به لحظه

احساس نمی‌کند که به او فرمان داده می‌شود و عوامل بیرونی به او حکم می‌رانند؛ بلکه خود به خود، هنجارهای اجتماعی را عمل می‌کند. در واقع، سرچشمه همنوایی او با هنجارهای اجتماعی، انتخاب آگاهانه خود اوست، نه عوامل بیرونی (طالبان، ۱۳۷۶: ۳۵). بدین ترتیب، حالت انتظار در افراد پدید می‌آید.

انتظار در چشم‌انداز آینده‌پژوهی، از حالت امید به آینده فراتر می‌رود و به آینده‌نگری و تأمل و جست‌وجو در حوادث و شناخت و معرفت درست اوضاع تبدیل می‌شود. مهم‌ترین رکن این انتظار، آینده‌نگری، مسؤولیت‌شناسی، الگوبرداری و زمینه‌سازی برای رسیدن به وضعیت مطلوب است که می‌توان آن را «انتظار پویا» نامید. این انتظار، بر سامان بخشی به برنامه‌ها و رفتارهای فردی و جمعی تأثیر بسزایی دارد و در تعیین راهبردها و استراتژی‌ها بر اساس آینده موعود و وضعیت‌های ممکن و محتمل و مرجح، نقش ایفا می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت مهم‌ترین کاربرد آینده‌پژوهی مهدویت در عرصه اجتماع، ایجاد انسجام و وحدت اسلامی است.

معیار «امت واحد» از نظر اسلام، وجود عقیده توحیدی است. اسلام به جامعه جهانی با حفظ ملیت‌های مختلف منوط است؛ نه حذف آن‌ها (صوفی آبادی، ۱۳۸۳: ۱۰۹) و این تنوع و تکثر، از نوع پلورالیستی نبوده، بلکه از نوع وحدت در عین کثرت می‌باشد؛ یعنی جامعه باید در عین دارا بودن مشترکاتی که خود عامل انسجام در بین افراد جامعه می‌شود؛ بر تنوع و تکثر فرهنگی تکیه کند؛ چرا که یکی از دلایلی که اسلام با این وسعت در سراسر دنیا گسترش یافته، توانایی بر سازگاری و همراهی با دیگر فرهنگ‌ها بوده است (مک لولین، ۱۳۸۳: ۷۲). بنابراین، تنوع فرهنگی از دیدگاه اسلام با حفظ محوریت توحید، کاملاً پذیرفتنی است [و اسلام، با تکثر فرهنگی مخالفتی ندارد]. در آرمان شهر مهدوی نیز این موضوع، تأمین‌کننده منافع و مصالح اعضای آن و موجب استقرار امنیت و توسعه عدالت فردی و اجتماعی است و انسجام اسلامی، رمز پیروزی و ماندگاری جامعه مهدوی است؛ چنان‌که فرموده اند:

يَقُومُ قَائِمًا... ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ؛ آن گاه که قائم ما قیام کند... همه را بر یک فکر و مرام واحد گرد می‌آورد (نعمانی، ۱۳۸۳: ۲۰۶).

با بررسی این روایات و سایر احادیث در این زمینه، روشن می‌گردد که در میان یاران حضرت مهدی، وجوه اشتراک فراوانی وجود دارد و آنان امت واحد و جمع متشکلی به وجود می‌آورند و یکدل و متحد عمل می‌کنند؛ چنان که در روایتی درباره امام عصر علیه السلام آمده است: هُوَ الَّذِي يَجْمَعُ الْكَلِمَ وَ يُتِمُّ النَّعْمَ؛ او کسی است که وحدت کلمه را ایجاد می‌کند و نعمت را کامل می‌سازد (حائری یزدی، ۱۴۰۴: ۱۶۹).

بر اساس این روایت، وحدت به وجود آمده، باعث پیروزی می‌شود. این همدلی و اتحاد کم نظیر در همه امور، حتی در اعتقادات و باورها نیز به وجود خواهد آمد: فَوَاللَّهِ لَيُرْفَعُ عَنِ الْمَلِكِ وَالْأَدْيَانَ الْاِخْتِلَافُ؛ به خدا قسم! در آن روز اختلافات میان ملت‌ها و دین‌ها رفع می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳: ۲).

و نیز

لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبُهَائِمُ؛ کینه‌ها و دشمنی از قلوب بندگان می‌رود و درندگان و چهارپایان در صلح با هم زندگی می‌کنند. (همان، ج ۵۲: ۳۱۶).

بنابراین، خداوند به دست مهدی علیه السلام وحدت کلمه را پدید می‌آورد و بین قلب‌های گوناگون، الفت ایجاد می‌کند (صدوق، ۱۳۹۰، ج ۲: ۶۴۶) در نتیجه این اتحاد و انسجام، جنگ و ستیزه جویی‌ها به پایان می‌رسد و همه برادر وار و دوستانه با هم زندگی می‌کنند (مرعشی، ۱۴۱۵، ج ۱۳: ۲۰۴).

مبنای این اتحاد در جامعه مهدوی، خدا خواهی و خدا پرستی مطابق شریعت الاهی و دستورات عظیم و انسان ساز قرآن کریم است؛ به گونه‌ای که بدون پشتوانه قرآنی و الاهی، هرگز آرمان معنوی انسجام اسلامی محقق نخواهد شد و تشتت و اختلاف، سراسر جوامع بشری را فراخواهد گرفت. بنابراین، ساختن مدینه فاضله‌ای که در آن، افراد متحد، فضیلت محور و ارزش مدار زندگی کنند، به توجّه به قوانین الاهی نیازمند است که توسط قرآن کریم و سخنان اهل بیت علیهم السلام برای تمام یاوران مهدی علیه السلام ترسیم و تعیین شده است؛ قوانین و دستوراتی که هر کدام به نوعی مؤلفه‌های تحقق وحدت امت اسلامی محسوب می‌شوند و در ادامه به سه مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۳. مؤلفه‌های وحدت ساز حکومت مهدوی

#### الف) عدالت

«عدالت»، مولفه اساسی انسجام جوامع اسلامی در حکومت مهدوی، است. عدالت، مهرورزی و تعاون مسلمین را به دنبال داشته و تفرقه را می‌زداید (آل عمران: ۱۰۳ و انفال: ۱). در روایات، امام مهدی علیه السلام مظهر و تجلی کامل عدالت یاد شده است. صاحب مکیال المکارم در این باره می‌گوید:

بارزترین صفات نیکویش در عدالت است؛ لذا به عدل ملقب شده است؛ چنان‌که در صلوات حضرت می‌خوانیم: اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ (موسوی، ۱۳۸۱: ۱۸۹).

در واقع عدالت، شاخصه اصلی حکومت امام مهدی علیه السلام به شمار آمده و نهضت مهدویت با این واژه قرین شده است. امام کاظم علیه السلام درباره تأویل این آیه: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ بدانید خداست که زمین را پس از مرگ [و خزان] زنده می‌گرداند. ما آیات و ادله [قدرت خود] را برای شما بیان کردیم تا مگر فکر و عقل به کار بندید» (حدید: ۱۷)؛ چنین فرموده است:

خداوند بلند مرتبه، مردانی را بر می‌انگیزد تا عدل را احیا کنند؛ چون زمین با احیای عدل، زنده می‌شود (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۱۷۴ و استرآبادی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۶۲۲).

در حدیث امام صادق علیه السلام نیز حیات زمین پس از مرگ آن، به عدالت پس از ستم معنا شده است (بحرانی، ۱۴۱۷: ۲۲۲). ده‌ها و بلکه صدها حدیث دیگر در منابع معتبر شیعی در مورد عدل گستری آن ولی منتظر آمده است (اکبرنژاد، ۱۳۸۶: ۱۸۰-۱۸۱). در مصادر اهل سنت نیز از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل شده است:

همانا ظلم و ستم در زمین فراگیر خواهد شد... پس از آن، عدالت و دادگری آن را پر خواهد کرد؛ آن گونه که از ستم، پر شده است (صنعانی، ۱۴۰۳: ح ۲۰۷۶۷).

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت است که می‌فرماید:

جبرئیل به من چنین خبر داد که ظلم پایان می پذیرد؛ آن هنگام که قائم آنان قیام کند... (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۵۱؛ خوارزمی، ۱۴۱۱: ۶۲ و قندوزی حنفی، بی تا، ج ۳: ۲۷۹).

و نیز فرمود:

شما را به مهدی بشارت می دهم... [هنگام ظهور او] خداوند، دل های امت محمد ﷺ را از بی نیازی سرشار می سازد (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۴۷۸).

عدالت، به عنوان یکی از اهداف اصلی جامعه مهدوی، در مسیر بعثت انبیای الهی و ولایت معنوی اولیای خداوند متعال است. (حدید: ۲۵) بر همین اساس، پایه ارتباطات خیر خواهانه و ایثار و حمایت از دیگران را عدالت و حقوق آنان در این اجتماع تشکیل می دهد.

عدالت، دایره ای بسیار گسترده دارد که هم حکم و قضاوت: «وَإِذَا حَكَّمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸)؛ هم سخن و گفتار: «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا» (انعام: ۱۵۲)؛ و هم مسائل اقتصادی: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ» (اسراء: ۳۵) و اجتماعی: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» (انعام: ۱۴۱) را در بر می گیرد. در جامعه آرمانی مهدوی، عدالت در قوانین مالی و اجرای آنها و سیستم توزیع اقتصادی و مساوات در تقسیم و در همه زمینه ها بدقت ظهور می یابد.

اجرای عدالت در جامعه مهدوی، برنامه عملی گسترده ای است که آثار عمیق و بی بدیلی در استواری، صلابت و گسترش وحدت اسلامی دارد؛ به طوری که مبنای سخن علامه طباطبایی درباره عدالت، در آرمان شهر مهدوی به طور کامل عملی شده و به واقعیت می پیوندد:

اگر در جامعه، حق، پیروی شود و قسط به پا داشته شود؛ آن مجتمع، سر پای خود خواهد ایستاد و از پا در نخواهد آمد و در نتیجه، هم غنی و توانگر باقی می ماند و از پای در نمی آید و هم حال فقیر اصلاح می شود (طباطبایی، ۱۴۱۱، ج ۵: ۱۰۹).

## (ب) مهرورزی

توجه به مؤلفه «مهرورزی»، با از بین بردن زمینه های کینه و ایجاد فضای اخوت و

برادری، از اقدامات و برنامه‌های اساسی گسترش اتحاد اسلامی در آینده پژوهی مهدوی است؛ زیرا صمیمیت و صفا با التفات به این مؤلفه عظیم، بین مردم و اعضای جامعه مهدوی به طور کامل امکان پذیر می‌شود؛ یعنی با مؤلفه مهرورزی، پایه‌های اتحاد اعضای جامعه مهدوی شکل گرفته و تقویت می‌گردد و روابط آن‌ها محبت آمیز و به دور از تکبر می‌شود و جامعه در مسیر مطلوب خود قرار می‌گیرد. این رفتار مبنای قرآنی دارد؛ چرا که جامعه مهدوی، جامعه‌ای کاملاً ایمانی است که مطابق قرآن، همه با هم برادرند (حجرات: ۱۰) و خداوند، آنان را عضو امت یگانه و بزرگ اسلامی و بندگان حقیقی خود خوانده است (مؤمنون: ۵۲). بنابراین، مهرورزی، تألیف قلوب را در پی داشته و راه‌های تفرقه را می‌زداید و زدودن تفرقه، از برنامه‌های اصیل و مهم جامعه سازی مهدوی است: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» (آل عمران: ۱۰۳).

یکی از راه‌های گسترش مهرورزی، رواج دائمی تقوا در همه زمینه‌هاست: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (انفال: ۱). بدین ترتیب انسجام نیز قطعی شده و با رویکردی حقیقی گسترش می‌یابد و اختلافات از میان مردم رخت بر می‌بندد. با اتحاد اسلامی، دین خداوند به طور کامل در جامعه موعود حاکم می‌شود و صراط مستقیم الهی، تنها مسیر هدایت و اندیشه نیروها و اعضای این جامعه است: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری: ۱۳). بنابراین، در سنت مهدوی مانند سنت نبوی، مهرورزی و دوستی با یکدیگر: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹)؛ در پرتو جلال و عظمت الهی، صفت مؤمنان مقرب و یاوران حقیقی موعود نزد خداوند معرفی شده است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۷۲).

### ج) تعاون

بسط و گسترش اصل «تعاون» و همدلی اعضای جامعه اسلامی، یکی از مؤلفه‌های اساسی تحقق وحدت اسلامی در جامعه ی مهدوی است. دیدگاه اسلام، مبنای مؤلفه مذکور در این خصوص است:

اعضای جامعه اسلامی عضو یک پیکرند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۶۵).

آنان باید دست به دست هم بدهند تا با همکاری و تعاون، مشکلات را حل کنند و



همکاری‌ها بر محور «بر» و نیکوکاری و تقوا باشد؛ نه بر محور «اثم» و گناه. نیز در تعاون و همکاری‌ها باید تنها مصلحت جامعه اسلامی و آرمانی مهدوی و رضایت خداوند را در نظر گرفت.

زمینه شکل‌گیری مؤلفه تعاون و همدلی در جامعه آرمانی مهدوی و توجه به آن از دیدگاه قرآن کریم، عبارت است از تعاون و مشارکت در کارهای خیر و تقوا و عدم همکاری در گناه و تجاوز: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲) و عصر ظهور، عصر تبلور همدلی‌ها و همکاری‌های مستمر در امور است. خداوند علاوه بر دعوت به تعاون و همدلی، راه‌های آن را پیش رو نهاده، برای حضور همگانی در عصر موعود تا آمادگی هر چه بهتر فراهم باشد و بهانه‌جویی‌ها برای گریز از این مسئولیت بزرگ اجتماعی منتفی شود. از جمله سلام کردن به هر مؤمن، هنگام ملاقات: «وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (انعام: ۵۴) و سلام دیگران را به نیکی جواب دادن، حتی در حال نماز (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۳، ۳۶۶)؛ حضور فعال در اجتماعات مذهبی؛ مانند نماز جماعت و جمعه و پرداخت زکات: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ» (بقره: ۴۳)؛ متعهد بودن برابر خویشاوندان و همسایگان از هر ملت و مذهب: «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ» (نساء: ۳۶)؛ خیرخواهی و ابراز خالصانه‌ترین آرزوهای نیک قلبی و در خواست آمرزش از خداوند متعال برای برادران مؤمن: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا» (حشر: ۱۰) و: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»؛ (ابراهیم: ۴۱) از جمله این راه‌هاست. وجود سه مؤلفه عدالت، مهرورزی و تعاون در جامعه، سبب می‌شود افرادی که دارای تمایلات روحی و گرایش‌های فکری واحد هستند، به هم پیوند خورده و جامعه را بسازند.

#### نتیجه

ایده ظهور منجی و تحقق جامعه ایده‌ال، عقیده‌ای است که پیروان ادیان سه‌گانه ابراهیمی و بخش چشم‌گیری از سایر ملل، بدان ایمان دارند. غایت حکومت واحد جهانی در جامعه

مهدوی، توحید محوری، اجرای عدالت فراگیر و بهره مندی عموم مردم از مواهب و نعمت‌های مادی و معنوی به صورت مساوی و در یک تعبیر، سعادت‌مندی بشری است. حکومت جهانی مهدوی، حکومت تهی از تبعیض و سرشار از عدالت و برابری، امنیت و معنویت، صلح و سازش خواهد بود که موجبات انسجام اجتماعی و وحدت اسلامی را فراهم می‌آورد.

«آینده‌پژوهی»، سبب گسترش فرهنگ انتظار شده و همواره عامل حرکت و سازندگی می‌تواند باشد و در صورت انطباق با آموزه‌های اسلامی، می‌تواند با کارکردهای نظری و عملی خود در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، تبیین بخش آموزه مهدویت باشد. در حقیقت، آینده‌پژوهی، به مثابه ابزاری برای کاربردی کردن آموزه مهدویت است.

یکی از مهم‌ترین این کارکردها، وحدت امت اسلامی است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت. برای محقق ساختن وعده الهی مبنی بر حاکمیت ارزش‌های اسلامی به وسیله گسترش اتحاد اسلامی در میان ملل مسلمان و تشکیل امت متحد و یگانه اسلامی، باید همه مذاهب اسلامی در پرتو قرآن و بر اساس سنت و سیره نبوی و اهل بیت علیهم‌السلام، برنامه ریزی کرده و گامی به سوی جلو بردارند، تا زمینه جامعه متحد و منسجم جهانی به رهبری حضرت مهدی علیه‌السلام فراهم آید.

جامعه مهدوی، در سایه اتحاد امت اسلامی با مؤلفه‌های قرآنی عدالت، مهرورزی، تعاون و همدلی محقق خواهد شد. بدین ترتیب، جامعه جهانی واحد و تکامل یافته‌ای به رهبری حضرت مهدی علیه‌السلام تشکیل خواهد شد که در آن، همه ارزش‌های امکانی و بالقوه انسانیت، به فعلیت می‌رسد و انسان، به کمال و سعادت واقعی خویش دست خواهد یافت. از این رو رسالت همه مذاهب و فرق اسلامی، برنامه ریزی و گام برداشتن در جهت تحقق جامعه‌ای متحد و منسجم طبق اهداف نبوی صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بر مبنای قرآن و سیره معصومان علیهم‌السلام می‌باشد که همان رسیدن به عصر ظهور و جامعه مهدوی است.

## منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. آل کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۴۰۴هـ.ق). *کیف يتحد المسلمون حول الوحده الاسلاميه، افکار و دراسات*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲. ابراهیم نژاد، محمدرضا (۱۳۸۵). *پیامبران و تمدن آینده بشر، مکتب اسلام*، سال چهل و ششم، شماره ۲، (پیاپی ۶۰۲).
۳. ابن حنبل، احمد (۱۴۱۵هـ.ق). *مسند*، بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴هـ.ق). *لسان العرب*، قم، نشر ادب حوزه.
۵. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمه*، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.
۶. استرآبادی، سید شرف الدین (۱۴۰۹هـ.ق). *شرح تأویل الآيات الظاهره*، تحقیق: حسین الاستاد ولی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۷. اکبرنژاد، مهدی (۱۳۸۶). *بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت*، قم، مؤسسه فرهنگی انتظار نور، بوستان کتاب.
۸. بحرانی، هاشم (۱۴۱۷هـ.ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه بعثت.
۹. بحرانی، هاشم (۱۳۸۹). *المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه*، قم، بی نا.
۱۰. پرومیچچ (۱۳۸۷). *آینده پژوهی و مدیریت آینده*، ترجمه عبداللّه حیدری، تهران، مرکز آینده پژوهی و اطلاع رسانی.
۱۱. تهانوی، محمد علی (۱۹۹۶). *موسوعه کشف اصطلاحات الفنون والعلوم*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
۱۲. حائری یزدی، علی (۱۴۰۴هـ.ق). *الزام الناصب فی اثبات الحجّه الغائب*، بیروت، نشر اعلمی للمطبوعات.
۱۳. خوارزمی، موفق (۱۴۱۱هـ.ق). *مناقب علی بن ابی طالب*، تحقیق: مالک المحمودی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۹). *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲هـ.ق). *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالقلم.
۱۶. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۴). *بازگشت به دنیا در پایان تاریخ*، قم، بوستان کتاب.
۱۷. شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۸۱). *استراتژی انتظار*، تهران، موعود عصر، ش ۲ و ۱.

۱۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۹هـ.ق). *منتخب الاثر*، قم، مؤسسه انتشاراتی حضرت معصومه علیها السلام.
۱۹. صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۳۹۰). *کمال الدین و تمام النعمه*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، نشر مکتبه الصدوق.
۲۰. صنعانی، عبدالرزاق (۱۴۰۳هـ.ق). *المصنّف*، تحقیق: حبيب الرحمن الاعظمی، بیروت، منشورات المجلس العالمي.
۲۱. صوفی آبادی، محمود (۱۳۸۳). *اسلام، جهانی شدن و پیامدهای فرهنگی آن*، *مجله اندیشه صادق*، ش ۱۶ تا ۱۹.
۲۲. طالبان، محمد رضا (۱۳۷۶). *مطالعه تطبیقی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر و نظارت اجتماعی*، معاونت آموزش و پرورش دفتر پژوهش‌های اجتماعی.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۰). *شیعه در اسلام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۱هـ.ق). *المیزان*، بیروت، مؤسسه اعلمی.
۲۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۴۱هـ.ق). *الغیبه*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۲۶. طوسی، محمد (۱۴۴۱هـ.ق). *الامالی*، تهران، مؤسسه البعثه.
۲۷. علی اکبری، راضیه (۱۳۹۲). *سبک زندگی امام صادق علیه السلام در فرهنگ سازی وحدت*، *مقالات همایش سبک زندگی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، اصفهان*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.
۲۸. عمید، حسن (۱۳۶۱). *فرهنگ عمید*، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۱۱هـ.ق). *تفسیر قمی*، تصحیح موسوی جزائری، بیروت، دارالسرور.
۳۰. قندوزی حنفی، سلیمان (بی تا). *ینابیع الموده*، تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، بیروت، أسوه.
۳۱. کازینو، ژان (۱۳۶۴). *قدرت تلویزیون*، ترجمه علی اسدی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۳۲. کتیری، حمید (۱۳۸۸). *دین آینده و آینده دین*، موعود، شماره ۱۰۰.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). *الکافی*، تصحیح: علی اکبر الغفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۴. مجلسی محمد باقر (۱۴۰۳هـ.ق). *بحار الانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹). *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دار الحدیث.
۳۶. مرعشی نجفی، شهاب الدین (۱۴۱۵هـ.ق). *ملحقات الاحقاق*، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
۳۸. مک لولین، شون (۱۳۸۳). *دین، مراسم مذهبی و فرهنگ*، ترجمه افسانه نجاریان، اهواز، نشر رش.

۳۹. خزاز قمی، علی بن محمد، (۱۴۰۱هـ.ق)، *کفایة الاثر*، قم، بیدار.
۴۰. ملکی فر، عقیل (۱۳۸۵). *القبای آینده پژوهی*، تهران، کرانه علم.
۴۱. منصوری، رضا (۱۳۷۷). *عزم ملی برای توسعه علمی و فرهنگی*، تهران، طرح نو.
۴۲. موثقی، احمد (۱۳۷۰). *استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۳. موسوی اصفهانی، سیدمحمدتقی (۱۳۸۱). *مکیال المکارم*، مترجم سیدمهدی حائری قزوینی، قم، ناشر ایران نگین.
۴۴. نعمانی، ابو عبدالله محمدبن ابراهیم (۱۳۸۳). *الغیبه*، تبریز، بی نا.
۴۵. نودهی، علیرضا (۱۳۸۴). *نظریه اختیاری بودن ظهور*، تهران، موعود عصر.
۴۶. هندی، علی الممتقی (۱۴۰۵هـ.ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، تصحیح: صفوه السقا، بیروت، مؤسسه الرساله.
۴۷. هیتمی، ابن حجر (۱۳۸۵). *الصواعق المحرقة*، قاهره، مکتبه القاهره.



## المهدوية والدراسات المستقبلية

روح الله الشاكري الزواردهي<sup>١</sup>  
رضوانه شاهرخي ساردو<sup>٢</sup>

الموضوع الذي اختصت به هذه المقالة هو «المهدوية والدراسات المستقبلية» حيث جرى فيه إلى التطرق إلى دراسة مفهوم المهدوية والدراسات والأبحاث المستقبلية في هذا المضمار، وايضاً العلاقة التي تمخضت وتبلورة بينهما والأرتباط الحاصل وأداء ومسؤوليات كل واحد منها، وبما ان تلك الدراسات والأبحاث تعمل على إظهار المعرفة والقراءات والمطالعات المستقبلية الممكنة والتي يحتاجها المجتمع في حركته وسيره التكاملية فإنها بإستطاعتها وعلى اساس المعرفة السابقة والشروط والظروف الحالية الحاكمة من تخمين المستقبل المنظور للمجتمع والكشف عن معالمه وخطوطه، وتمتع مثل هذه البحوث بمكانة وأهمية خاصة لدى المجتمعات الإسلامية؛ بإعتبارها قادرة ومن المنظار الديني على إعطاء الإجابة الشافية والوافية والجامعة للأسئلة الفطرية والأساسية للإنسان والتي تجول في ذهنه بخصوص الحياة المطلوبة والمثالية التي سوف ينعم به وذلك بالأعتماد على بيان المستقبل المشرق في حالة ظهور الإمام المنتظر<sup>عجته</sup>، ومع وجود نوع من الاختلافات في التكهينات والمسائل والغايات والمواضيع بين الدراسات المستقبلية والدراسات والتحقيقات المهدوية فإن هناك أوجه تشابه كثيرة وقواسم مشتركة تربطهما وتجمعهما قد هيئة الأرضية المناسبة والمناخ الملائم للتعامل المتقابل والوثيق بينهما مع حفظ الاستقلال العرفي واساليب واليات كل واحد منهما.

**المصطلحات المحورية:** المستقبل، المستقبل المطلوب، التبصر، الدراسات المستقبلية، المهدوية، الدراسات المهدوية، الإنتظار.

١٦٥  
انظر موعود

سال سيزدهم / شماره ٤٠ / بهار ١٣٩٢

١. استاذ في قسم معرفة الشيعة في جامعة طهران (برديس فارابي)

٢. ماجستير في علوم فلسفة الاخلاق.

## المقتضيات واللوازم العلمية في الدراسات المهدوية المستقبلية

حامد بوررستمي<sup>١</sup>

ان عملية «الدراسات المستقبلية» هي نوع من الفن المعاصر وتشكل في مجموعها النظرة الصحيحة للمقتضيات وإرهاصات المستقبل وبلورة معالمه بشكل يجعلنا معه نتتوق الى الأسراع في حلوله. ولاشك فإن معرفة المستقبل من هذه الزاوية يعنى الإلمام بالمتغيرات والإطلاع على أهم العلوم وأكثرها تأثيراً وحاجة لكل إنسان. ولانبالغ إذا قلنا إن «المهدوية» في الإسلام تشكل القلب النابض للتحقيقات والدراسات المستقبلية المحورية ولن تتمكن التحقيقات والدراسات الإسلامية مهما كان مصدرها ومذهبها الأستغناء عن التعاليم المهدوية الثقافية الغنية وعدم الأستفادة من الإنطباعات والمعالم الواضحة التي حددتها لذلك المستقبل ولكن هذا المجال يمتلك الزامات ووظائف ومتينيات تحقيقية خاصة يمكن بحثها في ثلاثة مجالات وهي الأول الوظائف والواجبات النظرية من قبيل ١- التفكير والتطلع الإيجابي التفاؤلى، ٢- النظرة الكيفية للظهور وليس الكمية والثانى الواجبات الأسلوبية مثل ١- المعرفة السبقية والتخمينية للمستقبل، ٢- وجود حكومة شرعية مطمئنة في تلك العملية والأستنتاجات التي يحتويها التحقيق والثالث الواجبات والوظائف التبليغية من قبيل ١- تبين الأسس والرؤى الفكرية والقواعد المعرفية للأعتقادات والمباني المهدوية وتقديم المؤشرات ومعالم وخطوط الحق والباطل ٢- إراءة وتجسيد أداءات وسلوكيات المجتمع المهدوية التي يمكن دراستها حيث تم الإشارة في هذه المقالة الى قسم منها.

**المصطلحات المحورية:** الدراسات المستقبلية، المهدوية، الوظائف والواجبات التحقيقية، الوظائف والواجبات النظرية، الوظائف والواجبات الأسلوبية، الوظائف والواجبات التبليغية.

١. استاذ في قسم معرفة الشيعة في جامعة طهران (برديس فارابي).

## ﴿نور الإمام المهدي مشعل هداية ينير آفاق المستقبل﴾

١ على أصغر بور عزت

٢ ميثم على بور

٣ على أصغر سعد آبادي

إن تجلى الإنتظار وتربعه على عرش المستقبل هو من جملة المظاهر المهمة وعصارة ما أفرزته المهديوية وتعاليمها الرفيعة والتمتعالية. ومن الواضح فإن دور الإمام المهدي «عجل الله تعالى فرجه الشريف» في هداية الأمة في عصر الغيبة هو موضوع يبعث على التأمل والحركة والترشيد ويلعب دوراً مهماً في بلورة وتشكيل الأحداث المستقبلية بحيث يمكن القول بان اسمه وفعاله وخصوصياته أضحت شبيهه الفانوس الذي يضيء في ظلمات البحر ليهدي السفن التي أضلت طريقها وتعانى فى مسيرها المستقبلى من متاهات وتعرجات ووضع في طريق الإنحراف والضياع.

ان عملية الأستعارة بذكر الإمام (ارواحنا لمقدمه الفداء) بمنزلة مصباح الهداية وضياء ينير دروب الناس فى الزمن الحالى وفى المستقبل قد جاءت فى إمتداد التعابير والأحاديث التى وردت على لسان المعصومين عليه السلام نظير «مصباح الهدى» و «طاووس أهل الجنة» وكذلك فإن هذه العملية جاءت فى مضامين الآيات القرآنية الشريفة والأدعية وترى ان معرفة الإمام هو شرط الفلاح والتوفيق وحفظ الإيمان وتصريح بان معرفته هى من لوازم الإسلام والعبودية والقرب الإلهى وان تلك المعرفة هى نتيجة معرفة الثقلين وإطاعة لأمر البارئ عز وجل.

ويمكن استخلاص نتيجة من ذلك مفادها ان مكانة ومنزلة ومقام الإمام المعصوم عليه السلام فى الظهور والغيبة هو هداية آحاد عباد الله تعالى وإنه آية الهداية ومصباح يضيء الدروب لمستقبل يقع فى اعماق الزمان.

**المصطلحات المحورية:** المهدي والهداية، مصباح الهدى، فانوس البحر، الهادى والدليل، الأستعارة، القصة الخيالية.

١. استاذ في قسم الادارة في جامعة طهران.

٢. طالب في مرحلة الدكتوراه في التخطيط العام في كلية الادارة في جامعة طهران.

٣. طالب في مرحلة الدكتوراه في قسم التخطيط و علم التقنيات في جامعة طهران.



## دراسة نموذج العلاقات في المجتمع المهدوى دعامة للمجتمع المعاصر

الدكتور غلام/الرضا بهروزي لك<sup>١</sup>

مهدي حاجي السيارى<sup>٢</sup>

مما لا شك فيه فإن « بعد النظر » واحدة من الطرق والاساليب المؤثرة والفعالة للدراسات والتحقيقات المستقبلية من أجل تشخيص المعالم الأساسية للمستقبل البعيد . وسعت هذه المقالة وبلاستفادة من هذا الاسلوب على دراسة هذا الأمر وإثبات وجود إنموذج كامل للعلاقات الجامعة في المجتمع المهدوى للمجتمع المعاصر وايضاً قامت بالإجابة على أسئلة من قبيل ماهى أبعاد وحدود ونمطية العلاقات الجارية في المجتمع الحاضر وخصائص العلاقات وامتيازاتها وسماتها في «المجتمع المثالى» والخطوات المهمة والضرورية التى تلعب دوراً فى تحقيق ذلك ، وجرى الأعتداع فى هذه التحقيق والبحث على الاسلوب المكتبى ودراسة المراجع والمستندات والوثائق الموجودة فى موضوع المهدوية وإجراء لقاءات مع عدد من الخبراء والمختصين فى هذا الجانب واما النتائج والثمرات التى خرج بها هذا البحث فهى عبارة عن : ان الدين الإسلامى الحنيف هو دين حق ويجب ان يصل الى جميع الإنسانية مهما كان مشربها الفكرى والعقدى وبما ان المسلمين هم من يريد الخير والسعادة الى جميع بنى جلدتهم فإن ذلك يقتضى ايجاد الأرضية المناسبة لاجل كسب العلوم والمعارف فى مجال العلاقات والتمهيد الجمعى للإنتظار وبالتالى تحقيق المدينة الفاضلة والمجتمع الذى يصبو إليه مولانا صاحب العصر والزمان عليه السلام ومن الواضح فإن تعريف البشرية بالإسلام ومعالمه ومبادئه السامية يحتاج الى العمل فى مجالات شتى وأهمها فى زماننا الحاضر الأستفادة من الإمكانيات الخاصة فى مجال القطاعات الكمبيوترية وعمليات البرمجة وبالطبع فان من لوازم ذلك هو تربية كوادر إنسانية فى هذه الأختصاصات قادرة على العطاء والتأثير ، والعمل على إيجاد بنى وركائز فنية عالية .

المصطلحات المحورية: العلاقات ، بعد النظر ، المجتمع المهدوى ، المجتمع المثالى .

١. استاذ فى قسم العلوم السياسية فى جامعة باقر العلوم عليه السلام.

٢. طالب فى مرحلة الدكتوراه فى الدراسات السمتقبلية فى جامعة الدفاع الوطنى.

## المهدوية ومكانتها في منظار ثقافة الجمهورية الإسلامية في إيران (من)

### خلال رؤية الدراسات المستقبلية)

رحيم كاركر<sup>١</sup>

مما لا شك فيه فإن «الدراسات المستقبلية» تشكل واحدة من المجالات التحقيقية والمعرفية وأخذت على عاتقها مسؤولية ترسيم وتبيين المستقبل الذى سيؤول إليه العالم، وعلى أساس هذه الرؤية والاتجاه فقد قام قيادات المجتمعات ومن خلال الأخذ بنظر الإعتبار العوامل المختلفة (القناعات، الآمال، الفرص، التهديدات، الإمكانيات) ولأجل الوصول ورسم صورة صحيحة عن المستقبل بتنظيم وثائق بعنوان «المرتقبات» وعليه فإن تلك المرتقبات والتوقعات أصبحت هي بيان ومنحنى ومسير منظم للحركة من الحال الى المستقبل ومن الوضع الموجود الى الوضع المطلوب. ومن الطبيعي فإن واحدة من الضروريات الأساسية للمجتمع الدينى هي كتابة المرتقبات الثقافية اعتماداً على المهدوية. وبطبيعة الحال فإن الرؤية التى تبنى على هذه العقيدة تقدم من جانب تصور وترسم صور مطلوبة مثالية ومن الممكن تحقيقها والعمل به فى ظل المجتمع الفاضل وفى جانب آخر فهى توضح نقطة مفادها ان المستقبل الذى سيكون بانتظارنا هو مستقبل قائم على العدالة والحاكمية التوحيدية فى جميع اصقاع المعمورة. وبالطبع فإن الرؤية المستقبلية للجمهورية الإسلامية الإيرانية التى تتضمن المرتقبات الثقافية والسياسية والاجتماعية والاقتصادية لم تول أهمية وعناية خاصة لمسألة الموعودية والمهدوية بالشكل المطلوب والمناسب ويمكن رفع هذه النقطة بواسطة كتابة وثيقة للمرتقبات الثقافية لها يكون أساسها ومركزها الرئيسى هو المهدوية. وفى الواقع فإن المرتقبات الثقافية التى أعتمدت على الأسس والقواعد المهدوية هي بارقة أمل وباعثة على التفاؤل لتحقيق القيم المتعالية وإنزالها على أرض الواقع وتصبح حقيقة ملموسة وذلك بظهور موعود الإنسانية وآملها الحقيقى الإمام المهدي عليه السلام ومن أهمها هي الكرامة الآدمية والعودة الى الفطرة السليمة والحرية الواقعية وحاكمية القيم الأخلاقية والرقى العلمى وغيرها من الصفات المتميزة وفى هذا الخصوص يجب ان يتبلور ويتشكل وينظم القرار والدستور الثقافى من مدينة قم ويكون بالتالى المسؤول فى كتابة المرتقبات والرؤى المستقبلية الثقافية للجمهورية الإسلامية.

**المصطلحات المحورية: المرتقبات، المرتقبات الثقافية، المهدوية، المدينة الفاضلة.**

١٦٩  
استطار موعود

سبتمبر / شهر ٤٠ / بهار ١٣٩٢

١. عضو فى الهيئة العلمية فى معهد الدراسات للعلوم والثقافة والسلامية.

## تحليل عمل الإتجاهات والرؤى وتأثيرتها على التعاليم المهدوية

### المتعالية من منظار الدراسات المستقبلية

سعيد قرباني<sup>١</sup>

لا يختلف إثنان بأن الدراسات المستقبلية هي مجال وإختصاص جديد نسبياً وهو بلحاظ الأنتشار والتوسعة والتنوع في المجالات المختلفة وذات الشأن يعد علماً مهماً للغاية بالنسبة الى البلدان والمجتمعات بشكل اصبح اليوم يشكل واحداً من أبرز وأهم الوسائل والاليات الفعالة فى إتخاذ القرارات ذات المنفعة وفى هذا الصدد نرى ان الدول والبلدان القوية تقوم بتلك الدراسات وذلك لاجل الحصول على مكاسب تنافسية وبسط نفوذها وهيمنتها على العالم. وايضاً فإن هذه الدراسات لها القدرة والقابلية على تكثير الرؤى والإتجاهات الفعالة والقوية وتعين البوصلة التى يمكن الحركة على ضوئها فى مجال الدراسات والأبحاث المستقبلية.

ومما لاشك فيه فإن المنظومة الفكرية الإسلامية وخاصة الشيعية هي الأبرز والأفضل من بين المذاهب الفكرية الإنسانية ولها إمكانية كبيرة وشواخص واضحة على توضيح وتبيان الحقائق والمسائل المستقبلية، وبالطبع فإن واحدة من تلك العقائد والحقائق المتعالية فى هذه المنظومة هي العقيدة المهدوية وكما يعلم الجميع فإن الأعتقاد بالمنقذ والمصلح فى آخر الزمان هو موضوع وعقيدة قد أتفتت عليه أكثر الأديان والمذاهب ولكن القضايا والتعاليم والأُمور المستقبلية التى تعتمد على مسألة الوحي لا يؤمن بها إلا المذهب الشيعى والتعاليم المهدوية ومن هنا فإن المطلوب حصول دراسات معمقة وجامعة وشاملة فى المنظومة المهدوية المستقبلية. واما المقالة هذه فهى بصدد القيام بدراسة تحليلية عامة فى مجال المهدوية وميولاتها وعملها والأغراض التى يمكن تحقيقها من القيام بتلك الدراسات وذلك بالاستناد على المصادر الشيعية المعتبرة ويقع هذا البحث فى دائرة أبحاث علم المعرفة الفلسفية ويشمل أبعاد خمسية وهى «المعرفية»، «الاسلوب المعرفى»، «المعرفة الوجودية»، «المعرفة القيمية»، «معرفة الأدلة والعلامات» وكما تظهر نتائج وثمارات التحقيق فإن المنظومة المعرفية للدراسات المستقبلية تتضمن مجموعة من المفاهيم والاساليب والاليات والطرق التى تتناغم معها ولها استعمالات ومدخليات مناسبة فى توسعة رقعة المطالعات والدراسات وكذلك فهم وإدراك التعاليم الإلهية والمهدوية على حقيقتها.

المصطلحات المحورية: المستقبل، الدراسات المستقبلية، المهدوية، المدينة المهدوية الفاضلة، النتائج.

١. عضو فى الهيئة العلمية فى جامعة مالك الاشر الصناعية.

## الدراسات المستقبلية في ظل عملية الإنتظار الحركي من خلال التأكيد على

### ثمرات الوحدة الإسلامية

راضية على اكبرى<sup>١</sup>

عرفت اليوم «الدراسات المستقبلية» بأنها علم مستقل يتم من خلاله الإمام والتعرف على المعالم المستقبلية، ومن هنا فقد أضحى يشكل نهجاً مهماً وعلماً حياتياً فى العالم المعاصر وتوجهت صوبه الأنظار ودخل فعلياً فى حيز مختلف المجالات الحياتية للإنسان.

إن المستقبل المطلوب والذي تتأمله الإنسانية وتتطلع إليه بكل شغف وجاء ذكره فى مختلف تعاليم الأديان والمذاهب يكمن تحققه فى ظل ظهور المنقذ والمصلح العالمى. وتشكل التعاليم المهدوية فى الدين الإسلامى الحنيف بعداً ذى أهمية كبيرة بالنسبة الى الدراسات المستقبلية وأرثاً فكرياً غنياً يعول عليه، وتبحث هذه المقالة وبالاسلوب التحليلى - التوصيفى دور المهدوية فى الدراسات المستقبلية وترسيمها المستقبل المطلوب ودور تلك الدراسات والثمرات والنتائج الثقافية والإجتماعية التى تتمخض عنها وخاصة نتائجها على صعيد مسألة الوحدة الإسلامية - التى هى بعنوان واحدة من النتائج المهمة فى هذا المجال - لاجل تهيئة الأرضية المناسبة لتحقيق شروط ومناخات الظهور ومستقبل العالم على اساس ما بينته ووضحته تلك التعاليم وإمكانية حصول التبادر منها، وقد أظهرت تلك الدراسات التى تناولتها المقالة بأن الوحدة الإسلامية يمكن أن تتحقق بشكلها الواقعى عندما يشعر جميع المسلمين بوجود أهداف وقواسم مشتركة تجمعهم ولهم رؤية واحدة قائمة على هدف مشترك وأما نيل المجتمع الإنسانى الأكمل والمطلوب وموعود الأديان والوصول الى السعادة المنشودة والكمال والذي هو غاية جميع الإنسانية الموحدة فيتحقق عندما يتحد جميع هؤلاء ويكونون فى صف واحد والاتحاق بالحكومة المهدوية العالمية بقيادة المهدي الموعود<sup>عليه السلام</sup> وفى النتيجة يمكن القول بأن هذا الهدف المشترك يمكن الحصول عليه فى ظل ترسيخ عملية الوحدة الإسلامية.

**المصطلحات المحورية:** المهدوية، الدراسات المستقبلية، الإنسجام الإجتماعى، الوحدة

الإسلامية، المسلمون.

١. طالبة فى مرحلة الدكتوراه فى جامعة الاديان و المذهب فى قم.

## Messianism and Futurology

*Rouho-Lāh Shākerēe Zavārdēhee<sup>1</sup>, Rezvaneh Shāhrokhee Sārdoo<sup>2</sup>*

The under-investigation subject in this research is Messianism and futurology which examines the concepts of Messianism and futurology and the relationship between them and also their functions. Since futurology examines the knowledge or the study of possible and desired future of a society, we can estimate the possible future of a society based on understanding of the past and conditions of the present time. This issue has a special place in Islamic societies, because in religious perspective, forming future in the appearance of the Expected Imam is a clear and comprehensive answer to the natural and fundamental questions of human in relation to the desirable and aspirational life of future. Despite some differences in assumptions, questions and goals between futurology and Messianic studies, similarities between them has caused a detailed ratio which provides the possibility of close and mutual interaction with maintaining their epistemic and methodic independence of each other.

**Keywords:** future, desirable future, foresightedness, futurology, Messianism, Messianic studies, waiting.

- 
1. Assistant Professor Shi'ite Studies Department of Tehran University (Farabi Campus)
  2. MS in Philosophy of Ethics

## Scientific Imperatives in Messianic Futurology

*Hāmed Pour-Rostamie*<sup>1</sup>

“Futurology” is the art of shaping the future, the way we want it to be. In this perspective, futurism is the knowledge of understanding changes, and knowing the future is the most critical science human beings need. In Islam, “Messianism” is the beating heart of any future-oriented research and a Muslim futurist cannot ignore the capacities and teachings of Messianic culture in their research; but this field of study demands special research requirements and necessities. It seems these necessities and requirements can be investigated in three theoretical necessities such as 1) hopeful optimism, 2) qualitative view toward appearance not the quantitative one, and methodical requirements such as 1) mechanism to predict the future, 2) calm and legal government in the process of research and its conclusions and propagandistic requisites such as 1) explaining the Messianic doctrine’s fundamentals of thought and epistemical materials and providing indicators of right and wrong, 2) representing the functions of Messianic society. Some of these requisites are presented in this paper.

**Keywords:** futurology, Messianism, research requisites, theoretical requisites, methodic requisites, propagandistic requisites.

---

1. Assistant Professor Shi'ite Studies Department of Tehran University (Farabi Campus)

## The Light of Mahdi, a Guider beyond Future

*Ali Asghar Pour-Ezzat<sup>1</sup>, Meysam Alipour<sup>2</sup>, Ali Asghar Sa'd Āb Ādee<sup>3</sup>*

Manifestation of waiting in the process of future-making is one of the important and non-analyzed effects of Messianism. Imam Mahdi's dignity in guiding people in Occultation period arouses reflection and thought and has a significant impact on the formation of future trends; to the extent that we can say his name, his perceived actions and character like a lantern in the dark seas guides the lost and confused ships who are exposed to diversion and loss in their own ambiguity in future's direction.

The metaphorical approach to the status of Imam, as a guiding lighthouse and a light illuminating people's path from present to future is stated along the interpretations in the Fourteen Impeccables' Sunnah, such as "Misbah al-Huda" ( the guidance light) and "Tavoos Ahl al-Jannah" (the peacock of the people of Heaven). This approach is emphasized along the subjects of the holy Quran's verses and the prayers transmitted by Tradition which consider knowing the Imam as the inevitable condition of salvation, redemption and keeping the faith, and states consciously obeying the Imam is the prerequisite of Islam and servant-hood before the Lord and consider knowing the Imam as the result of knowing Two Weighty Things and obeying God's orders. Consequently, the Imam's dignity, in his appearance and occultation, is always guiding every single servant of the

- 
1. Tehran University Professor of Public Management Department
  2. PHD Student of Public-Policy at Tehran University's School of Management
  3. PHD Student of Science and Technology Policy-Making at Tehran University

Almighty God and is their sign of guidance and the illuminating light of their path to the future that lies deep in the near future.

**Keywords:** Mahdi and being-guided, the guidance light, lighthouse, guiding and path-finding, metaphor, story writing.



سال سیزدهم / شماره ۴۰ / بهار ۱۳۹۲



## The Modeling Aspects of Communication in Messianic Society for Today's Society Using Retrospection Method

*Dr. Gholamreza Behrouzi Lak<sup>1</sup>, Mahdi Haji Sayyari<sup>2</sup>*

“Retrospection” is one of the most effective methods of studying future in order to determine long-term future. In the present paper, by utilizing this method, we investigate the modeling aspects of communication in Messianic society for today's society and answer questions such as the howness of the state of communication in today's society; the features of communication in a “limited society” (modeling society) and the required steps to achieve the desired prospect; and in relation to the suitable communication in a limited society. The used method in this research is utilizing library and reviewing documents available in relation to Mahdaviat (Messianic) and interviewing a number of media's specialists. The achievements of this research are as follows: that Islam is the religion of Truth and we should make its call heard by everyone and since Muslims desire goodness and prosperity for all human being, this benevolence calls for the preparation of the awaiting and paving-the-ground media for the realization of Utopia and Imam Mahdi's desired society by utilizing communication knowledge. We should present Islam's content and its valuable effects to the world with the appropriate use of hardware and software options which itself requires training manpower and building technical infrastructures.

**Keywords:** communication, retrospection, Messianic society, limited society.

- 
1. Associate Prtofessor Department of Political Sciences at Baqir Al-Olum University
  2. PHD Student of Futurology at the National Defense Supreme University

## Messianism and its Place in the Cultural Perspective of the Islamic Republic of Iran (With Futurology Approach)

*Rahim Kargar*<sup>1</sup>

Futurology, as one of the fields of studies, is accountable for the mission to trace the future management of the world. On the same basis, world leaders set the documents as “the perspective” considering various factors (ideas, aspirations, opportunities, threats and talents) in order to achieve and determine future precisely. Accordingly, the “perspective” is an organized expression about moving from present to the future, and from current situation to the desired one. One of the needs of our religious community is compiling a cultural outlook based on Messianism. The outlook based on this belief, while it presents a desirable, aspirational and achievable picture of values and beliefs in front of the society, indicates a point that a future, based on justice and the rule of monotheism throughout the world, awaits us. The perspective document of Islamic Republic of Iran entailing its cultural, political, social and economic perspective has not observed Messianism and Messianic properly and imperatively and this deficiency can be compensated by compiling the cultural perspective document of Islamic Republic of Iran based on the Messianic vision. Tracing Messianic principles as a cultural perspective, in fact, promises the fulfillment of values expected to be fulfilled by the advent of Imam Mahdi (A.S), the most important of which are: human’s dignity and return to one’s true nature and true-heartedness, true freedom, the rule of moral values, and practical development.... In this direction, it is necessary a cultural meeting is held in the holy city of Qom and becomes responsible for developing the cultural perspective of Islamic Republic of Iran.

**Keywords:** perspective, cultural perspective, Messianic, idealism.

---

1. Faculty Member of Research Center of Islamic Sciences and Culture

## A Functionalist Analysis of the Transcendental Teachings of Messianism in Futurology's View

*Sa'eed Ghorbanee*<sup>1</sup>

Futurology is a relatively new field which in terms of its broadness and variety of related areas has had very important outcomes for countries and communities so that today it has become one of the decision-making tools. Already in this area, extensive studies have been carried out by powerful countries in order to gain competitive advantages and dominate the world. This event adds up to the importance of achieving more powerful approaches in the field of futurology. Undoubtedly, the intellectual system of Islam, especially Shi'a's sources, more than any human's school of thought, has the ability to define the most strategic issues of futurology. One of the transcendental grounds in this system is the Messianic thought. As we know, the belief in the Savior is favorable by most of religions, but the capacity to benefit from the forward-looking teachings on the basis of Divine inspiration can only be found in Shi'ism and Messianic teachings and it is not in the capability of other movements. So there are rooms for more comprehensive studies in the system of Messianic futurology. The present review is a comprehensively analytical review in the field of Messianism and its forward-looking functions based on reputable sources of Shi'a. This research is in the realm of discussions on philosophical scientology including the five dimensions: "Epistemology", "Methodology", "Ontology", "Axiology" and "Semiotics". As the results show the system of epistemological futurology embodies concepts, methods and tools, some of which can be applied properly for broad studies and understandings of Divine teachings of Messianism.

**Keywords:** future, futurology, Messianism, Messianic utopia, functions.

---

1. Faculty Member of Research in Malek Ashtar University of Technology

## Futurology in the Light of Dynamic Awaiting Emphasizing the Functions of the Unity of Islamic Ummah

*Raziyeh Ali-Akbaree*

Nowadays, “futurology” as the knowledge of knowing and shaping the future has taken an important place in the world and entered the various spheres of human life. Desired future, based on the teachings of most religions is achievable in the advent of the Savior and in Islam the Messianic doctrine is considered as the most important aspect of futurology. The present paper, by using analytic-descriptive method and with the aim to deepen and stabilize the position of religious futurology based on Messianic teachings and to study the role of Messianism in futurology and shaping a desirable future, investigates the role of futurology and its cultural-social functions, especially the function of the unity of Islamic nation, as one of the main functions in this domain, in order to fulfill the conditions of appearance and explores the future of the world based on the explanatory hypothesis which is suggested in Messianic teachings. The conducted surveys show that the Islamic unity is formed when people with common goals and ideals take the same approach. Achieving a better society (Utopia), promised in all religions, and reaching prosperity and perfection is all monotheists’ ideal and it is realized when all the monotheistic seekers of justice are lined up in a single queue and under the leadership of the promised by joining the Messianic global governance. In conclusion we can say this shared ideal is reached under the light of Islamic unity.

**Keywords:** Messianism, futurology, social cohesion, Islamic unity, Muslims.



سال سیزدهم / شماره ۴۰ / بهار ۱۳۹۲



# *Entizar-e-Moud (aj)* [Awaiting the Promised]

Journal Quarterly  
Vol. 13, No.40, spring 2013  
*Specialized Center for Mahdaviat Studies*  
*Islamic Seminary of Qom*

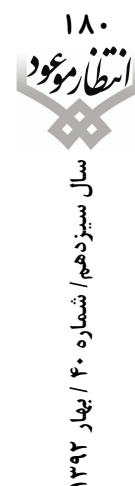
**Managing Director: Mohsen Gharaati**  
**Chief Editor: Ruhollah Shakeri Zavardehi**

*Entizar- Moud* [Awaiting the Promised] Quarterly, issued by the Cultural foundation of the Promised Mahdi (may God hasten his appearance), is the first scientific journal in the field of the *Mahdiism*, with the following aims:

- Dissemination of the culture of the Mahdiism
- Elucidation of the status of the Mahdiism in Islamic studies.
- Introducing the most important researches and researchers in the Mahdiism field.

The expressed Opinions in this journal are those of the authors and do not necessarily reflect the views of the foundation.

A paper which is submitted for publication must be double spaced and on one side of the paper. Length should be 15 to 25 pages for articles.



### هزینه اشتراک

نوع درخواستی	پست عادی (ریال)	سفارشی (ریال)	پیشتاز (ریال)
تک شماره	۳۵۰۰۰ + ۸۰۰۰	۳۵۰۰۰ + ۲۰۰۰۰	۳۵۰۰۰ + ۳۰۰۰۰
دوره یک ساله	۱۴۰۰۰۰ + ۳۲۰۰۰	۱۴۰۰۰۰ + ۸۰۰۰۰	۱۴۰۰۰۰ + ۱۲۰۰۰۰

#### نحوه پرداخت:

وجه اشتراک را به حساب سیبا (۰۱۰۵۶۴۱۹۳۴۰۰۹) بانک ملی شعبه حجتیه قم کد ۲۷۱۱ به نام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با این فرم به نشانی ذیل ارسال یا فاکس نمایید.

قم / فیابان شهدا (صفائیه)، کوچه شما (۲۲ه) (آمار)، بن بست شهید علیان،

مرکز تخصصی مهدویت (مندوق پستی ۳۷۱۳۵/۱۱۹) - فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ - تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۶۶۱



#### یادآوری:

از ارسال وجه نقد به نشانی مرکز خودداری فرمایید. در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را به این مرکز اطلاع دهید. تعداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص نمایید.



### فرم اشتراک فصلنامه علمی - ترویجی انتظار موعود علیه السلام

نام خانوادگی ..... نام ..... میزان تحصیلات .....

شغل ..... نشانی .....

کد پستی ..... تلفن .....

تعداد درخواستی ..... شروع اشتراک از شماره .....

مبلغ پرداختی .....

تک شماره‌های .....

نوع درخواست حواله .....

کد اشتراک ..... نوع درخواست:  پست عادی  سفارشی  پیشتاز

محل امضاء